

لاه مجاهد

در راه خدا تیرش زده و جفا بکشتم و سب و سخرت
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال دوم شماره ۱۹ آبان ماه ۱۳۶۲

پهنا ۶۰ سانتی متر



سخن امام
راهنمای
مستضعفین

رشد آرام
رشد یقین

دو صفحه ۲

تا نام حسین و کربلا در دنیا است
این بیریق و این عزرا بعالم برپاست
باقی و بقای حق بود این بیریق
چون خون حسین بن علی خون خداست

ویژه نامه جنگ

جبهه جنگ را در زانبار عراق اداره می‌کنیم
قیام عیبه اصلاح آمریکایی
زودستند برادر شمشه باقر کرد
شکر حزب الله شکر مولود و مبارز
یا از جانب شکر دوم بازار دراز
... و چندین مطلب دیگر
از صفحه ۱۵ الی ۲۲

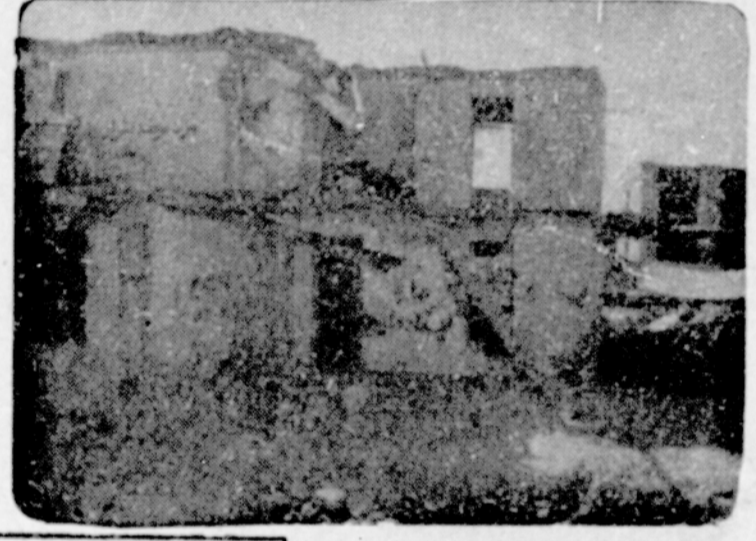


راهبیان آزادی قدسی
چه کسانی هستند؟

کربلای مستقر انقلاب اسلامی

مردم مقاوم و شهید پرور سپهبدان بعد از حمله موشکی صدام میگفتند:

اگر راه جنسین جز با تیرش خون آلوده نمیشد پس از هر شکست بر سر مبارزید



امپریالیسم و جناحهای آن را بهتر بشناسیم

نوشته گیری از دعاهای اسلامی

صلوات

بارها و بارها در مورد معنای صلوات فکر میکردیم، معنای درود و تهیت قابل فهم نبود، حرکتی هم نمیآوردیم، معلوم نبود که چرا چگونه بر پیغمبر درود میفرستد و اصلاً درود به چه دردی پیغمبر میخورد و چه ارزشی برای او دارد. برای ما معنای صلوات مثل کشف زدن و درود - درود گشتن برای سخنرانها شده بود... بدنیال درک - معنای عمیقتری از صلوات بودیم که به تبیین حاضر رسیدیم... در صفحه ۳۶

خبرنامه:

• در مورد انحلال گروه عافیت طلب "انجمن حجتیه"
• تروریسم اقتصادی و باندهای سیاه
در صفحه ۱۱

هدیه تحویل سپر آلمان در عراق

با پیروزی عملیات والفجر ۳ و ۴ تحولی کفیی در جبهه‌های جنگ اسلام و کفر دیدار گشت و دوران افت و رکودی که باعث شده بود خطوط رفیقیت و "اصلاح طلب" فرصت اظهار وجود پیدا نمودند و در گوشه و کنساز به القای نظرات خود بپردازند شکسته شده و بنا دست آخرین سخنان قاطع و کوبنده امام خمینی که فرمودند "جنگ باید از طریق شکست نظامی صدام به پایان برسد" امیدها و آرزوهای آنان را بر باد داد.

آرهاب و به تسلیم و سازش کشاندن جمهوری اسلامی آورنده که این توطئه همان تحویل تفرود هواپیمای سویر اتانداره صدام و تهدید زدن منابع اقتصادی کشور نظیر پالایشگاهها و اسکله خارك و ... بود.

خون بر شمشیر را در بردارد، به جنگ تکنیک در برابر تکنیک و ابزار در برابر ابزار تبدیل نماید.

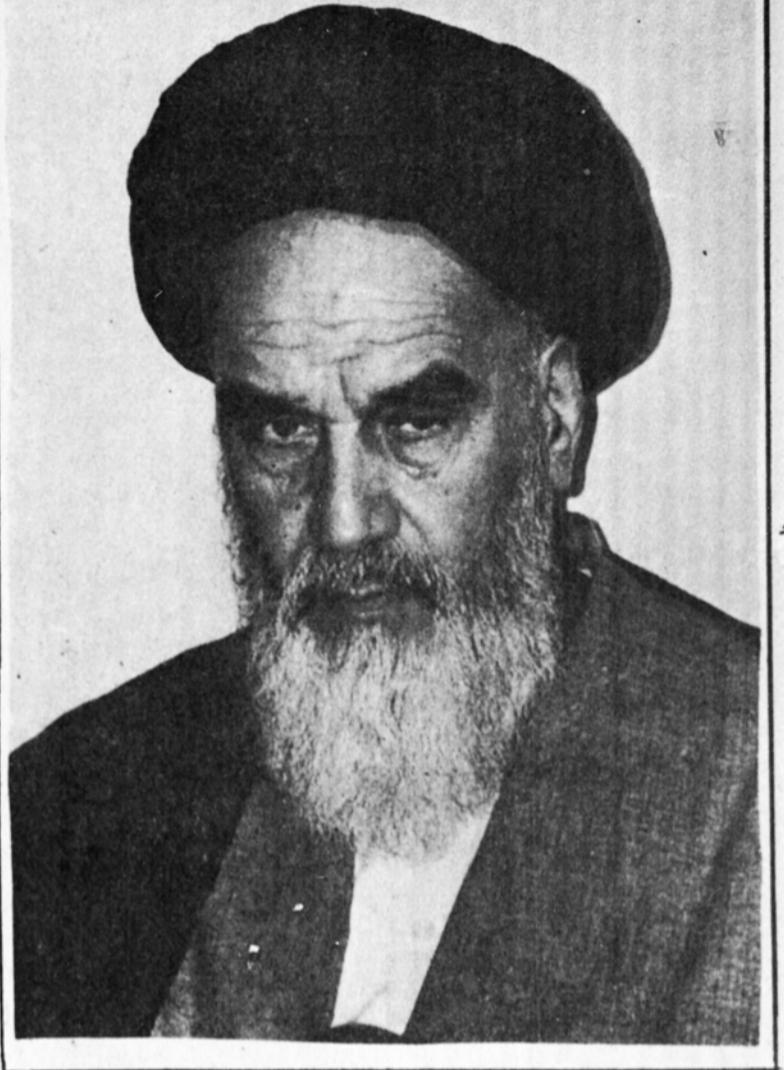
آیت الله حاج سید محمود طالقانی

باید از معلم پیر انقلاب اسلامی
• ویژگیهای همه جانبه مرحوم طالقانی
• نقش آیت الله طالقانی در تکامل انقلاب اسلامی
• تگزی به روش تفهیر پرتوی از قرآن
در صفحه ۷

توضیح و پوزش

با پوزش از خوانندگان گرامی به عرض میرسانیم که بعلم گرفتاریها و مشکلات بسیاری که در پیش روی اشتیم موفق به چاپ راه مجاهد در ماههای شهریور و مهر نشدیم بهمین جهت بعضی از مطالب استراتژیک آن شماره‌ها در این شماره به چاپ رسید ما است.

سخن اما هر کس مستضعفین



امروز تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاده است و اگر ما جانی فتح کنیم نباید غرور برداشتم بلکه باید این فتح را با انجا دنیا کنیم و ادامه دهیم که متجاوز سر جبار خود را ببیند خسارت جانی قابل حیرت نیست و لکنه خسارت مالا که به این کشور وارد شده باید برهنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

کیهان ۶۲/۴/۲۲

انبیا که مبعوث شدند برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و اون استعدادها را شکوفا کنند که در اون استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم و علاوه بر آمدن مردم ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند از اول انبیا اینطور شغل را داشته اند شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کند از اسارت خودش خارج کنند که شیطان بزرگ است و مردم ضعفا را از گیر ستگران نجات بدهند این دوشغل انبیا است.

اطلاعات ۶۱/۵/۲۰

شما باید سعی کنید که جهات سیاسی در سپاه وارد نشود که اگر افکار سیاسی وارد سپاه شود جهات نظامی آنها از بین می برد همیشه به سپاه سفارش کنید که آنان خودشان را یک جنگنده خدمتگزار مردم بدانند نه یک جنگنده مفیر خدمتگزار سعی کنید جهات اسلامی را خوب رعایت کنید مهم این است که در رسپاه وضعی پیش نیاید که روحیه سپاهیه ها صد مبخورد.

کیهان ۶۲/۵/۱۸

انتقاد و استیضاح حق مجلس است اما برخورد با متخلف با آرامی و طرح مسائل اخلاقی بهترتر رفع اختلاف میکند، تا با الفاظ نیشدار و مقابله با یکدیگر، آقایان در صحبتهایشان زین احساس را داشته باشند که

برای مصلحت جامعه حرف میزنند من از مسائلی که شما گفتید مطلعم لکن مشکلات را باید بتدریج متحول کرد. لکن الان مسئله بزرگ ما جنگ است که مشاهده میکنید. تقریباً اکثر جبههها مشغول آن هستیم. ما باید الان تمام کوششمان را بکار بیاوریم که این جنگ را به پیروزی برسانیم. خیال نکنید که آن شکست برای ایران است، بلکه برای همه مستضعفین جهان واقع میشود الان چشمهای همه مردم به ایران دوخته شده که در جنگ چه میکند. بار دیگر من به همه اهالی کشور تاکید میکنم که امروز باید توجه ما به جنگ زیاد باشد و امروز تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاده است و اگر ما جایی را فتح کردیم نباید غرور بیاوریم بلکه باید این فتح را تا آنجا دنبال کنیم و ادامه دهیم که متجاوز سر جبار خود را ببیند یعنی متجاوز سر جباری خود را ببیند یعنی متجاوز از زمین بیرون جاسوسی قابل حیرت نیست. من مسئلهای که روی آن با فشاری میکنم این است که امروز همه جوانهای ما موظفند که بروند جبههها را اگر نگه دارند بیرون سراغ براندازان که در حال جنگ هستند، که اگر مسئله جنگ حل شود مسائل دیگر مسائل فرعی است و حل آن بسیار آسان است و خود مردم آنوقت کارها را اصلاح میکنند و دولت هم دستش باز میشود انبیا باید کسانی که خودشان را تابع انبیا میدانند این سیره مستمر باقی باشد باشد هم جهات معنوی که اشخاصی که با معنویات آشنا هستند آنها هم باید تقویت کنند و همه مردم را خود مردم همینطور جهات معنویات را تقویت بکنند، و هم مسئله دوم که

اقامه عدل است، حکومت اسلام - کردهای قبلی امام نیز وجود داشته و ایشان مسائل را همیشه بهمین روش تحلیل کرده و میکنند ولی در این صحبت امام این روش خیلی روشن و واضح بوده. روش این است که جهت ارائه تحلیل مشخص از شرایط فعلی دولت و مشکلات و ارائه شیوه حل آنها از خدای تبارک و تعالی شروع کردند و گفتند که خداوند کمال مطلق است و ما نمیتوانیم حمد او را بکنیم به هر چه تلاش کنیم نمیتوانیم و چون خود او امر فرموده حمد کنیم تا حمد میکنیم. امام در این کلام ضمن تبیین رابطه انسان و خدای بزرگ و تکبیر و تسبیح اوقات حقوق منشأ و حاکم بر همه چیز حتی توصیف بشر را از او میدانند. امام چنین گفتند تحمید این برای آن است که شاید بما بفهماند که در همان اولی که میخواهید بزرگترین عبادت خدا واقع بشوید توجه کنید که خدای تبارک و تعالی اکبر از این است که شما عبادت کنید. در هر بندی از بندها تسبیح شده است یا تسکین انسان قاصر است از اینکه بشناسد لکن چاره نیست. چون خود گفته است خود او امر فرموده است هم باید اطاعت کنند و لولاینکه قاصر هستند پس از آن امام خمینی گفتند هر حمدی که واقع شود از آن خدای بزرگ است و غیر او حمد نمیشود عبادت همه مختص او است همه او را عبادت میکنند حتی اگر خورشید را وصف کنند خدا را وصف کرده اند و خود نمیدانند. چون خورشید از خودش چیزی ندارد و گفته اند اینکه انسان چیزهای دیگری را مدح میکند بخاطر حجابها و جهالت است و گرنه همه حمد از آن خداست، همه مدحها از اوست همه

پیرامون صحبتهای امام خمینی در عید فطر امسال

روش امام - روش صدیقین

امام خمینی در صحبتهای روز عید فطر امسال برای مسئولین مملکتی روش جدیدی را برای رسیدن به تحلیل مسائل ارائه کردند. البته این روش امام در صحبتها و عیب

مدح او میکنند و خود نمیفهمند و گرفتاریهای انسان در اون عالم هم برای همین نفهمی است. همین ستاری است که بین انسان و حقایق هست، امام در اینجا بشر را چنین توصیف میکنند که همیشه مشغول حمد خداست ولی اشتباهش این است که این را باور نکرده و غیر او را حمد میکند، چنانکه امام در قسمتی دیگر رابطه انسان با خدا را توضیح دادند و گفتند که انسان در مقابل خدا هیچ است و حتی حمد و سپاس منشأ خداست. ولی یک وجه انسان این است که از رابطه صحیح عدول کرده و منحرف میشود و منشأ جریان باطل در تاریخ نیز از دید امام همین عدول انسان از نیای اصل خود است. سپس امام به تحلیل و تبیین تاریخ میرد از انبیا و مقصدشان را مطرح میکنند تا با شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند که شیطان بزرگ است و مردم ضعفا را از گیر ستگران نجات بدهند. این دوشغل: شغل انبیا است، اینجاد ایم که امام چگونه از خدا و حمد و صفات او تبیین تاریخ و راه انبیا رسیدند. نگاه امام خمینی گفتند: و این سیره مستمره انبیا باید کسانی که خودشان را تابع انبیا میدانند این سیره مستمره باقی باشد. حکومت اسلام باید اقامه عدل کند در این حالیکه معنویات را تصحیح میکند و اگر تابع اسلام هستیم و تابع انبیا بود است و اگر تا بد هم فرض کنید انبیا، بیایند باز همین هست ما باید این دوا را تقویت کنیم. میبینیم که امام خمینی هدف جریان انبیا را مشخص میکنند و راه

بنام خدای شهیدان

در محرم دیگر با عشق حسین (ع) لیکاروان
کرلایان ، می روم تا راه و یادش را بار دیگر
در دلها مان زنده سازم . گو اینکه هرروز ما
عاشورایی دیگر است و هر زمینمان کرلایی
دیگر . هرروز شهیدی دیگر داریم و هر
زمان بیمانی دوباره با سرور شهیدان عالم .
هر سال در ماه محرم و در عاشورای حسینی
برای عاشقان حسین (ع) سئوالی زنده میگردد
اینکه استمرار نهضت امام حسین (ع) در کجا
ست و ندای "هل من ناصر" حسینی چگونه
لیکنی را می طلبد و بدنبال این سئوال آرزوی
بودن در میان روزندگان راه حسین .
و اکنون پس از سالها تلاش برای تحقق
اسلام و حکومت اسلامی پاسخ نیازهایمان
را در گسترش انقلاب اسلامی می یابیم که به
کرلای حسین (ع) استمرار بخشیده است و در
جهت آزادی و رهایی آن از چنگ یزیدیان
زمان گام بر میدارد . امیدواریم با ذکر و پیوستگی
های کرلایی استمرار انقلاب اسلامی میثاق
خوش را بار دیگر با شهدا از صدر اسلام
تا کرلای و از کرلای حسین تا کرلای ایران
محکم سازیم .

کرلای مستمر

واژه کرلای در اصل "کرب و بلا" بوده است .
"کرب" به معنی سختی و "بلا" هم از ریشه
بلیه و ابتلا به معنی آزمایش . "کرب و بلا"
سختی و آزمایش است . آنجا که مبارزه و سختی
برای رضای خدا باشد ، آنجا که مستضعفین
با انگیزه الهی می خواهند عدل را در روی
زمین تحقق دهند و در این راه خط مشی
خونبار و جان به کف اتخان می نمایند ،
کرلای است . در واژه کرلای استمرار نهفته
است . عدل طلبی (عدل الهی) نیاز تمامی
مستضعفین بوده که تنها راه تحقق این نیاز
اصیل و جهاد کردن برای حکومت مهدی
(عج) در کرلای آفرینش است و ظهور امام
در شرایطی است که تمام دنیا کربلا
گشته باشد .

است ما در سر رشد خود به
میزانی که در جهت تحقق شعارهای انقلاب
گام برمی دارد ، با فشارهای زیادی از
طرف شیاطین روبرو می گردد . زمانیکه لانه
جاسوسی شیطان بزرگ توسط دانشجویان
مسلمان بیرو خط امام به تصرف در می آید از
طرف دنیا در حصر اقتصادی قرار گرفتیم .
شکستن بت امپریالیسم در منطقه چیزی نبود
که آنها تحملش را داشتند و با فشارهای
اقتصادی ، حمله مستقیم و یا کودتای نوزه به
مقابله با این حرکت انقلابی پرداختند .
در ادامه روند تهر آمیز انقلاب با جنگ
تحملی مواجه شدیم . این جنگ نتیجه رشد
و گسترش فرهنگ اسلامی انقلاب در توده ها
ی مسلمان منطقه بود و هدف تحمیل آن از میان
برداشتن الگوی کرلایی انقلاب اسلامی
در دنیا بود . در ادامه جنگ تحمیلی
بسیاری از جریانهای نحرانی که دشمن به
آنها دل بست بود نیز افشا و منزوی گردیدند
جریان بنی صدر رجوعی از دین انقلاب
تصفیه شدند و با بسیاری از توطئه های صلح
طلبی و خط متارکه که هدفشان به تعدیل
کشاندن حاکمیت نظام جمهوری اسلامی
و جلوگیری از سقوط صدام بود ، مقابله کردید .
اینک انقلاب اسلامی و روزندگان مسلمان

کرلای مستمر انقلاب اسلامی

ما مرحله دفع تجاوز بعثی را سپری کرده و وارد
مرحله کرلایی جنگ شده اند . در مقابل ،
امپریالیسم از طرفی شهرهای مسروزی
را بمباران کرده و از طرف دیگر با تهدید
جاهلای نفتی و پالایشگاههای شهرهای
مختلف بخصوص خارک ، سعی دارد تا
از این طریق فشارهای اقتصادی نظامی
، سیاسی خود را افزایش دهد و اهداف
انقلاب را به تعدیل کشاند و جریانهای
صلح طلب و خواهان متارکه را تقویت
نماید .
کرلای مستمر انقلاب اسلامی از سرنگونی
سلطنت تا سرنگونی صدام و اسرائیل و
حامیانشان و با صدور شیوههای اسلامی -
اثنی عشری ادامه داشته همانطور که
سفیدی از گچ جدا نیست ، شهادت
و کرلای آفرینش نیز از انقلاب ما جدا نیست .

اقلیت رشد یابنده و اکثریت کافر

زمانیکه امام حسین مراسم حج را نیمه کاره
می گذارند و به طرف کوفه حرکت می کنند
بسیاری از یاران و هواداران ایشان
مخالفت می کنند . با این منطق که ایمن راه
اشتباه است ، دشمن نیروی زیادی دارد و
شیمان یورتان کم است و نمی توانید پیروز
شوید .
حال آنکه قیام امام حسین (ع) در سهای
بزرگی را به ما ارائه میدهد . کرلای حسین
تحقق این آیات است : " کم من فقه قلیله غلبت
فنه کثیره باذن الله واللمع العابرین " . چه
بسیار گروهی اندک که برگروه کثیری غلبه کردند
به اذن خدا (با رعایت قوانین الهی و بسا
شیوههای اسلامی) و خدا با صابران است .
در آن زمان مساجد که امکانات تبلیغاتی و خبری
اسلام بود ، در دست کفار قرار داشت و
روابط حق و باطل آنقدر مخدوش شده بود که
کسی نمی توانست مزحوق و باطل را از هم
تشخیص دهد . این خون مطهر حسین (ع)
و یارانش بود که حق و باطل را مرز بندی کرد و
قیام همین اقلیت ۲۲ نفره بود که نهضت
عاشورا را در جهان پایه ریخت .
انقلاب اسلامی هم اقلیتی است در برابر
اکثریت کافر دنیا که همه موجودیت
اسرائیل را به رسمیت شناختند . جوهر
انقلاب این است که هر چیزی باید در موضع
خودش قرار بگیرد . (۱) و اسرائیل هم کس
زائیده امپریالیسم است و یک غده سرطانی باید
از بین برود . آزادی قدس و مبارزه بسا
صهیونیسم که خط مشی انقلاب اسلامی است
، مردم ما را در یک اقلیت رشد یابنده ای
قرار داد است که تمام دنیا با آن مخالفت
دارند .

" مسئله کرلای که خودش در راس مسائل سیاسی
هست ، باید زنده بماند باید آن بعد
سیاسی کرلای را برای مردم بیان کرد
(امام حسین) وقتی که آمد مکه از مکه در آن
حال بیرون رفت یک حرکت سیاسی بزرگی بود
که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه
میروند ، ایشان از مکه خارج بشود این یک
حرکت سیاسی بود . تمام حرکات سیاسی بود .
اسلامی و سیاسی و این حرکت اسلامی سیاسی
بود که بنی امیه را از بین برد و اگر این حرکت
نبود ، اسلام پایمال شده بود . آنروز که
افراد ادراک می کنند که احتمال هم بدهند
که اسلام در خطر است آنروز همان کاری که
امام حسین کرد باید بکنند . "

جوهر حرکت سیاسی امام حسین (ع) در این
بود که با هر توجیهی و منطقی در مقابل
جهاد سیاسی ، مقابله کرد . اینک هم خانواده
و زندگی و هم عبادت و انجام احکامی چون
حج همه باید در خط تحقق عدالت باشند .
تلاش حکومت یزید این بود که در جامعه حکومت
و سیاست را از زندگی و عبادت مردم جدا
کند . خطوط رفاهی و عافیت طلبی را تقویت
کرد و این منطق را که " نمی شود کاری کرد
و باید سکوت نمود " جا بیندازد . با این
خط اسلام پشت درهای بسته می ماند و حکومت
و سیاست آنچنان که بنی امیه می خواستند
پیش می رفت .

امپریالیسم هم از این می ترسد که مبارزات
مکتبی مردم اوج گرفته و الگوی امام حسین (ع) و
مکتب سیاسی او راهنمای عمل قرار گیرد و تلاش
می کند تا هر چه بیشتر خط جدایی اسلام از
سیاست تقویت شود . در زمان رژیم سلطنتی
هم جو جدایی دین از سیاست آنچنان بالا
بود که هر کس اسم مبارزه و سیاست را مطرح
می کرد مارک ضد اسلامی و یا مارکسیست بودن
می خورد . بقول امام : " از اول نقشه بود که
اسلام را مثل مسیحیت که در کلیسا محبوس
است در مدرسهها محبوس کنند . متأسفانه
خودمان به این نوع تفکر کمک کردیم . به زبان
آوردن کلمه سیاست جرم بود . برای اینکه
القاء کرده بودند که سیاست مال منحرفین است
اصولاً اساس اسلام از سیاست است . "

البته در شرایط فعلی هیچ جریانی
جدایی دین و سیاست را مطرح نمی کند
ولی در عمل اختیارات ولایت فقیه در تشکیل
حکومت که تحقق " وحدت دین و سیاست " است
را محدود می سازد . گروهی اساساً " تشکیل
حکومت را جز اختیارات ولی فقیه نمی دانند
و این حق را تنها برای امام معصوم قائلند .
جریان دیگری حق تشکیل حکومت را مسائل
است و لسی حق اعمال ولایت را برجگان
و مال مردم قبول ندارد و در سیاست و اقتصاد
دست ولایت فقیه را می بندد . بطور مثال بسا
مصادره اموال طاغوتیان مخالفت کرده و معتقد
است که این اموال شرعاً متعلق به صاحبانش
است و ولی فقیه نمی تواند آن را مصادره
کرده در اختیار بیت المال قرار دهد . همین
طور در مورد بندج و اصلاحات ارضی که
بهره برداری از زمینهای خوانین و فئودالها
را غیر شرعی می دانند . در صورتیکه امام خمینی ،
زمانیکه به راه انبیا اشاره می کند ، تشکیل
حکومت و اجرای وظایف پیامبر را نیز بر سرای

مثلاً در امریکا ، هم جناح نفتی و هم
جناح نظامی برای تثبیت خودشان ناچارند
رای و توافق صهیونیستها را داشته باشند و در
خاورمیانه هم در مقابل با هر حرکتی که
مسجودیت اسرائیل را به خطر بیاندازد و جدت
نظر دارند . در مقاومت ۲۲ روزه لبنان هر
دو جناح نفتی و نظامی برای سرکوب انقلاب
فلسطین مانند دوله تیجی عمل کردند . از یک
طرف سرکوب شدید و از طرف دیگر شمارهای
برای به سازش کشاندن و اعتدال سازمان
آزاد بخش فلسطین را مطرح ساختند . این
دو جناح در مقابل انقلاب اسلامی ایران
که موضع قسوی روی ناپودی صهیونیستها
و آزادی قدس دارد ، وحدت دارند و انقلاب
اسلامی را جوهر حرکتیهای انقلابی در
منطقه می دانند که ثبات نفتی و نظامی آنها
را بهم می زند .
از طرف دیگر شوروی (اولین کشوری که
موجودیت اسرائیل را به رسمیت می شناسد)
و اتمار او هم کاملاً اسرائیل را تایید می کنند
و با هر حرکتی که ثبات جهانی را علیه
اسرائیل در هم بکوبد مخالفتند .
از سوی دیگر کشورهای عربی که تا چند
سال پیش ظاهراً " شمار مبارزه با صهیونیسم را
مطرح می کردند ، اینک در روند سازشکارانه
خود به سمت غرب ، علناً " امنیت اسرائیل
را در صافه هفت قطعنامه کنفرانس فاس
قبول می کنند . حتی کشورهای نظیر
سوریه که موضع چپ نسبت به اسرائیل دارد ،
طرح این ماد را قبول می کند .
در خدیت با صهیونیسم ، انقلاب ماهنوز
شمع نورانی است فرا راه مستضعفین منطقه
و اقلیتی که در مقابل کفار کمپ دیویدی سخت
و قاطع ایستاده است و تنها راه نجات قدس
را تکیه بر ایمان و سلاح مستضعفین می داند .

راه انبیا راه بشر

هر جا که بشر راه انبیا را تحقق داد مو
در شیوهها به سنت آنها عمل کند ، آنجا
کرلای مستمر مستضعفین جایگزین
کردن منطق انبیا به جای منطق های بشری
در زندگی فقه و سیاست است . بسیاری
اسلام را تنها در احکام عبادی خلاصه کرده
و سیاست و مبارزه را از دین جدا می سازند .
راه بشر را راه سیاست و علم و راه انبیا
را در اجرای احکام فقهی و عبادی می دانند .
حرکت حسین (ع) از مدینه تا صحرا
کرلای با هیچیک از منطق های بشری و توجیهات
و تعبیرات موجود مطابقت نداشت . امام
حسین (ع) زمانی که همه به مکه می رفتند
تا اعمال حج را بجا آورند ، از مکه خارج
می شود . امام خمینی در این باره می گویند :

ما که در طریق انبیا میجوایم قدم بر داریم از مشکلات نباید هراس داشت با شیم امام خمینی

بقیه در صفحه ۳۲

راهیان آزادی قدسی

چه کسانی هستند؟

بسم الرحمن الرحيم

آزادی قدس و رهائی آن از جنگال صهیونیسم غاصب از دیدی سرباز در دل مسلمانان جهان بویژه مردم ایران جایی بس عمیق داشته است تا جائیکه از ویژگیهای بارز انقلاب اسلامی عشق به فلسطین و ضدیت عمیق آن با صهیولیس اشغالگر بوده است و سر از بیروزی انقلاب شعار استراتژیک انقلاب آزادی قدس گشت بطوریکه منجر به باز شدن سفارت فلسطین در ایران و قطع صدور نفت به اسرائیل و ... و اعلام روز آزادی قدس شد.

توجه به چگونگی تحقق این شعار ضروری ترین امر انقلاب است اینکه چگونه خسود را کادره های آزادی قدس سازیم و مبارزه ای دراز مدت را تدارک ببینیم . ملت مسلمان و مبارز فلسطین با ۳۰ سال مبارزه بی امان علیه رژیم اشغالگر قدس با وجود سختترین شکنجه ها طاقت آورده و تا کنون نیز مقاوم ایستاده اند .

ملت مسلمان و مبارز ایران نیز طی ۳ سال جنگ تحمیلی با جوهره مکتبی خود به رهبری امام خمینی سختترین ضربات را متحمل شده و با کسب پیروزیها و تحمل ضرباتی تا کنون مقاوم ایستاده است . با توجه به صحبت امام که فرمودند اگر جنگ ما ۲۰ سال هم طول بکشد ما ایستاده ایم . شیوه ادامه مبارزه و تدارک جنگ دراز مدت در این است که ما بتوانیم خودمان را آنچنان سازمان دهیم که در برابر سختیها و مصائبی که در این راه است مقاومت کرده و بقول امام بتوانیم جنگ صد ساله با آمریکا را ادامه دهیم .

راهیان آزادی قدس بقیة السیف جنگ اسلام و کفیر

راهیان آزادی قدس کسانی هستند که در عمل صالح انقلاب شرکت فعال داشته و بقیة السیف شهدای عمل صالح باشند (۱) و همواره زندگی شهدار را الگو قرار داده و شیوه های آنها را راهنمای عمل خود گردانند . آزادی قدس که خط مشی کنونی انقلاب اسلامی است در مرحله عملی اش با کفر جهانی درگیر خواهد شد . در این درگیری تضادها پیچیده تر شده و توطئه نیز بیشتر میشود ، و کسانی میتوانند در این درگیری به پیروزی برسند که در سیر تحولات انقلاب و اعصاف صالح (۲) بوده و در طی آن آبدیده شده باشند .

در شرایط فعلی جنگ اسلام و کفر، عمل صالح انقلاب است و راهیان قدس کسانی

هستند که در این جنگ شرکت فعال نموده و با استفاده از دستاوردهای شهدا در طول جنگ بقیة السیف آنها شوند . تنها در این صورت است که میتوان خط مشی انقلاب را - تداوم داده و جنگ اسلام و کفر را به آزادی قدس منتهی سازیم .

۲- انسجام بین شیوه ها و هدف آزادی قدس

راهیان آزادی قدس کسانی هستند که شعار آزادی قدس را در شیوه هایشان تحقق میدهند و حرکتشان متضمن مقصود است . این ویژگی از آنجا ناشی میشود که با هدف خود برخورد قیامتی نموده و در هر لحظه انتها و غایت حرکتشان را مد نظر دارند و در شیوه ها به چپ و راست نیفتاده و از انحراف بدورند آنها برای رسیدن به هدف یک لحظه از وقت خود را تلف نکرده و از همه امکانات استفاده صحیح نموده و حرکت خود را برای رسیدن به هدف نهایی شتاب بیشتری می بخشند .

راهیان قدس با انسجام بین شیوه و خط مشی هیچگاه هدفشان را کم نکرده و بسا داشتن برنامه ریزی مشخص در آن جهت گام بر میدارند . بطور مثال راهیان قدس اقتصادشان نیز اقتصادا قدس است اقتصادی که برای رسیدن به خود کفائی و قطع وابستگیها تکیه به بسیج مردم دارد در مقابل جریانسی است که شعار آزادی قدس را مطرح میکنند ولی شیوه هایش در جهت تحقق آن شعار نیست و با واردات بدون مرزبندی و یا بسا تکیه بی رویه به فروش نفت روز بروز از ایمن هدف اصیل دوری شوند .

آزادی قدس خط مشی دراز مدت و پیر ایتلا

راهیان قدس کسانی هستند که آزادی قدس را استراتژی دراز مدت بدانند و نیز به دنبال دستیابی به شیوه های دراز مدت برای تحقق این شعار باشند و این باور قلبی را داشته باشند که برای آزادی قدس باید متحمل سختیها و زحمات فراوانی شد و گمان نکنند که تحقق این امر در مدت زمان کوتاهی میسر است اینان کسانی هستند که در مقابل سختیها و فشارهایی که در این راه بر آنها وارد میشود بیشترین تحملها را می کنند و شیوه های عجولانه تن در نمی دهند و سعی در حل آنها با شیوه اصولی دارند .

جریانی خط مشی آزادی قدس را دراز مدت ندیده و گمان دارد که تحقق آن در مدت زمان کوتاه و براهتی امکانپذیر است . این جریان در برخورد با سختیها و مشکلاتی که

در تداوم این حرکت وجود دارد از پای دوری آید .

کادرسازی پشتوانه آزادی قدس

راهیان آزادی قدس کسانی هستند که انسانها را پدید آورده الهی ببینند و نه اینکه از آنها بعنوان ابزاری برای رسیدن به هدف استفاده کنند . دید الهی نسبت به انسان ها موجب میشود که در همه مقاطع رشد انسانها اصالت پیدا کند . در این دیدگاه هر انسان کادر فعالی است که میتوان با برخورد های الهی آنها را بسوی و به ایمن انسانهای الهی و بسوی شده تکیه کرد از این رو کادرسازی بعنوان مهمترین عامل در تحقق خط مشی انقلاب می باشد که موجب میشود هیچوقت از گسرت شهدای انقلاب به یأس نیفتاده و همواره مصمم و پویایی خود را در رابطه با این خط مشی حفظ نمائیم .

راهیان آزادی قدس کسانی هستند که با دید الهی خود نسبت به انسانها ، از هر نیروی در موضع عدل خود استفاده و تمام تخصصها را در خدمت خط مشی در میاورند و با این شیوه هم شتاب بیشتری در حرکت ایجاد نموده و هم موجب رشد افراد و کفایت شدن آنها می شود چراکه هر نیروی که خود را در آزادی قدس فعال ببیند شکوفا تر گشته و تخصصش را در چهارچوب مکتب و خط مشی باروری نماید .

حل تضاد های درونی در دل خط مشی انقلاب اسلامی

طرح شعار آزادی قدس بعنوان خط مشی دراز مدت انقلاب و فراهم کردن زمینه های عملی آن نشانه رشد روز افزون انقلاب اسلامی ما است . از آنجایی که به میزان رشد حق دشمن نیز پیچیده تر میشود در مسیر آزادی قدس نیز همزمان با رشد راهیان قدس توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم نیز برای مقابله با این جریان اصیل بیشتر میگردد . انسانهای قدس کسانی هستند که در برابر این توطئه ها منفعل نشده و در برخورد با جریانهای درونی جامعه هیچگاه مسئله اصلی را فراموش نکرده و پویایی و تحرک خود را از دست نمی دهند و سعی در حل آن تضادها در دل مسئله اصلی دارند و هیچگاه به یأس و انفعال نمی رسند .

انسانهای قدس در برخورد با جریانهای مختلف و در مقابل مشکلات و جو سازها و دستهای نفوذی و مرموزی که هدفشان منحرف کردن انقلاب است همواره اصولی ترین برخورد را نموده و هیچگاه از برخورد با آنان وحشت به خود راه نمی دهند و طیف گسترده ای از نیروها را بسوی نموده و

هدفها ... از صفحه ۱
تأد راتی و مراکز سوق الجیشی شده و در مورد بالا بردن حفاظت از عناصر بسیج کنند و بخصوص مقام رهبری انقلاب ، ساده اندیش شوم ، از مسئولین میخواهیم که در این مورد برخورد جدی تر بنمایند .
۴- توطئه تهدید ، تعدیل ، تسلیم به این صورت که با ارعاب و ایجاد ترس از ایمن رفتن منابع اقتصادی نفت که هم اکنون بخش اصلی بودجه مملکتی و جنگ را تامین میکند ، در مواضع انقلابی مسئولین جمهوری اسلامی

دنبال خود می کشند . در مقابل این جریان عده ای هستند که عشق به آزادی قدس دارند ولی از آنجایی که حل مسائل داخلی را در دل آزادی قدس نمی بینند خود به دام مسائل فرضی افتاده و به برخورد های ضدی و غیر اصولی کشیده می شوند .

با توجه به سازماندهی جدید نیروهای مردمی برای آزادی قدس در طرح لیبک یا خمینی مطالب فوق میتواند کیفیت انسانهای قدس را بالا برده و این سازماندهی را بارور نماید چراکه در تحقق خط مشی آزادی قدس صرفاً سازماندهی نیروها مطرح نبوده بلکه جوهره فعال آنها ، کارایی ایمن سازماندهی را بالا می برد .

والسلام

- (۱) - بقیة السیف ابقی عدد ا و اکثر ولدا
- (۲) - لانه جاسوس ، تغییر بنیادی در نظام آموزشی ، لیبرالیسم و جریان بنی صدر ، شریعتداری و انجمن (۰۰۰)

کریلای مستمر

مهم اقتصادی ما را خواهند زد . در بند رهبا س مردم شعار میدادند : "سورئاتند از او د هوا میکیم ، تنگ هر روز کرب و بلا میکیم یعنی با وجود وابستگی هایی که به در آمد نفت داریم ، خط مقاومت است . تزکیه مادر قطع این وابستگی هاست . اینکه هر چه کمتر مصرف کنیم و وارداتی را که از طریق پول نفت تامین میشود در داخل به خود کفایی برسانیم .

از طرف دیگر جریانهایی به دلیل عدم قاطعیت و یا انحراف فکری سیاسی از این مسیر تصفیه شدند . جریانهایی همچون بنی صدر ، رجوی ، شریعتداری و یا گروههای چپی که با توطئه و بنبر مسلحانه در مقابل انقلاب ایستادند . تصفیه اصولی این جریانها علیرغم اینکه ظاهراً از کیمت پشتیبان انقلاب کاست ، ولی حامیان واقعی آن را تثبیت نمود و از این سرنیز هر چه بیشتر با خطوط انحرافی و مرموزی که سعی میکنند اهداف انقلاب را به تعدیل کشانند و جریان عافیت طلبی را تقویت نمایند ، برخورد شود ، قوام وثبات نهضت اسلامی امام خمینی بیشتر شده و کریلا آفرینانی میسازد که خالصانه در مقابل فشار و سختی های موجود ایستاده و مستمرا مقاومت میکنند .

بسیاری عمق نهضت حسینی ما را درک نکرد و سختی ها و فشارهای موجود را ناشی از ضعف های انقلاب میدانند در حالی که هر چه رشد حق بیشتر شود ، باطل توطئه هایش را روز افزون میکند و مقاومت مادر برابر توطئه ها در گرو این است که کریلا را بشناسیم ، کریلاسی باشیم و کریلای مستمرا را تحقق دهیم .

پاورقی (۱) : العدل وضع الشیء فی موضعها عدل یعنی هر چیزی در موضع خود قرار بگیرد
تعدیل ایجاد کرده ، و سیاستهای مملکتی را تعدیلجا به طرف مذاکره و نوعی صلح تحمیلی سوق دهند . غافل از اینکه بقول امام ابتهکار عمل در دست جوانان رزمندگانه ای است که در جبههها مشغول ایثارگری هستند .
این بیخبران هنوز نتوانسته اند ملت ۷ میلیونی الجزایر را که یک میلیون شهیدان تبیین نمایند . به این ترتیب برای دشمن يك راه باز میماند و آن این است که هر چه زود تر تسلیم و پذیرای حق و حقیقت بشود .

بسم الله الرحمن الرحيم

امپریالیسم جناح‌های آنرا بهتر بشناسیم

قسمت اول

خلاصه نشده و بالا رفتن قیمت نفت باعث رشد تکنولوژی و صنایع اتمی آنها میگردد و کاملاً مطابق با منافع دوازدت آنها میباشد .

در مورد فروش اسلحه و نفت نیز این دو جناح اختلافاتی با یکدیگر دارند ولی اساساً وحدت آن دو برای این است که بتوانند در منطقه ثبات نفتی بوجود آورند تا منافع شیطانی خودشان را تأمین کنند ولی به دو شیوه مختلف برای بوجود آوردن این ثبات معتقدند جناح نفتی میخواهد که در منطقه ثبات نفتی وجود داشته باشد و عمدتاً از طرق سیاسی و نفوذ در گروهها و احزاب کشورهای نفت خیز سعی در تثبیت ایادی خود در جهان داشته است تا بدین وسیله بتوانند با آرامش به خرید و فروش نفت ادامه دهند همانطور که آنها به شاه معدوم برای حفظ ثبات نفتی و حفاظت از منابع نفت اسلحه و مهمات می فروختند اما جناح صنعتی و نظامی معتقد است که برای بوجود آوردن این ثبات در منطقه باید ایجاد بحران و جنگ افروزی کرد مثلاً اسرائیل را به عنوان ژاندارم منطقه تقویت می کنند تا کشورهای منطقه تمام درآمد نفتیشان را در مقابل با اسرائیل به اسلحه تبدیل کنند ولی هرگاه اساس منافع این دو که نفس صدور و خرید و فروش نفت است به خطر بیفتد این دو در شیوه ها هم به وحدت میرسند و مدارق مباحث مختلف تاریخی به روشنی شاهد این مطلب بوده ایم :

۱- نهضت ملی شدن نفت :

در زمان نهضت ملی شدن نفت موضع گیریهای متفاوتی در قبال مسئله فروش نفت و ملی شدن آن بصورت چند جریان وجود داشت یکی جریان اصیل حرکت به رهبری مرحوم مصدق بود که معتقد به حاکمیت ملی و موازنه منفی بود و با هرگونه فروش نفتی که حاکمیت ملی را تهدید میکرد مخالف بود . جریان دوم حزب توده بود که بخاطر حفظ منافع شعوری شعار ملی کردن نفت جنوب را میداد ولی نمیخواست نفت شمال ملی شود . جریان سوم خط بقائی بود که اعتقاد داشت برای مبارزه با سلطه انگلیس و شوروی باید به آمریکا تکیه کرد و بمصدق فشار می آورد که قرارداد بانک بین الملل را با آمریکا امضاء کند ، این جریان که در ظاهر شعار مبارزه با استعمار و مبارزه با انگلیس را میداد ولی در محتوی متکی به آمریکا بود ، این جریان معتقد بود که نمیشود در رگرومان با آمریکا و شوروی و انگلیس مبارزه کرد و لذا برای مقابله با شوروی و نفوذ

مشترکی هستند ولیکن اختلافاتی هم دارند که از دعوی زرگری تا درگیری سلحها نه کشید شده و با ترور و حرکت های مسلحانه قصد در سرکوب جناح دیگر و تحکیم پایه های قدرت خود داشته اند (ترورکننده و تروریست ها) و مردم هم خوانا خواه مجبورند در انتخابات بیکی از این دو حزب رای دهند زیرا اینها تنها قدرت های سیاسی موجود در کشورند .

ما باید این مطلب را در قیاد رک کنیم که اختلاف این دو جناح یک تضاد بنیادی نبود و تاریخ نشان داده است که هرگاه مردم در جهت استقلال حرکت کرد مو با سیوح و نیروی ایمان قصد براندازی بنیادی امپریالیسم را داشته اند ، این دو جناح بخاطر اینکه منافع و اصل وجودی خود را در خطر می دیدند متحد شده و هر دو در سرکوب مردم به توافق رسیدند نمونه های ۱۵ خرداد ۲۸ مرداد ، ۲۷ شهریور ۰۰۰۰ مبین این ادعاست .

حال می خواهیم به سوال اول پاسخ دهیم و روشن کنیم که :
۱- آیا تضاد بین جناح های امپریالیسم یک تضاد بنیادی است و آیا میشود با تکیه بر یکی از جناحها با دیگری مبارزه کرد ؟

در رابطه با تضاد بین جناح های امپریالیسم مسائل مختلفی وجود دارد که اساسی ترین آنها موضع گیری های این دو جریان در مورد الف - اسلحه و نفت . ب - شغل حقوق بشر و طرفداری از آزادی های فردی و اجتماعی . ج - حل مسئله فلسطین می باشد که به بررسی آنها می پردازیم :

الف - نفت و اسلحه :

در رابطه با نفت و اسلحه دو مکرر اتفاق افتاده و خواهان مواضع مختلفی بر اساس منافع خود اتخاذ نموده اند منافع دو مکرر اتفاق در گسترش شبکه مالی (بانکدارها) ، صنایع نظامی و ایجاد بازار فروش اسلحه تأمین میشود در حالی که جمهوریخواهان تاجریشده بوده و خواهان فروش بیشتر نفت از طرف کشورهای صادرکننده می باشند . حزب جمهوریخواه (نفتی ، صنعتی ، مصرفی) ، بر اساس تاجریشگی و ایجاد منافع بیشتر در صدور فراهم آوردن زمینهای برای فروش هرچه بیشتر نفت می باشد یعنی عمدتاً به نفت از بعد اقتصادی می نگرند در حالی که دو مکرر اتفاق جناح نظامی ، صنعتی ، نفت را کالای سیاسی ، نظامی دانسته و بر اساس منافع دوازدت خویش سیاست نفتی خود را تعیین و بر مبنای آن تغییر میدهند چنانکه در جریان فتح لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان بیروخط امام و کارتر دو مکرر واردات نفت به آمریکا را تقلیل داد و محاضره

انقلاب اسلامی ایران با حرکت استقلال طلبانه خود و خط مشی مبارزه قهرآمیز در تمامی وجوه با امپریالیسم درگیر بود ما است لذا دشمنان انقلاب که موجود و بقای خویش را در خطر می بینند از هیچگونه حرکتی علیه خط اصیل انقلاب فروگذار نمی کنند لذا برای حفظ و ادامه انقلاب ضرورت ایجاد می کند که ماهیت واقعی دشمنان را شناخته تا بتوانیم توطئه های پیچیده آنها را خنثی کنیم و بنابه گفته امام خمینی باید هشیار بود موشه - اندیشی نسبت به دشمن نداشته باشیم .

مبحث زیرگامی است در جهت شناخت عمیق تر دشمن و رفع سادماندیشی های موجود در درون انقلاب و همچنین توجه به این نکته که مقابله کامل با توطئه های امپریالیسم جز با اتخاذ شیوه های اسلامی امکان پذیر نیست .

ضرورت بحث

۱- تحقق دادن یکی از وجوه خط امام مبنی بر اینکه بایستی از شعار به شعور و از شعور به عمل حرکت کرد در مسیر حرکت انقلاب اسلامی ایران شاهد شعارهای عمیق توده های مردم بودیم که چگونه خواستها و نیازهای اصیل خود را در آن به سادگی و راحت بیان می کردند این شعارها تنها یک حرف و کلام نبود بلکه امت ما بر سر آن قاطعیت داشته و خونها را داده اند تا جاعل عمل پوشیده است اما از طرفی استکبار جهانی نیز یکارننشسته و هر روز توطئه های پیچیده تری از روز قبل اجرا می کند و اگر ما به این شعارهای اصیل عمق مکنی نداده و با شناسایی کامل تر از دشمن و توان خود به سمت شعور و عمل بیشتر حرکت نکنیم ، ممکن است در مقطعی از زمان به خاطر پیچیدگی دشمن و فشارهای مختلف حتی از شعارهای اساسی خود کوتاه آمده و با به شیوه های غیر اسلامی متوسل شویم .

۲- در مقاطع مختلف از تاریخ مبارزات خلقهای جهان شاهد بودیم که بسیاری از نهضت های کبالتگیزه استقلال طلبانه و نفی استعمار صادقانه شروع به مبارزه کردند ، در طول حرکت خود دچار انحرافات گشته اند ، ریشه بسیاری از این انحرافات ، سادماندیشی و ضعف بیشتر نسبت به دشمن بود و کما اینکه می بینیم چگونه جریانات صادق مبارزاتی در مقابل با یکسی از جناح های امپریالیسم به جناح دیگری مهاجرت می نمایند و تا این اندازه که به آن متکی و متوسل میشوند و بعد ام توطئه های آنها را می بینند .

۳- اخیراً در جریان تحویل هواپیماهای سوپرا تاندر از طرف فرانسه به عراق ، شاهد موضع گیری کشورهای نزدیک به امپریالیسم از جمله ژاپن بودیم که اینک و این صریحاً تحویل این هواپیماها به عراق مخالفت نموده است . اگر ریشه عمیق این مخالفت را ندانیم و منافع مشترک امپریالیسم را شناسیم ممکن است در بعضی مقاطع به این گونه مخالفت های ظاهری دلخوش گردیم و این تصویرش آید که این کشورها با امپریالیسم اختلاف بنیادی ندارند . حال تلاش ما بر این است که در طی مقاله به چند سوال پاسخ دهیم :

- ۱- آیا تضاد بین جناح های امپریالیسم یک تضاد بنیادی است و آیا میشود با تکیه بر یکی از جناحها با دیگری مبارزه کرد ؟
- ۲- با چه شرایطی میتوان از این اختلافات به نفع نیروهای حق بهره برداری کرد ؟
- ۳- نیروهای حق طلب چه کار کنند که باعث اتحاد زودرس جناح های باطل نشوند ؟
- ۴- چه کار کنیم که بعد بزرگترین توطئه دشمن یعنی ایجاد دو قطبی های کاذب و مصنوعی نیفتیم نظیر لهائیت و ضد بهائیت ؟ حزب توده و وانجمن حجتیه و خط بقائی - نراقی (۰۰۰۰)

شناخت جناح های امپریالیسم

با شناخت بیشتر از دشمن در می یابیم که امپریالیسم آمریکا بر اساس منافع مختلف خود در جهان بعد و حزب جمهوریخواه و دو مکرر تقسیم شده که اگرچه این دو جریان دارای منافع

باید این مطلب را دقیقاً درک کنیم که دشمن این دو جناح یک تضاد بنیاد نبوده و تاریخ نشان داده است که هرگاه مردم در جهت استقلال حرکت کنند و با سیوح و نیروی ایمان قصد براندازی بنیادی امپریالیسم را داشته اند این دو جناح متحد شده و هر دو در سرکوب مردم به توافق رسیده اند

حزب توده به آمریکا تکیه داشت . این دو جریان انحرافی هر دو با مصدق مخلف بودند حزب توده او را متهم به آمریکائی بودن میکرد و جریان بقائی میگفت که مصدق توده ای است که این دو جریان انحرافی نمود موضع گیری دو جناح امپریالیسم در مورد این مسئله میباشد . جناح های امپریالیسم که با تقویت این جریانها سعی در به سازش کشاندن مرحوم مصدق

خرید نفت از ایران نشد . یکی از موارد اختلاف نفتی ها و نظامی ها نیز در رابطه با قیمت نفت میباشد . گاه شتر قیمت نفت به نفع جناح نفتی ، مصرفی ، صنعتی بوده زیرا نفت با سایر سوختها رقابت کرده و بازار فروش بیشتری پیدا میکند در صورتی که منافع جناح نظامی ، صنعتی به علت توجه بیشتر به گسترش صنایع از جمله انرژی اتمی تنها در نفت

ماد دشمنی را با شیطان چه با کارتر چه ریگان

را داشتند وقتی از این امر ناامید شدند و در مورد کودتا و کنار گذاشتن مصدق به وحدت رسیدند و بدین ترتیب کودتای ۲۸ مرداد به وقوع پیوست .

۲- ساین نکته را باید در نظر گرفت که تنها اجزای انحرافی جذب این دو جناح امپریالیسم نمی شوند ، بلکه نیروهای حق به دلائل گوناگون از جمله ساده اندیشی نسبت به ماهیت واقعی دشمن ، تکیه به ابزار در مقابله با باطل و نداشتن امکانات کافی مالی و نظامی ممکن است به یکی از این دو جناح نزدیک شده تا شاید امکان مبارزه بیشتری را با جناح دیگری بیاورند . یکی از نمودهای بارز این نوع تفکر خطمشی مرحوم عبد الناصر است که نسبت به جناحهای دشمن ساده اندیشی هائی داشت ، او در سال ۱۳۵۰ در مصاحبه ای که در یکی از مجلات آن زمان به چاپ رسیده به بومدین و قدانی گفته بود که چرا اینقدر به کجانیهای نفتی برای افزایش قیمت نفت فشار می آورید . او معتقد بود که نمیتوان در یک زمان با دو جناح امپریالیسم درگیر شد و میگفت ما درگیر مبارزه با اسرائیل صهیونیست ، میلیتاریسم و جناح نظامی هستیم و فشار به کجانیهای نفتی بر سر افزایش قیمت نفت نادیده گرفتن این مبارزه و باز کردن جبهه جدیدی علیه امپریالیسم است در مقابل بومدین و قدانی معتقد بودند که افزایش قیمت نفت در عمل به امپریالیسم ضربه میزند و نباید منافع خلق عرب را فراموش کرد .

در اینجا میبینیم که بومدین و قدانی که کشورشان نفت خیز بود منافع خلق عرب را در افزایش قیمت نفت میدانند و در نتیجه با خط عبد الناصر تقاضا داشتند . مرحوم عبد الناصر بین این دو جناح امپریالیسم یعنی جناح نفتی ، مصرفی ، صنعتی (جمهوریخواه) و جناح نظامی ، صنعتی (دمکرات) معمولاً "جناح نفتی" را که همان رژیمهای عرب باشند کم خطرتر میدانست . او در اواخر معتقد بود رژیمهای عرب تا حدی میتوانند در مبارزه با اسرائیل به وی کمک کنند و در ملاقاتی که با دیوید راکلر پسر راکلر معروف داشت گفته بود که دیگر قادر نیستیم ثبات نفتی منطقه را برایتان حفظ کنیم . ناصر در مبارزه ای که با صهیونیسم داشت تا حدی به این جناحهای نفتی تکیه میکرد و از آنها میخواست که به کمک قدرتی که دارند و فشارهایی که میتوانند به جناح دیگر بیاورند ، آمریکا را متقاعد کنند که دست از حمایت اسرائیل بردارد البته این خط مشی ناصر ، خط صادقانه ای بود ولی در عمل به باطل اصالت داده و می بینیم که آن خط به خط سادات و مبارک امروزی منجر میشود .

۳- جنگ اسلام و کفر در طول جنگ اسلام و کفر نیز شاهد تضاد های این دو - جناح بوده ایم ولی هر کدام با شیوه های متفاوت یک هدف را دنبال کرده اند و آن حفظ ثبات منطقه و در نهایت پایان جنگ بوده است . هر دو جناح از رشد جریان چریکی در طی سه سال جنگ اسلام و کفر ناراحتند و اگر میخواهند جنگ پایان پذیرد نگرانشان از این مسئله است .

نفتی ها ثباتی را میخواهند که درینا آن بتوانند به راحتی به خرید و فروش نفت بپردازند و نظامیها به این علت که جنگ جوهره ضد صهیونیستی دارد و پیروزی ایران به ضرر آنهاست حاضر به تقویت صدام و سرکوب ایران هستند و لذا با مبارزان منابع نفتی میخواهند حاکمیت ایران را به نفع خود تعدیل نمایند .

اخیراً در جریان تحویل هواپیماهای سوپراتاندر به عراق نیز اختلاف بین جناحهای امپریالیسم وجود داشت و این که وابسته به جناح نفتی است مخالف تحویل هواپیماها به عراق بود یا در عین رابطه تلویزیون آلمان یک فیلم ۴۵ دقیقه ای از جبهه ها و نماز جمعه های ایران نشان داده که برای اولین بار موضعی موافق داشته است و نیز تسکاردستن رئیس جمهور سابق فرانسه بر سر این جریان بامیتران که به صهیونیستها نزدیک است اختلاف دارد ولی همانطور که قبلاً اشاره کردیم این تضادها بنیادی نبود و نباید در قبسال آنها ساده اندیش شد .

ب- طرفداری از حقوق بشر و دفاع از آزادی :

حزب جمهوریخواه در ظاهر بیشتر به جناح نظامی و سرکوبگر و کودتاجی معروف شده است ولی دمکراتها در ظاهر شعار طرفداری از حقوق بشر سر داده و اینطور نشان میدهند که با دیکتاتوری مخالفند ، آزادی میدهند ، شکنجه و فاشیسم را قبول ندارند ، از حقوق سیاهان آمریکا دفاع میکنند و ...

علت این امر در طرفداری از روحیه ناسیونالیستی و برتری طلبی است که نسبت به کشورهای دیگر بخصوص قطب رقیب خود شوروی دارند و در واقع میخواهند با تبلیغ شعار حقوق بشر به اصل ایدئولوژی شوروی که همانا رسیدن به دیکتاتوری - پرولتاریاست ضربه زده و از این طریق بر طرفداران خود بیفزایند جناح نظامی صنعتی (دمکراتها) برای ارضای غرور ملی خود به تکنولوژی و کار روی پروژه های فضائی بهای زیاد میدهد خط مشی دمکراتها به علت ضدیت با شوروی به خط سه جهانی ها و چینی ها نزدیک است .

جناح دمکرات علیغم اینکه شعار طرفداری از حقوق بشر را میدهد ولی تاریخ نشان میدهد که در زمان حاکمیت این جناح ظاهرآ دمکرات بیشترین سرکوب خلقها صورت گرفته است آنها در جنگ ژوئن که جانسون بر سر کار بود به نفع اسرائیل وارد عمل شدند و کاملاً از طریق دادن اطلاعات غلط عبد الناصر را خام کردند و او را قانع نمودند که اسرائیل بر علیه مصر حرکتی نخواهد کرد و لذا ارتش مصر در حال آماده باش نبود و درست در همان زمان اسرائیلی ها از آسمان لیبی حمله کردند و تمام هواپیماهای مصر را در فرودگاه مصر بمباران کردند بنابراین دمکراتها در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به نفع اسرائیل عمل کردند بزرگترین حامی اسرائیل همین دمکراتها بوده اند و بیمان سه جانبه کمپ دیوید که منافع اسرائیل را تامین میکند از شکردهای تاریخی دمکراتها میباشد یا جنگ ویتنام در زمان حاکمیت دمکراتها آغاز شد و در ۱۷ شهریور هم کارتر به شاه دستور حمله داد پس ما نباید دمکراتها را واقعاً "آزادخواه بدانیم بلکه آنها باطناً فاشیست بوده و با جناح نفتی ، مصرفی ، صنعتی ، (جمهوریخواه) جوهره

جناح دمکرات علیغم اینکه شعار طرفداری از حقوق بشر را میدهد ولی تاریخ نشان میدهد که در زمان حاکمیت این جناح ظاهرآ دمکرات بیشترین سرکوب خلقها صورت گرفته است .

مشترک دارند و برنامه ریزی آنها بر اساس منافع مشترکشان در جهان است . از طرف دیگر جناح جمهوریخواه نیز به همین شیوه ها دست زده است جمهوریخواهان در ۲۸ مرداد بر علیه مرحوم مصدق کودتا کردند اما در کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ به نفع عبد الناصر عمل کردند و نیز در قضیه اکبر ۱۹۷۳ یعنی جنگ بین اعراب و اسرائیل قضیه را ظاهرآ به نفع اعراب تمام کردند آنها توانستند به طرق مختلف مضر را به پیروزی برسانند و اسرائیل را قانع کنند که مصر حمله ای نخواهد کرد ولی در روز مدهی کیپور که حتی سرسازهای اسرائیلی لباسهایشان را در آورده و از حالت آماده باش خارج شده بودند سربازان مصری شجاعانه حمله کرده و آنطرف کانال سوئز رفته و خط بارلور را شکستند .

در سالهای اخیر نیز به مراتب شاهد شیوه های فاشیستی جمهوریخواهان بوده ایم که اینک در سال گذشته به دستور ضمنی ریگان بود که اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد و قتل عامهای صبرا و شتیلا را بوجود آورد و اکنون نیز هر جا منافع خود را در خطر ببینند به همین شیوه ها متوسل خواهند شد چنانچه شاهد حمله های متعدد ، آمریکا به کشورهای آمریکای لاتین میباشیم .

بطور کلی این حرکتها نشان دهنده ماهیت واقعی این دو جناح و رسواگر تضاد های ظاهری ، آنهاست که اگر چه ممکن است بر سر شیوه کسب قدرت اختلاف داشته باشند ولی جوهره

اصلی آنها یکی بوده و بر سر سرکوب خلقهای بیباخته بسا شیوه های گوناگون توافق دارند . حال به ذکر خط مشی این دو جناح در داخل ایران که تاکنون به صورتهای مختلف تجلی داشته است می پردازیم :

۱- در زمان شاه معدوم امپریالیسم در ساواک و جریان بوجود آورده بود که معروف شد بوند به جناح "باز و جناح "گبوتر" . دمکراتها جناح کبوتر را تقویت میکردند که با شیوه های ظاهرآ دمکراتیک سعی در به سازش کشاندن مبارزین راداشت و جمهوریخواهان از جناح "باز" حمایت میکردند که با شیوه های تند و فاشیستی همین هدف راد نبال میکرد . جریان اول به جناح "چای ، بیسکویت ، حرف بز" و جریان دوم به جناح "شلاق ، شکنجه ، حرف بز" معروف بودند یعنی هر دو آنها در حرف بز مشترک بودند وجود این دو شیوه در بعضی جاها ایجاب شبهه کرده بود که واقعاً ساواک و جناح هستند و این دو جناح با هم تضاد های بنیادی دارند و میشود که با تکیه به یک جناح بسا جناح دیگر مبارز کرد و این باعث میشد که عده های ساده اندیش در خدمت یک جناح از ساواک قرار بگیرند تا با جناح دیگر مبارزه کنند مکانیزمش به این شکل بود که میگفتند ما مقداری از حرفهایمان را به جناح کبوتر میزنیم تا بدست جناح فاشیست نیفتیم اگر کبسه دست جناح فاشیست بیفتیم فحش و شکنجه میدهند ، میزنند ، میکوبند و شوک الکتریکی میدهند و روحیه ما را میشکنند و ما مجبوریم تسلیم شده و می برم و تمام حرفهای خود را زده و احوایمانا مبره ساواک میشود . این تفکر موجب میشد که عده مقصد آری از حرفهایشان را به جناح کبوتر میزنند و این کلا خط غلطی بود چون اگر کما استراتژی را بر حرف زد و ولود ان بگذارد و حتی تا حدی همکاری کردن ، شیوه ای سازشکارانه است . این استراتژی باعث میشود که با جناح "گبوتر" تکیه کنیم برای اینکه بدست جناح "باز" و فاشیست نیفتیم در حالیکه در اصل هر دو این جناحهایکی بوده و با هم تضاد بنیادی نداشته اند .

۲- بعد از فتح لانه جاسوسی طرح حمله طبع توسط جناح نظامی ، صنعتی (دمکراتها) ریخته شد چون به فرور ناسیونالیستی آنها برخورد بود و حمله به سفارت ، حمله به جانشان بود در حالی که جناح نفتی ، مصرفی ، صنعتی (جمهوریخواهان) بیشتر شیوه های نفوذی و تفرقه افکنی و شیوه تعدیل حاکمیت را قبول داشتند اما همانطور که در انیم اختلافشان بنیادی نیست .

۳- از دیگر نمود های دو جناح امپریالیسم در داخل تضاد بنی ضد ریحزب بود بنی ضد ریحزب نظریات ضد شوروی به خط سه جهانیها نزدیک بود با دمکراتها وحدت بیشتری داشت و به شعار حقوق بشر آنها وابسته بود که اینک به هنگام انتخابات امریکایی صد رگفته بود که نمیتوانم گروگانها را نگه دارم تا فاشیستها - ی حزب جمهوریخواه بر سر کار بیایند رجوی خائن نیز در این مورد با بنی ضد ریحزب موضع قرار داشت در مقابل این جریان حزب خائن تود بود که در خط شوروی (نفتی ها) قرار داشت و ضد بنی ضد ریحزب و این جریان علیغم مخالفت باید که یگرولی از آنجا که تضاد شان بنیادی نبود سرانجام در یک خط قرار گرفتند و در مراتب مختلف جلوی خط امام موضع گرفتند .

۴- در جنگ اسلام و کفر نیز جناحهای امپریالیسم و شیوه برخورد دارند . جناح نظامی (دمکراتها) خواهان تثبیت صدام و پیروزی او در جنگ میباشد و همین دلیل تا آنجا که در توان دارند او را به لحاظ سلاح مجهز میکنند که اینک اخیراً اسرائیل اعلام کرد که در صورت بسته شدن تنگه هرمز اجازه میدهند که از طریق بند رقبه به عراق سلاح و تجهیزات برسد . اما جناح نفتی (جمهوریخواهان) در صورتی که منطبق بر امرای تشخیص داده و احساس کنند که ثبات نفتی - رفورمیستی آنها به خطر افتاده است حاضرند حتی صدام را کنار بزنند ولی حزب بعث در جای خود باقی بماند .

۵- امام امت در طی پیامهایی که در هفته جنگ دادند خط انقلاب را در مورد جنگ مشخص کردند و گفتند که تا سقوط صدام و حزب بعث جنگ ما ادامه خواهد داشت . حال اگر کسی معتقد به رفتن صدام جد از حزب بعث باشد یعنی اینک صدام برود ولی حزب بعث عراق بماند مسلماً آگاهانمانا آگاهانه در خط جناحهای امپریالیسم قرار گرفته است . بقیه در صفحه ۳۳

ما میل داریم اسرائیل بمه اش آتش بگیرد و اگر خداوند توفیق دهد میرویم و مردم را از شر اسرائیل نجات میدهم



پدر از معلم پیران شد. اسد مر

آینه... حاج سید محمود طالقانی

۹ شهریور سالروز درگذشت بزرگی از خاندان عصمت و طهارت آیه الله حاج سید محمود طالقانی است پسر جوان دلی که سالهای سال مرشد جوانان انقلابی و مکتبی پورانه‌های عاشقان، تحقق حکومت اسلامی بود صخره استواری که در برابر تمامی طوفانها و امواج حملهور بساحل نجات و هدایت ایستاد. و برای عاشقان و جویندگان شیوه‌های ائمه در برابر ظالمین همواره بصورت پناهگاه محکم باقی ماند، بطوریکه هرگاه جوانها طاقشان رویه زوال میرفت و احساس ضعف میکردند، وجود پهلای ایشان به آنها دلگرمی و امید میداد. سیدی که مثل اجداد مطهرش بر راستی خود دیک امت "بود و تحقق اسلام".

مرحوم آیت الله طالقانی برای پیروزی انقلاب و برقراری حاکمیت اسلامی زحمتهای زیادی کشید لیک امروز بیش از هر موقع به وجود ایشان احساس نیاز میکنیم شخصیتی که میتوانست بخوبی تحقق دهنده آمال رهبران باشد، هم الگوی ایثار باشد هم مظهر مقاومت، هم وحدت صفوف مسلمین را تحکیم بخشد و هم بهاد ستهای مرموز و نفوذی توطئه گستر علیه امام و انقلاب بستیزد. بر راستی که ما برادری را از دست دادیم و ملت ما پدیری و اسلام جاهدی را (امام خمینی) امروز بی هیچ پیرایه و لفظ پردازی بر آنیم که باورق زدن صفحات زیر و نورانی زندگی این پدر ملت برای ادامه راه انقلاب و حل مسائل و مشکلات تعان توشه‌ای برگزیم چنانکه لفظ لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو لقا الله رسول خدا برای شما اسوه والگوی خوبی است

و طالقانی هم از سلاله آن پیغمبر و عالم و عارف هویند ه راه او بود و حق داریم که از زندگی او مثل زندگی جد بزرگوارش، برای ادامه راهمان توشه بگیریم.

فرزانی از زندگی پدر طالقانی

اولین مرحله از زندگی پدر طالقانی کسب فیض از محضر پدر بزرگوارشان سید ابوالحسن طالقانی بود و رایتدای جوانی با تاسیس حوزه علمیه قم و درسه فیضیه در آنجا به تحصیل پرداخته و موفق به کسب درجه اجتهاد از مرحوم شیخ عبدالکریم حائری شد. در سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در تهران جلسات تفسیر قرآن برگزار کرد که این جلسات نیاز بسیاری از جوانان آن زمان بود در همان سال در درگیری با یکی از ما موران رضاخان که آن مامور به زن با حجابی توهین کرد بهود دستگیر شد مدتی در زندان بسربرد. بعد از آزادی به جلسات تفسیر قرآن خود ادامه داد. در شهریور ۲۰ کانون اسلام را تشکیل داد. این کانون مرکزی برای روشنگری و تبلیغ اسلام شد و مجلسی بنام دانشجوین آموزش منتشر میکرد. چندی بعد انجمن اسلامی دانشجویان تاسیس گشت که مرحوم طالقانی در تشکیل این انجمن نقش فعالی داشت این انجمن مرکز جمع جوانان و افراد مبارز بود و در ایجاد حرکت‌های اسلامی و ضد رژیم نقش فعالی داشت. پدر طالقانی در دوران بین شهریور ۲۰ تا اوج گیری نهضت ملی نیروی زیادی

روی کارهای مکتبی و تعمیق مکتبی جنبش مردمی گذاشت مرحوم طالقانی از جمله روحانیونی بود که عمیقاً در تالیفات و کارهای مکتبی و حتی زندگی روزمره خود رسالت اسلام را مد نظر قرار میداد. رسالتی که بقول امام معرفت خدا و اقامه عدل میباشد. هیچگاه به عبادت سجده ای از سیاست، فقه جدای از مسائل مردم و علم جدای از عمل نیفتاد، هر چه مینوشت برای حل مشکلی از مشکلات جنبش اسلامی و برآوردن نیازی از نیازمندان این راه بود چه کارهای درازمدت و استراتژیکی مثل تفسیر قرآن و چه موضوعگیری های تاکتیکی و مرحله‌ای بصورت سخنرانی و خطابه و در دوران نهضت ملی شدن نفت پدر طالقانی همواره نهضت ملی و دولت دکنتر صدق را تائید کرده و با هوشیاری کامل به ارائه رهنمود و انتقاد سازنده از آن میپرداخت. بعد از کودتای امریکائی ۲۸ مرداد و ضربه خوردن نهضت ملی مسجد هدایت و شخص

طالقانی سنگر محکمی برای حفظ مواضع نهضت مردمی شده بود پدر از سنگر این مسجد همواره با هشجاری اوضاع را زیر نظر میگرفت هرگاه که رژیم در صدد برمیآمد که خود را پشت نقاب حق طلبی و اصلاح پنهان کند و یا جریان انحرافی در جامعه ایجاد کند سخنرانیهای طالقانی مانع از تحقق نیت شوم او می شد.

در تابستان سال ۳۹ هژمان با انتخاب دوره ۲۰ مجلس شورای ملی مرحوم طالقانی در مسجد هدایت جلساتی

علیه دیکتاتوری و ناپسا مانیها و فشارهای وارد بر اهانداخت این جلسات بزودی توسط رژیم تعطیل شد ولی بعد از آن بطور مخفیانه ادامه پیدا کرد ایشان همراه شهید مطهری به تحلیل مسائل جامعه و افشارگری رژیم ضد مردمی شگانه پرداخت. آن روزها انجمن های عافیت طلب که دین را از

مسائل سیاسی جدا میکردند به مناسبت نیمه شعبان مجالس جشن مفصلی بر پا میکردند بدون آنکه با رژیم طاقوت و ضد امام زمانی مبارزه ای داشته باشند.

طالقانی باین باکی و قاطعیت به مناسبت نیمه شعبان مجلسی برگزار کرده و قرار بود که در مسجد ارك سخنرانی کند، در مسجد از طرف ساواک بسته میشود ولی مردم در کنار مسجد در میدان ارك جمع میشوند و او بدون توجه به اخطار مامورین پلیس و ساواک جلی در مسجد سخنرانی را شروع میکند و بعد از خطبه این آیه را میخواند "و نرسد ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض" (و مسالرا ده کردیم که بر مستضعفین زمین منت نهم و آنها را رهبران و ارثان زمین قرار دهیم. در این هنگام مامورین حمله کرد و جمعیت را با شدت متفرق میکنند. جمعیت بار دیگر گسرد هم می آیند و آیت الله طالقانی صحبت خود را دنبال میکند. این بار مامورین با شدت بیشتری حمله میکنند مردم را با باتم به باد کتک میگیرند و بالاخره جمعیت را متفرق و پند های را دستگیر میکنند. بعد از آن، آن جریانها پدر طالقانی را متهم میکنند که مسجد ارك را بدنام کرده است بسه او مارک "سید سیاسی" زدند.

مرحوم طالقانی در سال ۴۰ در تشکیل نهضت آزادی نقش

موتری داشت و در مراسم سالگرد شهیدای ۳۰ تیر در این بابویه که از طرف نهضت آزادی برگزار شده بود سخنرانی میکند پلیس به آنجا حمله میکند بسیاری از جوانان دستگیر می شوند ولی پلیس از برخورد با آیت الله طالقانی اجتناب میکند که پدر تحمل نکرده خود را بزور داخل کامیسیون میاندازد.

آنها پدر طالقانی را بعد از آزادی از جوانان به زندان میاندازند در عا شورای سال ۴۱ از سنگر مسجد هدایت در جهت افشای ماهیت رژیم و وابستگی آن به امریکا و صهیونیسم استفاده میکرد. و به ترجمه و نشر خطبه معروف امام حسین (ع) که مفهوم آن تغییر رژیم بود پرداخت. بعد از فرم شاه در سال ۴۱ و جریانات قیام ۱۵ خرداد، رژیم دست به قلع و قمع هم نیروها ام از مکتبی و میانه زد و در صدد دستگیری رهبران نهضت آزادی برآمد، آیت الله طالقانی میدانست پلیس در پی اوست مدتی مخفی شد تا اینکه توسط مامورین شاه دستگیر شده و متعاقباً به ده سال زندان محکوم میگردد. آیت الله طالقانی در پی دادگاه رژیم هرگز از خود دفاع نکرد و به آنها هشدار داد و سوره مبارکه "والفجر" را بر آنها میخواند سپس به افسران میگوید: بروید به راهبان خود بگوئید شما محکوم هستید نه ما. پرخستگی ناپذیرا ایمانی که به پیروزی حق داشته هیچگاه در مقابل سختیها و فشارهای رژیم خود را نباخت و همچنان به مبارزه و پیشبرد اسلام و انقلاب پرداخت.

رژیم ستم شاهی که پایه های حکومتی خود را سست میدید در اثر فشار افکار عمومی مرحوم طالقانی را در سال ۴۶ آزاد کرد. پس از آزادی آقای طالقانی از این فرصت برای ادامه جلسات تفسیر و افشارگری جنایت رژیم دست نشانده امریکا استفاده کرد. در سال ۴۶ که تفسیر قرآن را در مسجد پایگاه گذاری کرد کلاسهای آقا از طرف عده ای تحریم شده بود حتی گاهی بیشتر از ۴ نفر شلوغند، نداشت که حتی آنرا هم رژیم تحمل نکرد و به تعطیل کشاند. با اینحال پدر به کمیت بها: معید اد و از مسجد و منبر برای کیفیت و عمق بخشیدن به مبارزه و تحقق اسلام استفاده میکرد. در سال ۵۰ زمانی که اعضای بنیانگذار سازمان مجاهدین دستگیر شدند نجاهد بزرگ طالقانی در مسجد هدایت داد سخن داد و از مجاهدین نام برد و به جریان سازمان هویت بخشید. هفته بعد که میخواست در مورد سازمان صحبت کند او را دستگیر کردند و به زابل تبعید کردند در آنجا پایگاه زیادی در مردم زابل پیدا کرده بود و فرصتهایی که پیش میامد به آگاهی آنها میبرد اخت تا از آنجا به بافت کرمان تبعید شد. ولی همواره به مبارزه خود بر علیه رژیم ادامه داد چنانچه در باره زندان افتاده و سه دو سال زندان محکوم شد ولی آنجا که برای آزادی چون طالقانی زندان سدی برای ادامه فعالیت و خدمت به اسلام نمیشد در آنجا به تالیف و تفسیر قرآن پرداخته و بصورت یادداشتها توسط افراد خانواده اش به بیرون از زندان منتقل میکرد. در سال ۵۷ با اوج مبارزات مردم آزاد شده و به یکی از آزادهای دیرینه اش که پیروزی انقلاب بود دست یافت او تصمیم داشت بعد از آزادی

ویژگیهای همه جانبه مرحوم طالقانی

یکی از عوامل موثر در پیشبرد امر انقلاب و تحقق اهداف آن، کادرها و افراد ورزیده و آبدیده بودند که به کمک مردم حاضر در صحنه توطئه‌ها را افشا میکردند دشمن که موجودیت خود را از طرف افراد مکتبی و اصلاحی در خطر میدید دست به ترور کادری همه جانبه و خودکشی انقلاب زد. بعد از این توطئه نیاز بیشتری به تربیت افراد مخلص و ورزیده و همه جانبه (مکتبی، سیاسی، نظامی و...) در رکن نیروهای انقلاب بوجود آمد تا خلاصه نبودن افرادی چون رجائی ها و بهشتی ها و امثال آنها...

در شرایط حاضر انقلاب اسلامی مانیا زبیری به یک مسجد هدایت دارد تا با پروراندن کادری های نظیر رجائی ها و حنیف نژاد ها و شریعتی ها و... جای خالی این عزیزان را در زوایای جمهوری نهایی اسلامی پر کند.

اکنون رزمندگان برای تحقق استراتژی انقلاب و آزادی کربلا و قدس نیاز به الگوهای شایسته نظیر امام و آیت الله طالقانی و دیگر یاران ایشان دارند. الگویی که راهنمای عمل آنها باشد و در مشکلات و فشارها از آن اسطوره های مقاومت درس ایستادگی را بیاموزند.

ویژگیها و خصایص مکتبی پدر طالقانی درسی است آموزنده برای رزمندگان و نیروهای حق جو و آزاده. در این مورد انگیزه مردم در تشیع جنازه آیت الله طالقانی قابل بررسی است. ملت اورا نایب پیامبر میدانستند و خیلی که با آن قبر او را کفیه بودند میبوسیدند. علاقه مردم به طالقانی از مبارزات و زندگی مکتبی از سرچشمه میگردد. یک علاقه صرفا ظاهری نبود که با نبودن طالقانی از بین برود.

برای این بود که پدر طالقانی واعظ غیر متعظ نبود او همه تمام اعتقادش که ناشی از سیره انبیا و اسلام بود عمل میکرد.

نیتش خدمت به اسلام بود برای آیت الله طالقانی داشتن محراب و منبر اصالت نداشت و بد نبال پیش نماز شدن و داشتن مسجد نبود و در هر فرصتی که بدست میآمد جلساتی را ترتیب میداد و از منبر و ختم و سخنرانی در جهت تفسیر قرآن و قیام برای خدا استفاده میکرد.

ویژگی دیگر آیت الله طالقانی خلوص و تواضع او در برخورد با دیگران بود چنانچه پای سخنرانیها میرفت و مانند دیگران مینشست و کتاب میگرفت و یاد رمواری توضیح میخواست. با اقشار مختلف مردم از ادرای و دانشجو و دانش آموز برخورد میکرد و برایش هیچ و عار نبود که برای آنها تفسیر بگوید طالقانی خودش را از یک طبقه جدا نمیدانست. هم با روحانیون بود و هم با افراد مبارز و غیر روحانی تماس برقرار میکرد. خودش را جدای از مردم نمیدانست. در این برخورد ها پدر با نیازهای مکتبی مردم و جوانان رزمنده بیشتر آشنا شد و مسجد هدایت را پایگاهی برای برآورده کردن این نیازها و تشدید مبارزه علیه دستگاههای ظالم قرار داد. طالقانی از هیئت ائمه اربعه صحنه عمل در آوردن قرآن در این قرن است.

تفسیر قرآن او در هدایت نیروهای عامل و موثر در انقلاب بسیار مفید بود جلسه های تفسیر او یک عمل صوفیانه نبود بلکه جدای از عمل صالح زمان یعنی مبارزه با رژیم شاهنشاهی وابسته به امپریالیزم نبود بلکه دقیقاً در جهت تشدید مبارزه اصیل مکتبی و پاسخ به نیاز مبارزان راه اسلام و مستضعفین انجام میگرفت. زیرا طالقانی معتقد بود که حرکت ما همین است قیامه قسط بعد از تبیین و این تبیین باید برای همه باشد چون همه مسئولند نه یک فرد و در فرد نه آنکه اسطر را مسلمان گذاشته است برای اینکه این دین را نخواهد همه شده است.

پدر به بحث و استدلال صرف قناعت نکرد و وارد میدان عمل شده عمل صالح و مبارزه با طاغوت آیتائی را که تفسیر میکرد به درد مسائل روز جامعه میخورد نه آنکه تفسیر را عوض کرده و تفسیر به رای کند بلکه بقول مهندس بازرگان از آن

برای درمان بیمار به پیش مدتی به استراحت نپرداختند و بقول خودشان همینکه این مردم را با چنین جوش و خروش دید همه خستگیها و دردها و رنجها از تنش رخت بر بست و شاداب و با نشاط شد.

مردم که برای آزادی این بزرگمرد لحظه شماری میکردند اشک ریزان به دیدار پدر و این یار امام شتافتند در روزهای عاشورا و تا سوسه سال ۵۷ از خانه کوچک طالقانی سیل خروشان جمعیت مرگ بر شاه را سرداد و امپریالیزم را بوخت انداخت. چندی بعد در بهمن ماه خونین رژیم زخم بخورد و واژگون شد. در آن روزها ساواک سعی داشت که آیت الله طالقانی را در مقابل رهبری امام قرار دهد. اما او با هوشیاری همیشگی خود مدتی را در یک بیمارستان به استراحت پرداخت و با سکوت خود این توطئه را خنثی نمود. بعد در یک سخنرانی اظهار کرد " بعضی اندیشه تفرقه افکنی دارند و میخواهند سواستفاده کنند ولی خاطرشان جمع باشد که ما وقتی که زنده هستیم ممکن نیست که بین ما که اصولمان را اصول مکتبمان را قرآن و سنت مشخص کرده و هد فهایمان مشخص است اختلافی باشد.

پس از سرنگونی رژیم، مردم حق طلب ایران امور مملکت خویش را بدست گرفتند و رهبران نیز عهد و امانت را از نظام اسلامی گشتند. طالقانی آن چهره همیشه بیدار نیز در کنار دیگر یاران در شوای انقلاب مشغول شد و ریاست شوراهای عهده گرفت. و با قلب در درناک و عاشق خود از هیچ کوششی دریغ نکرد. او به منظور اتحاد و رشد مسلمین پیشنهاد برپائی نماز جمعه را به امام کرد و امام هم دستور دادند که نماز جمعه برپا گردد. آیت الله طالقانی راه امامت جمعه تهران برگزیدند پدر با شوق بسیار و صف ناکردنی اولین نماز جمعه تهران را برگزار کرد و خطبه های پر بارش را در رجا مسردم جوانمزد بطوریکه امام اولین مراسم نماز جمعه را کامل از تلویزیون دیده و با خوشحالی گفته بودند "عجب نمازی شد.

سپس در آن روزهایی که جنگ کردستان بالا گرفته بود پدر طالقانی برای حل مسائل آنجاری آن دیار شد و سعی داشت مشکلات افراد مسلمان را از توطئه عوامل صهیونیسم و سیاحا جدا کند.

آیت الله طالقانی آخرین نماز جمعه اش را در بهشت زهرا برای بزرگداشت شهدای ۱۷ شهریور برپا کرد و خطاب به آنها چنین گفت:

ای چه هائی که در این خاک خفته اید ای جوانهایی که با گلوله دشمن ندای شما و قلبهای شما دریده شده ای زنهای بزرگواری که به میدان ریختید بچه ها را به بغل گرفته و در مقابل گلوله ها شافتید ما آمده ایم بعد از یکسال با شما تجدید میثاق کنیم خون شما میثاق ماست و فریاد الله اکبر شما میثاق ماست آن هدنی که شما نبال کردید در مقابل طاغوت و برای آزادی انسانهای ایران و مسلمان و همه انسانهای دنیا با همه شما تجدید پیوند عهد کنیم که ما همانرا تعقیب خواهیم کرد. پس از این پیوند دوباره باشما در بامداد ۹ شهریور جان به جان آفرین تسلیم کرد و ملتی را در غم از دست داده خود به عزت نشاند. در تشیع جنازه بی نظیر مرحوم طالقانی مردم فریاد میزدند عزت افزاست امروز خمینی بت شکن صاحب عزت است امروز. او از میان مارت ولی راهش و کلامش و خصلتهای انقلابیش جاودانه ماند. شیوه زندگی اش نمونه و الگویی برای همه انقلابیون مکتبی است. در آخرین کلامش (وصیت نامه) نیز تاکید دارد که " بر نماز مراقبت کنید و به اصطلاح قرآن اقامه صلوات کنید. همین که امروز در کشورهای با اصطلاح انقلابی به این توجه کردند که اگر

به حال سکون و رکود بمانند افراد سقوط میکنند و به زندگی معمولی سرگرم میشوند و در صددند که یک نوع انقلاب در روش و فرهنگی در مردم همیشه باشد یکی از آنها در اسلام همین نماز است. اکنون رمز سیخ و پیروزی توده های محروم در جبهه های حق علیه باطل تحول و انقلاب در روش آنهاست. باشد که با سیخ همه جانبه مکتبی سیاسی نظامی و... راه طالقانی را که نشأت گرفته از راه انبیا است تا اوم بخشیم.

دروشی را آورد که به درد مریض بخورد و در عین حال او به معنای خود قرآن توجه خاص داشت (تفسیر بعضیها بعضا) و میگفت باید ببینیم خود قرآن چه میگوید و سپس آن آیتائی را که مورد نیاز بود به شرح و تفسیر آن میپرداخت بعضی در مبارزه به کار مکتبی بهانمیدهند و برای خط مشی خود تبیین مکتبی ندارند و سرانجام به انحراف یا انفعال کشیده میشوند جریان دیگری صرفا به کار مکتبی در آیتائی در بسته می - پردازد و عمل صالح و مبارزه را فراموش میکند و اینجاست که کار ایدئولوژیک مجرد از عمل آنها اساسا غیر مکتبی بود و زود هنی است و قابل تحقق نیست.

آگاهی به علم روز

ویژگی دیگر آیت الله طالقانی در این بود که با وجود یکسده درس جدید را خوانده بود اما از علوم و افکار جدید استقبال میکرد. برخلاف بعضی از روحانیون که افتخار میکردند و میگویند که چندین ده سال فقط روس خاص حوزه را خوانده و تدریس کرده اند و کتابهای خارج از حوزه ها را نمیخوانند و تفکرات فلسفویهای مختلف را میشنید با علوم طبیعی و فیزیک و شیمی آشنائی داشت و حتی در زندان در روس انگلیسی میخواند اما در عین حال در برابر علوم غربی خود را نمیباخت و از آنها برای تفسیر قرآن استفاده میکرد

طالقانی مرد سیاست

آیت الله طالقانی استبداد شاهنشاهی را ریشه همه فسادها میدانست و در طول عمر شرافتمندانه اش با رژیم وابسته درگیر بود. چنانچه در مقدمه ای بر کتاب تنبیه الامة و تفرقه المله آیت الله نائینی چنین مینویسند:

از آنروزی که اینجانب در این اجتماع چشم گشودم مردم این سرزمین را زیر تازیانه و چکمه خود خواهان دیدم هر شاهکاهان در خانه منتظر خبری بودیم. کی دستگیرا یا تبعید یا کشته شده. وجه تصمیمی درباره مردم گرفته اند. آن روزهایی که در رقم سرگرم تحصیل بودم روزهایی بود که مردم این کشور سخت در چارفتار استبداد بودند.

این وضع چنان بر روح و اعصاب فشار میآورد که اثر آن در دها و بیماریهاست که تا پایان عمر باقی خواهد بود. در آن روزها با خود می اندیشیدم که این بخشهای دقیق در رفوع و احکام مگر برای عمل و سعادت فرد و اجتماع نیست؟ مردمیکه یک فرد و بایک دسته بی پروا اینگونه براو حکومت و ستم نمایند آباروی صلاح و سعادت را خواهند زد استبداد روح با عظمت او را میآورد از طرف دیگر اسرائیل عامل استعمار در منطقه بر سرزمین و جان و مال مردم حاکم بود و مصیبت آوارهای فلسطینی او را رنج میداد.

در این رابطه در سخنرانی در عید فطر سال ۱۳۴۸ به توضیح خطبه جهاد امیرالمومنین پرداخت و بعد از پایان سخنرانی نظریه خود را برای کمک به مردم فلسطین گسار گذاشت و از مردم خواست که چنین کنند و به این ترتیب سعی بر آن داشت که مناسک اسلامی را در موضوع واقعی خودش - یعنی در مسیر تحقق توحید علمی درجا معه قرار دهد.

می بینیم که سیاست طالقانی تحقیقا از اعتقادات مکتبی و سرچشمه میگرفت. در آنزمان جریانات عافیت طلب به گونه ای عمل میکردند که خود تحکیم بخش پایهای رژیم بودند و طالقانی این جریان را چنین توصیف میکند:

از سوی دیگر میدیدم مردمی در لباس دین مرد خود خواهی را به خواندن آیات و احادیث برگردن مردم سوار میکنند و برایش رکاب میگیرند. دسته دیگر سکوت و احتیاط کاری کار را مضمی میکنند تا آنگاه که بحر خمر مراد مستقر شد و افسار زمان را بدست گرفت و رکاب کشید و همه چیز مردم را زیر پای خود پایمال کرد به دعا و توسل میرد از بند و از خداوند فرج امام زمان علیه السلام را میطلبند.

ای نایب پیغمبر ما جای تو خالیست

بنام خدای صابرس
خلاصه شماره گذشته :

د شماره گذشته راه مجاهد قسمت اول
تدام ولایت علی (ع) و جریان انحرافی سقیفه
مطرح شد . در ادامه بحث برای یادآوری
مطالک شماره گذشته خلاصه ای از آن را بیسان
میداریم . قسمت اول بحث شامل سه محور بود :

الف - ضرورت بحث در ۸ محور بررسی شد
۱ - نیاز به رشد و تعالی و گادسازی داریم
و برای این امر باید اسلام را راهنمای عمل خویش
قرار دهیم ، تحقق این امر در شیوه های پیامبر
و ائمه معصومین است .

۲ - نیاز به مرزبندی حق و باطل در هر
شرایطی تا بتوانیم موضعی صحیح داشته
باشیم در این مورد نیز باید از بهترین مرزبندی
کنندگان حق و باطل یعنی پیامبر و ائمه معصومین
یاری بگیریم .

۳ - مسئله محض و نظار و نقش رهبری در آن
۴ و ۶ - امروزه در مقابل تدام ولایت فقیه
جریانهایی با شکل اسلام ایستاده اند لازم است
برای شناخت اینگونه جریانها قانونمندی و شیوه
های سقیفه را که با این جریانها سنخیت
دارد بشناسیم و در نتیجه بتوانیم با الهام از
شیوه های امام علی (ع) در مقابل جریان
رفرمیست خرنده فعلی که اسلامنمایی دارد
مبارزه کنیم .

۵ - شیوه های سقیفه در بین ما و اجتماع ما
بایگانه دارد برخورد با این جریان باید به
شکل ترکیبی درونی و پاکسازی سنخیتهایمان
با این جریان باشد .

۷ - چگونه حل تضاد شیعه و سنی
۸ - بررسی زمینه ها و نطفه های سقیفه قبل از
فوت پیامبر (ص) و شیوه مبارزه ایشان با آن
ب - چگونه شکل گیری سقیفه که وقایع بعد
از فوت پیامبر تا چگونگی بیعت انصار و قریش با
ابوبکر را شرح بیان میدارد

ج - زمینه های سیاسی ایدئولوژیک سقیفه
که در چند محور بحث شده است . محور
عده آن مسئله وحدت مسلمین (شعار جریان
سقیفه) و وحدت اسلامی (شعار امام
علی (ع) و محورهای دیگر عبارت اند از
مسئله قومیت ، تجربه ، سن ، نزدیکی به
پیامبر نیز شرح داده شده است و
اکنون ادامه بحث :



که در این خط . انحرافی اش موفق نشد ، سعی
کرد که با طرح مسائل انحرافی مردم را از بسیج
جنگ منحرف نماید که در این رابطه دستش
رو شد .
این قانونمندی در رابطه با جریان انحرافی
رفرمیستی سقیفه هم عینیت داشته است . این
جریان هنگامی که پیامبر در آستانه مرگ قرار
داشت برای تسکین و غضب خلافت علی (ع) در
مقابل مرتدین کوتاه آمده و از فرمان پیامبر
جهت تجهیز جیش اسامه سرپیچیدند و آن را
ترک گفته و برای توطئه و زمینه سازی سقیفه بعدینه
آمدند . ولی بعد از اینکه حاکمیت خود را بر
مردم تحمیل کردند برای تثبیت بیشتر خود و
حق نمایی بامرتدین درگیر شدند . حال آنکه
جوهره این جریان مبارزه بامرتدین نبود زیرا
قبلاً سازش کرده بودند . ثانیاً از آنجا که
تضاد بنیادین بامرتدین نداشتند ، در مبارزه
با آنها از همان شیوه های باطل استفاده کردند
یعنوان نمونه خالد ابن ولید که فرمانده سپاه
در این جنگ بود .

در صفحه ۴۱ کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام ،
۱۰۰۰ اعمال خالد و عذرو خیانت او در موارد
مختلف نمایان بود خصوصاً در جنگ بنی
حنیفه که به عشق زن مالک رئیس قوم نسبت به
آنها بعد از مسالمت خیانت کرد و خود مهمان
آنها بود و میهماندارا راکشته وزن او را به زنا
روده بود که عمر در آن واقعه بر او غضب کرد
و خواست خلیفه اول را او را کند که او را حد
بزند ولی ابوبکر خود داری کرد تا زمان عمر که
او را در شام از فرمانداری عزل کرد و در ملا عام
توبیح نمود

دوقطبی کاذب ابوسفیان و خلفاء

از آنجا که جریان انحرافی همیشه با
ملاکهای نادرست و غیراصیل حرکت میکند جریان
سقیفه هم با ملاک غلط قومیت و اصلت نژاد و
قبیله خود شورا برد یگران تحمیل کرد . ابو
سفیان هم از این منطق استفاده کرده ، همراه
عباس نزد علی (ع) میروید و میگوید ، ما از قبیل
بنی هاشم هستیم و نژاد ما شریفترین قبیله قریش
است و نسبت به بنی تیم (قبیله ابوبکر) -
ارجحیت برتری داریم . (۱) ظاهر است
ابوسفیان با این منطق تضاد خود شرا
با خلفا مطرح میکند . اما از آنجا که منطق
ابوسفیان با خلفایی بود هر دو ملاک برتری را
قومیت و قبیله میدانستند تضادشان کاذب بود
ابوسفیان که مسئله اصلی اش حفظ سرمایه و
ثبات تجارت بود و دست بود ، زمانی که عمر
ابوبکر تدام منافع و سرمایه اش را تضمین کردند و
مطمئن شد که طبقه اش حفظ میشود به خلفا
نزدیک شد . حتی میبینیم که خلفا مالی را که
ابوسفیان از باب زکات مسلمین جمع آوری کرده
و جزو بیت المال است به او می بخشند .

پاورقی (۱) :

چرا ابوسفیان که در طی ۲۳ سال مبارزات
حضرت علی (ع) او را میشناخته بنزد ابوبکر
و به او پیشنهاد جنگ با خلفا را میدهد ؟ ابو
سفیان که هنگام فتح مکه و تثبیت سیاسی نظامی
اسلام تسلیم پیامبر شده بود آنقدر رسد اندیش
نیود که بعد از فوت پیامبر ، مانند مرتدین به
مبارزه علنی با اسلام برخیزد او میداند که
اسلام از آنچنان قدرتی برخوردار است که
میتواند هر مخالفتی را در هم بکوبد . بهمین
جهت ابوسفیان سعی میکند که با نزدیک شدن
به حضرت علی (ع) تضاد مهاجرین و انصار را
تشدید کرده و به آن دامن بزند به این
طریق با نزدیک شدن به مهاجرین برای خود مشروعیت
کسب کرده و با شکستن وحدت مسلمین سیادت
گذشته اش در منطقه مکه را اعاده کند .

دوقطبی کاذب اوس و خزرج

این دو طایفه انصار بودند که در دوران
جاهلیت با هم درگیرهای قبیلگی داشتند که بر
اثر اسلام این تضاد هاحل شده و تعالی پیدا
کرده بودند . اما زمینه های اختلاف و بد بینی
که ناشی از تفکرات دوران جاهلیت بود هنوز در میان
این دو ریشه داشت . همزمان با فوت پیامبر ، این
دو طایفه بجای حفظ اسلام و امر جامعه مسلمین
و تدام ولایت بد نبال حفظ سیادت قبیله و قسم
خود جدا از عمل صالح مسلمین ، رفتند .

بد نبال این انحراف می بینیم که عمر و ابوبکر از
این تضاد و انحراف از مسئله اصلی یعنی حق
علی (ع) ، استفاده کرده و حاکمیت خود را بر
آنان تحمیل کردند . بدینصورت که قبیلها اوس
از ترس حاکمیت خزرج ، تن به حاکمیت قریشش
میدهند زیرا سیادت برتری قریش برای آنها
بیشتر قابل پذیرش بود . بهمین ترتیب خزرج
هم سیادت قریش را میپذیرد . این دو جریان
هم ، با ملاک غلطی که داشتند زمینه ای برای
تثبیت بیشتر جریان انحرافی سقیفه میشوند .

دوقطبی کاذب خلفا و مرتدین

همانطور که قبلاً گفتیم
از ویژگیهای جریانهای انحرافی رفرمیستی
این میباشد که ظاهر را در جناح حق هستند
ولی در واقع تضاد بنیادین با باطل دارند .
درگیرشان با جریان باطل کاذب میباشد
شرکت این جریان در درگیری با باطل بیشتر
برای حفظ موقعیت خود و حق نمایی میباشد
نه اینکه در محتوا خواهان از بین رفتن باطل
باشد زیرا در جامعه ای که مرز حق با کفر آشکاره
مشخص باشد ، حق توان بسیج توده ها برای
درگیری با باطل را دارد و این هم بالطبع عرض
این بسیج میشود . ولی جوهره حرکتش دفاع
از حق نیست بلکه سعی میکند با شرکت در
این بسیج اولاً موقعیت خود را تثبیت نماید ،
ثانیاً از رونق بسیج رانحرف نماید . این
جریان همچنین بخاطر سنخیتهایی که با باطل
دارد اکثر از همان شیوه های باطل در مبارزه
اش استفاده میکند . بعنوان نمونه در جنگ
تحمیلی عراق ، بنی صدر که کشش جنگراند است
برای حفظ موقعیت خود ظاهر را در جبهه
شرکت میکرد ولی بدلیل نداشتن تضاد بنیادین
با صدام ، شعار موشک علیه موشک میداد وقتی هم
نیوکار آنها نیکویی شود و ازید کرد ارشسان
در گذرند . در زمان حیات پیامبر حقوق
اینها رعایت میشد و ارزشهای وجودی آنها
مورد تائید و احترام قرار میگرفت . اختلافی هم
که این دو جریان با هم داشتند درون مبارزه با
دشمن اصلی و کفر آشکار حل میگردد و هر کس د
سعی میکردند در ایثار نسبت به دیگری سبقت
بگیرند . بعد از فوت پیامبر این دو جریان به حفظ
حقوق خود در جامعه اصالت داده و به جای
اینکه سعی کنند حق واقعی که ولایت علی (ع)
بود تحقق یابد در پی این بودند که حقوق خود
را حفظ کنند و از آنجا که هنوز ملاک برتری را قومی
و قبیلگی میدانستند ، و از طرفی هم همیشه
مهاجرین یک نوع سیادت و برتری برای خود نسبت
به انصار قائل بودند ، اینها فکر میکردند باید
حق خود را از مهاجرین طلب کنند . در حالیکه
حقوق آنها تنها زمانی رعایت میشد که حق علی
(ع) اد میگردید . از همین موضع انصار به
انحراف کشیده شدند زیرا بجای مسئله اصلی
به تضاد های فرعی کشیده
شدند . بجای اینکه بیینند
نیاز اسلام چیست و تدام امر مسلمین در چیست
و در تجهیز جیش اسامه و تدام ولایت حضرت علی
(ع) تعال شوند ، امرشان را حفظ قومیت و
حفظ حقوق قومی خودشان قرار دادند . عمر
و ابوبکر هم از این زمینه سو استفاده کرده وقتی
به جمع سقیفه وارد میشوند ، با تشدید این مسئله
و اینکه مهاجرین بر شما سیادت دارند . مسئله
سیادت قریش را مطرح کردند و اینکه خلافت
تعلق به مهاجرین و قریش دارد . در حقیقت
میخواستند بگویند به خودشان تعلق دارد .
به این طریق دوقطبی کاذب دامن زده شد .
سنخیتی که این دو قطب با هم داشتند این بود
که هر دو با ملاک قومیت با هم برخورد میکردند
و چون جوهر تضادشان یک امر غیر اسلامی و جاهلی
بود این دو تبدیل به قطبهای کاذب شدند و
دعویشان یک دعوی کاذب بود و دیدیم که
آخراً امر به خاطر سنخیتی که داشتند با
استدلالهای عمره انصار سیادت قریش را پذیرفته
و تسلیم منطق عمر و ابوبکر شدند . و نهایتاً با
ابوبکر بیعت کردند . یکی از مسائلی که در آن
مرحله از زمینه های شکل گیری سقیفه شد ، بوجود
آمدن این دوقطبی کاذب بود که ذهن مردم
را از توجه به مسئله اصلی که حق علی (ع) ولایت
ابوبکر منحرف کرد .

دوقطبی کاذب موثر در شکل گیری و تثبیت سقیفه

در طی رشد حق جریان باطل و انحرافی
همیشه سعی کرده اند بشکلی مانع رشد آن
شوند . در این رابطه شیوه های گوناگون
داشته اند . یکی از شیوه های جریان انحرافی
و رفرمیست این بوده که بجای مبارزه با کفر آشکار
و باطل واقعی تضاد و اختلافات نری را در
جامعه جریان بیکرده اند . و اینکه اگر
دشمن اصلی حق هم درگیر میشدند و لسی
تضاد بنیادین با آن نداشتند . در نتیجه
درگیری این جریانها همیشه کاذب بوده و با
بوجود آوردن این دوقطبی های کاذب سعی
میکردند مردم را به سردرگمی در تشخیص حق
و باطل و در نتیجه به انفعال کشانند و آنها را
از صحنه خارج کنند تا بتوانند خط خود را حاکم
نمایند یا اینکه از بسیج مردم در جهت تثبیت
خود استفاده نمایند . در جریان شکل گیری
سقیفه ما شاهد هستیم که تضاد های کاذبی
در جامعه آنروز بوجود می آید که سعی در
منحرف کردن مردم از تثبیت ولایت علی (ع)
دارد و دست رنج مردم را به انفعال میکشاند . این
تضاد ها امروز هم در امتیگر جامعه ماست و اگر
هوشیارانه با مسائل جامعه برخورد نشود چه
بسا افراد صادق جذب یکی از این قطبهای
کاذب میشوند . برای جلوگیری از تکرار ضررها به
بررسی دقیقتر قطبهای کاذب در شرایط
سقیفه میرد انیم :

دوقطبی کاذب مهاجرین و انصار :

مهاجرین و انصار و جریان رشد یابنده ای بودند
که حرکت ام خدمت های شایان و ایشاره های
فراوان در جهت رشد و گسترش اسلام انجام داده
بودند و هر کدام از این دو در خدمت به
اسلام صاحب مراتب و حقوقی بودند بطوریکه
پیامبر در رابطه با انصار گفته بودند : " به

بررسی شیوه‌های غیر مکتبی جریان انحرافی سقیفه

جریان سقیفه به رهبری عمر و ابوبکر برای تثبیت نظام اسلامی و حفظ ظاهری وحدت مسلمین از هر شیوه‌ای حتی از شیوه‌های غیر اسلامی و غیر انسانی استفاده می‌کردند. تداوم این شیوه‌ها بتدریج موجب شد ارزشها از نظام اسلامی بیرون رفته و نظام حکومتی منحرف شود. تا جائیکه به شیوه‌های عثمان و معاویه ختم می‌شود که دیگر اثری از اسلام در آن نبود. بررسی این شیوه‌های انحرافی درسی است برای ما تا در جمهوری اسلامی از اعمال اینگونه شیوه‌ها که ظاهراً "برای حفظ جمهوری اسلامی است و در واقع منجر به محو ارزشهای اسلام انقلابی میشود جلوگیری شود. پیام ۸ ماهه‌ای امام نیز تاکید بسیاری روی مبارزه با شیوه‌های انحرافی داشت و خواسته‌ام از این رفتن شیوه‌های غیر اسلامی در نهاد ها و ارگانها بود. حال به بررسی شیوه‌های غیر اسلامی سقیفه می‌پردازیم:

۱- شیوه جوسازی

یکی از شیوه‌های غیر اسلامی جریان سقیفه، جوسازی بود. بدینصورت که برای رسیدن به اهدافشان از جوسازی که شیوه‌ای غیر اصولی بود استفاده می‌کردند. مثلاً "باینکه عمر هنگام فوت پیامبر حضور داشت حتی از دادن ورق و قلم به پیامبر برای وصیت خود داری کرده بود، بعد از فوت پیامبر جلوی خانه آنحضرت آمده و فریاد زد که محمد (ص) نمرده و هر کس گوید او مرده است با این شمشیر گردنش را میزنم. او باز خواهد گشت و دین خدا را حفظ خواهد کرد. مردم هم دلایل و آیاتی در رد صحبت‌های عمر آوردند ولی او قبول نمی‌کرد. با این صحبتها جوکا ذبی در بین مردم افتاد که صحبت‌هایشان از فوت پیامبر و احیاناً جا نشین ایشان به این کشیده شد که آیا پیامبر میمیرد یا نه. این جوکا ذبی را عمر تا رسیدن ابوبکر نگه داشت.

این جریان با جوسازی سعی می‌کرد نیروها را به انحراف و سپس به انفعال بکشاند تا بتواند خط خود را حاکم کند حال آنکه خط اصیل پیامبر بسیج بود و عمل صالح جیش اسامه بود.

۲- باند بازی

بعد از فوت پیامبر، عمر جوکا ذبی در مقابل خانه پیامبر بوجود می‌آورد تا ابوبکر از "سبح" بازگردد پس از آن، ابوبکر به خانه پیامبر نزد حضرت علی (ع) و عباس می‌رود. عمر و ابوعبیده هم به مسجد می‌روند و در آنجا سرگرم صحبت میشوند. بعد از چندی یکتفراز سقیفه بنی ساعد از جریان شورای انصار برای آیند و خبر می‌سازد. عمر و ابوعبیده راه خانه پیامبر می‌فرستد و ابوبکر را صد می‌زنند و بعد هر سه به طرف سقیفه برآه می‌افتند. در سقیفه با جوسازی ها و صحبت‌هایی که این سه تن می‌کنند و شرح آن در تکرار سقیفه آمده است، خلافت به ابوبکر مشاورت خلیفه و قضا به عمر و امور مالی به ابوعبیده میرسد.

۳- شیوه تهدید و ارعاب یا برخورد نظامی با جریانات فکری مخالف

عمر اصولاً با جریانهای فکری مخالف شتابزده و با خشونت برخورد میکرد. از جمله با سعد ابن عباد که در جریان سقیفه مخالف بیعت بود، وقتی جو غالب بدست عمر و ابوبکر

۷- شیوه تصفیه

جریان سقیفه که با باند بازی و جوسازی حاکم شده بود، بطور مسلم قبول نمی‌کرد افرادی که در باندش نیستند و یا تسلیم محض آنان نمی‌باشند در حاکمیت سهمی باشند و عمدتاً افراد بنی هاشم و کسانی را که موضع انقلابی داشته و از امام علی (ع) حمایت می‌کردند تصفیه میشدند برای نمونه خالد بن سعید بن هاشم فرمانده لشکر شام که گویا گرایش به بنی هاشم داشته به توصیه عمر کارگذاشته میشود. یا ابن عباس یکی دیگر از افراد بنی هاشم که در زمان پیامبر و ابی بنی منقه‌ای بنام "حمص" بود بعد از فوت او به وسیله ابوبکر کارگذاشته میشود. استدلال او این بود که اگر این فرد ولسی باشد خاندان بنی هاشم از این طریق در حاکمیت پایگاه پیدا کرد و مرشد میکنند او دستور داده بسود که از بنی هاشم کسی سرکار نماند.

۸- شیوه تطبیح

باند سقیفه از آنجا که با شیوه اصولی (بسیج مردم در عمل صالح) حاکمیت خود را بدست نیاورده بود، بالطبع برای تداوم حکومت خودش میبایست تاجایی که ممکن است جریانهای راکه ظاهراً مخالف هستند بوسیله شیوه‌های غیر اصولی یا جذب کند و یا تهدید و ارعاب و ترور... آنها را به تسکوت و انفعال وادارد. یکس از شیوه‌های غیر مکتبی آنها برای جذب، شیوه تطبیح بود. آنها سعی می‌کردند مخالفینی را که زمینه داشتند با این شیوه جذب کنند. بعنوان مثال ابوسفیان بود که برای جذب او زکاتی را که جمع آوری کرده بود و مربوط به بیت‌المسال مسلمین بود به او بخشیدند و در موردی برای اینکه عباس را راضی به بیعت کنند به او میگویند: "چون تو صومری رسول خدا و بهترین خاندانی آمده‌ایم تا برای فرزندانانت نصیبی از این کار قرار دهیم" ولی عباس این پیشنهاد را نپذیرفت.

۹- شیوه فشار اقتصادی

یکی دیگر از شیوه‌های غیر اسلامی جریان انحرافی رفویستی سقیفه که عمدتاً در رابطه با خاندان علی (ع) و یاران او بکار گرفتند شیوه فشار اقتصادی بود. نمونه اش گرفتن فدک از حضرت فاطمه (س) بود. این حرکت در واقع به قصد انزولی سیاسی خاندان علی بود زیرا اگر فدک در دست فاطمه (س) باقی میماند این یک نوع به رسمیت شناختن خاندان علی (ع) به وسیله خلفا بود و میتوانست در جهت اهداف مکتبی خاندان علی (ع) قرار بگیرد. گرفتن فدک هم رد موضع سیاسی حضرت علی (ع) از نظر خلفا بود و هم فشار اقتصادی به خاندان او بود. البته این جریان از موضع ظاهراً مترقی این حرکت را انجام داد زیرا بانه آنها تهیه مخارج جنگ از طریق فروش تولیدات فدک بود. جوهر گرفتن فدک در واقع فشار اقتصادی روی جریان اصیل امامت بوده و خلغ یک کردن ولایت و امامت از یک امکان اقتصادی. البته

۶- شیوه تکبیر

باند سقیفه که با شعا اسلام و وحدت مسلمین حاکمیت خود را بر مردم تحمیل کرده بود سعی می‌کرد برای تثبیت خود و انزوی مخالفین به آنها مارک غیر اسلامی و غیر شرعی بودن بزنند و به اکثر جریانهای مخالف مارک تفرقه و فتنه گری زدند عمر بارها از خانه علی (ع) به عنوان مرکز فتنه یاد کرده بود برای اینکه بتواند در خانه فاطمه را آتش بزند عدم شرکت

۴- شیوه تهمت یا مارک زنی

هنگامی که امام علی (ع) اعلام کرد که خلافت غصب شده حق او بوده است این جریان به او مارک می‌زدند که شما می‌خواهید همانطور که مقام نبوت در خاندان شما بود خلافت را هم

یکی از شیوه‌های جریانات انحرافی در فریمس این بوده که بجای مبارزه با کفر آشکار و باطل واقعی، تضادها و اختلافات فرعی را در جامعه جریان می‌کردند و اینگونه بدستن اصل حق هم درگیر میشده اند ولی تضاد بنیادی با آن نداشته‌اند. در نتیجه درگیری این جریانات همیشه کاذب بوده و با وجود آوردن این در تظیی‌های کاذب می‌کرده‌اند مردم را به سردرگمی و تشخیص حق و باطل و در نتیجه به انفعال میکشاندند.

میزدند امام علی (ع) در خطبه نهج البلاغه میگوید: "اگر سخنی بگویم میگویند برای حرص به امارت و پادشاهی است و اگر خاموش نشسته سخنی نگویم میگویند از مرگ و کشته شدن میترسد." با این شیوه جریان سقیفه تمام جریانات مخالف خود را می‌توانست منزوی کند تا هیچکس دیگر جرأت برخورد با انحرافات بر نداشته باشد. البته با این شیوه غلط بالاخره جریانات منافق می‌توانند رشد کنند زیرا ظاهراً چشم و گوش بسته تسلیم می‌شوند و مخالفتی نمی‌کنند در حالیکه در محتوی بر اعتقادات گذشته‌شان پابرجا هستند مثلاً می بینیم بسیاری افراد نالایق در کار این جریان رشد می‌کنند.

۵- شیوه ترور

یکی دیگر از شیوه‌هایی که جریان سقیفه برای تثبیت خود از آن استفاده میکرد شیوه ترور بود که در رابطه با مخالفین از آن استفاده مینمود که ترور سعد ابن عباد از آن جمله بود چند روز بعد از بیعت مردم عمر متوجه میشود سعد هنوز بیعت نکرده فردی را نزد او فرستاده و او را دعوت به بیعت میکند سعد جواب میدهد "تا زنده است بیعت نمی‌کند و حتماً با شمشیرش خون آنها را می‌ریزد". مدت زمانی بعد که سعد به شام رفته بود، عمر خالد ابن ولید و فرد دیگری را مخفیانه برای کشتن او میفرستد که این دو، دو تیر به قلب سعد می‌زنند. در محلی که او راکشته بودند همیشه صدایی شنیده میشد که میگفت "ما سعد را کشتیم". و این طور وانمود میشد که خلافت در این کار نقش نداشته است. با این شیوه گر چه اینها ظاهراً پایه‌های نظام خود، که آن را اسلام هم میدانستند محکم میکردند ولی در واقع ضعف خود را در رویاروی با مخالفین نشان میدادند.

۳- شیوه تهدید و ارعاب یا برخورد نظامی با جریانات فکری مخالف

عمر چون توان برخورد اصولی و صحیح با جریانات مخالف را نداشت مجبور به اعمال شیوه‌های غیر اسلامی و انسانی و غیر منطقی می‌باشد. این شیوه‌ها مسئله‌ای از دو طرف را حل نمیکرد بلکه باعث بوجود آمدن احتیاق و آتش زیر خاکستر نیز میشد و موجب میشد مردم از موضع ترس حرفی نزنند، نه از موضع تسلیم به منطق برتر.

ابوعبیده افتاد و توانستند انصار را به بیعت با ابوبکر بکشانند، عمر با شمشیر به طرف سعد ابن عباد رفته و فریاد زد این فتنه است او را بکشید که ابوعبیده مانع او شد، عمر صبر و تحمل برخورد ایدئولوژیک - سیاسی با افکار مخالف خودش را نداشت بلکه سعی - خواست به زور آنان را از سر راهش بردارد تا مخالفی نداشته باشد.

نمونه دیگر برخورد عمر با حضرت علی (ع) است. حضرت علی (ع) پس از اینکه مردم با ابوبکر بیعت کردند و انصار نیز به ایشان یاری نمودند صبر اختیار کردند و در منزل به جمع آوری و تدوین قرآن مشغول شدند. این شیوه علی (ع) باعث شد برای مردم سؤال ایجا نشود که چرا علی (ع) در خانه نشسته است. به همین خاطر اطراف خانه ایشان جمع میشدند و پرس و جو میکردند. این امر موجب شده بود که جو متشنجی در شهر بوجود آید که نشان دهنده مخالفت با خلیفه بود عمر برای گرفتن بیعت از کسانی که با علی (ع) همراهی میکردند، میخواست بسزور حضرت را وادار به بیعت نماید. به همین جهت با گروهی به خانه فاطمه حمله کرد و در خانه را آتش زدند و پهلوی حضرت فاطمه (س) را شکستند.

عمر چون توان برخورد اصولی و صحیح با جریانات مخالف را نداشت مجبور به اعمال شیوه‌های غیر اسلامی و انسانی و غیر منطقی می‌شد. این شیوه نه تنها مسئله‌ای از دو طرف حل نمی‌کرد بلکه باعث بوجود آمدن احتیاق و آتش زیر خاکستر نیز میشد و موجب میشد مردم از موضع ترس حرفی نزنند، نه اینکه از موضع تسلیم شدگی به منطق برتر باشد. نمونه دیگر هنگام بیعت گرفتن از مردم در مسجد میباشد که عده‌ای شمشیر بدست را در آنجا کنار ابوبکر گذاشته بود و یا هنگامی که جلوی خانه پیامبر مردم را تهدید می‌کند که اگر کسی بگوید پیامبر فوت کرده او را می‌کشد.

۴- شیوه تهمت یا مارک زنی
هنگامی که امام علی (ع) اعلام کرد که خلافت غصب شده حق او بوده است این جریان به او مارک می‌زدند که شما می‌خواهید همانطور که مقام نبوت در خاندان شما بود خلافت را هم

عمر چون توان برخورد اصولی و صحیح با جریانات مخالف را نداشت مجبور به اعمال شیوه‌های غیر اسلامی و انسانی و غیر منطقی می‌باشد. این شیوه‌ها مسئله‌ای از دو طرف را حل نمیکرد بلکه باعث بوجود آمدن احتیاق و آتش زیر خاکستر نیز میشد و موجب میشد مردم از موضع ترس حرفی نزنند، نه از موضع تسلیم به منطق برتر.



آیت الله العظمی منتظری امید است و امام

۱ - آفت انقلاب تهمت و تفرقه

کیهان ۶۲/۴/۶
آیت الله منتظری:
انچه امروز نیاز واقعی انقلاب است حفظ وحدت کلمه و خلوص نیت همه نیروهای مومن و لایق است نیروهایی که می توانند با اخلاص و بدور از هر انگیزه ای غیر از رضای خدا به انقلاب و اسلام خدمت نمایند. امروز خطر تشتت نیروها و دل سردی و احساس تنهایی و به انزوا کشیده شدن افراد و نیروهای با کفایت و متعهد در اثر جو سازیها و شایعه پراکنیها و تهمت زدنها و اعمال غرضها و ترتیب اثر دادن بر می گویند ها گاملا احساس میشود.

منطق اسرائیل زور و قلدری است. جواب اسلحه را باید با اسلحه داد و قدس را با ایمان بخدا فتح کرد. آری روز قدس روز یاد آوری کشتارهای بیرحمانه در یاسین و گل زعتر و اردگاههای صبرا و شتیلا است. گفته اند انسان از ماده نسبیان گرفته شده آری ما انسانها چه زود فراموش میکنیم اینهمه کشتارها و جنتها را در صورتیکه نباید گذاشت خون این مظلومان که قربانی جنایات و سازشهای سیاسی شرق و غرب شده اند پایمال شود. تخماسه آنها را زنده نگه داشت.

در حالیکه اسرائیل این سنگ زنجیری آمریکا بطن مطبوعه توغالی پیش نیست و اگر سران کشورهای نفت منطقه غیرت داشتند و یک ماه نفت خود را از آمریکا و غرب قطع میکردند و یا اقلای دلارهای خود را از بانک های آمریکا بیرون میکشیدند به یقین پشت آمریکا را میشکستند و آنرا مجبور به تجدید نظر در حمایتهای خود از اسرائیل مینمودند ولی انوس که نه دین است و نه غیرت ... از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که هر کس بشنود فریاد مظلومی را که از مسلمین استمداد کند و او را اجابت نکند مسلمان نیست.

اسلحه را با اسلحه باید جواب داد به برادران فلسطینی بارها تذکر داده شده است که سیاست بازی و مذاکرات دیپلماسی با دولت فلسطین آزاد نمیشود و کلید فتح فلسطین نه در قاس است و نه در دست ریگان فقط فقط از راه ایمان بخدا و فداکاری و استقامت و جهاد فی سبیل الله است که میشود فلسطین را فتح نمود و قدس عزیز را آزاد کرد.

فراموش نکنیم که جنگ با عراق مسئله اساسی ماست و حرکت به جبهه بعد از کفایت بر همه واجب است و رزمندگان مادر جبهه هاید اند که راه قدس برای ما از کربلا میگردد.

کیهان ۶۲/۵/۱
پیامهائمه جمعه و جماعات جهان - اسلام در مورد عواقب کارشکنیهای حکام سعودی ... اگر حکومت سعودی در گرفتار و شعارهای خود صادق است و از اشغال مسجد الاقصی توسط اسرائیل - ناراحت است چرا باند ای مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مد ظله العالی و دولت اسلامی

۲ - بر خورد با منحرفین
به جوانان عزیز که هنوز در دام اعمال گروهکهای منحرف قرار دارند گوشزد میکنم که شما جوانان که عملکرد این گروهکها را در طول چهار سال بعد از انقلاب مشاهده نمودید و دیدید که چگونه آب به آسیاب دشمنان اسلام و انقلاب میریزند و خواسته های آنان را تامین میکنند پس چرا به خود نمی آید و از گذشته خود عبرت نمیگیرید. در ضرر از هر کجا که برگردد به نفع است. شما که فرزندان همین کشور هستید اگر به اسلام و انقلاب ایمان دارید یا برای خدمت به کشور خود راهی جز راه است و امام سراغ دارید؟ جای تأسف است شما جوانان عزیز هیچ به استقلال سیاسی و شخصیت اسلامی مردم فکر نمیکنید و هنوز در این خیال هستید که برای اداره کردن کشور حتما باید به اردوگاه غرب و یا شرق ملحق شد. چرا از تاریخ انقلابهای معاصر بسیاری از کشورهای دور و نزدیک درسها نمی آموزید که پس از آن همه تلفات و خسارتها بالاخره از بلوک غرب یا شرق سر در آورند و اکنون در مدار

بنام خدای شهیدان

توضیح:

- ۱ - از آنجائیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کماهی همانطور که هستند) تحلیلها را بارور مینماید بر آن شدیم، منطقه وجهان.
- ۲ - دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران که بعین کار اختصاص دادیم درج نمائیم.
- ۳ - کلمه به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم.
- ۴ - اهداف مورد نظر از این کار عبارتند از:
 - ۱ - کمک به باروری تحلیلهای سیاسی نیروهای میگرد.
 - ۲ - دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران همانطور که هستند (تحلیلها را بارور مینماید بر آن شدیم، منطقه وجهان).
 - ۳ - کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم.
 - ۴ - اهداف مورد نظر از این کار عبارتند از:
 - ۱ - کمک به باروری تحلیلهای سیاسی نیروهای میگرد.

اعتباری ندارد. . . اکنون که انقلاب پیروز شده انتظار می رود دولت در برنامه های خود کاملا به اهمیت این موضوع توجه داشته باشد که علاوه بر مسائل آموزش و پرورش و بالا بردن رشد فکری آنان ایجاد تعاونیهای بسیار برای عشایر مهم است چه بسا دیده شده افراد سود جوئی محصولات کشاورزی و دامی عشایر را با قیمتهای ناچیزی خریداری کرده و در مقابل اجناس و کالا های مورد نیاز آنان را با قیمت های سنگین به آنان می فروشند ولی اگر دولت تعاونیهای بسیار متشکل از افراد برای عشایر تشکیل دهد و متقابلا آنان را به تولید تشویق نماید، منافع زیادی از این راه عاید عشایر روستا و شهرهای کشور خواهد شد.

اینگونه سند مالکیتها که با این شکل بدست آمده شرعا اعتباری ندارد و همچنین پروانه هائی که معمولا خانها و یا افراد متمکن دیگر به عشایر برای چراندن گوسفند هایشان می دادند و در مقابل پول سنگین می گرفتند، مشروعیت ندارد زیرا اینگونه مراتع عمومی که متعلق به روستای خاصی نیست، مربوط به دولت اسلامی است و بر دولت است که آنها را از ضررهای طبیعی و غیر طبیعی حفظ کند و در اختیار عشایر و افراد محروم قرار دهد.

کیهان ۶۲/۵/۱۲
آیت الله منتظری در دیدار با انجمن اسلام دانشجویان در آمریکا و اروپا . . . اگر کسی روزی اشتباهی یا فرضا انحرافی داشت و شمامطمئن شدید که فعلا متوجه و بیدار شده نباید او را طرد کنید.

کیهان ۶۲/۵/۲۵
در دیدار با فرماندهان نیروی زمینی: از جمله چیزهایی که در نیرو

ایران همصد انمیشود و نیروهای مادی خود را بجای تقویت جبهه کفورتجاوز صدام کافره جبهه های مبارزه با اسرائیل دشمن خدا و خلق بسیج نمیکند رهنمود به دادگاهها

کیهان ۶۲/۵/۱۱
آیت الله منتظری در دیدار با وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه: دولت باید سیاستی اتخاذ کند که تولید کننده داخلی احساس نماید که تولید برایش صرف میکند. در غیر اینصورت نیروی خود را صرف چیزهایی میکند که فقط استفادها داشته باشد و حساب نیاز کشور و مردم را اصلا نمیکند. . . تا وقتی کالا های ضروری در شهرهای بزرگ بخاطر سوپرسید دولت ارزانتر از روستاها بدست مردم میرسد انگیزه ای برای ماندن در روستا و افزایش تولید دام و مواد غذایی ضروری مثل گندم و غیره بوجود نیاید باید به هر نحو شده این سیاست غلط عوض شود و کاری کنیم که تولید کننده روستائی احساس کند ماندن در روستا و تولید نمودن به صرفه او خواهد بود.

کیهان ۶۲/۵/۱۵
اطلاعات . . . تا وقتی مسائل روستائیان بدور از شعار، در عمل حل نشود بسیاری از مشکلات کشور قابل حل نخواهد بود.

اطلاعات ۶۲/۵/۱۶
اسناد مالکیت مراتع طبیعی که به شیوه خان بازی بدست آمده شرعا

ایران همصد انمیشود و نیروهای مادی خود را بجای تقویت جبهه کفورتجاوز صدام کافره جبهه های مبارزه با اسرائیل دشمن خدا و خلق بسیج نمیکند رهنمود به دادگاهها

کیهان ۶۲/۵/۸
آنچه مهم است توجه آقایان به این نکته که آنها مواظب باشند از تند رویهای که احمیان امکان است شرایطی آنرا ایجاد کند پرهیز نمایند منظور از تشکیل دادگاهها انتقام جویی از مجرمین نیست مقصود اصلی جلوگیری از ظلم رجامعه و ایجاد فتنه و توطئه میباشد. بنابراین به همین مقدار باید اکتفا شود و متقابلا به اشخاص فاسد و اغفال شده باید مجال فکر کردن داده شود چه سامکن است تحول فکری در نفوس اینگونه افراد پیدا شود. و آنان در رأیند میتوانند به کشورشان خدمت کنند.

کیهان ۶۲/۵/۹
۱ - اصالت دادن به امکانات و تشکیلات زمینه فرور و خود محوری امروز خطر فرور و سقوط در دام خود بینی و خود محوری هم روحانیت و هم ارتش و سپاه ما را تهدید میکند فکند خدای ناگردد روحانین متعهدی که در ارگانهای مختلف مشغول خدمت هستند، گرفتار فرور شوند و خیال کنند که باید خود را از اجتماع جدا ببینند اگر این شرایط خاص نا امید وار همه زودی عوض شود ما را به سوی زندگی اشرا فیت و تجملات و تشریفات زاید بکشاند بد انیم که آغاز سقوطمان خواهد بود.

کیهان ۶۲/۵/۹
آیت الله منتظری:
۲ - هدایت اصل است نه کینه توزی . . . سپاه پاسداران اگر

کیهان ۶۲/۵/۱۶
اطلاعات
اسناد مالکیت مراتع طبیعی که به شیوه خان بازی بدست آمده شرعا



های مسلح باید به آن توجه شود تشویق نیروها و مغزهای لایسق و استفاد از آنها مشورت با آنان است چه بسا یک سرباز و درجه دار و یک پاسدار بسیجی ساده طرح و یا فکری دارد که اگر وقت شود و به مورد عمل گذاشته شود بسیار مفید و موثر خواهد بود.

نباید برخورد با چنین نیروهای لایق و با کفایت دل سردکننده باشد البته این بمعنای مراعات نکردن سلسله مراتب نظامی نیست بلکه در مقام مشورت یک فرمانده باید از فکر و نظرات افراد زیر دست خود به نحوه احسن استفاده کنند و به آنان مجال اظهار وجود و اعلام طرح خودشان بدهند و لیکن پیرامون مشورت کامل و تصمیم گیری فرماندهی باید دیگران اطاعت کنند مراتب نظامی باید دقیقاً مراعات شود.

اخبار داخلی

ترورسم اقتصادی باندای سیاه

کیهان ۶۲/۴/۱۹
مهندس میر حسین موسوی در مصاحبه ای مهم گفت: متأسفانه عده ای قلیل و محترک و گران فروش سعی میکنند خود را نماینده بازار و نمونه بازار قلمداد کنند وقتی کسی در دولت یا مجلس یا نماز جمعه ها به گران فروش و محترک حملیه میکند اینها هیاهو براه می اندازند که به بازار حمله شد من فکر می کنم هم دولت مردان و هم بازاریبان مؤمن و متعهد باید متوجه به این توطئه باشند و نگذارند تروریست های اقتصادی و باند های سیاه از زبان آنها صحبت کنند. این بازاریبان که در همین وضع حاضرند قسمت عده ای از در آمد خود را صرف کمک به جبهه کنند و در مسیر تقویت انقلاب به کار اندازند آیا ادعای برگشتن آنها از انقلاب بخاطر مسائل اقتصادی می تواند واقعیت داشته باشد؟ آیا کسی که سودش در خطر است و الا آن مخالف پیاده شدن همه قوانین اسلامی عدالت خواهانه قانون اساسی است بیشتر فکری می داند یا شهید بهشتیها و شهید صدوقیها. آیا این ها فقیه تراز افتخار فقه شیعیه حضرت آیت الله منتظری شده اند؟ این حضرات نه نظم مجلس را قبول دارند و نه نظم شورای نگهبان را بنده نمی گویم این تما و نیها نقص ندارند و احیاناً در موارد کمی با سوء استفاده روبرو نمیشوم ولی در مجموع اگر منصفانه قضاوت کنیم یکی از نهاد های انقلابی کشور محسوب میشوند.

یعنی نابودی بخش خصوصی - بازاریبان پیرو خط امام باید خط عدل و خط جمهوری اسلامی و حاکمیت ارزش های الهی را در بازار تثبیت کنند و بازار را هم پایگاهی گرم برای خیزش انقلابی نگهدارند و اگر این کار جفی گرفته نشود یک عده معدود فاسد بازار را فاسد جلوه خواهند داد. گاهی برائوسو مدیترتها نوکران قدرت های بزرگ کپین می گیرند و میخواهند از این مسائل استفاده کنند نظیر قطع آب و برق افسریه که چند عامل از جمله سوء مدیریت از سوی برخی از مسئولین آب و استفاده گسترده غیر مجاز از برق توسط عده ای مردم و دست بدست هم داده و آن قطعی را بوجود آورد و عده ای ضد انقلاب در این بین خواستند استفاد کنند دشمن میخواهد ما جنگ را فراموش کنیم و به مسائل انحرافی کشانده شویم ولی ما اعلام می کنیم دولت هشیار است و گول نمیخورد.

کیهان ۶۲/۴/۲۲
در استان کل انقلاب: هماگونه که اصل توزیع مواد مخدر و ترویج فساد نیز بوسیله اینها (عده معدودی سرمایه دار، پلسته) انجام بگیرد ما یقین داریم که این مسئله تنها بخاطر مسائل مادی و رفاه طلبی نیست بلکه مسائل سیاسی نیز با آن در آمیخته است. وی در مورد جریان افسریه گفت اول اینکه چرا برق منطقه ای که اکثر مردم آن حزب الله متدین و آگاه هستند قطع شود و آن دستی که موجب قطع برق شده باید قطع شود و این مسئله را دادسرای انقلاب اسلامی مرکز دنبال میکند دوم اینکه در میان مردم وابستگی از گروهکها رخنه کرده بودند تا مسئله برق را سیاسی کنند.

بکشد دولت و مجلس و ارکان جمهوری اسلامی را تضعیف بلکه تخریب کند دانسته و ندانسته آب به آسیاب ضد انقلاب ریخته به انقلاب و خون شهدا خیانت کرده است. وی ایجاد مدارس ملی را در جمهوری اسلامی مخالف موازین اسلامی دانست و از وزیر محترم آموزش و پرورش خواست جلسو این سیاستها و تصمیم گیریها را بگیرند و اجازه ندهند روشها و سیاستهای شهید رجایی و شهید باهنر بوسیله این جریانها به فراموشی سپرده شود. وی از حاکم قضائی خواست به مسئله احتکار و گرانفروشی و ایجاد بازار سیاه بعنوان یک عمل ضد اسلامی بنگرد و با تسرور سیاستهای اقتصادی همانند تروریست نظامی و سیاسی عمل نمایند.

کیهان ۶۲/۴/۲۲
رئیس مجلس در عید سعید فطر گفت: در داخل کشور امیدمان این است که توجه بیشتری از طرف دولت و مجلس و مردم جهاد گران به حل مشکل گرانی و توزیع ناعادلانه کالا بشود که این مشکل که آخرین امید ضد انقلاب است، حل بشود.

رئیس جمهور در نماز عید فطر: شما توده های مردم وای مسئولان دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و همه کسانی که در ذهن و روح مردم موثر هستید ایمن اجتماع عظیم مردم را خدشه دار

تکنید هر فریادی که در میان ملتها گذورت و اختلاف ایجاد کند فریاد شیطان است. مادر مسائل داخلی و خارجی فقط وظیفه شرعی را می شناسیم و ملاحظه این قشر و آن قشر را نخواهیم کرد مجلس تصمیم بگیرد دولت عمل خواهد کرد. دولت امروز ناچار است با قاطعیت وارد میدان شود دولت و قوه قضائیه در مقابل محتکران این ظالمان و خون خواران وارد عمل خواهد شد.

کیهان ۶۲/۴/۳
محمود عزیزیان حاکم شرع درگاه و دادسرای انقلاب: اگر بازاریبان متعهد و مسلمان آن تعداد معدود را به مامعرفی کنند خواهیم توانست شرشان را از سر مردم و بازاریبان متعهد کم کنیم. برای مافرق نمی کند بازاریبان ادارات دولتی باشد یا حتی اگر از اسم اماکن مقدسه سوء استفاده کرده باشند به اشد مجازات محکوم خواهند شد و میزان سوء استفاده ای را که کرده اند تا چند برابر آن از آنها گرفته میشود و ضمن تعزیر بدنی مغازه یا بنگاه آنان چندین روز تا چندین ماه تعطیل خواهیم کرد که این امر تاکنون زیاد در دادگاه ما اتفاق افتاده اما اگر گرانفروشی مقاصد سیاسی داشته باشد ما اینها را زمره مفسد فی الارض و محارب قرار داده و علی را با آنها خواهیم کرد که با محاربین و مفسدین می کنند.

راه مجاهد: امام در صحبت های عید فطر، پیام مجلس خبرگان لبه تیز حملات متوجه طرفداران اسلام ملوکسی و عافیت طلبانه ای که در مقابل ابرق رتبه بدلت تن داده و ظاهراً منتظر ظهور حضرت هستند جامعه ما اختلافات و درگیری بسیار است ولی اصلی فرعی کردن (اهم و مهم) ایمن اختلافات و جهت دادن صحیح به آنها در صحبت های امام مشخص است عده ای سعی دارند تضادها را موجود رانشار دولت و بازار قلمداد کرده و رسانده آنرا تشدید کنند و عده ای میخواهند ساده اندیشانه تضاد واقعی را، ماست مالی کنند. و در این بین عده ای این جریانی

روز عاشورا در دزفول
برادر در کمال استهلا میگفت ما از حسین امیر حقیم وقتی بچه ها ما دنیا ساید در دوازده ساله تر است که ما میم و مومتر که شهید شدیم نیز در نفس پر از خوشتر است که ما میمیزیم، پس ما از اول تا آخر که ما هستیم.

راه مجاهد: جریان افسریه همانطور که نخست وزیر در رابطه با جریان افسریه گفتند سو مد بریت هائی در بین بود و دستهای مرموزی به این ناراضی تبهاد امن زد هاند ولی با مد توجه کرد که مشکلاتی چون کم توجهی به روستا و کشاورزی و تکیه اصلی به درآمد نفتود ز نتیجه گسترش شهر های بزرگ و از سوی دیگر کارشکنی دستهای مرموز و تحریکات گروه های منحرف این جریان را بوجود آورد. ضد انقلاب سعی دارد ناراضی راد در رون افزایش داده و عده های شهادت طلب را از مسیر اصلی انقلاب دور کرد و مسئولین متعهد هم متأسفانه در این زمینه بخاطر مسائل سیاسی به این جور دامن می زنند این افراد بهتر از هر کسی به وضعیت اقتصاد و سر و سامان دهند میدانند که دادن ۳۰۰۰ مجوز ساوچی فعاينده مردم ساوه گفت: برای ایجاد صنعت به چه معنی هر کس و هر مقام و هر نهاد و است ولی سعی می کنند این موضوع را در اذهان مردم پنهان نگاه دارند همین باند سیاه در بازار شایعه و گرانی را بزرگ جلوه دهد ایجاد می کند که حمایت از تعاونها و علاوه جنگ را فرعی نموده به جاشیه

کیهان ۶۲/۶/۷
در دیدار با شورای فرماندهی وزیر و نمایندگان امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسئولین سپاه باید توجه داشته باشند که ارکان انقلابی را گرفتار تشکیلات زائد و چیزهایی که ضرورت ندارد نکنند و سعی کنند با همان سادگی و مردمی بودن نیروهای را جذب و آماده نبرد در جبهه ها بنمایند باید به مسئله آموزش نظامی در سپاه پیش از پیش توجه و وقت شود نباید در اثر سهل انگاری در این امر مهم خسارت به نیروها انسانی و مادی سپاه وارد شود کسانی که مسولیت آموزش سپاه را میپذیرند باید افراد لایق و با کفایت دارای تجربه کافی باشند تا بتوانند آموزش سپاه را بالا ببرند.

کیهان ۶۲/۶/۱۵
آیت الله موسوی اردبیلی و اعضای شورای عالی قضائی تقاضای من همیشه این بوده که حتی المقدور در رسیدگی به پرونده و نسبت به رفاه زندانیها بیشترین تلاش بعمل آید که فرزندان اغفال شده کشور در سایه تعلیمات اسلامی تربیت شوند و سرانجام خدمت گذار اسلام و کشور اسلامیشان باشند.

کیهان ۶۲/۶/۱۵
در دیدار با گروهی از روحانیون اهل تسنن کردستان و آذربایجان اگر منظور ما از انقلاب اسلامی اشاعه اسلام محصور در مساجد و فاقد تحرک و جنبش بود و کاری به سیاست و اقتصاد و سرنوشت ملل و کشورهای اسلامی نداشته ایم و انقلاب ما به گونه ای بود که ضرر به منافع آمریکا و شوروی و قدرتهای بزرگ وارد نیماورد. البته مشکلاتی پیش نیماورد ولی چون مقصدشان از انقلاب ترویج اسلام راستین و حرکت زا و مفایر با منافع شرق و غرب است قهرراً ابر قدرتها با تحمیل جنگ و



کیهان ۶۲/۵/۱۱

قسمتی از استعفانامه وزیر
بازرگانی : با اینکه کارشناسی ها
حق کشی های بعضی از دستگاهها
مدیران و خدمتگزاران در
حق جوی تلاشگرا را آزرده خاطر
مگردم ساختن تجربیاتشایسته
- ای برای بازرگانی کشور در مسیر
پایه کردن اصل ۴۴ قانون اساسی
(با تأیید شورای محترم نگهبان)
بدست آمد اینکه مشکلات ناشی
از هماهنگی کلا دستگاه های
اقتصادی همچنان پیچیده تر
میشود برای اینکه سبب رکود کارها
و تاخیر خدمت نسبت به محرومان
و مستضعفان نشود استعفای
خویش را تقدیم میکنم .
مشکلات به قرار زیر است :

- ۱- عدم برابری اختیارات و مسئولیت ها
- ۲- عدم همکاری های لازم مسئولان بخش های اقتصادی زیربط
- ۳- عدم امنیت شغلی برای مدیران و خدمتگزاران
- ۴- عدم ارائه آمار صحیح تولیدات و اجرای توزیع خود سرانه و انبار کردن تولیدات صنعتی و غیره
- ۵- دخالت های خلاف نص صریح قانون در کار مدیریت بازرگانی
- ۶- ایجاد خبرکاذب و تحریک آمیز در جامعه که در محیط کار خاطر کارکنان را مشوش میکرد .

کیهان ۶۲/۵/۱۱
قسمتی از متن استعفای وزیر
کار :

موفقیت آنگاه بهتر جلوه گستر
میگشت که در جمع همگون و
هماهنگ فعالیت میکردیم ولی از آنجا
که علیرغم تلاشهای بسیار مسان
همچنان بنا به این است که برخورد
های فکری به موضع گیری های
سیاسی بدل شود و اینجانب معتقد
است که هرگز باید سیاست های
سیاسی اختلافات فکری مشکلات
اقتصادی را نمیتوان حل کرد و
این کار فقط ایجاد رکود در کارها
و یاس در اذهان را شدت میبخشد
لذا بسیاری هماهنگی بیشتر در
حوزه فعالیتتان استعفای خویش
را تقدیم میدارم

**دیدگاهها در مورد
انجمن تجتیب**

کیهان ۶۲/۵/۱۱
انجمن حجتیه طی اعلامیه ای
کلیه جلسات خود را تعطیل اعلام
کرد متن اعلامیه انجمن حجتیه :
روز سه شنبه ۲۱ تیرماه رهبر
انقلاب در بیانات خود فرمودند :
... اگر مسلمین و برای خاطر
کشورتان اگر ملی هستید این دسته

که الان این ملت را به پیش میبرد
در این موج خودتان را وارد کنید
و برخلاف این موج حرکت نکنید
که دست و پایتان خواهد شکست
از زمانیکه حضرت ایشان با صدور
اجازه مصرف انجمن از سهم امام
علیه السلام این خدمات دینسی
و فرهنگی را تأیید فرموده بودند -
هیچ دلیل روشن و شاهد مسلمی
که دلالت بر صلاح حدید معظم له
به تعطیل انجمن نماید در دست
نبود معذالک در تمام استفسار
برآمدم . بنابه قرائن کافی محرز
شد که مخاطب امر این انجمن
میباشد لذا موضوع توسط استاد
مکرم آقای حلبی رسید فرمودند در
چنین حالتی وظیفه شرعی در ادامه
فعالیت نیست ، کلیه جلسه ها و
برنامه ها باید تعطیل شود و از این
تاریخ تمامی جلسات و خدمات انجمن
تعطیل می باشد و هیچکس مجاز
نیست تحت عنوان این انجمن کوچک
- ترین فعالیتی کند و اظهار نظر
یا عملی مغایر تعطیلی نمایند
که یقیناً در پیشگاه امام مسئول
خواهد بود با این امید که
گوششهای صادقانه انجمن درسی
ساله اخیر مقبول حضرت بقیه الله
قرار گرفته باشد .
نقل از روزنامه کیهان : مساده
چهارم از اساسنامه انجمن حجتیه
آمده است که مدت ادامه فعالین این
مؤسسه خیریه دینی و مذهبی و
تعلیماتی و تحقیقاتی به زمان معینی
محدود نمی باشد و اجرای عملیات
و مقررات تا ظهور حضرت ولیعصر
ارواخانه فداه تعطیل ناپذیر و غیر
قابل انحلال است .

کیهان ۶۲/۵/۱۲
حجت الاسلام خلخالی در
رابطه با انجمن حجتیه گفت :
طی اعلامیه انجمن حجتیه که گفته
بود با تحقیقات برای ما محرز شد
که این خطاب متوجه ماست ولی امام
زمان و خدای متعال نمی دانم از
اعمال ما راضی هستند من می خواهم
بگویم اگر شما فهمیدید که امام از
اعمال شما ناراضی است او امام زمان
نیست بلکه شیطان بزرگ آمریکاست
که شما اعلامیه می دهید و شما
نوار دارید که ریاست آقای حلبی
میگوید جنگ باید بادستور امام
معصوم بوده باشد و امام عادل هم
کفایت نمیکند . جبهه ها چطور
و حکومت اسلامی چطور این تسوار
شخص و معلوم است همه شاید
عده های هم این نوار را دیده باشند
و این نوار در زمانی از این آقایان
صادر شده که جنگ با عراق شروع
شده بود یعنی ملت ایران باید
در جنگی که شرف و حیثیت
و اسلامیت و نوامیس کشور را تهدید
میکرد دست روی دست میگذاشتند
و قیام نمی کردند و در مقابل هجوم
آوارگان امریکایی ایستادگی نمی کردند
تا امام زمان بیاید .

کیهان ۶۲/۵/۱۵
حجت الاسلام حمیدزاده نمایند
بوئین زهرا در رابطه با انجمن
حجتیه گفت : خیلی جالب است
افزادی که از اعضای خودشان تعهد
میکرفتند که وارد سیاست نشوند
انقلاب که میشود ناگهان هر
کدامشان یک مبره سیاسی فعالی
از آب در می آیند و سر از وزارتخانه
در می آورند بعضی از مسئولین
احیاناً ساده لوح و ساده اندیش
را تحت تأثیر قرار می دهند و درست
در قطب مخالف طرز تفکر در پرورشان
در میدان سیاست و بصورت تشکیلاتی
قدم می گذارند و خوارک بسیاری
امپولیسم و دشمنان انقلاب و
اسلام درست می کنند .
یک شعار بود که می گفتند
(قبل از انقلاب) اینها در مقام
بهم پختن مملکت هستند و نباید
پادشاه شیعه دارد و آنهم پهلوی
است و اینها در ستردازی به
نظام می کنند که پایگاه شیعه را در
دنیا از بین ببرد و برخورد هائی
این چنین .
بعضی از روحانی نمایان بنا
اعضای انجمن حجتیه جمع شده و
طومارهایی را به شریعتمداری نوشتند
و تلکرام زدند و طرحشان این بود
که فلانی اینجا آمده و مقلدین شما
و آقای خویش را دارد بر می گرداند
و چون مسئله انقلابی شدن این
نیست که آدمی با خوردن کپسول
یا شیشه شرتی بتواند انقلابی شود
و انقلابیون به نظر من انقلابی
هستند که اصل در انقلاب بوهاند
من می گویم که اصلاً اخلاص در متن
این تشکیلات قضایای انحرافی
است آخر امروز چگونه ممکن است
کسی که مقلد یک بزرگواری است
اصل و لا یترا با ورنه دارد و پایه
آن توسعه ای که در انقلاب پایه
عنوان محور حرکت مطرح است باور
نیاید مقلد آن بزرگواری بیاید و
ولا یتغیبه را باور بیاید .
این چطور امکان دارد که من از
افراد بی تبعیت داشته باشم که
اگر هم ایران را با بمبهای خوشه ای
بکوبد حاضر نیستند لب از لب باز
کنند و یک کلمه ای بر علیه امپریالیسم
بگویند و ادعای این را هم داشته
باشم که من از امام امت پیروی میکنم
و امت امام را قبول دارم ؟ چطور
ممكن است که من بیایم در مقام
تجزیه رهبری و بگویم مرجع تقلید
یک جریان است و تقلید ما از یک
مرجع و رهبری و امامت سیاسی
مملکت یک مسئله دیگر است حالا
ممكن است افرادی شورای رهبری را
مطرح کنند در رابطه با قانون
اساسی به فرض نبود یک رهبر جامع
الشرایط ولی اجمالاً وقتی که ما
داریم یک رهبر و حوزه های علیه ما
استعداد را دارد که رهبر در
شعاع جامعه اسلامی پرورش دهد
ما رهبری را تجزیه میکنیم و بگوئیم
تقلید یک مسئله است و رهبری یک
مسئله .
من الان اعلام می کنم و شما بررسی
کنید که چه مقدار از ما مورین ساواک

بودند و چه مقدار از عناصر ارتش
شاهنشاهی ژاند ارمری شاهنشاهی
در انجمن بودند .
آیا همین مقدار که ما می بینیم
بدنه يك تشکیلات از بازنشسته ها
و ارتشی های دوران طاغوت و
از عناصر و عوامل مخالف انقلاب امام
تشکل گرفته برای ماکافی نیست
که متوجه با شیم . من در همین جابه
مسئولان بزرگواری جمهوری اسلامی
عرض می کنم که خوش با وری و سلسله
انیشی پیش نگیرند
۱- افرادی از انجمن حجتیه افراد
موثری هستند آن افراد را میشود
بکار گرفت افرادی که واقعا فهمیده اند
و برگشته اند .
۲- انجمن در جریان کلی اش جریان
ارتجاعی است و منحرف از صراط
مستقیم اسلام و پویا و انقلابی .
۳- در رابطه با انجمن حجتیه بیشتر
آنها مقلد امام نبوده اند و امروز هم
بعضی از آنها دروغ میگویند که
مقلد امام هستند .
۴- انجمن حجتیه در برخورد هایش
برخورد های خود خواهانه فرصت
طلبانه داشته .

اسام خمینی:
اگر سید الشهداء مثل اینان فکر میکرد و در کنار
قبر جدش به ذکر دعای پرداخت فاجعه
بزرگ کربلا پیش نمی آمد و دوستان خداوند
قطعه قطعه نمیشدند و آل رسول الله به اسارت نمی رفتند

۵- انجمن در برخورد با فرمایشات
اخیر امام برخورد غلط و ناهنجاری
داشته باید از امام عذرخواهی
کند و نه تعطیلی بلکه باید اعلام انحلال
اللهم ... در آنها انحلال
انجمن و محاکمه آن عناصری را که
بچه های اسلام را به قربانگاه فکری و
عقیده کشاندند خواستارند .
وی سپس در مورد وزارت کار گفت
قانون کاری که وزیر محترم کار تحت
پوشش اسلام رساله ای عرضه کرد و میمه
در آن نبود و درست کارگر زیر
دستگاه پیرس میرفت ربطی به صاحب
کارنداشت و برخورد هایی از این
قبیل تحت عنوان اسلام بزرگترین
ضربه را به اسلام زد . امت حزب الله
وزیر کار را در این رابطه در رابطه با
برخورد های زشتی که در شهر
صنعتی البرز رفوزین پیش آمد
نخواهد بخشید در شهر صنعتی
البرز کارگرانی که جبهه رفتند
بودند در بازگشت از کار اخراج شدند
و کارگرانی به حکم داد ستانی
وزارت کار در برابر یگران شلاق
خوردند .
امروز مملکت ما مملکت رساله و اسلام
فقاقتی است ولی نه اینکه اسلام
فقاقتی را من چماق بکنم برای کوبید
به سربك مشت زحمتکش مسلمان و از
آن دست آویزی درست کنم برای
میدان دادن به سرمایه دار و زمیندار
وزیر فشار گذاشتن مستضعفین

بنظر من افراد و مبره هایی که در این
وزارتخانه هستند برخورد هایشان
توأم با انحراف و اعوجاج بود مایه
عوض شوند و این د وزارتخانه باید
در مقابل پاسخگویی عملی به امت
حزب الله برآید تا انشاء الله آن نواقص
که بوجود آمده برطرف شود .

کیهان ۶۲/۵/۲۳
آیتا . . طاهری نمایند و امام
جمعه اصفهان در مورد تعطیل
انجمن حجتیه گفت : اطلاعیه آنها
توطئه ای بیش جهت پنهان حقیقت
نیست و دست این باند نیزمانند
سایر گروهها رو خواهد شد مردم
که آگاه و بیدارند و مسائل ظریف
را خوب می فهمند ماهیت آنها را
شناخته . . . هشدار امام نیز همین
بود که مردم بفهمند يك باند دیگر
هم هست تا انشاء الله خطر این
باند نیز از سر راه انقلاب بر نداشت
شود .
آقای طاهری گفت در ملاقات با امام
منتظر داشتند که باید با قاطعیت
در مقابل مسائلی که میخواهد در
این استان (اصفهان) مسئله

انگیزی کند ایستاده و افشا کرد
دستهای پشت پرده را به مردم
نشان داد .
کیهان ۶۲/۵/۱۸
در نطق پیش از دستور مجلس . .
موحدی ساوجی : در اواخر
۵۰ گهنده در بند رحاس با آقای
حلبی برخورد کردم و یاد و گوش خود
شنیدم که رهبر سابق بهیچ وجه
نمید بین بود و نه مخالف بود بلکه
میگفت ما برای رژیم نه آبی برای
میاوریم . نه کوزه اش را میشکستیم
وشت به انقلاب و حرکت انقلابی
مردم و نهضت اسلامی بر رهبری امام
بسیار مخالف و بد بین و حتی مطالب
و کلمات اهانت آمیزی را هم در بنا
بر این آنچه که محکوم است مدیریت
انجمن است . تشکیلات و کسانی
که در رأس این تشکیلات بچه ها
و جوانها را بسوی افکار سطحی
ویک اسلام سطحی سوق میدادند .
کیهان ۶۲/۵/۱۸
فصل حبه با مرتضی الویری نمایند
د ماوند : . . . در مورد اطلاعیه
انجمن حجتیه گفت در گذشته
این آقایان بجای اینکه نیروها را
متوجه دشمن اصلی کنند صرف
کارهای روینایی و غیر اصولی میکردند
و اصولاً اعتقاد شد داشتند که قبل از
حکومت امام زمان (عج) امکان
روی کار آمدن حکومت اسلامی باشد





اکثریت آنها فرصت طلبند خود را حامی انقلاب و امام جازده اند و تعطیل در فاتر و کلا سپهائیان اگر بیادان باشد مجاهدین خلق نیز بعد از سخنرانی افشارگانه امام تشابه هایی کار را کردند میزان واردات مادر سال ۹۰۵۹ - ۱۳۰۶۰ میلیون تن در سال ۱۶۰۶۱ میلیون تن بود و واردات زیاد شده افزایش تولید داخلی و افزایش واردات خیلی بیشتر از میزان رشد جمعیت بوده است. بر مود علت تورم باید بنگریم راه حل این است که باید در این شرایط بجه جنگی داشته باشیم نه بودجه های جنگی که میگویند نه اینکه جنگ نظامی را بگوئیم بلکه منظور جنگ اقتصادی است آمریکا است. ملتی که میخواهد روی پای خود بایستد و از اقتصاد تک پایه خلاصی باید چاره ای ندارد جز اینکه سیاست صرفه جویی و حتی ریاضت را پیشه نماید. مردم یقیناً از سهمیه بندی و کمبود ناراحت نمیشوند اگر ناراحت شوند از تبعید التیهاوند بازی در توزیع است که کلافه میشوند مردم میگویند اگر نیست باید برای همه نباشد و اگر هست باید برای همه باشد میتوان با یک برنامه ریزی صحیح و کمک گرفتن از مردم بوسیله رعیان گذاشتن مشکلات با آنان آنچنان بسیجی از همین امت حزب الله در زمینه جنگ اقتصادی علیه آمریکا براه انداخت که همان حماسه های بسیج نظامی را در جنبه های جنگ تجسد نماید.

دولت به چنین وضعی دچار شود مجلس ساکت نخواهد نشست و امروز هماهنگی در دولت بیشتر از شش ماه گذشته است. وی سپس به تعطیل کردن جلسات انجمن اشاره کرد و گفت این تعبیر رهبران انجمن تعبیری است تقيه آمیز در مقابل جمهوری اسلامی. امام فرموده بودند شما انحرافات خود را اصلاح کنید و اینها را این اعلامیه میخواهند بفرمانند ما در رزمنا طاغوت سی سال فعالیت را جایز دانستیم اما در عصر جمهوری اسلامی این فعالیت حرام است. شما باید از امام رهنمود میگرفتید نه آقای حلبی این تعبیر ایشان غیر از تقيه در مقابل جمهوری اسلامی چیست؟

کیهان ۶۲/۵/۱۹
مروری بر دیدگاهها و عملکردهای انجمن: بخش اول انجمن حجتیه و مقتضیات زمان. با توجه به مقتضیات زمان وجدائی دین اسلام و مذهب جمعری دفاع علمی از آن سیاست آنهم در چارچوبی که مقامات ذیصلاح اجازه دهند معلوم است که ۸ روش پیشنهادی اساسنامه انجمن مثل تشکیل کنفرانسها و کارهایی از این قبیل است آنقدر مورد توجه مساواک واقع میشود که در حین شگجه از جوانان مسلمان بپرسند تو اگر راست میگویی و مسلمانان چنان رفتنی در انجمن حجتیه فعالیت کنی. وحتما تا بحال شما نیز چند فقوه را استاد رابطه انجمن با مقامات ذی صلاحیت کهایی احتیاطی اعضای انجمن لو رفته است و روزی خواهد دید و نیز بیاید در آید که در جریان آغاز انقلاب اسلامی در ۱۵ خرداد که بدست توانای رهبران امام آغاز گردید چگونه سران انجمن با وقاحت امام را متهم نمودند

کیهان ۶۲/۵/۱۷
علی ملکوتی نماینده مردم سراب در رابطه با اعلامیه اخیر انجمن حجتیه گفت: خطوط که مشخص شد ماهیت تولید آنها افشاشد، و شروع به پیشش اعلامیه کردند من به یاد اعلامیه های منتشره منافقین افتاد و هو میسمن آقایان که در امام زمان میزنند اکنون دارند همان خط پوچ را در نیل مال میکنند لکن تا دیر نشده بیایند و توبه کنند که راه خدمت باز است. وی در رابطه با استعفای وزرا گفت: امیرالایم خبری با حیلله های تبلیغاتی و جنجال آمیز قصد دارد، دولت را در معرض اتهام وانسزوی سیاسی قرار دهد و متد ریج و انمود کند این دولت شرق گرا و غیر اسلامی و مخالف فقاهاست. متاسفانه در داخل کشور عدای نیز با این آهنگ نامیمون همصد اشد هود دولت ومد یریت حاکم بر آن راز بر سرش سوال میبرند و آب به آسیاب دشمن میریزند

کیهان ۶۲/۵/۱۹
نماینده هشتروند سید حسن میرغفاری در مجلس: خدا نکند برخی ازوزرا، تمام آن خدمات را که انجام داده اند با یک استعفا ازین ببرند استعفا بی که تمام اتهام را بدولت زد که این دولت ناهمگون است و اگر خدای ناکرده

همانگونه که ملاحظه میکنید در این کارنامه سیاسی حتی هیچ اعلامیه ای مبنی بر تایید اشغال لانه جاسوسی آمریکا که امام لقب نیکوی انقلاب دوم به آن دادند و پیامی گیری در مقابل لیبرال هانظیرد ولتبارزگان ونی- صد رویا بطور مثال هشد ارد مقابل توطئه های منافقین و حامیست از دولت مکتبی برادر رجائی به چشم نمیخورد. وجالب است که بد اینقدر همیسن

۶- آیا شما به خودتان اجازه میدید از امکانات دولتی استفاده کنید و در رابطه با استفاده مجوز قانونی و شرعی دارید یا نه؟
۷- دلیل اینکه تمام تکلیفان روی ضد انقلاب چپ است و از ضد انقلاب راست غفلت میورزید چیست؟ مگر امام امریکارا شیطان بزرگ نخواند؟ مگر ما گرفتار امریکاد ر نیم قرن اخیر نبودیم؟ مگر جوانان ما بد ست امریکا کشته نمیشوند؟ علت آنکه همه فشارها-

تعطیل روزنامه ها را بجهت فشار هائی که روزنامه های آوردند و انتقادات نا بجائی که می کردند تعطیل اعلام کردند... بیان شده که در گذشته امام اجازه سهم هم ما داده بودند نیامده بگوید که در بیانیه دیگری حضرت امام در نامه ای که سه یکی از فضلا در قم نوشتند فرموده بودند که چون برای من مشخص شده که در اساس کارشان هست که دخالت در کار سیاست

گروه عافیت طلب، سلطنت را کلاً مرجح بر بهائیت میدانستند و اینها که با سلطنت تضاد بنیادی داشته و شیوه زندگی آنها به سیستم ادارات مکتبی برود چه وقت وابسته بود و معتقد به جدایی خور سیاست از دین در مورد غارت نفتی - امیرالایم هیچ احساس مسئولیتی نمیگردند، بلکه آنرا برای بقای خود ضروری میدانستند.

زمان مؤسس محترم انجمن نیز در مشهد از طرف قعی و شریعتمداری و حزب خلق مسلمان به عنوان کاندید ای مجلس خهرگان اول نامزد میشود. انجمن حجتیه گویا تمامی این فعالیتها را فراموش میکند که در جزوه "در راستای انقلاب اسلامی بعنوان کارنامه سیاسی خود رقم زند. امت حزب الله که به تعبیر امام خمینی همگی سیاسی شده اند بخوبی به ماهیت تبلیغات انجمن پی برده است، انجمن را بیشتر از همیشه زیر سؤال میبرد. بگونه ای که آیت الله جنتی در نماز جمععه قم از طرف مردم هفت سؤال مهم را از انجمن مینماید. این سئوالها عبارتند از:

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

تکنند دیگری به اینها کمک نکنید. یک تعبیر دیگری بکار برده به این مضمون با این امید که تلاشها و کوششهای صادقانه انجمن در سی ساله اخیر مقبول ساخت قدس الهی و خاطر مقدس حضرت بقیه الله الاعظم قرار گرفته باشد. چگونه می شود که شما رضایت امام را نداشته باشید و رضایت امام زمان را داشته باشید امام نایب ایشان هستند... بنظر من بجای اینکه بیایند برخوردی اینجوری بکنند که ما حالا در این شرایط تعطیل می کنیم خوب است که بیایند و اعلام بکنند که ما خود ما را تصحیح میکنیم و مواضع اشتباهشان را بر شما اعلام بکنند و مواضع تصحیح شده را بیان کنند.

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

۱- شما قبل از انقلاب ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب ویسا مخالف انقلاب بودید و بایستی تفاوت نسبت به انقلاب. آیا شما خط عوض کرده اید یا نه؟
۲- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار میکردید و میگفتند اینها برای اسلام خطر دارند، میگفتید به اسرائیل مربوطند و ما هم میدانستیم. ما میگفتیم باید ریشه های آنها را از بین برد لیکن شما شاخ و برگها را میزدید. بسیار خوب، حالا ریشه بر افتاد و امروز رجوع جمهوری اسلامی محلی نداری و فضای جمهوری اسلامی به بهائیت و ضد اسلام مجال تنفس نمیدهد شما الان رسالتتان در این تشکیلات چیست؟
۳- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ به چه مناسبت میخواهید در قسمت فرهنگی سیاسی فعالیت نمائید؟
۴- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز خبری میگرداری و به ارگانهای انقلابی نمیدید چیست؟ چرا اطلاعات را احتکار میکنید؟
۵- میخواهید در انحصار باشد؟ مگر سپاه و یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پیگیری نمایند؟

گذری بر سه سال جنگ

و بیژن نامه جنگ



کارایی ندارد؟ و ظنوا انهم مانعتم حصونهم من الله... پس چنانچه آنها را تکتیب کنیم؟ بر رخ سرخی برافرازم و راه خونین آزادی قدس از طریق کربلا را مصمم تر و پر قدرت تر از پیش ببیمائیم . والسلام

زمینه برای ظهور مهدی (عج) آماده میشود نه اینکه بنشینند دست روی دست بگذارند ، ظلم زیاد شود و تمام دنیا را فساد بگیرد تا حضرت ظهور کند .
براستی اگر این جنگ نبود فرق بین مسلمانهای خط امامی با اسلام نماهنگی که در خط ایجاد "جمهوری ملوکسی وابسته و ظاهرا" اسلامی "حرکت می کنند ، فرق بین آنهاست که رسالت اسلام را تحقق عدل الهی و آفهای که روابط کارگر و سرمایه دار در امریکا را اسلامی و غیر استثماری می دانند بآن اندازه که تا به حال مشخص شده است مشخص میشد ؟
براستی اگر این جنگ نبود آیا انقلاب ما به مصر صادر می شد ؟ و سادات کمپ دیویدی اعدام انقلابی می شد ؟
براستی اگر این جنگ نبود آیا صدام اسرائیل را به رسمیت می شناخت و دست خود را این قدر که تا به حال رو کرده است بر میگرد ؟
براستی اگر جنگ نبود ارزشهای راه مستضعفین بی نام و نشان و شهیدان "گمنام خدای آشنا" آنقدر که حال مشخص است مشخص می شد ؟ تا آن حد که امام طفل سیزده ساله ای را رهبر خود و همه ما نامید .
براستی اگر این جنگ نبود ، آیا مستضعفین دنیا می دیدند و ایمان می آوردند که تجاوز بزرگترین ماشین نظامی امپریالیسم در منطقه ، که از حمایت امریکا و شوروی و فرانسه و انگلیس و چین و مصر و سعودی و ... برخوردار است را بدون وابستگی و تکیه به ابرقدرتها می توان دفع کرد و آیا تا این حد به نیروی خود ایمان می آوردند ؟
براستی اگر این جنگ نبود ، آیا اینقدر غرور امپریالیسم درهم شکسته می شد ؟ و با خواری می فهمید که نه موشکها و نه میگها و نه سوپراتاندارها و نه T-۷۲ ها و نه فابالمها و نه سیم خاردارها و نه میدانهای مین و ... و نه هیچ کدام از سلاحهایشان در مقابل سلاح الله اکبر مومنین

بسمه تعالی
د روزه های آغاز جنگ زرمند های سرود :
علت جنگ جوهر انقلاب است
جوهر انقلاب ما قیام است
قیام مستضعفین علیه مستکبرین
و خود نیز چندی بعد در راه تحقق این قیام و بیروزی این جنگ به شهادت رسید .
اکنون سه سال از آغاز این جنگ پر برکت میگذرد . سه سال از فعال شدن بیشتر جوهره انسانهای خد اطلب در ایران میگذرد . براستی تحول جوهری حاصله از این سه سال جنگ را با چه چیزی می توان مقایسه کرد .
براستی اگر این جنگ نبود آیا ارتش بیست میلیونی آنگونه که تا به حال تحقق یافته است ، تحقق می یافت . در مدت این سه سال جنگ بیش از ۲/۵ میلیون نفر آموزش نظامی دیده اند و بیش از ۴۰۰/۰۰۰ در جبهه حضور یافته اند و به نیروهای مومن زرمند شده تبدیل شده اند .
براستی اگر این جنگ نبود فتنه ای که منافقین برپا کرده بودند و بسیاری را در اشتباه فرو برده و جامعه را به تلاشی و چند دستگی می کشاندند خنثی می اثر می شده ، آیا جز با عمل صالح جنگ علیه متجاوز صهیونیستی می شد دست نابغه بزرگ و اندیشه قرن را رو کرد .
براستی اگر این جنگ نبود ، رشد عرفانی تا این حد ، که بر اثر مناجاتهای شبانه زرمندگان در دل سنگرها ، برای مردم ما دست داده است ، تحقق می یافت . آیا جوانان ما ، سلاح بردوش انگیزه شان لقاء الله و رسیدن به جنت لقا می شد .
براستی اگر این جنگ نبود آیا مردم مستضعف و در انتظار فتح امام زمان (عج) آنقدر که حالا احساس کرده اند درک می کردند که با کوشش آنها و گسترش انقلاب اسلامی است که

چرا جنگ را در مرزهای عراق ادامه میدهم؟

زیرا برای دفاع از شهرها و روستاهای مرزی می بایست آنقدر دشمن متجاوز را به عقب برانیم که شهرها و روستاهای ما در آتش توپخانه عراق نباشد . قابل ذکر است که با توجه به پیچیدگی دشمن و قدرت سلاحهای دوربرد عراق ، تسوخانه ۱۳۰ مایل از ۳۰ کیلومتر موشکهای آگوست و هوا پیمایهای سوپراتاندار و ... تنها با سقوط صدام و تغییر خط مشی ارتش عراق شهر های مرزی ما امنیت پیدا میکنند .

زیرا حزب بعث باعث به شهادت رسیدن و معلول شدن هزارها جوان و زرمند گردیده است . صد ها هزار خانه و مزرعه و بدستور مزدوران حزب بعث تخریب و آتش کشیده شده است . هزاران کودک بی گناه در زیر آوار و تل خاک ناشی از بمباران های هوایی و حملات موشکی جان سپرد مانده ها شهرها نابود شده است . بنا بر حکم اسلامی قصاص می دهد آران حزب بعث و ارتش عراق در مقابل این همه جنایات می بایست محاکمه و مجازات شوند بنا بر این برای دفاع از حکم اسلامی قصاص می بایست جنگ را تا تسلیم ارتش عراق و دستگیری سران حزب بعث و محاکمه و مجازات آنها ادامه داد
زیرا جمهوری اسلامی اولین کشوری

تحلیلی از

عملیات والفجر ۲ و ۳

فهرست

- گذری بر سه سال جنگ ۱۵
- چرا جنگ را در مرزهای عراق ادامه میدهم؟ ۱۵
- چگونه عمل کنیم که بسیج مستضعفین به سوی جبهه ها تشدید و تقویت شود؟ ۱۵
- برکات عملیات پیروزمندان ۱۵
- والفجر ۲ و ۳ چراغی فراراه ۱۵
- ادامه موفقیت آمیز جنگ ۱۶ تا ۲۲
- قیام علیه صلح امریکایی ۱۹
- زندگینامه برادر شهید باقر کرد ۱۷
- یادی از حماسه تک تک دم ۱۷
- بازی دراز ۲۰
- لشکر حزب اللهی ، لشکر مستقل ، مولد و مبارز ۲۱
- رهنمود هایی برای کردستان ۲۲
- فرازهایی از وصایای شهدای سه سال جنگ اسلام و کفر ۲۲

چگونه عمل کنیم که بسیج مستضعفین به سوی جبهه ها تشدید و تقویت شود .

بسم الله رب الشهداء و الصدیقین

۱- در مورد ضرورت ادامه جنگ و دلایل ورود به خاک عراق در سطح جامعه کار تبلیغی و تبیینی کنیم تا جو مسمومی که توسط جریانهای لیبرالی و ضد جنگ و ضد صد و انقلاب بوجود آمده است خنثی شود و نیروهای عاشق انقلاب به سوی جبهه های جنگ بسیج شوند .
بعضی از نیروهای مکتبی از این موضع که رابطه ادامه جنگ و قیام مردم عراق را نمیدانند و ادامه جنگ از نظر آنها صدور مکانیکی انقلاب شده است نسبت به جنگ امید خود را از دست داده اند ، این ضعف درونی باعث می شود که تبلیغات رسانه های غربی موثر واقع شود .
۲- تجربه های گذشته را ریشه یابی کنیم و تبیین واقعی از عوامل درونی و خارجی ضربه ها ارائه دهیم .

همه با عشق امام حسین است که جبهه ها را گرم نگه می دارند . امام خمینی



از صفحه ۱۵

چرا جنگ را...

است که بر مبنای احکام و موازین الهی برپا شده است و ما میبایست اولین عمل کننده به استناد احکام الهی باشیم. در صورتیکه متجاوز محاکمه و مجازات شود، بایده رفع تجاوز در منطقه ریخته خواهد شد و دیگر هیچ حکومتی به خود اجازه تجاوز به سرزمین و ناموس کشور دیگری نخواهد داد و یا اگر چنین عمل شیطانی از او سرزند، مردم کشور مورد تجاوز با الگو قرار دادن ایران و سزایش گرفتن از مقاومت و پایداری ما تا نابودی متجاوز و دفع کامل تجاوز از ارض نخواهند نشست. محاکمه صدام به عنوان متجاوز اولین مرحله برای بسوی مردم مسلمان منطقه برای محاکمه سران صهیونیسم به عنوان بزرگترین تجاوزگر منطقه خواهد بود. رفع تجاوز به منزله گامی بزرگ در جهت نابودی حکومت صهیونیستی و آزادی قدس هزیمت باشد.

زیرا مردم فلسطین سالهای سال است که فریاد هیل من ناصر و کک خواهی خود را سرداده اند تا قبل از سقوط حکومت شاهنشاهی مردم ما برای شتافتن به سوی لبنان و سرزمین های اشغالی در جهت کمک به مستضعفین آواره فلسطینی مانع بزرگی مثل رژیم شاهنشاهی راس راه خود داشتند. بعد از سقوط شاه، چشم امید فلسطینی ها به کمک های ما و رفتن جوانان بسوی مرزهای اسرائیل، که به حق خطر بزرگی برای اسلام و همه مسلمین است، دوخته شده است. رژیم حرکت به سوی فلسطین بخصوص بعد از اشغال لبنان و تجاوزها و جنایات بزرگ در اردوگاههای صبرآشتیلا بیش از پیش آشکار شده است. برای حرکت به سوی مرزهای اسرائیل و درگیری واقعی (نه درگیری سمبلیک و شکلی) راهی جز کشاندن یک جاده بزرگ تدارکاتی مواصلاتی از ایران بسوی اسرائیل وجود ندارد. جاده ای که بتواند تدارک جنگ مردمی و راهپیمایی ۲۰ میلیون صهیونیستی را به خوبی انجام دهد. این جاده چیزی جز عراق و خاک عراق نیست. رژیم بعثی عراق بزرگترین مانع بر سر راه حرکت نیروهای ما بسوی اسرائیل است. آزاد سازی عراق از دست حکام بعثی مرحله ای از تحقق خط مشی الهی خلقی آزادی قدس میباشد.

زیرا میباید گاه همه عاشقان شهادت و جوانندگان سعادت، کربلای معلی سالهاست که زجر نکال رژیم الحادی و وابسته ضد خدایی قرار دارد و مستضعفین و عاشقان زیارت کربلا، سالهاست که از فیض زیارت مرقد مطهر محروم هستند.

نهضت ماحسینی است و حسین حسین شمار ما است بنا بر این آزاد سازی کربلا یک هدف عمده و استراتژیک در تمام انقلاب اسلامی است. آزادی کربلا آرزوی دهها هزار شهید و معلول جنگ اسلام و کفر است. بنا بر این اگر در این امر کوچکترین مسامحه ای به خرج دهیم به عهد خود مبنی بر ادامه راه شهدا و تحقق آرزوهای آنها وفات کرده ایم و عهد شکن شدیم.

والسلام

چگونگی عمل کنیم

از صفحه ۱۵

از مسائل مهمی که گاهی در نیروها و رزمندگان موجب تزلزل میشود عدم تبیین از دلایل ضربه های یکساله گذشته است و این خود شاید جمع بندیهای از قبیل اینکه:

به جز دادن شهید سودی نخواهد داشت به همانجا منجر میشود. عراق بیش از مرحله قبلی جنگ قوی و پیچیده شده و از کجا معلوم دوباره ضربه نخوریم و ۲۰۰۰ رانشدید میکند.

با گذاشتن سینه ها و جلساتی باید نظرات و جمع بندیهای رزمندگان را خواسته و صادقانه ضعفها و دلایل سیاسی - نظامی این ضربه ها را برایشه یابی کنیم و بر سر شیوه نوین و اسلامی در ادامه جنگ به وحدت برسیم. این کار نه تنها اطمینان رزمندگان بلکه فرماندهان را بیشتر میکند بلکه رزمنده به واقع در توان ادامه جنگ و تحقق واقعی شعار آزادی کربلا بسوی قدس ایمان بیشتری کسب کرده و با عشق بیشتری سوی جبهه ها روانه خواهد شد.

۳- تبیین و بیان رابطه رشد جنگ و حل مسائل داخلی و خارجی:

"مسئله جنگ در راس همه امورات"

از مسائل مهمی که نیروهای خط امامی در لاسوزرا به پشت جبهه در شهرها کشف شده و با از سیخ آنها در شهرها جلوگیری میکند عدم درک رابطه جنگ و پشت جبهه است. رزمنده خط امامی از یک طرف مواجه با اصلی بودن جنگ و لزوم شرکت در پیشبرد جنگ بوده و از طرف دیگر از پشت جبهه و شهرها اطمینان ندارد. یکی از اصلی ترین توطئه های بنی صدر رژیمین تشدید تضاد های درونی چون اقتصاد، رجوی و ترور نیروهای خط امام، تشدید درگیریهای سیاسی و قدرت طلبی و سخنرانیهای پراز مارک و تهمت علیه خط امام و ۲۰۰۰ بسود قصد او از این توطئه این بود که با تشدید مسائل فزونی و انحرافی و با تشدید جو علیه خط امام در شهرها مردم را از مسئله اصلی جنگ منحرف کرده و به تنه ا کمک به

جبهه ها کم کرد بلکه نیروهای خط امام برای حفظ انقلاب بسوی شهرها گسیل شوند. کدر این میان امام بارها با ذکر اصلی بودن مسئله جنگ از افتادن به این دام جلوگیری کردند. هم اکنون نیز ضرورت شدیدی وجود دارد که:

۱- دلیل اصلی بودن جنگ در مقابل دیگر مسائل

۲- چونگی حل مسائل فزونی و درونی و غیره در دل مسئله اصلی جنگ راه برای رزمندگان بطور تفصیلی مطرح کنیم.

مثلا اینکه چگونه جنگ توطئه ترور کادرها را که موجب پایین آمدن کیفیت نظام جمهوری اسلامی میشود، خنثی میکند و چگونه دستهای مرموز توطئه گر را که امام و آیت ۱۰۰۰ منتظری اشاره های فراوان کرده اند افشا میکند؟ چگونه مسئله بازسازی و تولید و مسائل اقتصادی را رویه حل می برد؟ چگونه فشارهای خارجی روی دولت را کمتر کرده و در عین با لا بردن محبوبیت مادرین ملتها دشمن را منزوی و خوارتر میکند؟

پاسخگویی صحیح به این مسائل در درجه اول موجب میشود که بعد از این توطئه ها به هر شکلی نیا فتاده و نیز به درک عمیقتری از سخن امام در اصلی بودن جنگ در راس همه مسائل و امور برسیم این امر موجب بسوی نیروهای بسیج جبهه میشود زیرا عمل خود را در جبهه تضمین کننده مسائل پشت جبهه خواهند دید.

۳- باید توجه داشت که در کنار این تبیین، به کار گرفتن شیوه های اصولی در ادامه جنگ و حل مسائل درونی، نقش تعیین کننده ای در رابطه با بسوی نیروهای بسیج جبهه ها دارد یعنی اگر شیوه جنگیدن غلط باشد به آن گونه که موجب ضربات متوالی شود تبیینها می فوق هم کار ساز نخواهد بود.

۴- برای فعالیت و تحرک رزمندگان در جبهه زمینه ایجاد کنیم:

الف - جبهه ها را از سنگین در آوردن موبه جای اینکه تنها در یک جبهه فعالیت کنیم

ب - با این شیوه میزان کادر سازی و کیفیت پیدا کردن نیروهای رزمندگان را در جبهه

ها افزایش دهد که باعث تشویق رزمندگان به ماندن در جبهه ها و جذب دیگر نیروها بسوی جبهه ها خواهد شد.

ج - نیروهای اعزامی را به جای سگسی دادن در اردوگاهها و دور از خط مقدم در جبهه های جنگ فعال نمائیم به این ترتیب هم شور و شوق رزمندگان را تقویت کنیم و هم با افزایش طبیعی تجربیات آنها در خط مقدم از ضربات ناشی ازین تجربی جلوگیری نمائیم

قابل توجه است که ضربات ناشی ازین - تجربی رزمندگان خواهناخواه بر رویه رزمندگان و میزان بسوی جبهه در مستضعفین اثر خواهد گذاشت.

د - با نزدیک کردن خاکریزهایمان به دشمن و درگیری با دشمن رانشدید کردیم و استمرار بخشیم.

ه - مواضع وجود در جبهه ها را رحمت، دیده و حتی به عنوان آموزش نظامی انفجار بشکله ها خنثی کردن مینها "غیره را زیاد کنیم که موجب تزلزل بیشتر دشمن شده و این درگیریها ما را نیز اجتنابنا تر میکند.

و - اگر جوتیکه بر سلاح خود کفایت نیروهای انسانی را در جبهه هم همومی کنیم بیشترین زمین برد فراهم میگردد. زیرا حرکات و زمینه های جبهه رشد دهند و ویژگیهای انسانی است و در این جور رزمندگان خدا جویشتر از هر هنگام احساس وحدت کرده و جبهه بر اینها زندگی اصلیشان میگردد

در این جویشترین زمینه شکوفائی و رشد استعدادها وجود دارد و رزمندگان همان برگزیده عاشقانه از جبهه استقبال میکند زیرا نقش خود را به عنوان مهره و ابزاری در جبهه هانندیده بلکه احساس شخصیت کرد و چونگ را از خود و زندگی خود بیینند.

ز - فرماندهان با نظرات رزمندگان برخورد فعال کرد و موحی باید ترین طرحها باید به گونه ای برخورد کنیم که انگیزه طرح دادن واحساس شخصیت در رزمندگان تشدید شود قابل توجه است که توجه به نظرات و طرحهای رزمندگان و بایست آثار عملی در برداشته باشد و صرف خواستن و ضبط کردن و جمع آوری آن مسئله ای راحل نمیکند.

"والسلام"

برکات عملیات رزمندگان، چراغی فرا راه امامی آمیز حرکت

از میدان عمل خارج شدن افراد مطلع و دارای شناسایی تا حد زیادی تقلیل پیدا کرد. بایستی توجه داشت در صورتیکه نیروهای عمل کننده، خود در عملیات کوچک و درگیری ها و شناسایی ها و جنگ و گریزهای کبهه عملیات بزرگ منتهی بشوند شرکت فعال داشته و عناصر اصلی در اینگونه عملیات باشند، موفقیت عملیات صد چندان خواهد بود.

نظامی برادران عمل کننده از منطقه عملیاتی استعداد دشمن و کیفیت عملکرد نیروهای خودی در منطقه کوهستانی بالا برو و بایسن لحاظ جبهه بطور مستقیم و غیر مستقیم در برگیرند بسیاری تجربیات بود. همچنین با بکارگیری رهنمود های حاصله از جمع بندی عملیات والفجر مقدماتی و شناسایی منطقه عملیات شکلی عمومی تر بخود گرفت و با توجه برادران در منطقه مورد نظر ضربات ناشی از شهادت و ویا

وجود جوهر تحرک در جبهه های شمالی (منطقه عملیاتی والفجر ۳) باعث انتقال تجربه و روحیه به سایر رزمندگان حتی رزمندگان کبک برای انجام عملیات جدید به آن منطقه اعزام شده بودند گردید. عملیات مستمر و موفقیت آمیز بعثت و همچنین عملیات مستمر رزمندگان بعد از اتمام عملیات بعثت و پیدافند از مسواضع و جوابگویی پاتک های عراق در آن منطقه باعث شد بهر که شناخته

قدس را با مسلسل های متکی به ایمان و قدرت اسلام باید آزاد کرد

امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اجعلنا من جنك فان جنك هم
الغالبون اللهم اجعلنا من جنك فان جنك
هم المفلحون اللهم اجعلنا من اوليائك فان
اوليائك لا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم
اجعلنا في زمره الشهداء اللهم احفظ لنا
امانا الخميني

نیایش همیشگی شهید باقر کرد

زندگینامه برادر شهید باقر کرد

شهید باقر کرد در اوایل جنگ اسلام و کفر
همراه بسیج سپاه پاسداران به جبهه های
سرپل ذهاب آمده و در آنجا مشغول نبرد با
کفار یعنی شد و وی در یکی از جبهه های
سرپل بنام بازی دراز با برادر شهید بهرام
اشتهاردی که افسر منقض ۵۶ و دیده بان
ارتش بود آشنا گشت . باقر همراه دوستانش
مسئولیت تامین و حفاظت شهید اشتهاردی را به
عهد گرفت آنها برای دیدن بانی و گویند تو بخانه
دشمنه آنقدر زمان نزدیک میشدند که با چشم
غیر مسلح میشد افراد و خدمت متوجه دشمن را
پشاهد میکرد و اینکار از عهد کتر کسی ساخته
بود . یکی از برادران میگفت که این بچه ها
(شهید اشتهاردی و شهید باقر کرد و چند
تن از بچه های گروهشان) به اندازه یک
کردن کار می کنند .

بعد از اینکه مهندس اشتهاردی به شهسادات
رسید ، این بچه ها اسم گروه خود را بهیچ
فداکاری های این شهید گروه اشتهاردی
گذاشتند و شهید باقر کرد مسئولیت این گروه
را بعهده گرفت . بعد از آنکه مأموریت شهید
باقر و بچه های گروه اشتهاردی تمام شد آنها
را به تهران برگرداندند . این بار باقر بچه
های گروه را مستقیماً "بیادگان" ابودردر سرپل
ذهاب آورد . شهید باقر در آنجا با شهید
محماس ملکی " آشنا شده و با وی مشغول کار
شد . پس از مدتی کار در سرپل ذهاب شهید
ملکی بعنوان فرمانده عملیات گیلانغرب انتخاب
شد او به همراه بچه های گروه اشتهاردی و چند
تن دیگر از برادران به گیلانغرب رفت و سرای
انجام تک به ارتفاعات چغالوند رفتند تا
مقد مات حمله چغالوند را آماده کنند . شهید
باقر شدت از اینکه جبهه ساکن بوده و عملیاتی
صورت نمیگرفت ناراحت بود (قبل از آمدن به
چغالوند) باقر از اینکه از نیروی بچه های
رزمنده استفاده نمیشود ناراحت بود به همین
خاطر او مستقیماً " غده های از برادران بسیج را
به جبهه چغالوند آورد . او معتقد بود جبهه
نیازمند گروههایی خود جوش مانند گروه شهید
اشتهاردی ، گروه اندرزگو و گروه مین و ...
می باشد . او به همراه شهید ملکی کارهای
شناسائی و پیشروی اردوگاه در تپه های اطراف
چغالوند را شروع کرده و مقدمات تک را مهیا
کردند .

شهید باقر از اعتماد بنفس بالایی برخوردار
بود و خیلی قاطع با مسائل برخورد میکرد . حتی
در بعضی حرکتها به دیگر بچه ها و به شهید
ملکی قاطعیت میداد . این اعتماد بنفس
او از ایمان و معرفت عمیق بخدا و از عشق زیاد
به امام خمینی سر چشمه میگرفت . او که کارهایش
رافقط برای رضای خدا انجام میداد و این اعتماد
بنفسش را در رابطه با تسلیم بخدا ابد است

آورده بود ، در چارغور نی شد و خیلی کم از
کارهای شخصی خود تعریف میکرد . شهید باقر
بکروز از زندگی گذشته اش صحبت میکرد اینک چگونگی
در انقلاب رشد کرد و متقلب شد و توانست انقلاب
را در ریزش وجودش نیز تحقق دهد و به همراه
اسلام و قرآن رهنمون شود ، او از امام خمینی
بعنوان منجی و راهنمای خود یاد مینمود که وی را
به فطرت پاک خدا جوش رهنمون کرد و او را به
راه اسلام و انقلاب آورد و بدین ترتیب امام خمینی
را در جریان انقلاب دریافته و عشق زیادی به

زندگینامه شهید باقر کرد

از زبان یکی از همزمان شهید

وجود ایشان داشت تا آنجا که حتی سر نماز
اللهم احفظ امامنا خمینی و ... سر میداد
و این در وصیت نامه اش هم بخوبی مشهود است
باقر هیچگاه با ملاکهای شوروی و ... با
بچه ها برخورد نمیکرد و اسلام را بعنوان راهنمای
عمل خود قرار میداد و
حرکتهاش از اسلام و سیره ائمه و ... الهام
میگرفت . او ملاک آمدن بچه های دیگر به گروه
اشتهاردی را میزان فعال بودن آنها در عمل
صالح میدانست و بچه های گروهش را هم در
جبهه جنگ شناخته و متشکل کرده بود . او
همیشه قرآن و نهج البلاغه و اصول کافی و دعا و ...
میخواند و از آنها شویو بهر خورد با بچه ها و دیگر
مسائل را می آموخت . او دعا را تنها در زمانی
که در چارغور و مشکلات میشد نمیخواند ، بلکه
همیشه دعا میخواند و از رهنمود هایش برای
حل مسائل جبهه سود می جست ، گاهی در جبهه
شبه بعد از نماز دعا را با سوز و گداز خاصی
میخواند و بچه ها بی اختیار بغیر می افتادند
آنچنان دعا میخواندند که گویی نیازمند ترین فرد

برکات عملیات پیروز مندا و الفجر ۲ و ۳ ...

و عراق ایفا می کند . ولی می بایست
عمل با تبلیغ هماهنگ و در یک راستا
باشد . عملیات محور " اصلی برای
آزادی کرمان نفوذ در داخل خاک
عراق و ضربه زدن به دشمن و جنگ
و گریزی باشد و عملیات برای تکمیل
دفع تجاوز می بایست در ضمن آن انجام
پذیرد . (در حین و ضمن اجرای
عملیات متناسب مرحله کرمانی انجام
پذیرد) همچنین قابل ذکر است که
در مرحله کرمانی جنگ دفع تجاوز
می بایست با هدف رسیدن به سرز
و ادامه عملیات در رمز انجام پذیرد
و لذا از هم اکنون در تمامی مناطقی
که به رمز رسیده ایم می بایست فعال
شویم .

قبل و بعد از عملیات والفجر ۲ و
۳ تبلیغ زیادی روی آزادی کرمان
از طرف نهادها و برادران مسئول
جنگ بعمل آمد . حال آنکه عملیات
الفجر ۲ و ۳ در مجموع در خط تکمیل
مرحله دفع تجاوز انجام پذیرفت .

عملیات والفجر ۲ با هدف امنیت
کردستان و قطع خطوط مواصلاتی
ضد انقلاب با عراق انجام شد و
عملیات والفجر ۳ با هدف آزاد کردن
مهران و جاده های ارتباطی استان
- های ایلام ، باختران و خوزستان
به مرحله اجرا درآمد . با اینکه شور
و شوق حاصله از پیروزیها نقش موثر
را در پیشبرد جنگ برای آزادی کرمان

ندیده است که خداوند بر سر عباد و فرعون
چه آورد ؟ آنان که در بلا نطفیان کرد بودند
آیا صدام از سرنوشت شاه خبر دارد ؟ نصب
علیهم ریک سوط عذاب ، پس خداوند بر آنها
تازیانه عذاب فرود آورد . ان ریک لب المرصاد
خداوند تو در کمینگاه است تا طلفیان را
عذاب دهد . یا ایتهما النفس المطمئنه ، ارجو
الی ریک راضیه مرضیه فادخلی فی ریک عبادی
وادخلی جنتی ، پس برای نفس مطمئنه
و دل آرام ، باز آری بسوی پروردگارت که اوراضی
از اعمال تو تو خوشنود از رضای او عیس در رأی از
بندگام وارد جنت من شو .

شهید باقر روز قبل از حمله چغالوند جانشین
خود در گروه تعیین کرد که اگر شهید شد او
بچه ها را رهبری کند و باوقتی که در روزهای آخر
عمرش در تهران بچه های گروه را در جمع
کرده بود به آنها وصیت میکرد و جانشین خود
را تعیین نمود تا در صورت
شهادت اشجام گروه از هم نباشد . این
گونه حرکتها ایمان او را به اصل امامت نشان
میدهد . همیشه سعی میکرد که امامت
استمرار داشته باشد و اینرا از استمرار امامت
در طول تاریخ در آوردن بود که پیامبر (ص) علی
(ع) و اهل علی (ع) و وصی و جانشین خود
تعیین کردند .

او در گروه يك مسئول بود و همواره سعی میکرد
نیازهای بچه ها را درک کرده و با مسائل آنها
برخورد کند و پدرد شان هم مجربید ، مسائل
فکری و ... آنها را حل میکرد او توانسته بود

باقر همه چه ها را در عملیات گذشته
شناخته بود و کاربردشان را میدانست .
قبل از حمله جانشین خود را تعیین نمود
تا در صورت شهادت اشجام گروه از هم نباشد .
او همیشه دعا میخواند و از رهنمود هایش
براه حل مسائل جبهه سود می جست .

یک امت واحد کوچک دران جمع تحقق دهد
مثلا به بچه های که نیاز به آشنایی به سلاح
و تیراندازی داشتند کمک می کند و با بچه های
که نیاز به شناسائی بیشتر
داشتند آنها را به شناسائی میبرد ، مثلا یکی
از بچه های که به علت سیکار کشیدن زیاد در چار
تنگی نفس شده بود به بدن سازی میبرد تا آماده
تک شود ، یکی از برادرانیکه از یک موضع لوس
رفته عقب نشینی کرده بود میگفت که مایوس
نشود سعی کند خود را برای عملیات بعدی
آماده تر کند و از اینکه آن برادر را این جمع بندی
فقط از موضع یاس و انفعال به شهر برگرد
جلوگیری میکند .

باقر همه بچه ها را در طول عملیاتهای
گذشته شناخته بود و کاربری شان را میدانست
به همین علت توانست کارها و وظایف را بر اساس
نیاز هر کدام از بچه ها تقسیم کند و هر کس را در
موضع عدل خود قرار دهد از این رو هیچکس
ناراضی نمیشد و همه با شوق می پذیرفتند . این

تسا پیروزی هنگامی نصیب ما خواهد شد که ما بتوانیم همان تائیک با همان روشها و همان طرحهای پیامبر در میدان نبرد را بار دیگر در
تاریخ زنده کنیم و در صحنه زندگی پیاده کنیم شهید حسین علم الهدی

امر نقش مهمی در پیروزی عملیات جغالوند ایفا کرد. با ترک فرماندهی یکی از چهار رسته کهنه دوران بعثی را در قله محاصره کرده بودند بود. فدائیان بسیجی از خود نشان میداد و حتی قرار گذاشته بود اگر عراقیها از آن قسمت خواستند تسلیم شوند وی خودش اول جلورفته و عراقیها را خلع سلاح کند. تا بچهها جلو بیایند و دیدن ترتیب جلوی گمین و توطئه عراقیها گرفته شود و اگر توطئه با شد اول خودش شهید شود تا دیگر بچهها در دام توطئه نیفتاد و نجات یابند.

که در خواب دیدم که دلم می خواهد شهید شوم، البته این شهادتش با توجه به کارها و شیوههایش از موضع زندگی و بیباکی بود نه از موضع ساد مگرش و زود مردن و راحت شدن، در چند روز اول فتح جغالوند که امکانات برای آوردن اجساد شهدا به پایین کم بود، جسد شهید عباس ملکی هم بالای قله نزدیک سنگر باقر کرد بود و باقر نیمه های شب می رفت و بالای سر شهید ملکی می نشست و با فرمانده شهیدش در دل میکرد و اصلاً نمی توانست از جسدش جدا شود.

استفاده کند. او پس از مدت ها دوباره به گیلانغرب برگشت و کار شناسایی را برای انجام تک روی شیاکو و چرمیان و آوزین بررسی کرد. مسئولیت حمله به چرمیان را بهمه گرفت و بلافاصله با یک گروه کار شناسایی را شروع کرد. او در روزهای آخر عمرش يك حالت عرفانی پیدا کرده بود و همش از شهادت صحبت میکرد. از شهادت چند تن از بهترین دوستانش در جغالوند خیلی ناراحت بود و همیشه اش از شهید مجتبی صفایی و شهید ملکی صحبت میکرد، در سر نماز دها بار تکرار میکرد: اللهم اجعلنا فی زمره الشهداء و به سجده می افتاد و اینرا تکرار میکرد، حالت عجیبی داشت گویا اینکه می خواهد کارهایش را زود جمع و جور کرده و خود را برای رفتن بسوی خدا آماده کند و چرمیان را مشهد (محل شهادت) خود قرار داده بود، نمازهایش حالت سوزناکتری بخود گرفته بود، مرتباً می گفت احساس میکنم شهید می شوم، روزی مرگ نزدیک است و وصیت هایش را به بچه ها می کرد، جانشین خود را تعیین می نمود و ۰۰۰۰ و از آنجا که شهادت را آغاز يك زندگی فعالتر می دانست به شدت به آن نیازمند شده بود. پدرش تازه فوت کرده بود، می گفت وصیتهای پدرم را هم به کس دیگر سپردم که انجام دهد و خودم را سریع به جبهه رساندم.

می رسانند و میخواستند او را به بیمارستانی در چهل کیلومتری گیلانغرب منتقل کنند که در میان راه به شهادت رسید و بهلقاً الله شتافت.

این راهی بود که او با عشق و علاقه و با اراده خود انتخاب کرده بود و شهادت در این راه را به عنوان يك واقعیت پذیرفته بود و از آن ناراحت نبود. او هنگامیکه زخمی شد چند ساعت به شدت در مقابل مرگ مقاومت می کرد و آه هم نمی کشد و میکوشد تا زنده بماند تا نتیجه کارش را ارائه دهد و در آن لحظات برای بقای رزمندگیش می کوشد و بجز خدا به هیچ نمی اندیشد و به همین خاطر بود که توانست آنهمه درد را تحمل کند. او این حس را همین سیر می دانست، بالاخره آخرین ماموریتش را هم انجام داده و شهید شد. یادش گرامی و روحش شاد و راهش پر رهرو باد برادر شهید باقر کرد در وصیتنامه اش به مادر و خواهر خود می نویسد که از مرگ من تاسف نخورید چون این را مرا آگاهانه و با شوق و شادی انتخاب کرده ام و به آرزوی رسیدم، وی ادامه میدهد، هر کس که امام را قبول ندارد حق ندارد زیر جنازه من را بگیرد. ۰۰۰ از دارائیم به اندازه نیاز به مادر و بقیه را به حساب امام خمینی بریزد، که این نشان دهند عشق او به امام هدایتگرش می باشد. در قسمت دیگری از وصیتنامه اش می گوید: انسان که خدا را شناخت عاشق او می شود و انسانی که عاشق شد تمام پلیدیها را از خود میراند تا اینکه خشنود از نعمتهای خدا نزد خدای خود می رود و دستکار میشود، انسانی که خود را شناخت یا اسلام یا خدا را شناخت همه کارهای صالح را يك وظیفه میداند، من منتی برخدا ندارم و شما هم ندارید این يك وظیفه است و همسایه مسئولیم در راه خدا با جان و مال و زبان جهاد کنیم.

هنگامیکه ترکش روده هایش را در دیده بود باقر حتی يك آه هم نگفت و درد شدید را تحمل کرده و مقاومت نمود. عشق او به شهادت برای این بود که شهادت را يك زندگی فعالتر میدانست. نه از موضع زود مردن و راحت شدن... بارها منطقه عملیات را بررسی میکرد تا مبادا به علت یک غفلت عملیات ضربه خورده و جان بچه ها به خطر بیفتد.

روز عملیات روی تیمهای گچی مقابل جغالوند جلوتر از همه حرکت میکرد تا کاملاً از وجود گشتی و پامیادین مین مطمئن شود، و با بچه ها جای استقرار سلاحها را نشان دهد و یعنی اینکه خیلی ایشار و فدائیان داشت و برای بچهها ارزش و شخصیت قائل بودند و حتی در روز قبل از عملیات بطور مستمر به دیدگاهها میرفت و ساعتها می نشست و محل عملیات را نگاه میکرد تا مبادا لحظه عمل يك چیز کوچک در اثر سهل انگاری او از نظر دور مانده و همان ضربه بزند، روز قبل از عملیات دوباره به دیدگاه رفت و منطقه را برای آخرین بار بررسی کرد تا در کارش کوچکترین اشکالی که منجر به نقص عملیات و یا به خطر افتادن جان بچهها است نباشد.

بقول امام حسین: "يقولون ان الموت صعب والله مفارقة الاحباب اصعب" بلی مرگ برای باقر سخت نبود بلکه دوری از احباب و یاران برای او سخت می نمود و او را به گرسنگی می انداخت، باقر خود عاشق شهادت بود ولی برای او دوری فرمانده و یکی از بهترین یارانش سخت می نمود و او را به گرسنگی انداخت چرا که او را در صحنه خون و شهادت و ایشار و فدائیکاری در طول درگیریها پیدا کرده و بر این اساس پیوند خورد بودند.

شهید باقر کرد در کارها به شیوه چریکی عمل میکرد و دیدگاه اصالت ابزاری نداشت، شناساییهایش به شیوه چریکی و غیر تخصصی بود. روز عملیات جغالوند سلاحهای محوری که فرماندهی آن را بهمه داشت اصالت انسانی بود (تیرباران R.P.G، نارنجک تخم مرغی) و بیشتر روی ایمان، ایشار و ابتکار بچهها تکیه داشت، چرا که يك کادر فعال توان حل هرگونه مشکل و مسائل جدید را دارا می باشد، حتی خودش قرار بود اگر به گشتی دشمن یا نگهبان سنگر جلویی برخورد کردیم جلورفته و با طناب آنها را از پسا در آورد، بهعشما را در مقابل بچهها کوچک می شمرد و مطمئن بود که دشمن یکی دو ساعت بیشتر نمی تواند مقاومت کند، به همین دلیل دنبال شیوه تسلیم و اسیر گرفتن و بستن دشمن بود، البته این بدین معنی نیست که ساد و اندیش شده و سازماندهی نکند، بلکه منظور درك این مطلب است که دشمن در ذهنش اصلاً ثبات نداشت.

عمل انجام نشد ولی باقر نمی خواست حال که جغالوند فتح شده آنجا ماند و ساکن بشود و در فکر این بود که بلافاصله سازماندهی مجدد شده و به چرمیان نیز حمله شود. پس از شهادت عباس ملکی، به باقر پیشنهاد شد تا فرماندهی عملیات منطقه را بپذیرد لکن او نپذیرفت تا وقت بیشتری برای شناسایی منطقه داشته باشد و اینکار را به یکی دیگر از برادران واگذار نمود با اینکه خیلی خسته بود ولی خستگی جلوی انجام کارها و شناساییهایش را نمی گرفت. برای آوردن نیرو به پادگان ابودر میروند که نیرو فراهم کرده و سرعاً کار حمله به چرمیان را آغاز کند. در این بین عراقیها هم فرصت یافته، چرمیان را سنگرسازی نموده و محکم کردند تا پایگاهی برای پاتک داشته باشند. از پادگان که برگشت به یکی از مسئولان آنجا گفت: سرعاً برو و از نماز جمعه تهران نیرو جمع کرده و بیاور و باز این نشان میدهد که باقر یقین پیدا کرده بود که از بسیج مردم در نماز جمعه و به اصطلاح از این نیروهای حزب اللهی رزمند برای تک میتواند

برکات والفجر
۳ و ۲

موقیقت آمیز بودن عملیات والفجر ۲ بسا اینکه شواهد و اسناد و مدارک موجود در یادگان حاجی عمران دال بر این بود که نیروهای دشمن از زمان و مکان عملیات مطلع بودند، نشان داد که در صورتیکه جبهه مراحل طبیعی و نظامی خود را طی کند، لورفتن زمان و مکان حمله ضربه چندانی به عملیات وارد نخواهد آورد. گرچه نیروهای اسلامی بایست به شدت مراقب نفوذ عناصر استون پنجم در صفوف خود باشند ولی بیان کردن مسئله نفوذیها بعنوان اصلی، - ترین دلیل ضربه والفجر مقدماتی تحلیل درست و واقعی نمی باشد و ما را نسبت به علل اصلی ضربه ساد و اندیشی نماید.

برکات والفجر
۳ و ۲

در این دو عملیات برای اولین بار تعداد نسبتاً قابل توجهی از رزمندگان و مجاهدین عراقی شرکت داشته و شرکت این نیروها در عملیات باعث کادرسازی و تصفیه و کسب صلاحیت درونی نیروهای انقلاب عراق می شود. به شکلی که در صورت تداوم این شیوه، نیروهای عراقی اندک اندک صلاحیت اداره کشور خود را بعد از سقوط صدام پیدا خواهند کرد.

بعد از تشکیل مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق آیت الله منتظری طی پیامی گفتند که ارتش اسلام، امکاناتی جهت نبرد با صدام در میز - های کشور در اختیار این مجلس قرار دهد. شرکت این رزمندگان در جنگ لیبی است به پیام واقع بینانه آیت الله العظمی منتظری.

تن از سر و سر زتن جدا بایدر
در دست بلاهر لقا بایدر
غفلت منما بخصم دون بیدار است از پامشین به کربلا بایدر

بسم الله الرحمن الرحيم

در تاریخ سه شنبه اول شهریورماه، چند روز پس از پیروزی عملیات والفجر ۲ و ۳ امام خمینی در سخنرانی برای جمعی از برادران ارتش جمهوری اسلامی به نقد نظریه صلح امریکایی پرداختند. امام خمینی در این سخنرانی گفتند:

"... امروز هم اگر دستش را (ایران) بسوی صلح امریکایی دراز کند، صدام و امثال صدام کنار میروند لکن مستشارهای امریکایی وارد معرکه میشوند مانند ما نمیتوانیم صلح را بپذیریم که طرح امریکایی دارد و صدام نمیتواند بپذیرد آن چیزهایی را که ما میخواهیم... آنهايي که از ما میخواهند که با صدام صلح کنیم و به جنگ ادامه ندهیم، آنها اصلاح امریکایی را میخواهند، بعضی از آنها سرتا قدمشان امریکایی است، از عمال شاه سابق بوده اند و حالا اسلامی شده اند و پسران وطنشان اشک تمساح می ریزند..."

"... من امیدوارم که دیگر نتوانند يك همچو تخیلی را بوجود بیاورند و عملی کنند و البته آنها طمع دارند و باز طمعشان نبریده است... ما صلح اسلامی می خواهیم... ما میخواهیم کسی که تعدی کرده است به مسلمانها و آن اشخاصی که خون مسلمانها را در بلاد خود شریخته است و علمای اسلام را در بلاد خود شمشیر کشیده است، ما میخواهیم به حکم اسلام از او انتقام بگیریم ما میخواهیم قصاص کنیم، ما میخواهیم دست او را قطع کنیم..."

با توجه به اساس بودن مساله جنگ در پیشبرد انقلاب اسلامی و همچنین با توجه به تغییرات و تحولات مهمی که این روزها در منطقه در حال وقوع می باشد، بر آن شدیم با تعقلی در موضعگیری و بیانات امام خمینی، برای ادامه پیروزمندانه جنگ اسلامیمان علیه کفرکامپ دیویدی توشه راهی برگزیم.

با اوجگیری پیروزی های رزمندگان اسلام در جبهه های امریکا، اعران و انصار امریکا به تلخی دریافتند که خود به چاهی که برای انقلاب اسلامی کنده بودند افتاده اند. تجاوز ماهیتا صهیونیستی ارتش عراق نه تنها ممانع رشد و گسترش انقلاب اسلامی ما نشد بلکه خود عاملی برای صدور فرهنگ روحیه و شیوه های انقلاب اسلام در میان مستضعفین جهان و منطقه گردید. از این رو گرایش بسیار شدیدی در میان محافل جنگ افروز غرب و بخصوص امریکا برای اختتام سریع جنگ و برقراری حالت آتش بس بوجود آمد. در این رابطه در میان محافل عمدتاً دو نظریه جریان داشت:

الف - نظریه ای که معتقد بود هست که جنگ اسلام و کفر در ذات خود انقلاب آفرین و بسوی کننده منطقه است و اولیین مرحله برای خاموش کردن شعله فراگیر انقلاب اسلامی، اختتام جنگ و برقراری حالت صلح است. طرفداران این نظریه بر این اعتقاد بودند در صورتیکه آتش جنگ خاموش شود، با توجه به مشکلات اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی، قادر خواهند بود که نظام جمهوری

اسلامی رامهار کرده و اندک اندک در دست خود بگیرند. طرفداران این نظریه بر این باورند که "جمهوری اسلامی بدلیل وابستگی های شدیدی که در زمینه نفت، تکنولوژی و فرهنگ ساخته و پرداخته سالیان دراز حاکمیت رژیم غریبگرای شاه به غرب دارد، در صورتی که برای مدتی از انقلابیگری افتاده و بسوی

رهبری عراق می دانستند. ب - نظریه دوم که معتقد بود: جنگ می بایست پایان پذیرد ولی در صورتیکه جمهوری اسلامی تعدیل و سر به راه نشده باشد، اختتام جنگ همراه با تغییر صدام تثبیت کننده خط امام در اذهان مردم منطقه است و مردم خواهند گفت امام خمینی هر چه گفته است

قیام علیه اصلاح امریکایی

ساختن نهاد های اقتصادی و اجتماعی خود پیش برد، سرعت به غرب نزدیک شده و دوباره به اردوگاه آنها باز خواهد گشت طرفداران این نظریه معتقد بوده و هستند که عامل جنگ باعث برهم خوردن نقشه های آنها برای بازگرداندن قهره مهم سنتو و مانع نفوذ شوروی به آبهای خلیج و دریای عمان به نام غرب میشود. وجود حالت بسیج عمومی و کربلای مستمر باعث تقویت موضع و تثبیت عناصر "رزمنده و انقلابی در نظام جمهوری اسلامی میشود. زیرا مهره های نم کرده غرب برای اداره کشور و همچنین عاقبت طلبان و رفویست ها عرضه اداره جنگ راند داشته و کشور برای پیشبرد جنگ به وجود عناصر انقلابی نیازمند است و روحیه مردم نیز وجود آنها را در نظام جمهوری اسلامی می طلبد. بنابراین اختتام جنگ بهترین فرصت برای "انسوزا" و تصفیه عناصر ظاهرا آشوب طلب از صحنه حاکمیت جمهوری اسلامی است. طرفداران این نظریه وجود نوعی "صلح وثبات نفتی" در منطقه را در سر می پروراندند و معتقدند که ادامه جنگ به هر حال ثبات نفتی منطقه را در هم خواهد ریخت، چون با قطع نفت ایران، نیروهای مردمی عراق و عربستان سعودی و کویت و امارات که در سایه این جنگ بسیج شده اند برای قطع پشته اقتصادی نظامی صدام به انهدام جاهلها و تلمبه خانه های نفتی کشورهاشان دست میزنند

طرفداران این نظریه معتقدند که با ادامه جنگ و نابود شدن بنادر بارگیری نفت ایران از بودجه نفت محروم شده و با وجود رهبری همچون امام خمینی و توده های بسیج شده و استقلال طلب بسوی خود کفائی اقتصادی پیش خواهد رفت و خطوط عاقبت طلب که فقط عرضه اداره کشور بایول نفت و واردات فراوان از غرب و شرق، قدرت حفظ کشور را دارند از صحنه حاکمیت جمهوری اسلامی به کنار رفته و این امید غرب نیز نقش بر آب میگردد. طرفداران این نظریه با توجه به اصرار توده های شهید داده و مسئولین جمهوری اسلامی برای برکناری و حاکمه صدام، با تعویض ظاهری و روی کار آوردن مهره های دیگر مخالف نبودند زیرا با وجود صدها هزار شهید و معلول و مجروح کشته از هر دو کشور ایران و عراق، بقای صدام در حاکمیت عراق تشنج آفرین و جنگ افروز بوده و لازمه اختتام جنگ را حد اقل تعویض در کساد

عملی شده، گفتند شاه باید برود، رفت. گفتند امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند، دیده شد که تمامی نیروی نظامی سیاسی و پلیسی امریکا در جریان اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام همچونین در طول جنگ کاری از پیش نبرد. گفتند چنان سبلی به صدام و حزب بعثت بزنم که از جای بلند نشود، حالا هم این سبلی رازده اند. پس خط اسرائیل باید از صحنه روزگار محو شود، هم محقق الوقوع و اتفاق افتادنی است. مردم دلگرم میشوند و به قیام می پردازند. بنابراین طرفداران این نظریه معتقدند جنگ نمی بایست با تغییر صدام پایان پذیرد. می گویند که "تا خط امام خمینی و آیت الله منتظری و پیروان آنها در صحنه سیاست جمهوری اسلامی حاکمیت دارد، هرگونه تغییر ظاهری در عراق بنبغ خط مشی آزادی قدس است و آنها از کوچکترین فرصت برای تحقق خط خود استفاده خواهند کرد. کما اینکه امام خمینی توانست از تغییرات ظاهری نظام شاه، برکناری هویدا و وزارت آموزگار و باز شدن جوسیاسی کشور، بخوبی استفاده کرده و مردم را به شورش و تغییر بنیادی نظام وادارد. بنابراین اینها معتقدند ابتدا باید تهران را تعدیل کرد و بعد صلح را برقرار نمود، کما اینکه در مورد مصر ابتدا قاهره تعدیل گشته و بعد اتحاد شد. سپس اسرائیل از بیابانهای سینا خارج شد. این دو نظریه مدتهاست که در محافل امپریالیستی جریان دارد و هر کدام به خطوط و سیاستهای در صحنه جنگ تبدیل شده اند. در حال حاضر خط مشی غالب از طرف امپریالیسم، خط مشی دوم می باشد و غرب بیشترین نیروی خود را برای حفظ صدام بکار گرفته است. ولی خط مشی اول هم به قوت خود باقی است و دائما به فعالیت مشغول است. آنچه که امام در سخنرانی خود با آن برخورد کردند نفوذ این دو نظریه در بین دولتهای دوست و ظاهرا دوست منطقه و هم چنین نفوذ این خطوط در میان برخی سیاستمداران داخلی است

امام بشدت بانجواي برخی شیاطین که می گویند مردم از جنگ خسته شده اند، برخورد کردند. همچنین امام در سخنرانی خود در بین سه شرط جمهوری اسلامی برای اختتام جنگ، اصلی فرعی کرده و سقوط و حاکمه صدام و رهبران حزب بعث را بعنوان شرط

اصولی اعلام کردند تا جای هیچگونه سوء استفاده برای منحرفین وجود نداشته باشد، و با عقب نشینی و پرداخت فرامت و قول محاکمه در دادگاه به ظاهر صالح بین المللی ملت شهید داده و مظلوم ایران را فریب دهند. آنچه لازم به تذکر است و می بایست مبنای قیام علیه تحقق اینگونه صلح های امریکایی قرار بگیرد، مبارزه علیه خطوطی است که خواسته یا ناخواسته، آگاهانه و یا از روی جهل و ندانم کاری زمینه ساز تحقق چنین صلحی در جنگ اسلام و کفر می شوند. برای اینکه نارسائیهای ما خدای ناکرده چراگاهی برای شیطان نشود به تذکر این نارسائیهای می پردازیم.

۱ - سهل انگاری در بکارگیری تجربیات سه ساله جنگ، بکار نرفتن تجربیات جنگ و تکرار اشتباهات عملیات گذشته، باعث بالا رفتن میزان شهدا و مجروحین و معلولین جنگ شده و عناصر متکین انقلابی و ضد صهیونیست عاشق آزادی کربلا و قدس را از صحنه جبهه ها خارج می کند. (برای درک بیشتر می توان به سرفاله شماره ۱۷ مراجعه نمود.)

۲ - اتکای برنامه های اقتصادی کوتاه و دراز مدت جمهوری اسلامی و همچنین وابسته شدن جبهه ها به درآمد نفت این وابستگی خطری جدی برای ادامه جنگ آزاد بخش اسلامی است. از هم اکنون می بایست چاره ای برای این مسئله اندیشید زیرا در غیر این صورت از تریس فلج شدن اقتصاد کشور و قطع بودجه جنگ بعثت انهدام چاهها و بندرگاههای نفتی، القاءات شیاطین خسته شده از جنگ مبنی بر نروش در مقابل غرب برای حفظ اقتصاد کشور، موثر واقع خواهد شد.

۳ - بد بین شدن مردم به حاکمیت جمهوری اسلامی، تصفیه های نابه حق نیروهای مکتبی مارک زدن و منزوی کردن نیروهای انقلابی و استقلال طلب و عاشق آزادی کربلا و قدس نیز انجام خواست دشمن به دست خود است. این شیوه علاوه بر معتدل کردن حاکمیت باعث بد بینی توده های مردم نسبت به نظام جمهوری اسلامی میشود، اعمال شیوه های غیر اسلامی در نهاد ها و ارگانهای مرتبط با مردم، مردم را نسبت به اسلامیت و صلاحیت نظام مردد نماید پس گیری جدی و واقعی پیام هشت ماده ای امام خمینی و خارج کردن مسیر تحقق این پیام از کانال های انحرافی کمک موثری به از بین رفتن این وضعیت پیش بردن امر جنگ است.

یا ایها الذین آمنوا صبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون
آیه ۲۰۰ آل عمران
"ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر بخوانید و با یکدیگر رابطه بگیرید و تقوای خدا را بیشه کنید امید است که رستگار شوید."
"والسلام"

ایران چه شد که ریکان در فکر رفع جنگ است. قبول صلح ننگ است

جواب جنگ، جنگ است. صادر مردم تهران بهیچ درستیج بخاره سحره حد مرسى لخبیر

بسم الله الرحمن الرحيم

در شهریور ماه ۶۰، غرض توپها و رگبار مسلسل‌های رزمندگان اسلام بار دیگر در جبهه‌های غرب طنین انداز شد. جبهه‌های سرپل ذهاب پس از ماهها خاموشی نسبی دوباره فعال شد، رزمندگان اسلام بدست بطرف ارتفاعات اشغالی توسط مزدوران بعثی حملهور شدند و حماسه‌ها آفریدند. دو سال از این حرکت جو شکن و موج آفرین می‌گذرد. بخاطر بزرگداشت این حماسه و گرامی داشت رزم آوران این حمله بخصوص فرمانده رشید این عملیات، برادر شهید "محسن حاجی بابا" سعی بر آن داریم که با **بسیاری از وقایع حمله و بیان ارزشها و تجربه‌های کسب شده** حین این عملیات گامی در جهت تکمیل راه این شهیدان که همان تحقق استقلال آزادی جمهوری اسلامی و صدور انقلاب اسلامی است برداریم.

شرح عملیات

عملیات از نیمه شب یازدهم شهریور ماه در چهار محور ۱۱۰۰ صخره‌ای ۶، ۱۱۵۰ (بازی دراز) و قراویز و کوروش آغاز شد. فرمانده این عملیات برادر حاجی بابا و نیروهای شرکت کننده در این تکرار برادران بسیج نجف آباد، برادران بسیج همدان، گردانهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گروهی از بسیج مشهد و تعدادی از نیروهای بسیج عشایری بودند. برادران بسیج نجف آباد چندین ماه در منطقه ۱۱۰۰ صخره‌ای و برادران بسیج همدان ماهها در محور قراویز در جبهه حضور داشته و در تکرار اول بازی دراز حضور فعالی داشتند. در این عملیات برادران ارتشی نیز با توپخانه و سلاحهای سنگین شرکت کرده و از رزمندگان حمایت میکردند. در محور ۱۱۰۰ صخره‌ای، برادران پس از نیمه شب از چند محور شروع به حرکت کردند و حدود صبح به قله نزدیک شدند. در یکی از این محورها برادران با میدان مین و سیم خاردار روبرو میشوند و تعدادی از برادران زخمی و شهید میشوند. در یکی از محورها دیگر ساعت ۳ بعد از نیمه شب به بالای قله میرسند و در یک پناهگاه به انتظار رسیدن برادران از بقیه محورها میشوند. با طلوع آفتاب و نیامدن گروههای دیگر این برادران که حدوداً ۵ نفر بودند تصمیم به شروع عملیات میگیرند این گروه قبل از شروع به حمله با سیم تماس میگیرند که موفق به تماس نمیشود. با شروع عملیات متجاوزین عراقی که روی قله سنگهای انفرادی و ایذایی درست کرده بودند بسوت و با دادن چند نفر تلفات به ردیف دوم سنگهای خود که بسیار محکم و حفاظت شده بود میروند و برادران را زیر آتش شدید آری جی و تیور - بار آزار میدهند که مجبور به سنگگیری میشوند.

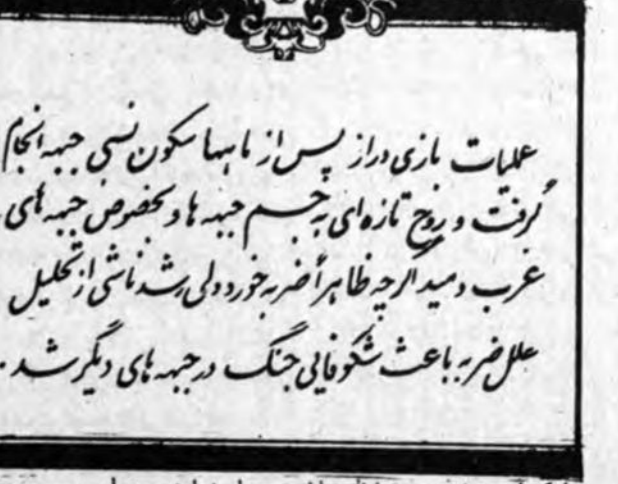
محور دیگر که برادران نجف آبادی بودند راه را بدون شناسایی قبلی و راهنمایی میکنند و حدود ساعت ۵/۵ الی ۶ زیر قله رسیده و چون احتمال آتش دشمن بود به دو گروه تقسیم و شروع به بالا کشیدن میکنند در حدود ساعت ۶/۵ تقریباً همه محورها به روی ۱۱۰۰ صخره‌ای رسیده بودند دشمن با کشیدن سریع به عقب و ایجاد فاصله زمینه‌ای مناسب را برای فعالیت سلاحهای سنگین خود فراهم کرد. برادران ما را بشدت زیر رگبار خمپاره و ۰۰۰ میگیرند (البته تک تیراندازان عراقی هم فعال بودند) بطوریکه برادران زیر این رگبار سلاحهای سبک و سنگین دشمن هیچگونه تحرکی نداشتند و هر لحظه بر تعداد شهدا و مجروحین افزوده میشد، مهمات و تدارکات نیز بشوایندای نداشت و هر لحظه اوضاع وخیم تر میشد. یکی از برادران دیده بان خمپاره شهید و دیگری نیز هنگام بالا کشیدن از صخره پرت و مجبور به بازگشت شده بود لذا سلاحهای سنگین ما بدون دیده بانی از کار می افتد. با این وصف برادران با بجا گذاشتن تعدادی شهید و زخمی تصمیم به عقب نشینی میگیرند.

در محور قراویز با شروع عملیات برادران بسوت و یکی پس از دیگری موفق به فتح تپه‌های قراویز میگردند و دشمن مجبور به ترک ارتفاعات میشود برادران بدون توجه به

تانکهای دشمن که در حال دورزدن آنان بودند همچنان به پیشروی خود ادامه میدهند که ناگهان زیر آتش گلوله‌های مستقیم تانک قرار میگیرند که تعداد زیادی شهید و بقیه مجبور به عقب نشینی میگردند

یادگماسته تک دوم بازی دراز
راگرامی داریم

در اینجا يك گروهان از برادران ارتشی بدست عراقیها افتادند در این عملیات قرار بود که بچه‌ها تا تپه دو قلو پیش بروند ولی چون کسی بچه‌ها را خوب توجیه نکرد بود بچه‌ها تپه دو قلو را گرفته و جلوتر میروند و در انتهای قراویز ضربه خورده و مجبور به عقب نشینی میشوند. در محور کوره موش نیز ابتدا دشمن با فشار برادران مجبور به عقب نشینی شد و ارتفاعات را خالی میکند و بسیاری با دورزدن بچه‌ها آنها را زیر رگبار گلوله‌های تانک و غیره قرار میدهند که در این محور نیز برادران سپاهی و بسیجی و ارتشی مجبور به عقب نشینی میگردند، تنها محوری که برادران توانستند روزهای اول روی آن مسقر شده و تثبیت شوند محور ۱۱۵۰ بازی دراز بود که در این محور چند نفر از مسئولین با تجربه سپاه و بسیج سرپل ذهاب حضوری داشتند در این محور دشمن با دادن تلفات زیاد و تعدادی اسیر (حدود ۷۰ نفر) مجبور به فرار میشوند ولی با ناموفق ماندن عملیات محور ۱۱۰۰ و قراویز و کوروش بشدت تحت فشار سلاحهای سنگین و ضد حمله‌های مکرر دشمن قرار میگیرد و پس از چند روز با دادن تعداد زیادی شهید و زخمی ۱۱۵۰ نیز تخلیه میشود. پس از شروع عقب نشینی از این عملیات بلافاصله از طرف برادر حاجی بابا طرح دیگری برای حمله مجدد به ۱۱۰۰ صخره‌ای ریخته میشود و این در حالی بود که هنوز ۱۱۵۰ از طرف برادران ما تخلیه نشده بود ولی بعلم اینکه دشمن تانکهای خود را تا زیر ۱۱۰۰ صخره‌ای جلو کشید طرح انجام نگرفت. دشمن تانکهای خود را برای جلوگیری از حمله مجدد رزمندگان ما از بین قراویز و بازی دراز (دشت دار بلوط) جلو کشید و بدون هیچگونه مقاومت تا پشت مواضع ما پیش آمد که چند روز در این محل ماند و شروع به مین گذاری راهپائی که احتمال حمله ما را از آن میداد کرد. چون تانکهای دشمن تا پشت مواضع دفاعی ما پیش آمده بود وضعیت خطرناکی برای ما به حساب میآمد ولی متأسفانه هیچگونه حرکتی در جهت ضربه زدن به



تانکهای دشمن و حفظ مواضع بعمل نیامد. عملیات بازی دراز پس از ماهها سکون نسبی جبهه با پایمردی برادران رزمنده و بخصوص شهید محسن حاجی بابا انجام گرفت. روح تازه‌ای به جسم جبهه‌ها و بخصوص جبهه‌های غرب دیدار اگر چه ظاهراً ضربه خورد ولی رشد ناشی از تحلیل علل ضربه چه از ابعاد سیاسی-تشکیلاتی و چه در ابعاد نظامی باعث شکوفایی جنگ در جبهه‌های دیگر شد بخصوص اینکه چند ماه بعد اثرات آنرا در تکامل عملیات در حمله بزرگ طریق القدس مشاهده کردیم.

دلایل ضربه عملیات بازی دراز

الف- این عملیات بعد از ماهها سکون نسبی جبهه بدون تدارک لازم و مناسب انجام شد. علت امر هم عقب افتادن موعد حمله به کرات بود که رزمندگان به موعدهای تعیین شده بها نداده و در جهت تدارک حمله بسیج نشده.

ب- ساده اندیشی برادران **فکر** نسبت به توان رزمی دشمن.

بسیاری از رزمندگان نسبت به روحیه نیروهای دشمن ساده **فکر** بوده و باور نمیکردند که در این حمله با مقاومت جدی روبرو شوند.

برادران انتظار تکرار عملیات بازی دراز اول را داشتند که ۲۰۰ نفر از نیروهای عراقی توسط ۶ نفر از نیروهای ما به اسارت درآمدند لکن مقاومت نیروهای عراق قابل پیش پیش بینی نبود چنانکه در ۱۱۰۰ صخره‌ای بسیاری از برادران بوسیله تک تیراندازهای عراقی زخمی و یا شهید شدند. تشدید مقاومت و تقویت روحیه دشمن در آن مقطع زمانی را در چند علت زیر می توان جستجو کرد:

۱- رجوعیستها با مارک ارتجاع زدن به امام خمینی و رژیم جمهوری اسلامی جو شدید تبلیغاتی را در خارج از کشور ایجاد کرده بودند این جو توسط روزنامه‌های عراق به داخل ارتش آن برده میشد و این باعث میشد که حقانیت ایران را در بین نیروهای دشمن مورد تردید بیشتری قرار گیرد. برای مثال در برخورد هایی که **آنروزها** اسرای عراقی انجام شده بود انگیزه‌های فوق **کاملاً** مشخص بود و حتی در بعضی از مواقع جنگ خود را با ما جنگ اسلام و کفر میدانستند که در آن اسلام عراق و کفر ایران است.

۲- شایعه خرید مستقیم اسلحه از دولت اسرائیل توسط جمهوری اسلامی از جانب بنی صدر و رجوی و دامن زدن دستگا‌های تبلیغاتی صهیونیستی و امپریالیستی به آن توطئه و حمله اسرائیل به نیروگاههای اتمی عراق باعث بالا بردن انگیزه ضد انقلاب اسلامی در ارتش عراقی شد. نیروهای دشمن فکری کردند که صدام و رژیم او به اصطلاح ضد صهیونیستی است و امام خمینی و پاسداران انقلابی صهیونیست هستند.

۳- ترور رهبران جمهوری اسلامی شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر و ۰۰۰ این امر به تقویت روحیه بعثی ها خیلی کمک میکرد و اسرای عراقی می گفتند: "مجاهدین! که زمان شاه مبارزه میکردند حالا رهبران جمهوری اسلامی را ترور می کنند و انقلاب تازه‌ای را شروع کرده اند و ما نیز به آنها کمک می کنیم". و صدور انقلاب می کنیم. این مسائل عواملی بود که در بالا بردن روحیه ارتش عراق موثر بود و با این حمله نشان داد که دشمن تغییرات زیادی در ارتش خود بوجود آورده است و از نظر سیاسی نیز با براه انداختن توطئه‌های فسوق حیثیت از دست رفته اش را بازسازی کرده است. جریان رشد یافته جبهه نسبت به این تغییرات دشمن ذهنیت داشت قابل ذکر است که امکان شناسایی این تغییرات برای ما وجود داشت. مثلاً "قبل از حمله" برادران ما عراق بارها با فرستادن گروههای رزی - شناسایی به منطقه (بازی دراز - چم امام حسن و ۰۰۰) و فرستادن نیروهای به دار بلوط که با نیروهای ما درگیر شدند و نفوذ مکرر گروههای شناسایی دشمن در جبهه بان سیران که یکبار نیز در تیمتگه درگیری بوجود آمده بود حتی در درخوئین نیز دشمن با شیوه‌های ظاهراً "چریکی و با نفوذ از داخل کانال (شیارکنار لوله‌های نفت) به برادران ما حمله می کنند و هنگام حمله نیز شعار الله اکبر می دهند" در این حمله دشمن از سلاحهای سبک و ساده استفاده کرد. اگرچه برادران در این برخورد ها و درگیریها به دشمن ضرباتی وارد می کنند و دشمن کاری از پیش نمی برد ولی این نشان میدهد که این ارتش عراق همان ارتش چند ماه پیش نبود (قبل از دورسگون) و متأسفانه بعلم عدم انتقال تجارب جبهه‌ها به یکدیگر برادر حاجی بابا و بقیه رزمندگان جبهه‌ها از این

ملت ایران اگر می خواست که صلح آمریکائی بکند همان
اول از آمریکا جدا نمی شد و قطع روابط نمی کرد امام خمینی



لشکر حزب اللهی لشکر مستقل، مبارز و مولد

بسم رب الشهداء و صدیقین

یکی از مسائلی که در شرایط فعلی بسیار به آن نیازمندیم وجود کادرهای همه جانبه مبارز، مولد و خودکفا می باشد نیروی بسیج شده متکی به هم مشکلات اقتصادی مناطق جنگی را حل کند، هم بازسازی را به انجام برساند و هم به نیروهای دشمن ضربه بزند. برای این منظور طرح سازمان دادن لشکرهای مستقل مبارز و مولد پیشنهاد میشود که دارای خصوصیات ذیل می باشد:

الف - هرکدام از این لشکرها در یک منطقه از جبهه های جنگ مستقر شده و خود مستقلا دارای قرارگاه، محلی برای استراحت، محلی برای آموزش در آن منطقه می باشد و وجود محل آموزش در منطقه جبهه به علت ممارست با مسائل واقعی جنگ باعث بالا رفتن کیفیت آموزش رزمندگان میشود.

ب - هرکدام از این لشکرها خود مستقلا مسئله تدارک خود را حل میکنند. به این ترتیب این لشکرها مستقیما پیوند بسا مراکز تدارک مردمی خورده و در اثر هماهنگی و تماس زیاد بسا مردم همواره با روند انقلابی مردم وحدت خواهند داشت و از پیروکراسی نیز مصون میمانند.

ج - هرکدام از این لشکرها در منطقه عملیات خود به شناسائی منطقه عملیات دست زده و به انجام عملیات جنگی گریز در سرتاسر جبهه تحت فرماندهی خود می پردازند. به این ترتیب لشکرها منطقه کاملا آشناسند و به راحتی قادر به انجام تک های بزرگ نیز میگرددند و با این شیوه ضربه ناشی از کم تجربگی نیروهای اعزامی از مناطق دیگر در عملیات بزرگ متحمل نمیشوم.

د - هر یک از این لشکرها کار بازسازی و کشاورزی و سراه انداختن منطقه تحت کنترل خود را بایاری افراد محلی و مهاجرین جنگی که به منطقه بازگشته اند بعهده می گیرند. به این ترتیب مشکل بازسازی توسط نیروهای جان برکف و انقلابی حل میشود. برادران این لشکر هم در دوره ای که در خط مقدم نیستند بیکار نبوده و در خط استقلال کشاورزی و اقتصادی کشور فعال میشوند.

این لشکر حتی المقدور باید بتواند مساله سواد آموزی و کلاسهای درس برای همه رزمندگان را حل کند که برادران دانش آموز در ضمن جنگ از رشد آموزشی و درسی عقب نمانند و از این جهت مملکت دچار مشیقه نگردد.

وجود وجوه مختلف آموزشی در این لشکرها (آموزش نظامی و عملیاتی، آموزش کشاورزی و بازسازی، آموزش عقیدتی و سیاسی و تبیین مسائل مملکتی و...) باعث سرعت گرفتن کادر سازی می شود که از این کادرهای تربیت شده و با صلاحیت براهی میتوان در تمامی نهادها و ارگانها استفاده کرد و مشکل کم کیفیت شدن نهادها را به علت شهید شدن عناصر حزب اللهی و حفظ امامی حل میکند.

والسلام

نیروهای شهید و بسیج عشایر) و - خستگی نیروها: نیروهای عملیات، بعلا اینک قبل از عملیات راه زیادی را طی کرده بودند خسته و کوفته بودند مثلا "نیروهای پشتیبان عملیات انزلیشان را در پیاده روی تا جبهه از دست داده بودند (و تازه از خط مقدم تا منطقه درگیری دو ساعت دیگر مانده بود) و هنگامیکه به خط مقدم جبهه رسیدند خسته و کوفته شده و توان حرکت نداشتند.

ز - عدم بسیج شهرها در جهت جبهه هایدنیال انفجار در مقر حزب جمهوری اسلامی و نخست وزیری و... کلا در شهرها جو مبارزه با منافقین بالا گرفته بود و جریاناتی نیز که خط فرسایشی کردن را دنبال کردند سعی داشتند با عوامل ضد انقلاب و گروههای چپ نما جدای از مسئله جنگ درگیر شوند که این مخالف خط امام و توده های جان برکف است که با این عوامل بعنوان ستون پنجم دشمن مبارزه می کنند.

ح - ارتش عراق از نظر نیروی انسانی کیفی ترین نیروهای خود را در این منطقه (قرب) گذاشته است و این ناشی از تضاد بنیادینی است که با جنگ چریکی دارد. دشمن میداند که تنها در این منطقه است که هم بلحاظ فرماندهی و هم بلحاظ شرایط منطقه و سابقه جنگ چریکی در آن منطقه و... امکان رشد و گسترش جنگ چریکی از دیگر مناطق بیشتر است و جبهه ای است که در آن سپاه حاکمیت دارد لذا بیشترین نیروی خود را گذاشته است تا با ضربه زدن به رزمندگان بسیج و سپاه و هم به جنگ چریکی ضربه بزند و هم نیروهای رزمنده و سپاه بسیج را از خاکسپاری بفرستد.

برکت این عملیات و نقش خون شهید ای این عملیات در ادامه جنگ را در تصحیح نسبی این شیوه ها در عملیات موفقیت آمیز طریق القدس می بینیم. چنانکه این عملیات از تدارک و امداد نسبتا "بهبتر و کیفیت بیشتر و شناسایی بالاتری برخوردار بود.

با درود به روان پاک شهید ای نجف آباد، همدان، و تهران.
باسلام بر امام مهدی (عج) و منجی مستضعفین و بسا آزوری طول عمر برای امام امت.

یا در حماسه تک دوم...

تغییرات و تحولات دشمن بی خبری مانند. حال با توجه به اینکه می توانستیم با جریانات فوق بطور نسبی از تغییرات دشمن از لحاظ سیاسی - نظامی مطلع شویم ولی علت اصلی آن را باید در مدتهاست که بی حرکتی جبهه ها دید. در این مورد ما بعلا نداشتن برخورد های مستمر با دشمن از تغییرات روز بروز آن غافل شدیم و همین امر ریشه اصلی سادماندیشی ما نسبت به واقعیت دشمن می باشد و همین ۵ ماه سکون این فرصت را به دشمن و حامیان امپریالیستی او داد تا بتوانند خود را بازسازی کنند. جو بی حرکتی و نداشتن برخورد های مستمر با دشمن و سادماندیشی ناشی از آن عوارض دیگری نیز دنبال داشت.

ج - کمبود کادر مجرب و مینا، اصولا در اینگونه عملیات به افراد شهیدات طلبی نیاز است تا قدرت تصمیم گیری سریع و سازماندهی نیروها را داشته باشد که متأسفانه در این حمله در مشیقه بودیم علت آن را می توان در سکون طولانی جبهه، ساخته نشدن افراد و عدم جذب نیروهای کیفی به جبهه جستجو کرد.

د - رابطه جنگ چریکی و سلاحهای سنگین: در این حمله بیش از آنکه به حرکت نیروهای پیاده چریک بها داده شود به توپخانه و تانک و سلاحهای سنگین تکیه شده بود که متأسفانه هنگام بالا کشیدن، برادر جنگجوی دیدهبان اصلی عملیات بر اثر پرت شدن از صخره ها به شدت آسیب دید و به این ترتیب سلاحهای سنگین از کار افتاد و تلاش فرمانده جبهه برای برآوردن آختن دوباره آنها به جایی نرسید. خیمه های سپاه چون قبلا "بخاطر اینکه محل آنها از طرف دشمن شناسایی نشود عمل نکرده و ثبت تیرنداشتند قادر به عملکرد چندانی نبود و با شلیک چند گلوله از کار افتاد و...

ه - عدم شناسایی از منطقه و عناصری که منطقه را خوب شناسند و ذاتی منطقه باشند از دیگر عواملی بود که در ضربه خوردن عملیات نقش داشت.

اکثر نیروهای عمل کننده چندان روزی بیشتر نبود که وارد منطقه شده بودند (گردان سپاه)

برکات عملیات رزمندگان والفجر ۲ و ۳ چراغی فراراه ادامه موفقیت آمیز جنگ

و نیروهای ما به مقدار قابل توجهی نیروی دشمن را منهدم کرده ماند ولی بهر حال صدام توانست اهداف استراتژیک حمله را باز پس بگیرد. در صورتیکه اضافه بر عملیات محدود و متوالی مانند سری عملیات والفجر ۲ و ۳ عملیات جنگ و گریز مستمر و بی درسی در طول تمامی نقاطی که به مرز رسیدیم به مرحله اجرا درآید هراس دشمن صد چندان شده و مجبور است تمامی نیروهای خود را در طول جبهه ها در حالت آماده باش کامل نظامی قرار دهد. این امر اضافه بر تجزیه نیروها و سلب امکان تمرکز و قوای دشمن، فرسایش روحیه و تشدید خستگی قوای او را نیز در بر دارد.

محور بوده و در محورهای دیگر عملیات نخواهیم داشت با بجای گذاشتن تعدادی قلیل از نیروها برای پدافند، بسیاری از نیروهای مکانیزه خود را به منطقه عملیاتی منتقل کرد و با پاتک های بی درسی سنگین و طولانی توانست بخشهای مهمی از مناطق آزاد شده توسط نیز و های اسلام را باز پس بگیرد کما اینکه در عملیات مطلع الفجر محور شیاکو به بیش از ۱۸ پاتک ریز شد و در عملیات والفجر ۱ عراق با اجرای بیش از ۳۶ پاتک روی پلک موضع عملیاتی توانست آن محلها را به اشغال دوباره خود درآورد. قابل ذکر است که دشمن در ضمن اجرای این پاتک ها تلفات سنگین و قابل توجهی را متحمل شد ما است

انجام دو عملیات محدود در فاصله ای کوتاه در دو جبهه نسبتا "دور از یکدیگر باعث شد که ماشین جنگی عراق مجبور به تجزیه نیروها در دو منطقه شده و فشار کتری روی هر کدام از محورهای عملیاتی وارد آورد. همچنین عراق با تریس از انجام احتمالی عملیات مرحله ۴ و ۵ مجبور بود که نیروهای خود را برای مقابله در محورهای که احتمال حمله میداد متمرکز کند لذا با تمام برنامه ریزی ها و تجربیات سابق خود از عملیات والفجر مقدماتی و نتوانست مقاومت چندانی نموده و مواضع نیروهای ما تثبیت شد. در عملیات والفجر مقدماتی و همچنین در عملیات مطلع الفجر عراق بسا اطمینان از اینکه عملیات نقطه در این

رزمندگان شجاع ما پرچمدار قیام کربلا هستند

آیت الله العظمی منتظری



رهنمودهایی برای کردستان

بسم الله رب الشهداء

توطئه امپریالیستی در کردستان را در دل جنگ اسلام و کفر حل کنیم

به این معناکه، در عین اینکه درگیری با گروههای ضد انقلاب و شورشی را ادامه میدهم بدانیم که با فعال شدن جبهه‌های جنگ اسلام و کفر و سقوط صدام، قدرت انقلاب اسلامی در آن‌ها مردم کردستان تثبیت شده و یاوه‌های گروههای ضد انقلاب مبنی بر ضعف دولت افشا میشود. این امر گرایش بیشتر مستضعفین کرد بسوی جمهوری اسلامی و انزوی بیشتر گروههای وابسته و شورشی را در بر دارد.

در عین حال در ضمن پیروزی مستمر جنگ جریانهای وابسته تاب تحمل نیارود، ماهیت خود را بیش از پیش افشا میکنند و این امر باعث روشندن آن‌ها مردم کرد نسبت به ماهیت اصلی این گروهها میشود. کما اینکه ماهیت بنی صدر و دفتر هماهنگی، شریعت‌مهری و رجوی، و... در دل پیروزی‌های جنگ افشاشد

توطئه امپریالیستی در کردستان را در دل مبارزه با جریان خزنه نفوذی حل کنیم:

به این معنا که چون مسئله کردستان مسئله داخلی انقلاب میباشد، همانطور که آیت الله العظمی منتظری در چند پیام، و مخصوص در

از آنجا که مسئله کردستان مسئله‌ای داخلی و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا نیاز به کادری با کیفیت و مجرب داریم که تحت تاثیر جوهای مسموم قرار نگیرند. کادریایی که بتوانند با درگیری‌های داخلی برخورد متین کرده و با عکس العمل و برخورد‌های ناپیچا مسئله را پیچیده تر نکنند.

کادریانی که زمینه‌های اساسی پاکسازی فائده را در افکار و روابط سیاسی، اقتصادی و مکتبی مردم کرد کشف کرده و قدرت حل آنرا داشته باشند.

توطئه امپریالیستی در کردستان را با توجه به ویژگیهای خاص کردستان حل کنیم:

از آنجا که هم در کردستان، هم در جبهه‌های جنوب و غرب، جنگ در جریان میباشد، ممکن است تشابه ظاهری ما را بر آن دارد که همانگونه که در جنوب و غرب عمل میکنیم، در

کردستان هم عمل کنیم. لکن باید توجه داشته باشیم که مسئله کردستان ویژگیهای خاص خود را داراست. مثلاً در جنوب نیروهای دشمن در مناطق اشغالی بین مردم پایگاه ندارد و با اصلاً فرد غیر نظامی در مناطق تحت اشغال آنها وجود ندارد. حال آنکه ضد انقلاب در کردستان مناطقی است که شهرها و روستاهای مسکونی را تحت اشغال خود دارد و تساهنگیکه کاملاً ضد انقلاب را از مردم جدا نساخته‌ایم، توان وارد آوردن ضربات نهایی را نخواهیم داشت. باید توجه کرد که ممکن است مراحل را که در جنوب در ۲ ماه طی میکنیم در کردستان بیش از این طول بکشد. والسلام

تقسیم زمینهای زراعی و اصلاحات ارضی اسلامی مسئله مسکن، و... به شکوفایی و موفقیت دست یابیم، کرد‌های مستضعف امید بیشتری به انقلاب اسلامی پیدا خواهند کرد. علل اعتماد محدودی که کردها به گروههای ضد انقلاب پیدا کرده‌اند، در شعارها و وعده‌هایی است که از جانب آنها برفع کردها داده میشود. شعارهایی مثل، رفاه، ارزانی، زمین، زبان کردی، و... اگر مردم کردستان ببینند که جمهوری اسلامی خود از پس حل این مشکلات برنی‌آید، در بازگشت بسوی جمهوری اسلامی کند خواهند شد.

توطئه امپریالیستی در کردستان را با سیبج نیروهای کیفی حل کنیم:

عراق است حمله کنیم مسئله کردستان حل خواهد شد. بعضی‌ها مسئله اصلی‌شان اقتصاد و برخی رفاه و... برخی بی‌حجابی و برخی... میشود. حال آنکه سنت اسلام و امام این است که این تضادها را می‌بایست در دل درگیری با شیطان اکبر یعنی مقابله با تجاوز امریکایی صهیونیستی حل کرد. نگاهی ساده به پیامها و سخنرانی‌های امام مؤید این مهم است.

پیامشان بمناسبت سالگرد شهید ای هفتم تیر گفتند، آنچه از درون انقلاب را تهدید میکند، جریان نفوذی و خزنه‌ایست که با ظاهر اسلامی و اعمال شیوه‌های غلط جامعه را بسمت انحطاط پیش میبرد. مسئله کردستان راهم جدای از این امر ندانیم. اگر با این جریان مبارزه نکنیم، و بدنال آن در جبهه عقیدتی - سیاسی، اقتصادی، تولید، مبارزه با تسویم،

برکات عملیات پیروزمندا و الفجر ۲ و ۳...

عملیات موفقیت آمیز والفجر ۲ نشان دهنده صحت این قانونمندی بود که حل تضاد با شیطان‌های کوچک تنها در دل درگیری با شیطان بزرگ ممکن است.

تضادهای فوری را می‌بایست در دل درگیری با تضاد اصلی حل کرد.

پیروزی‌های چشم‌گیر در منطقه کردستان بعد از این عملیات نشان دهنده آن است که وقتی به منشأ اصلی فتنه کردستان که رژیم وابسته

عراق است حمله کنیم مسئله کردستان حل خواهد شد. بعضی‌ها مسئله اصلی‌شان اقتصاد و برخی رفاه و... برخی بی‌حجابی و برخی... میشود. حال آنکه سنت اسلام و امام این است که این تضادها را می‌بایست در دل درگیری با شیطان اکبر یعنی مقابله با تجاوز امریکایی صهیونیستی حل کرد. نگاهی ساده به پیامها و سخنرانی‌های امام مؤید این مهم است.

این وصیت نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار میکند امام خمینی

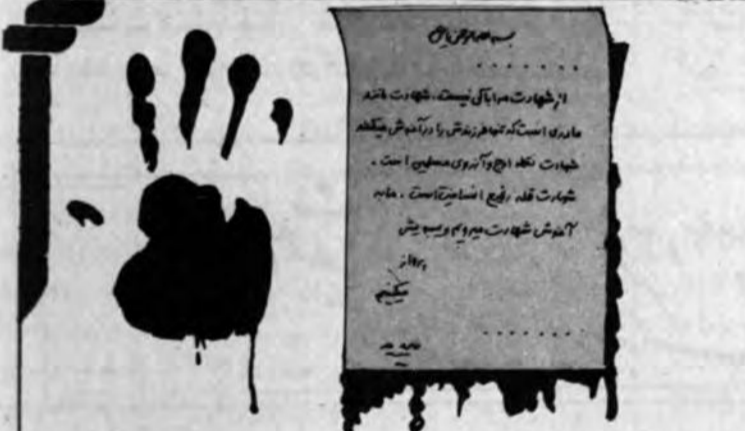
شهید ابراهیم یوسف‌پشندی هستی خود را خالصانه و عاشقانه ما اینجا برای اینکه یکمرتبه یکی از دوستان خود را نیازارم لقمه نانی که برای سیر کردن شک خود مان هست و در اوج ایثار خود باشم. به او میدهم و با این کار دری به روی خود مان به سوی خدای بخشنده باز می‌کنم. آری حتی یک تکه نان ناقابل باشد می‌تواند انسان را به شعلت تطهیر همیشه برساند.

شهید کامران کمالی به فرزندم واقعیت را بگوئید. بگذارید قلب کوچک فرزندم تیرک بردارد و همیشه از استعمار نفرت داشته باشد. هر روز فانسقمه پدرش را ببندد. هر روز بوی پدرش را امتحان کند. هر روز اسلحه

پدرش را روشن کاری کند. هر روز با قمقمه پدرش آب بخورد و به فرزندم دروغ نگوئید منی خواهم آزادی فرزندم قربانی نیرنگ جهانخواران باشد.

شهید حسن فاضل‌پور اما باید مواظب قرآن سرنیزه کردنها ولی (ع) را بی‌نماز معرفی کردنها باشیم که خدای ناکرده معاویه هاو این ملجم‌ها فرصت عمل بدست نیاورند. سعی کنید همیشه درس‌نگری باشید که اسلام بیشتر به آن نیاز دارد.

شهید حسین تاجیک انگیزه از جهاد در راه خدا گذشتن از علائق نفسانی و حسین وار



خود را با مردم در میان بگذارد و بداند که امت‌حزب‌الله هرگونه مشکلی را بعدد خود حل میکند.

شهید محمد نظری آیت الله منتظری امیداتو امام را حافظ باشید زیرا او بزرگترین شاگرد امام است.

شهید حسن عباسی برادرزهی و خواهران شمارا بخدا سوگند گفتارهای امام را تحلیل کنید و روی آن عمل کنید و وحدت را حفظ کنید. آخر مگر در این دنیا استقلالی و آزادی جم است که چنین ملت‌ها اسلام را به محاضره اقتضای و نظامی میکنند.

برکات عملیات پیروزمنده...

عملیات والفجر ۲ و ۳ به نسبت زیادی توانست جمع‌بندی‌های لزوم متارکه و صلح با عراق، و اینکه دیگر ما قادر به انجام عملیات نیستیم را تشدید جو بسبب مردم بسوی جبهه عوض‌کنند. و به این لحاظ کمک - ها شده این تحول با توجه به

* آنهایی که از ما می‌خواهند که با صدام صلح کنیم و به جنگ ادامه ندهیم آنها صلح آمریکائی می‌خواهند. *



در مورد انحلال گروه عافیت طلب انجمن تحقیق

راه مجاهد

عافیت طلبی و راحت طلبی بلائ است که همیشه گریبانگیر انقلابات بوده است و در هر انقلابی بعد از ضربه جریان عافیت طلب و بریدگی شکل گرفته است این جریانها از عناصری تشکیل می شوند که تساقیل از ضربه فعال بوده و پیرازان به این شکل متشکل می شوند که ویژگیهای آنها عمدتاً بدین قرار است:

- ۱- مبارزه قهر آمیز و بنیادین با دشمن را نفی می کنند .
- ۲- لبه تیز حمله را متوجه يك دشمن فرض می کنند .
- ۳- به کارهای فکری و فرهنگی جدای از عمل صالح می پردازند جریان انجمن ضد بهائیت از این قماش است که همزمان با کودتای امریکایی انگلیسی ۲۸ مرداد تشکیل شد سیاست را جدا از دین دانست و در طول ۳۰ سال فعالیت خود با توجیبات عافیت طلبانه و کشاندن جوانان صادق به مبارزه انحرافی کمک زیادی به ابقای ارتجاع سلطنتی نمود
- الف- مبارزه با انجمن ضد بهائیت جدای از مبارزه با خط مشی عافیت طلب که همیشه انقلاب را تهدید میکند نیست .
- ب- بدعه های با مسئله انجمن صرفاً تشکیلاتی بر خورد کرده و بسط خط مشی عافیت طلب و وجوه مختلف آن کم توجه میکنند .
- ج- با تعطیل یا انحلال انجمن ضد بهائیت نباید ساده اندیش شده و فکر کنیم که خطر رفع شده است بلکه تا عافیت طلبی و بقول امام اسلام راحت طلب وجود دارد خطر همچنان هست و انحلال یا تعطیل گروه خاصی مشکل راهپیمایی تر خواهد کرد .
- د- برای شناخت گروه عافیت طلب مقالات راه مجاهد شماره ۱۱ و ۳۳ و ۵ و ۱۷ و مقاله سنخیت های حقیق توده و انجمن در شماره ۱۷ رجوع شود .

کیهان ۶۲/۵/۳۰
دکتر بانکی در مورد افزایش نرخ تورم گفت: برای مقابله با رشد فزاینده نرخ تورم دولت و راه چاره در مقابل خود داشت باید با افزایش واردات و خرید کالا از خارج نیازهای مردم را تامین کند و با به سیاست سهمیه بندی کالاهای مصرفی اساسی و مسود نیاز روی آورد که دولت شهید رجائی راه دوم را انتخاب کرد و اجرای این سیاست از اثر فشار تورم در جامعه کاست و تا حدودی در مورد تامین کالا های مورد نیاز مردم از قبیل برنج، گوشت صابون گندم، روغن، شکر موثر واقع شد .

راه مجاهد: سهمیه بندی کالا نباید صرفاً يك عمل اقتصادی تلقی شود، که مردم را در استفاده کالا های مختلف محدود کند بلکه حرکتی است برای ترویج شیوه های اسلامی که همان قناعت اسلامی است که به میزان نیاز و ضرورت از کالا استفاده شده و از اسراف جلوگیری شود .

کیهان ۶۲/۴/۳۰
اطلاعیه حجت الاسلام اصفهانی به تجار و بازرگانان بروج گیلان: تجار و بازرگانان بروج در گیلان بطوری که سیدانید دولت محترم جمهوری اسلامی ایران سخت با احتکار و گرانفروشی مبارزه خواهد کرد تا جائیکه بعنوان مفسد دادستان محترم اعلام اعدام نمود است و چون نرخ بروج بزودی تعیین می شود هر چه سریعتر بروجها را بقیمت های که اینجانب اعلام نموده ام در اختیار دادستانهای انقلاب اسلامی قرار دهید و دادستانهای محترم انقلاب اسلامی طبق تکلیف شرعی خود تمام آنها را و کارخانه های بروجکشی را شناسایی خواهند کرد .

کیهان ۶۲/۵/۲
آیت الله صامعی در خطبه نماز جمعه قم: . . . خطری که اکنون در جامعه ما هست بازگشت سرمایه داران فراری است که برای محرومان مشکل آفریده و این طبقه را رنج می دهند مالکیت از نظر اسلام محترم است اما در شرایط فعلی نباید مشکلی بر مشکلات دیگر افزود

شهید آیت الله بهشتی و مالکیت

شهید آیت الله بهشتی: سرمایه دارها اگر بروند سرمایه هایشان را هم ببرند نه! خودشان گورشان را کم کنند و بروند سرمایه ها مال این ملت است و نماند .
سرمایه دار مومن به انقلاب یعنی چه؟
سرمایه دار مومن به انقلاب به سرمایه داری میگوئیم که خودش را تخص

جهاد سازندگی

لا یحه تاسیس وزارت جهاد سازندگی به تصویب مجلس رسید

کیهان ۶۲/۵/۲
نخست وزیر: چرا کارهای جهادی و کار در جهاد سازندگی برای ما این قدر قداست دارد. این بخاطر آن است که جهاد سازندگی در انقلاب اسلامی با اقرا بر خورد ماشینی ندارد . . . بنیاد شهید نیز چنین نقشی را در راست یعنی اگر ما بنیاد شهید را نداشتیم عملاً باید برخورد صابا معلولین و مساله شهدا برخوردی در سیستم رایج اداری می بود و این خودش می توانست به افول هنر و ارزش شهادت در جامعه ما منتهی شود حقیقت این است که اگر نهاد های انقلاب اسلامی در نظام ما تضعیف شوند و ما آنها را از دست بدهیم انقلاب اسلامی با وجود این همه توطئه در جهان باقی نخواهد ماند .

راه مجاهد:
آیت الله منتظری خطاب به جهادگران جمله ای به این مضمون گفتند که اگر حتی جهاد بصورت وزارتخانه در بیاید سعی کنید دور از کاغذ بازی و بوروکراسی اداری باشد .

پیرامون وزارت جهاد سازندگی

صحبت يك اداری بوروکرات باید که جهادگر:
بوروکرات: يك بیان بدهید راجع به ساختن مدارس در روستاها تا اگر جهاد مدرسه ها را از زانتر می سازد بدهیم به جهاد.
جهادگر: ما نمی توانیم مثل ادارات بیان بدهیم چون برنامه آنطوری مشخص نداریم در هر روستایی میزان بودجه بستگی دارد به درجه کمکی که مردم می کنند . اگر مردم کمک کنند ما خرجی نداریم و اگر

کمک آنها نباشد خرج ما بالا می رود اداری بوروکرات: چطور می توانیم کار به جهاد بسپاریم وقتی جهاد

اثر را مد بریتش را و سرمایه اش را یکجا تقدیم انقلاب کند شعاع دار تاریخ اسلام لابد با سرگذشت بانوی بزرگوار اسلام خدیجه گیری آشنائی دارید خدیجه قبل از اسلام که بود؟ يك صاحب سرمایه يك بازرگان معتبر که اصل آشنائیش با پیغمبر اکرم (ص) به مناسبت استفاده از پیغمبر برای بازرگانی اثر بود .

برنامه ریزی ندارد و کارش حساب ندارد چگونه می شود به او کار در جهادگر: برادر اگر از دیدگاه بوروکراسی و اداری و برنامه ریزی غریبی و کلاسیک به جهاد نگاه کنیم جهاد نهادی نامنظم و بی برنامه ریزی است و باید از این حالت در آورده و منظم اداری پیدا کند و لسی واقعیت امر اینست که ما باوشیوه سازندگی و برنامه ریزی روبرو هستیم یکی شیوه سازماندهی کلاسیک و اداری یعنی آن سازماندهی که در آن مردم به حساب نیامده و میزان پرسنل بودجه متکی به فروش نفت و امکانات غیر مردمی . . . ملاک برنامه ریزی است .

شیوه دوم شیوه اتکاف به سیج سیاسی ایدئولوژیک توده ها و حل مشکلات از این طریق است یعنی هر چه مردم بیشتر بسیج باشند و بیشتر در حل تضادها و مشکلات اجتماعی فعال و شریک باشند نیاز به بودجه و تدارکات پرسنل اداری از نوع کلاسیک آن کمتر می شود . و یا لعکس . پس باید نتیجه گرفت که جهاد يك نهاد نامنظم نیست بلکه از نظمی برخوردار است که با دیدگاههای غریبی قابل تمییز نیست . نظم آن نظم انقلابی متکی به بسیج انسانها می باشد و برنامه ریزی و تنظیم بودجه و تعیین پرسنل نفی نمی شود ولی در صورتی در دست است که ملاک آن قانونمندی فوق باشد .

والسلام

کیهان ۶۲/۵/۱
نخست وزیر: عده ای چنین تحلیل می کنند که با کم شدن خطرات توطئه ها علیه انقلاب فلسفه و جسمهوی شما نهاد های انقلاب از بین خواهد رفت این تحلیل از ریشه غلط است . اگر انقلاب اسلامی ما در جهان امروز رسالت خود را فراموش نکرده اگر این انقلاب موضع خود را در برابر قدرتهای بزرگ از دست ندهد اگر انقلاب اسلامی مصمم باشد که دست چنگال شوم امریکا را در مفظه بشکند طبیعی است که توطئه های

قدرتهای بزرگ علیه انقلاب پایان نخواهد یافت .
آنها ای که فکر میکنند دوران قدرتها انجمن های اسلامی و نهاد های انقلابی با سلا مو به پایان رسیده تحلیل بسیار غلطی از انقلاب دارند .

کیهان ۶۲/۴/۸
در رابطه با انتشار نامه متفکر شهید استاد مطهری به معلم موع ۶۲/۳/۲۹ کیهان مطلبی با امضای شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید مطهری به کیهان رسید که متن آن باین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
نظر باینکه در روزنامه کیهان ۶۲/۳/۲۹ در ویژه نامه متوسط به دکتر علی شریعتی نامه ای از شهید مطهری به آن مرحوم درج شده بود توضیح زیر را برای روشن شنیدن از هان مردم مسلمان لازم دانستیم از استاد شهید مطهری نوشته های زیادی در نقد و بررسی آثار مرحوم دکتر شریعتی بجای مانده است . که در صورت لزوم تدوین شده و در اختیار عموم قرار خواهد گرفت .
طبعاً در زمان نگارش آن نامه (حدوداً سال ۴۶) افکار آن مرحوم برای استاد شهید روشن نبوده است و آن نامه نمی توانست بهیائنگر نظر نهائی شهید مطهری به پیرامون خط فکری مرحوم دکتر علی شریعتی باشد . . .

جوابیه کیهان

. . . کیهان وظیفه خود میداند که باتکیه بر رهنمود شهید مظلوم بهشتی که "چرا در جامعه ما بجای استفاده های مثبت از چهره ها و سرمایه های فراوان از نهایی می روم که این استفاده مثبت ضرری زند از تلاشهای بی شائبه معلم شهید دکتر علی شریعتی تقدیر کند. یقیناً این بمعنای مطلق ساختن يك شخصیت و ندیدن نقاط منفی يك تلاش نیست امام معتقدیم که اگر ظرف زمانی یک حرکتیك مجاهده فکری فراموش شود بسیاری از دستاوردهای عظیم نهضت اسلامی در ورته فراموشی به دل آزدگی کهنگی گرفتار خواهد شد .

. . . آنچه بطور قطع می توان گفت مورد نظر استاد شهید مطهری بوده است فضای سالمی برای نقد و بررسی آثار و اندیشه های بزرگان است تا بدور از هیاهو های سیاسی بد و دراز تهمتها و بر چسبها به ارزیابی نقاط مثبت و منفی يك تفکر پرداخته شود .
. . . امید داریم باید توجه به فرمایشات امام در سال ۵۶ قدر و مرتبه هر يك از خد متکبران به اسلام در موقعیت زمانی خاصشان شناخته شده و در عین حال در محیطی سرشار از تقوا خلوص و بها دادن به اندیشه بزرگان به



جنگ اسلام و کفر

از کربلا به قدس

کیهان ۶۲/۶/۵

محمد کاظم موسوی بجنوردی نمایندگی مردم تهران در مجلس فرمودند: ضرورت ادامه جنگ در این است که تمام آن دلائی را که استکبار جهانی را واداشت تا این جنگ زابه ماتحمیل کند همچنان بقوت خود باقی است. بنابراین این اگرما کوچکترین سستی در ادامه جنگ از خود نشان بدیم نه تنها صلیحی شرافتمندانه دست نخواهیم یافت بلکه علاوه بر آن حقوق ملت ما از بین خواهد رفت. و تا وقتی که انقلاب ما این سیرالهی را طی میکند و تا وقتی که خطری در مقابل مصالح استکبار جهانی باشد این توطئه ها ادامه خواهد داشت و اگر این امروز عراق مامور شده است تا ما بکنند روزی بگریه ما خواهد شد و بهر حال تا ارتجاع منطقه وجود دارد این خطرات هم وجود دارد و ما باید از موضع قدرت بر آنها بایستیم و خود آنها را بخطر بیاندازیم تا اینکه طمع آنها برای ضربه زدن به انقلاب از میان برود.

کیهان ۶۲/۶/۱۲

کنفرانس مطبوعاتی قضات دادگاه بین المللی اسلامی در لندن قضات دادگاه اسلامی اعلام داشتند که تلاش فراوانی کردند که تا از ولایت عراق اجازه باززد از مناطق جنگی عراق را بگیرند ولی هنوز هیچ پاسخی مثبتی از عراق دریافت نکرده اند. یکی از قضات گفتند که این جنگ به نفعی برای ما نیست بلکه این جنگ به نفعی برای استکبار جهانی است و ما باید از گسترش انقلاب اسلامی برای این کشورانقلابی و اسلامی حمایت کنیم و ما مستعد ام وحشیانه ترین جنایات

تاریخ را در این جنگ به مرحله رسانید و من اورا قضا به منطقه و هیئت کشورهای اسلامی مینامم. میبایست همه مسلمانان جهان زبان اعتراض به جنایات ضد امگشود و او را مجازات نمایند. جنایات ضد ام در این جنگ به نظر من یادآور جنایات اسرائیل در جنوب لبنان است. اسناد فراوان در دست است که نشانگر دخالت بر طرف رتبه در این جنگ بوده است و عراق بدستور امریکا جنگ را آغاز کرده است.

کیهان ۶۲/۶/۱۲

عراق در حمله هوایی صدها بمب و راکت بر سر مردم بیگناه یوان فسرو ریخت. حجتا سلام هاشمی رفسنجانی: اصولی که سیاست جنگی ما الان حاکم است یکی احتراز از خونریزی زیاد است چه نیروهای خودمان بخواهند شهید بشوند و چه عراقیها بخواهند زیاده تلفاتند هند ما در حال مایل نیستیم که در این جنگ کشته ها زیاد بشوند و یکی

راه حل صحیح نسبت به مسئله استقلال و خود کفایی مایوس می شوند

۳- جریان دیگر معتقد به مسه وارداتی رویه نبوده و به استقلال و خود کفایی تاکید داشته و ورود اجناس و کالاها را در حد نیاز های ضروری انقلاب قبول دارد ولی از آنجائیکه در رابطه با سایر کشورها از امکانات صنعتی آنها در جهت تربیت کادر متخصص استفاده نکرده و رشد صنایع کوچک داخلی به تناسب ورود کالاها ضروری را اصلت میدهد و بطور استراتژیک قادر به حل مسئله خود کفایی نیست.

۴- جریان صحیح ضمن اصالت به خود کفایی و حرکت علمی در این جهت معتقد است که واردات کالاها ضروری و روابط با سایر کشورها در حد نیازهای مرحله ای انقلاب بلامانع است.

از صفحه ۳۳ بیاد مجاهد شهید سعید مافی توراد انتظار دیدن دیدار حق دیدم که در پشت صف طولانی آن شاهدان دیدم یقین حق برگردد

و ازین دگر مردم همی چیدت

تو عاشق - چون شدی حق را

همی عاشق شدت یازا

تورا برد سوی سرستان

بموی جنت و بستان

که نام جنتش آن جبهه جنگ است

تو در آن جنت خونین

چه میکردی؟

توانایی ندانم من

که گویم آن حضور حق

که معذوم بداری شاهد عاشق

فقط گویم که او در آن مکان

بنموده آن روش عیان

تا راه او را بر شناسی

سوی او اندر شتاب آیی

والسلام

کیهان ۶۲/۴/۹

وزیر خارجه ژاپن وارد تهران شد. وی یکی از دلائل آمدن به ایران را چنین گفته: من معتقدم ایران بعد از انقلاب به ثبات میرود و لازم است ما روابط خود را با ایران تحکیم بخشیم. وی نتایج سفر خوشرو بسیار شمر بخش خواند و وی گفت من مواضع ایران را در رابطه با جنگ و سیاست خارجی و اصول سیاست نه شرقی نه غربی بخوبی درک کردم و به آن احترام می گذارم

دکتر ولایتی نیز در مورد تبلیغات رسانه های امپریالیستی در رابطه با پیروزیهای اخیر رزمندگان گفت: همانطور که قانون اساسی و اصول جمهوری اسلامی می گوید ما به همسایگان خود اطمینان می دهیم که نباید هیچگونه خوبی از جمهوری اسلامی داشته باشند ما خواهان دولتی اجاره کنند و از مردم عریستان هم خواسته شده هر کس خانه ای دارد فقط باید با آن موسسه دولتی تماس بگیرند و بعلاوه در هر ساختمان که در اجاره ایرانیان است یک اتاق هم برای مامورین امنیتی عریستان در نظر گرفته شود یا اینکه خواسته شده وقتی وارد عریستان می شوید باید عملکرد مشخصات تمام افراد یک ساختمان را به دولت عریستان بدهید.

نکته ای که امام فرمودند این بود که دولت عریستان نمی تواند بر سر راه حجاج ایرانی ما نمی ایجاد کند و قدرت ندارد در مقابل یک ملت ۴ میلیونی بخاطر مخالفت با امریکا و اسرائیل بایستد و اگر دولت عریستان چنین قصدی را دارد باید رسماً اعلام کند تا مسلمانان دنیا هم تصمیم خودشان را بگیرند.

۱- عده ای معتقدند که برای رفع کمبودها متوسل به کشورهای همسایه و جهان سوم شویم و اجناس مورد نیاز را وارد کنیم بدون اینکه به خود کفایی کشور اهمیت دهند در این روش ما متکی به فروش نفت و دلارهای حاصله آن خواهیم شد که نهایتاً وابستگی به شرق و غرب را بدنیال دارد.

۲- عده ای دیگر هر نوع رابطه و خرید کالا را نفی کرده و به نیازهای اساسی مقطعی بخصوص در حال جنگ توجهی ندارند و بدون ارائه

بررسی آثار معلم شهید شریعتی بنشینیم.

حج

حج الاسلام موسوی خوئینیها این کار شکی هاناشی از یک تفکر ضد اسلامی و استعماری تلقی کرد و این از سیاست است. وی در رابطه با اصول دوازده گانه ای که دولت عریستان برای حجاج ایرانی مطرح کرده گفت این اصول عموماً در جهت قطع هر گونه رابطه بین ایرانیها و عریستان است حال این تماسها چه در رابطه با اجاره خانه و چه در رابطه با خرید و فروش کالاها می باشد مورد نیاز ایرانیها و چه در مورد دیگر باشد باید قطع شود مثلاً در مورد اجاره خانه آنها می گویند باید خانه را صرفاً از یک موسسه دولتی اجاره کنند و از مردم عریستان هم خواسته شده هر کس خانه ای دارد فقط باید با آن موسسه دولتی تماس بگیرند و بعلاوه در هر ساختمان که در اجاره ایرانیان است یک اتاق هم برای مامورین امنیتی عریستان در نظر گرفته شود یا اینکه خواسته شده وقتی وارد عریستان می شوید باید عملکرد مشخصات تمام افراد یک ساختمان را به دولت عریستان بدهید.

نکته ای که امام فرمودند این بود که دولت عریستان نمی تواند بر سر راه حجاج ایرانی ما نمی ایجاد کند و قدرت ندارد در مقابل یک ملت ۴ میلیونی بخاطر مخالفت با امریکا و اسرائیل بایستد و اگر دولت عریستان چنین قصدی را دارد باید رسماً اعلام کند تا مسلمانان دنیا هم تصمیم خودشان را بگیرند.

بنابست الگرد شهادت

ایده صدوقی

موضع ایشان در مقابل آیه الله منتظری، بندج، برخورد با سخنرین

... به احیاء شخص مالک میشود و صرف سند گرفتن و زمین موات را با صلاح بملک خود در آورند و یا اداره ثبت ساختن و بازور و قلدری و این حرفها سند گرفتن ملکیت نمی آورد این جواب کسانی است که رفتند با سند سازی و با این ترتیبات اراضی موات را به ملک خود در آورده اند کسیکه زمین موات را رفته و بازور و قلدری سند گرفته این سند موجب مالک شدن او نیست هر کس بازن فقیه جامع شرایط یا کسی که از جانب فقیه اذن دارد که تقسیم کند این زمین را گرفت و رفت و احیاء کرد و خانه کرد باغ کرد و یا روی آن زراعت کرد مالک می شود. اهالی و دهات و شهرها که می گویند این زمینها نماز ندارد یعنی چه؟ بعد از اینکه تصرف بازن فقیه جامع شرایط

یک اشخاص را بگمارید و به بسیاری اینکه از اینها اقرار بگیرند. در اسلام اقرار خواستن به گناه پسندیده نیست. اینطور در فشار گذاشتن و اعتراف گرفتن از مردم و زدن چه معنی دارد احکام طاغوتی را عمل نکنید و احدی حق تعرض به شما ندارد. ۳- می خواهم کلامی را بگویم این مرد به تمام معنا شایسته است چهل سال من با این شخصیت محترم آشنا هستم به فقا هتشن معلوم دیگرش به زهدش به تقوایش به ایمان راسخش به بی هوایش صد درصد من ایمان دارم اگر یک کسی در گوشه و کنار درباره این شخصیت محترم توهینی می کند و زبان به انتقاد می گشاید تو دهنی محکم به او بزنیید. با شست محکم می زند این ملت بر دهنش دشمن روحانیت بر دهنش دشمن آیت الله منتظری هم بالا خضر زنیید.

از عواملی که در محاسبات مامور است این است. از طرفی ماجنه های سیاسی اقتصاد ی جنگ راهم در نظر بگیریم همیشه ما زانگه ضربه های وارد میکنیم یک مهلتی هم میدهم برای اینکه آنها قدرت غرور داشته باشند و فرصت تسلیم هم حق را به آنها میدهم که اگر ناست تسلیم بشوند در میدانها ابتکار عمل و انتخاب نحوه عمل با ما است. در مورد دادگاه اسلامی ایشان فرمودند که این حرکت در نهی اسلام ممکن است حرکت خوبی باشد که در مورد اختلاف بین کشورهای اسلامی اظهار نظر کند بعنوان یک عامل جهت گیری از طغیان هاتجاوز ها و زورگوئیها و ممکن است موثر باشد

در سالی از عملیات والفجر

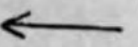
۳۰۲

ادامه پیروزیها و الفجر نشان داد که میتوان با عملیات پیروزی که در یک زمان در رجبهای مختلف صورت میگردد به دشمن ضربه مهلکی وارد کرد و فرصت تجدید قوا و قوی کردن استحکامات دفاعی را از دشمن بگیریم

عملیات ۳۰۲ نشان داد که با وجود و همگانی بودن شناسائی از دشمن توسط رزمندگان حتی اطلاع دشمن از زمان و مکان نمی تواند تاثیری در حملات ما داشته باشد. چرا که در این عملیات اتخاذ شیوه متناسب با نیاز رزمندگان و موقعیت منطقه نقش عمده ای در پیروزی حملات داشت. عملیات والفجر ۳ و ۲ نشان داد که از یاد افراد نقش عمده ای را در تحقق پیروزی یا شکست ندارد بلکه در عین کم بودن تعداد و قلت امکانات با کارگیری شیوه های متناسب و مکتبی جنگ چریکی است که میتوان برد دشمن بظاهر قدرتمند فائق آمد.

حملات پیروزیها و الفجر نشان داد که باید دست آوردن پیروزی مردم نیز در جهت جنگ بسیج شده و کمک های مالی خود را به جبهه ها افزایش داد و سبب کم شدن فشار اقتصادی برد و ملت میشود از طرفی اعزام نیروهای مردمی به جبهه ها افزایش پیدا کرد. و شکل نیروی مردمی سپاه نیز تا اندازهای خل شد.

در طول ۳ سال جنگ ارتش بعث عراق با حفظ کادرهای رده بسالی خود سعی داشت که سپاهان عراقی را به خط مقدم جبهه بفرستد و خطوط دفاعی را به توسط آنها محکم کند. رزمندگان ما در این حملات با استراتژی گرفتن و کشتن تعداد زیادی از فرماندهان بعثی ا بهت و قدرت پوشالی آنها را در ذهن سپاهان نشان شکستند و ضربه مهلکی نیز به یگان ارتش بعث وارد کردند. در عملیات والفجر ۲ بعثت داشتن شیوه های اصولی و کارگیری تجربه حملات گذشته تعدد از شهیدان و مجروحین نیز تا حد و زیادی تقلیل یافته بود.



کپهان ۶۲/۴/۱۳
حسین کاظم پور اردبیلی معاون وزارت امور خارجه: ایران همچنان بر موضع قبلی خود مبنی بر عدم صلاحیت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به مسئله حل و فصل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و صلح تحمیلی پافشاری میکند و لسی از این سازمان برای رساندن جنایات صدام بگوش جهان نیسان و بیان حرفها و گفتههای خود استغاف خواهد کرد.

کپهان ۶۲/۴/۱۹
حجت الاسلام رفسنجانی در بیان جلسه شورای عالی دفاع: ... ما فکر میکنیم اگر بکروزی بعضی از فرماندهان نظامی ما خواهند در تبلیغات جنگ دروغ به مردم با ارتش یا سپاه ارائه دهند اشرف نامطلوب خیلی زیاد است و برای پشتبسته و داخل جبهه مضرت چون ما با اعتماد مردم کار میکنیم نیروهای ما تمام ارتفاعات شمال و شمال غربی مهران را تصرف کردند که از این ناحیه هم مهران و هم جاده تا مین شده است و در وقت مقابل مانیز در تیررس آتش قرار گرفت که عراقیها مجبور هستند نیروهای زیادی برای جلوگیری از عملیات ما قرار دهند.

کپهان ۶۲/۴/۵
دکتر رجایی خراسانی: ماشورای امنیت را برسمیت نمیشناسیم و صرفا بدلیل احترام مقابل به نمایندگان چین و زیمبابوه که روسای شورای امنیت میباشند در مورد اعزام یک هیات برای برآورد خسارت وارد بر مناطق غیر نظامی ایران با سازمان ملل همکاری کردیم ۱۰ اگر شورای امنیت یک بیانیه مناسب انتشار دهد با اتخاذ موضع درست و شجاعانه حقایق را بپذیرد مانیز حاضریم در موضع خود نسبت به شورای امنیت تجدید نظر کنیم.

کپهان ۶۲/۵/۴
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: بنابه اسناد بدست آمده در یادگان حاج عمران فرماندهان نظامی دشمن کاملاً از زمان و مکان شروع عملیات اخیر مطلع بودند اما ما این وجود دشمن در اولین یورش برق آسای رزمندگان ما مجبور به عقب نشینی و تحمل تلفات سنگین شد و این در شرایطی بود که ما حداقل تلفات ممکنه را داشتیم. ما الان امنیت خلیج فارس را تا مین میکنیم اگر ما امنیت را از خلیج برداریم خلیج فارس در یگرمان نیست. اگر ما این کار را میکنیم چون خودمان به خلیج فارس احتیاج داریم فرض کنید یک چنین روزی پیش بیاید که البته خیلی بعید میدانم حتی فرانسه هم بتواند خوب آن موقع در لیلی

ندارد ما خلیج فارس را امن نگه داریم برای ما خیلی آسان است که خلیج را امن کنیم ما میتوانیم طوری حرکت کنیم که یک کشتی هم نتواند به خلیج وارد و یا از آن خارج شود شما فکر میکنید بناد رگسورهای جنوب خلیج فارس به چه وضعی در میآید کشورهای که همه حیاتشان به این جا وابسته است یاد رکزد دنیا اگر نباشد مثلا برای چند ماهی نفت از خلیج فارس بیرون نرود فکر میکنید چه میشود در رسته همان وضعی پیش میاید که بعد از انقلاب اسلامی پیش آمد یعنی یک نفع قیمت نفت سه برابر شد پس دلیلی ندارد آن از آن وضع بهتر شود شاید هم بدتر شود.

ایر قدرتوها و محرمتهای
و ایستد به آنان یا -
اسلام شاهنشاهی و
ملکی صحافت پیوسته.

کپهان ۶۲/۴/۲۰
سرهنگ صیاد شیرازی: عملیات والفجر بدین گونه نبود که هدف زمینی را در برداشته باشد بلکه انهدام نیرو بود. و رزمندگان اسلام یورش گسترده ای به دشمن آوردند که پس از گذشتن از موانع مختلف دشمن را در آنسوی موانع به خاک و خون کشیدند و این عملیات آغاز والفجرهایی بود که ادامه آن تا پیروزی نهایی خواهد بود. همچنین عملیات والفجر یک مقدار نارسایی ها و مشکلات نظامی داشت بعد از طول مدتی که بظاهرتا خیر داشتیم فرصتی بود که به بازسازی و ازین بردن این نارسائیهای پدید آید و کلا عملیات والفجر ادامه خواهد داشت تا به حقوق حقه خودمان دست یابیم.

اطلاعات ۶۲/۵/۱۸
مصاحبه مرتضی الویری: ... چقدر رابلها نه است در این شرایط که رژیم بعثی در آستانه سقوط است صحبت از مذاکرات صلح شود. به نظر حقیر جنگ در اولویت قرار داشته و از هر کاری که جنگ را از اولویت ببرد باید اجتناب شود. هرگونه صلحی حتی زمزمه ای در این باره پشت رزمندگان ما را می لرزاند. و این خیانتی بزرگ است که تاریخ نخواهد بخشید. جنگ یک سرنوشته بیشترند ارد و آن عبارتست از سقوط حزب بعث و حاکمیت مردم عراق بر سرنوشتهان. من در مورد تهدید امریکا هم میگویم عیب و شود سبب خیر اگر خدا خواهد. بدون تردید مداخله نظامی امریکا در خلیج موجب رشد و تعالی اسلام خواهد شد. امریکا با مداخله در خلیج تجربه تلخ و بی تمام را با ابعاد بسیار وسیع تر و بگبارتر تکرار خواهد کرد از سوی دیگر این مداخله و فایده مهم

برای ما خواهد داشت یکی اینکه قطع صد و رفت ملت ما را به ریاضت اقتصادی و امیدواری و این امر برای فرار از اقتصاد تک پایه ای و شکوفائی اقتصاد کشور ضروری است فایده دوم اینکه مردم ما و کشورهای خلیج فارس را مستقیما و بیابری امریکا قرار میدهد و طبیعتا جمهوری اسلامی سکان را این حرکت عظیم در منطقه علیه امریکا خواهد بود و کلمه سلیمان خلیج را پشت سر خود خواهد داشت لذا انقلاب اسلامی خود بخود بدست دشمن صادر خواهد شد.

کپهان ۶۲/۵/۲۲
نماز جمعه حجت الاسلام رفسنجانی سخنی در باره قهرمانیهای رزمندگان یکی از تیب هائی که در آن حمله قهرمانی کرد تیب المهدی است یکی از فرماندهان بایک گروه حدود ۵۰ نفر و زاول جنگ میروند و یک جانی را میگیرند و با امکانات دشمن شروع میکنند به دفاع کردن و به واحد

کپهان ۶۲/۵/۲۴
مصاحبه با برادر محسن رضائی: طی این عملیات اهداف کلوی که تا کنون هم بحمد الله به آن رسیدیم این بود که رزمهای کشور آزاد شده و ارتفاعات استراتژیک منطقه به دست رزمندگان بیافتند و همچنین آتشی دشمن از روی شهرها و روستاهای کشورمان دور شود و خاک کشور ما برای حضور مردم موزند گو آرام مناسب شود و هدف دوم ما از این عملیات انهدام نیروی دشمن و تنبیه او و همچنین نشان دادن توان رزمی رزمندگان اسلام و در نتیجه قطع پشتیبانی مای خارجی و مایوس کردن اربابان صدام بود و واقع آگاه کردن

کپهان ۶۲/۵/۱۷
نیروهای اسلام بیض و ازینج بلند و مهم دیگر در شمال شهر عراق آزاد کردند و به جاده های رایات در بند و حاجی عمران تا تنگه سلط هستند در جریان این نبرد هایش از هزار مژدور عراقی به هلاکت و نیز قرارگاه نیب ۹۰۱ پیاده دشمن نابود شد. ارتفاعات تایچی گوران و قلعه های ۲۱۲۰ و ۱۹۷۰ مشرف بر جاده حاجی عمران آزاد شد. بلند بیهای دیگر ارتفاعات ۲۵۱۹ حمزه سید الشهدا را آغاز کردند.

کپهان ۶۲/۵/۲۰
شش جنگنده عراقی مردم بیگناه گیلان غرب را با بمب خوشه ای موشک و مسلسل بخاک و خون کشیدند. اطلاعات ۶۲/۴/۲۵
در ادامه عملیات شهید پروجردی سپاهیان اسلام ۱۵ روستای دیگر در منطقه پیرانشهر را آزاد کردند

کپهان ۶۲/۵/۳
در حمله والفجر ۳ و ۲: چهار پایگاه و چهار ارتفاع مهم عراق در منطقه عملیاتی والفجر دو به تصرف قوای اسلام درآمد. ارتفاعات سارسل در هفت کیلومتری مرزد ر جنوب محور پیرانشهر روانرود و روستای خالان والا نه در مرز واقع در شمال پیرانشهر بدست نیروهای اسلام آزاد شد

کپهان ۶۲/۵/۲
پادگان حاجی عمران از مراکز مهم فرماندهی عراق میباشد در ادامه عملیات والفجر ۳ سقوط کرد و کلبه تجهیزات بدست نیروهای

از خاصیت حکومت محرومین است که نه از این ایر قدرت میترسد و نه از آن ایر قدرت - میترسد و از جنگ هم نمی ترسد

کپهان ۶۲/۵/۲۶
راد یوسکویه نقل از روزنامه نیوزویک در باره جنگ اسلام و کفر مدعی شد که پس از گذشت سه سال از جنگ به وضوح روشن شده است که راه جنگ بهین بست ختم میشود و جنگ از لحاظ نظامی به بن بست رسیده است. بقیه در صفحه ۲۸

کپهان ۶۲/۵/۲۶
راد یوسکویه نقل از روزنامه نیوزویک در باره جنگ اسلام و کفر مدعی شد که پس از گذشت سه سال از جنگ به وضوح روشن شده است که راه جنگ بهین بست ختم میشود و جنگ از لحاظ نظامی به بن بست رسیده است. بقیه در صفحه ۲۸

مستضعفین در نیا بخصوص مستضعفین مظلوم عراق و لبنان که بتوانند قاطعتر و موفقتر به مبارزه خودشان ادامه دهند.

برادران ما شجاعانه در منطقه ماندند و شبها با دین یکی در نغز تلفات به پائین در حدود ۷۰ متری میآمدند و آب بر میباشند و به رغم اینکه دشمن میدانست اینها چند نفرند و چه وضعی قرار دارند نتوانستند این تپه را بگیرند و این قضیه بخوبی نشان داد که یک نیروی قلیل ولی با ایمان چگونه میتواند دشمن را با نیروی زیاد و سا

ستونها لشکرها را رتنگانگه دارد. برادر محسن رضائی افزود امریکا فاصله اش با ما بسیار زیاد است و اقیانوس که بین ما و امریکا است مانع یک اقدام نظامی این کشور علیه ما شده است. لذا تمام این اعمال برای این است که بتوانند در آیند هم برای مقابله با انقلاب های اسلامی در سطح و ناور میانه بخصوص در کشورهای عربی که از این نفتوانترقی هستند مقابله کنند و انشا الله ما برور نیروهایمان آسوده و سازماندهی میشوند و مردم ما هم مانور نیروهای رزمنده اسلام را خواهند دید و خودشان در عمل و مردم جهان هم در عمل برایشان ثابت خواهد شد که این حرکت دشمن تماما کوششی برای تضعیف ایشان میباشد.

سرهنگ صیاد شیرازی بعد از مصاحبه گفت: کلا تاریخ جنگ ما نشان داده است که یک سیرتقد یزی دارد و یک سیرکلا سیک و سیرتقد یزی که بر سیر کلا سیک حاکمیت دارد سیری است که خداوند با عنایت بر ما و اباستگنی و سوزاوری ملت رزمندمانشان میدهند

راه مجاهد. جنگ اسلام و کفر از آغاز تا کنون همواره باد و شویه جنگ کلا سیک و جنگ چریکی در رازمد ترور بود است و استواف توخیز های فبرر معلول اصط کاک ایسن د و شویه با یک یگراست. باید تقد یرخد ارا در این د و شیموه متجلی ببینیم که هرگاه ملت ما به خطمشی ایشار و جنگ چریکی در رازمد تر و آورد امداد های غیبی خداوند تقد یرا و بر جهت پیروزی رزمندگان ما بود. هرگاه خطمشی کلا سیک و تکیه بر سلاح های سنگین و شویه سازماندهی کلا سیک بر جبهه ها سایه افکند سکون، فرسایش و اوت بسیج حاصل آمد.

کپهان ۶۲/۵/۲۶
راد یوسکویه نقل از روزنامه نیوزویک در باره جنگ اسلام و کفر مدعی شد که پس از گذشت سه سال از جنگ به وضوح روشن شده است که راه جنگ بهین بست ختم میشود و جنگ از لحاظ نظامی به بن بست رسیده است. بقیه در صفحه ۲۸

جنگ، جنگ، جنگ، تاپیروزی

از صفحه ۲
حق را این میدانند که تابع راه انبیا، باشند، و جمهوری اسلامی را تا دم همان راه انبیا میدانند. اگر ملا حظه کنیم متوجه میشویم که امام پس از این مشکلات را مطرح کرده شیوه و تاکتیکهای حل آنها را نیز مشخص میکنند.

بطور خلاصه امام از حمد خداوند (خدا واحد و مطلق و منشا همه چیز است) شروع کرده و به تبیین جریان حق و باطل در تاریخ رسیدند و راه انبیا را توضیح دادند و از آنجا جمهوری اسلامی را تا دم همان راه دانستند و به تحلیل حاضر شرایط آن پرداخته و تضاد همای موجود و راه حل آنها را ارائه کردند. روش امام همان روش صدیقین و انبیا و ائمه اطهار است. روش صدیقین چنین است که از صفات خدا به روش زندگی و مبارزه میروند. از مبنا قرار دادن صفات خدا به نفعی بتها و شیوه نفعی آنها میروند. نباید با صحبتهای امام بعنوان نصیحت صرف برخورد کرد و آنرا صرفاً یک عرفان ساده انگاشت بلکه روش امام روش عرفان رزمنده ایست که حاوی خط مشی مبارزه و تاکتیک آن نیز هست.

مرز این روش تحلیل از مسائل (از صفات خدا به خط مشی رسیدن) با سایر روشها این است که در روش های غربی و شرقی برای علم و تجربه بشری جدا از راه انبیا استقلال قائلند و مبنای استدلال آنها صفات خدای بزرگ نیست. آنها راه بشر را از راه انبیا جدا میکنند بشر را پیرو علم، پیرو رشد و تکامل ابزار و یا پیرو عقل و منطق می دانند (البته عقل و منطق که مبنای خدائست) در حالیکه امام خیزی راه انبیا را از خدا و راه بشر و اتمی را تا دم انبیا میدانند انبیا الهی که الگوی بشرند آنچه را بهی یافتند کمال مطلق و کمال جویی بشر است و از این راه به تحلیل مسائل میروند و نه از راه منطقیهای بشری و بهی یافت مفروض در آنها و شیوه امام نیز چنین است.

کیهان ۶۲/۴/۲۳
ما می دانیم که ابر قدرتها و حکومتها وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و ملوکوتی مخالف نیستند بلکه بی شک آن را تایید نیز می کنند. اسلامی که بوسیله ایادی ابله سی خود و جهان عرضه شود که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند و نباید در امور مسلمانان اهتمام نمایند. چه بهتر است که دست علمای متعهد و مسلمانان بیدار را این در باربان روحانی نما و بازی خوردگان غافل از سیاست بازی شیاطین ببینند و راه را برای چپاول و سلطه قدرتها باز کنند آنان از اسلامی که مقید آنها است چه پاك دارند از اسلام علی بن ابیطالب علیه صلوه الله و سلامه میترسند.

خج از آن روز که تولد پیدا کرده است، اهمیت تجدی سیاسی اش کمتر از تجدی عبادی اش نیست

تجدی سیاسی علاوه بر سیاستش خودش عبادت است

اگر سید الشهدا (ع) مثل اینان فکر می کرد و در کنار قبر جدش به زکرو دعا می پرداخت خج جمع بزرگ گریلا پیش نمی آمد و دوستان ارجمند خداوند قطعه قطعه نمی شدند و آل الله به اسسارت نمی رفتند. حکومتها این که در عصر حاضر با دل و جان و اسم اسلام در خدمت ابر قدرتها و بویژه آمریکا هستند و عامل تامین منافع آنان در جهان میباشند و آخوند های داری از خدا بی خبر مؤید آنان و مخالف با رژیم اسلامی هستند و کوشش در هدم اسلام پر خاشاکر به مستمگران به سیره رسول الله علیه و آله و سلم و علم کردن اسلام شاهنشاهی و ملوکوتی هستند که مسلمانان متعهد را به جرم شکایت از ظلم آمریکا و اسرائیل می خواهند از فریضه حج محروم کنند. شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیا عظیم الشان میدانید و بحمد الله هستید خود را جز خد متگزار به ملت های ستمدیده ندانید و باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته اند و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت شما با چهره های صد درصد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نکسره فاجعه بهار آورند و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف بکشانند و با دست شصانه اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند.

کیهان ۶۲/۴/۲۹
انقلاب راه خود را پیدا کرده و به پیش می رود و بستگی به وجود هیچ کس هم ندارد. یک مطلب اینکه من خوف این را دارم که در این انقلاب که باید روحانیت تقویت بشود و آنچه که شده است به هدایت آقاییان بوده است مبارز خدای نخواست به واسطه بعضی از روحانیون معین صادر میشود این موجب این بشود که یک وقت مستی در روحانیت پیدا شود یکی قضیه اینکه از آن زی روحانیت که زی طلبگی بود است. اگر ما خارج شویم اگر روحانیون از آنان زی که مشایخ ما در طول تاریخ داشته اند، ما اگر خارج شویم خوف اینست که یک شکست به روحانیت بخورد و شکست هر روحانیت شکست به اسلام است. من خوف این را دارم که مردم به واسطه امثال من به بهشت بروند آنها برای خد توجه آقاییان دارند و ما هم دعوت می کنیم مردم را به خیر و صلاح من خوف آن را دارم که

آنها برای خاطر ما و شنیدن حرف ما به بهشت بروند و ما برای اینکه خود مان مذهب نبودیم چه هم و آن خوف زیادی که من دارم که ما روبرو بشویم با آنها ما در جهنم باشیم و آنها در بهشت باشند. اینطور هم نیست که انسان خیال کند که شیطان می آید ابتدا به آدم می گوید که بیابرو طاغوتی بشو این را نمی گوید قدم به قدم انسان را پیش می برد امروز این اشکالی ندارد اگر جلویش را گرفتند طمعش برید می شود و اگر جلویش را نگرفتند فردای قدم دیگر جلو می رود یک وقت می بینید که این طلبه زاهد عابد که در مدرسه زندگی می کرد با آن وضعی که همه میدانید متحول شد بیک نفر انسان طاغوتی به حدود خودش و از آن وضع طلبگی که مشایخ ما بر آن وضع بوده اند یک وقت خارج شد همه هفتاد و نیاست انسانی که همه هفتاد و نیاست بتدریج می شود این امور از قدم اول انسان باید جلویش را بگیرد اگر مبتلا شد ابتدا دیگر پشت سر هم می آید. خیال نکنید که دنیا عبارت از این طبیعت است این طبیعت را خدای تبارک و تعالی هیچ ازش تکذیب نکرده، بلکه در روایات تعریف هم ازش شده است. این یکی از مظاهر الهی است دنیا آنست که در ماهست که ما را از مبداء کمال دور می کند و به نفس و نفسانیت خود مان مبتلا می کند. مبادا خدای نخواست یک وقت از آن زی طلبگی خارج بشوند و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی در مردم بشود.

مبادا خدای نخواست اعمال (اعمال بعضی) عکس آن مطلبی که در ایده شعاست تحقق پیدا کند اختلاف ریشه اش از حُب نفس است هر کس خیال می کند من برای خدا این آقا را باهاش اختلاف می کنم یک وقت درست بنشیند در نفس خودش فکر کند ببیند ریشه کجاست حسن ظن بخودش نداشته باشد سوءظن داشته باشد محاسبه یکی از امور است که در سیر انسانی باید باشد که در آخر شب حساب کند انسان به اینکه، تسو شب فکر کند به این که نمی گویم درمن هست من هم پائین تر از دیگران حساب کند انسان به اینکه، تو امروز که با این آقا اختلاف داری و حالا شدید دسته، یک دسته دنبال آن آقا و یک دسته دنبال آن آقا، ریشه اش چیست؟ برای خد است؟

اطلاعات ۶۲/۵/۱۲
خاصیت حکومت مستضعفین

و محرومین و حکومت مردمی این است که هم مجلس می فهمد مستضعفین، محرومین یعنی چه هم حکومت و وزیرا می فهمند که یعنی چه، هم رئیس مجلس می دانند که این محرومیت یعنی چه؟ خاصیتی که حکومت محرومین دارد، چند چیز است که حالا من بعضی اش را عرض می کنم: یکی از خاصیتها ی بزرگش این است که اینها دیگر از قدرتها نمی ترسند حکومت رفاه طلبان است که در مقابل سفارتخانه های خارجی ذلیل بودند و در مقابل رعیت خودشان و قشر محرومین با کمال قلدری رفتار میکردند حکومت محرومان این خاصیت را دارد که امروز اگر رئیس جمهور آمریکا بیا بد اینجا خواهد به یک نفر از کارمندان های اداره دولت مایک درستی بکند یک سیلی می خورد. امروز خاصیت حکومت محرومین این است که خوفیه دلشان را نمیدهند آمریکا از آنور دریاها نشسته و فرمان میدهد بر حکومتهای قلدری، همه فرمان می برند حکومت ایران که حکومت مستضعفین است هیچ اعتنایی به او نمی کند. حکومت مردمی، دیگر نمی تواند بترسد از اینکه آمریکا جوی می گوید حکومت مستعدان است، حکومت مستضعفان است اینها در دلشان خوف نیست به اینکه اگر چه بشود، ما مقامان را از دست میدهم، مقام نیست در کار هیچیک از اینها به فکر این نیستند که ما الان یک مقامی داریم و مقام فروش می کنند و هیچکدام هم یک زندگی اشرافی ندارد که بترسد از دستشان گرفته بشود و چون حکومت ایمان است، خوف از شهادت هم ندارند. امروز روزی است که مردم ما از جنگ نمی ترسند برای اینکه برای چه بترسند؟ ... از کودتا بترسند؟ کی کودتا بکند؟ کی میتواند حتی خانمهای پشت پرده این هم یکی از خاصیتها یی است که حکومت مستضعفان دارد که خوف ندارند اینها.

اطلاعات ۶۲/۵/۱۳
خارجیها هم اگر بخواهند کاری کنند اول بین خود ما اختلاف می اندازند و از این راه فساد ایجاد می کنند. اگر صد های این کشور ببینند از اختلاف سران است امروز اختلاف موجب میشود به جیبه ها سرایت کند و اگر خدای نخواست سرایت کرد، مصیبت پیش می آید ... مصیبت بزرگ این است که در این صورت اسلام نمی توان سر بلند کند باید متوجه باشید که این تکلیف است که همه با هم باشید تا این بار را به آخر برسانید خوب خدمت کنید به مستضعفان برسید، شما در دور دستها مسئولیت دارید به مستعدان که در طول تاریخ وزیر فشار و زحمت بودند برسید.

اطلاعات ۶۲/۵/۲۶
اطلاعات آن طور که آخوند های درباری، منطقه میگویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد اینها رسول رئیس مجلس می دانند که این محرومیت را محکوم میکنند ائمه هدی را محکوم میکنند اینها خلفای اسلام را محکوم میکنند برای این سفر حج و این حج برای این مسائل بوده است برای قیام ناس بود است برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا شود. مع الاسف به قدری تبلیغات دامنه دار دشمنان اسلام در همه مسائل اسلامی زیاد دامنه دار بوده است که بخود مسلمین هم باور انده اند که نباید دخالت در سیاست بکنند به خود روحانیون هم بسیاری از روحانیون هم باورشان آمده است که روحانی نباید دخالت در سیاست بکند روحانی باید مسئله بگوید آن هم مسائل غیر سیاسی مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی اش است برای اینکه مسائل سیاسی هم عبادت است مع اضافه است کتب اسلام کتب فقهی اسلام مشحون از مسائل سیاسی است مشحون از مسائل اجتماعی است و آن وقت یک دسته نادان گمان میکنند که اسلام مثل سایر ادیان منحرفه که آن هم در اول اینطور نبوده است بعد با دست همین استعمارگران به اینجا رسیده است وضع این است که باید روحانی عقب بنشینند و دو رکعت نماز بخوانند برود به منزلش و همان جرت بزند تا نوباره وقت نماز دیگر بیاید؟ اینها همه تبلیغاتی بوده که در طول مدت، از آن وقتی که اسلام تولد پیدا کرد و قدرت پیدا کرد بعد هم خلفای اموی و عباسی و بعد هم بدست حکومتها مرتجع و بعد هم بدست قدرتها بزرگ این مسائل شده است که اسلام را مخزوی کنند و منزوی کردند. آن اسلامی که به درد جامعه نرسد آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد آن اسلام منزوی است. اسلام منزوی در مساجد بود با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرك. مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم ص مرکز جنگها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی علیه و آله همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد مسائل سیاسی اش بیشتر بوده است. مسلمین باید در حج وقتی که میروند یک حج زنده یک حج کهنه یک حجی که محکوم کنند این شوروی جنایتکار، و آن آمریکای جنایتکار را یک همچو حجی، حجی است که مقبول است

اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگهیم بلکه بر خلاف مصالح مسلمین هم روی جنایتها برده بپوشیم، نگذاریم مسلمین میگذارد و جنایت های که از حکومت ها و قدرتهای بزرگتر مسلمین میگذرد ما یک صحبت بکنیم این حج نیست همین یک صورت بی معنا است مسلمین باید بیدار بشوند این یک میلیارد مسلم باید بیدار بشوند و کلک این دولت قدرت بزرگ و دیگر قدرتها را که در این مناطق مشغول نصاد هستند کلک اینها را بکنند ننگ نیست بر کشورهای اسلامی بر حکومت های کشورهای اسلامی که اسرائیل نباید و فلسطینی ها را آنطور کند در لبنان آن جنایت ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی میترسند اینها؟ چرا باید اینقدر بی عرضه باشند؟ شریان حیات شرق و غرب در دست اینها است نفت شریان حیات اینها است اگر ده روز نفت را به روی اینها ببندند خاضع می شوند اینها در عین حالی که این شریان در دست حکومت های به اصطلاح اسلامی است در عین حال تقدیم میکنند و التماس هم میکنند این مصیبت نیست برای مسلمین؟ این مصیبت نیست که همه چیزمان را بدهیم به خارجی ها و در طبق اخلاص بگذاریم با منت کشیدن از آنها که بیزیرند؟

مسلمین باید توی ذهن اینها بزنند. و اگر مجتمع بشوند خواهند زد ایران همانطور که همه دنیا دیده است و وزیرها گذاشتند مسائل را همه عالم اگر سلیبی خوردند به برکت اسلام نخواهند دیگر این ملت اسلامی گذاشت که راه آنها به این مملکت باز بشود آنها بی که به آرزوی این نشسته اند که آمریکا دوباره بیاید یا شوروی بیاید آنها خیال باطل به خودشان راه دادند به این آرزو نباشند لاف تا وقتی که اینها زنده هستند تا این وقت آمریکا و شوروی نمی تواند به این مملکت وارد بشود این جوانهای ما که الان در سرتاسر کشور به جنگ میروند و در جبهه آنطور حماسه ها می آفرینند تا این جوانها هستند و انشاء الله هستند نمی تواند کسی به این مملکت صدمه وارد کند.

آنها بی که در خانه نشسته اند و میگویند مردم خست شده اند از چه و چه آنها خودشان خسته هستند از اول هم خسته بودند هاند مردم چه کسانی هستند؟ این اندیشه است که مسرت تجاوز واقع بشود دنبال اش جنگ جنگ تا پیروزی میگوید این هم جاهای دیگری که از زنبول گرفته تا هر جا ملاحظه کنید به مجردی که یک خسارتی در آنجا واقع میشود و صدام یک جنایتی

میکند دنبالش همه مردم می ایستند و فریاد می زنند مرگ برکی و مرگ برکی و جنگ جنگ تا پیروزی اینجا مردم نیستند؟ امید وارم که این سفر مبارک شما را موفق بکند به اینکه اینکشم این مسلمین جهان را این روحانیون کشورها را این روحانیون رباری را که در آنجا گرد می آیند توجه بدهید به اینکه آقا چرا باید شما عزت خودتان را در نوکری آمریکا بدانید؟ در نوکری صهیونیستها بدانید؟ شما آقائی خودتان را را از بیت الله کسب بکنید دور بپرق اسلام جمع بشوید حول خانه خدا جمع بشوید و با هم بیعت کنید که اجتماعتان همه تان بر خلاف مصالح اسلام نباشد و بیرونق مصالح باشد و دست قدرتهای بزرگ را انشاء الله به نتیجه مطلوبی که اسلام دارد برسد شماها بسا سلامت و سعادت مشرف بشوید کیهان ۶۲/۶/۲

امام در دیدار با فرمانده نیروی دریایی - فرمانده هوانیروز... این طور نیست که ما را امثال قدرتهای بزرگ مثل آمریکا و شوروی رها کنند آنها باز طمع دارند به ما آنها در خارج نشسته اند آنها در خارج و داخل کار میکنند و طمع دارند به این کشور طمع دارند به این ارتش... گمان نکنم که مسائل تمام شده است و ایران نجات مطلق پیدا کرده است و کسانیکه در کمین نشسته اند آرام میشوند... خدا نکند که روزی بیاید اشخاصی که انحراف از اسلام دارند و پاسبانان عزیز اختلاف ایجاد کنند.

کیهان ۶۲/۵/۳۱ باید هوشیار باشید باید هوشیار باشیم. باید دولت و ملت هوشیار باشد که غفلت از اینکه در کمین هستند برای بلعیدن این کشور از همه اطراف از آمریکا گرفته تا شوروی - در این معنا شک نباید بکنیم و متکی به خدای تبارک و تعالی باشیم و متکی به قدرت ملی خودمان باشیم که این وحدت ما و همراهی ملت از شما و پشتیبانی همه قشرهای ملت از شما را از آسیب مصون نگه میدارد و بحمد الله شما این سبلی که در اول حمله صدام وده داده شد که صورتش بزنند شما زدید و الان یک موجود سبلی خورد شده است که همه چیزش را از دست داده است و با کمکهای خارجی و کمکهای ابرقدرتها کمکهای منطقه به کشور ما رحم نکرده است اصلاح پیش نباید لفظ اصلاح یک امر است که صلاحیت ندارد بین مسلمانها و یک طایفه ای که از اول به اسلام عقیده نداشتند و موسس آنها علقی - ای بوده است که هیچ اعتقاد به اسلام و به اخلاق بشریت ندارد سرمیز اصلاح ببینند ایران همانطور که سبلی زد به این موجود مفلوک به سبلی زدن خودش ادامه میدهد تا اینکه آن چیز

هائیکه باید زیر بار بروند با فشار نظامی ایران و با فشار ملت ایران تحقق پیدا کنند. ملت ایران اگر میخواست که صلح آمریکائی بکنید همان اول از آمریکا جدا نمیشد و قطع روابط نمی کرد و این قدرت را حفظ کنید و ایمن وحدت را حفظ کنید و به پیش بروید که خدا با شماست و امید وارم که با زحمت و تلاش پیگیر شما تمام این توطئه ها از بین بروند و ایران استقلال خودش را حفظ کند و آزاد می خودش را حفظ کند آنها کسی که از ما می خواهند که با صدام صلح کنیم و به جنگ ادامه ندهیم آنها صلح آمریکائی می خواهند بعضی از آنها سر تا قدمشان آمریکائی است از عمال شاه سابق بوده اند و حالا اسلامی شده اند و برای وطنشان و برای حفظ خون مردم وطنشان ناله میکنند.

ما میخواهیم دستاور قطع کنیم و ما میخواهیم که این حزب منحوس و این حزب علفی از زمین برود و کشور عراق بدست خود عراقیها اداره بشود. نه بدست دیگران و امثال صدام که تمام حیثیت عراق را حیثیت نظامی عراق را حیثیت ملی عراق را زیر پا گذاشته است و تمام ذخیره های عراق را برای نفوس به باد فساد داده

کیهان ۶۲/۶/۳ امام در دیدار با شوراهای تبلیغاتی آمار و مطالبی که فرمودید امید بخش است در قدیم حوزه ها محصور شده بود و لغت سیاست را نمیشد بکار برد شما یادتان نیستند رقدیم موضع خاصی بود فلسفه و عرفان که مطلق بود و فضلا از اینکه زبان خارجی بداند که بتواند در خارج تبلیغ کنند در رحد کن بود و واقعا فکرها عقب افتاد بود اگر ما همه زبانها را برای تبلیغ اسلام بدهیم عبارتی بزرگ است ما با زبان اینجا که نمیتوانیم برای مردم آمریکا و سایر کشورهای مسائل اسلام را بگویم امروز اسلام در اکثر کشورهای مطرح است و امید واریم که شما بتوانید اسلام را برای مردم جهان عرضه کنید انشاء الله خداوند شما را به هدایت تبلیغاتی باید بر اساس معنویات باشد معنویات اساس اسلام است سعی کنید معنویات را زیاد کنید از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکام کنید همه اش در فکر درست کردن سالن و ساختمان نباشید بلکه در فکر معنویات اسلام باشید توجه داشته باشید کتابها و چیزهایی که بگیری که از قم منتشر میشود غیر از کتابهای است که رساله ها منتشر میشود قم شهر علم و اسلام است اگر خطائی از قم منتشر شود در دنیا علم میشود این موضوع هم باید مورد توجه باشد که از قم چیز خرافی منتشر نشود.

در زنهنها نبود و هیچ کسی هم فکر نمی کرد که امکان دارد کسی را بخارج فرستاد ولی بحمد الله امروزه حوزه ها این مسائل حل شده است من باز عرض میکنم که فقهران باید فراموش کرد فقهر همان صورتی که بود است باید باشد فقهر جوهری را باید تقویت کرد فقهر رراس در روس است ولی مسائل دیگر هم مهم است که باید به آنها عمل شود وضع تبلیغاتی باید متناسب با وضع حوزه باشد باید آقاییان توجه داشته باشند همیشه در مسائل واقعی بروند کتابهای را که میخواهید منتشر کنید حتما باید عد های از فضلا بخوانند و نظر دهند و خودتان در قیقا بررسی کنید اعزاز مبلغ از امور بسیار لازم است که باید در وقت عمل شود ما که میگویم میخواهیم انتقال بمان را صادر کنیم میخواهیم با شمشیر باشد بلکه میخواهیم با تبلیغ باشد ما میخواهیم تبلیغاتی گسترده های را که کمونیستها و دیگران بر ضد اسلام دارند میکنند با تبلیغاتی صحیح خنثی کنیم و بگویم که اسلام همه چیز دارد اسلام مثل مسیحیت کنونی نیست از اول نقش بود که اسلام را مثل مسیحیت کنونی که اگر کلیسا محبوس است در رمد رسه ها محبوس کنند متأسفانه خودمان به این نوع فکر کلک کردیم به زبان آوردن کلمه سیاست جرم بود برای اینکه القا کرد بود که سیاست مال منحرفین است اصولا اساس اسلام از سیاست است بسبب پیغمبر اسلام و هر آن مدتها حکومت تشکیل دادند میشد و آنها تمام امور سیاسی را در دست داشتند لکن در زمان ماکلمه ولفت سیاست را نمیشد بکار برد شما یادتان نیستند رقدیم موضع خاصی بود فلسفه و عرفان که مطلق بود و فضلا از اینکه زبان خارجی بداند که بتواند در خارج تبلیغ کنند در رحد کن بود و واقعا فکرها عقب افتاد بود اگر ما همه زبانها را برای تبلیغ اسلام بدهیم عبارتی بزرگ است ما با زبان اینجا که نمیتوانیم برای مردم آمریکا و سایر کشورهای مسائل اسلام را بگویم امروز اسلام در اکثر کشورهای مطرح است و امید واریم که شما بتوانید اسلام را برای مردم جهان عرضه کنید انشاء الله خداوند شما را به هدایت تبلیغاتی باید بر اساس معنویات باشد معنویات اساس اسلام است سعی کنید معنویات را زیاد کنید از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکام کنید همه اش در فکر درست کردن سالن و ساختمان نباشید بلکه در فکر معنویات اسلام باشید توجه داشته باشید کتابها و چیزهایی که بگیری که از قم منتشر میشود غیر از کتابهای است که رساله ها منتشر میشود قم شهر علم و اسلام است اگر خطائی از قم منتشر شود در دنیا علم میشود این موضوع هم باید مورد توجه باشد که از قم چیز خرافی منتشر نشود.

راه مجاهد: در رابطه با فقه و مبارزه و خط مشی انحرافی وجود داشته و دارد. الف - عد های در مبارزه شرکت داشته ولی به مکتبها نمیدانند یعنی رابطه

مکتب و مبارزه را نشان تبیین نبود و مکتب و مبارزه را در دید از هم جدا میدیدند. ب - عد های نیز در مسئله فقو وارد شده و به مسائل سیاسی و مبارزاتی توجهی ندارند افراد که مملک هدایترا فقط تحصیل علوم پینه در حوزه ها امید اند و در صحنه سیاست و رگیری با دشمن منزوی هستند. گروه اول نمیتوانستند مسائل مبارزاتی شان را حل کنند و دست و پا نمی زد نمیتوانستند اسلا م را در صحنه مبارزه با طاغوت تبیین کنند. امام در این رابطه میفرمایند که فقهی که قبلا بود همین مطلب بود که ما تعلیماتمان غالباً از طهارت و نجاست وصوله و... تجاوز نمی کرد. امام در این رابطه مملک اسلام فقا هتر مطرح میکنند که مملک فقه تبیین مبارزه مکتبی است یعنی فقهی که از دل آن مبارزه شیطانی قابل تبیین است فقهی که راهنما مشوق و مؤید مبارزه با دشمن میباشد نه فقهی که انسان را به عاقبت طلبی کشاند و از امور سیاسی دور نگه میدارد. کیهان ۶۲/۶/۹ ماد امیکه ملت همراه شما باشد هیچ آسیبی به شما و کشور نمی رسد یکی از انگیزه های که دیکتاتوری پیش میآورد این است که دیکتاتور میبندد ملت همراهش نیست اعمال دیکتاتوری میکند یکی از انگیزه ها است انگیزه های دیگر هم دارد اگر چنانچه ملت همراه او است باشند و جسمی پیدا نمیشود که دیکتاتور کنند با ملت خودشان مجبور میشوند برای کسانی که به آنها حمله میکنند وقتی که ملت جدا باشد از دولت و ملت هم بخواهد از ملت استفاده میکند و بد ملت را دیکتاتوری پیش میآید و رایسن رژیم های سابق شاهنشاهی وضع پسین طور بود که مردم محال گریز داشتند و اینها میخواستند آنها را با فشار رنگه دارند و از شان بد و شدند از این جهت دیکتاتوری پیدا میشد شاهنشاهی پیش هم همینطور شهربانیش هم همینطور هم شان ارتش هم همین معنی بود برای اینکه اینها میدانند که مردم باهاشان نیستند آنها هم میخواهند استفاده کنند نه سلفه برای انگیزه - انسانی بود برای استفاده بود از این جهت این انگیزه دیکتاتوری میشد. اگر فشار مردم بسیار بد اندید که دیکتاتوری در آید میشود بد اینست که مردم معلوم شد از شمار و بر گرد اندند ماد امیکه بشما مردم هستند و کمیک میکنند شما اگر مردم نبودند نمیتوانستید این جنگ مردم را در هر کردند یعنی این سپاه مردم مند این بسیجیها مردم مند ارتش هم امروز مردم است اگر ارتش سابق بود همانطور که خیال کرد بود صدام خیالش به واقعیت میبویست برای اینکه یک ارتشی بود که انگیزه اسلامی نداشت و انگیزه منافع شخصی داشت و مجرد اینکه وارد میشدند آنها هم دستبر دید داشتند خوب ما سابق دیدیم که وقتی که جنگ عمومی پیش آمد بدون اینکه با ما کاری داشته باشند آنها میخواستند از اینجا عبور کنند هیچ هم کارماند داشتند مجرد اینکه اینجا رسرحد وارد شدند تمام ارتشها و ژاندارمها همه فرار

راه مجاهد: در رابطه با فقه و مبارزه و خط مشی انحرافی وجود داشته و دارد. الف - عد های در مبارزه شرکت داشته ولی به مکتبها نمیدانند یعنی رابطه



کردند و در تهران هم من خود شاهد بودم که تهران هم چند انبار اهرمین ارتشیدها و امثال اینها بستند و از تهران فرار کردند کجا میخواستند بروند نمیدانم و من دیدم که این سربازها کسی که از توی سربازخانه ها آمدند بیرون میگرددند دنبال اینکس...

یک چپسزی پیدا کنند و بخورند. این برای این بود که مردم همراه نبودند مردم مشگرمیکند که آمدند اینجا و رضاخان رفتواین یک واقعیت بود که ما شاهد بودیم این معنی را که شکر میگرددند که خدایه آنها یک منتی گذاشته است که اگر ادا کرده کنند این شکی نیست...

اجنبیها آنکه اجنبی بودند از روسیه آمدند و بعد از آمدن یکبار از انگلستان بود اینها آمدند و بعد از ویدلوی رفت وضع اینها اینطور بود چنانچه دیدید وقتی که محمد رضا هم رفت مردم ریختند و آنطور جشن بهاکردند...

از جمله چیزهایی که مانع قناع مسلمین از کشورهایشان است تبلیغ دامنهدا برای هر چه بزرگتر جگلوه دادن قدرتهای خارجی است.

امروزه چاره جست و برای شکستن این پتیاچه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان میباشد.

یک چاره که اساس چاره همانست و توریسه این گرفتاریها را قطع میکند و فشار را ازین میسوزاند و حدت مسلمانان بلکه تمام مستضعفان در بند کشید و جهان استواین وحدت که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری میکند با دعوت و تبلیغ دامنهدا باید بوجود آید مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است که ابراهیم خلیل الله و محمد حبیب الله شروع و آخر زمان حضرت بقیه الله ارواحنا فدای تعقیب میکنند.

نزد اشخاص جاهل باشد گاهی ضرر میسزند.

کیهان ۶۲/۶/۱۶

... و بالاخره ما باید در این بین خودمان توجه به مسائل دنیا داشته باشیم. امروز نباید ما فکر کنیم ایران چه جوهره ما امروز فکر کنیم نیا چه خبر است تکلیف ما در مقابل چه چیز است همین جنگ تحمیلی را درست کردند نقشه ای که صهیونیستها دارند عمل بشود از یک طرف نگذارند اسلام را این تحقق پیدا کند اگر اسلام در ایران محقق بشود قهرا در ممالک دیگری هم خواهد رفت و رفته است همه آن وقت بساط صهیونیستها پرچیده میشود آمریکا و شوروی دستش از ممالک اسلامی قطع میشود اینها برای اینکه نگذارند اسلام در چهارچوب ایران بیرون نرود و اگر بتوانند در خود ایران همه منحرف کنند از همان راه الان دارند کوشش میکنند و میخواهند که مقصد اولشان این است که ایران ساقط بشود و یک جمهوری اسلامی امریکائی پیش بیاید البته دیگر سلطنت طلبی توکار نیست. جمهوری اسلامی آن قسم امریکائیش آنی که بعضی ها هوش را دارند اینه.

مقصد دشمنان این است که اسلام را در همین ایران محبوس کنند. تبلیغات دامنهداری که ایران الان چه شده است بچه های کوچک را چه میکنند. بچه های پانزده سال و چهارده سال را بزور میفرستند به جبهه ها.

ندارند و در اساس سعی در تفاهم با آنها را دارند این جنگ برای آنها نامفهوم است جالب این جاست که دولت شوروی تحلیل های خود را از زبان خبرها و گزارشهای روزنامه های امپریالیستی بیان می کند.

کیهان ۶۲/۶/۵

رئیس جمهوری در دیدار با اهالی ما زندران رژیم عراق رژیمی است که کل منطقه را به فساد و جنگ کشانده است و موجب اختلاف میان کشورهای گرده است و اگر بخواهند این اختلافات از منطقه دور شود باید مسئولان و سردمداران رژیم مجازات شوند مانع مجازات آنها را تعیین نخواهم کرد ولی حتما بایستی آنها را مجازات شوند وقتی دیدیم که مجازات رژیم بعثی عراق از سوی دولت های که احساس دل سواری میکنند و یا کسانی که وجودشان نشان دهنده تصمیمات و اراده استکبار جهانی و امریکاست جدی گرفته نشد مجبور شدیم که خود اقدام نماییم و این فاسدان در روتگورا در مرزهای کشور خود زلیل و ضعف آنها را علیرغم ادعای قدرت و شجاعتشان ثابت نماییم و با پشت گری و سرزمینهای خودشان برگردند.

کیهان ۶۲/۴/۹

کیسینجر در درگیریهای اخیر میان جناحهای مختلف سافه افزود موضوع فلسطین اهمیت زیادی دارد و این امر سهم را نباید به کسانی که نمیتوانند با هم در صلح و صفا باشند سپرد.

وی در مصاحبه ای بر ضرورت سپردن نمایندگانی فلسطینی ما به شاه حسین تاکید کرد آنرا تنها به مقابله با هویت سازمان آزاد بیخشم فلسطین در این زمینه خواند.

یادآوری میشود کیسینجر از فاشیست ترین سیاست بازان امریکاست که سالها پس از برکناری رسمی از سمت حکومتش خود هنوز از طراحان اصلی سیاست خارجی این کشور میباشد و از ویژگیهای او ضدیت با فلسطینیها و دفاع قاطع از منابع اهدا صهیونیستها در منطقه است.

کیهان ۶۲/۵/۱۵

در حالیکه فارلین نماینده ویژه ریگان برای شکستن بن بست فعلی در اوضاع لبنان می گوشت و در حالیکه مناطق مختلف لبنان صحنه زد و خورد های سنگین و مقاربت مسلحانه انقلابیون مسلمان این کشور است طی دو روز گذشته ۴ بمب در نقاط مختلف لبنان منفجر شد که شدت و عواقب یکی از آنها بیسابقه بود.

هنگامی که مسلمانان شهر طرابلس پراز پایان نماز جمعه یک ماشین که در آن مقدار زیادی مواد منفجر کار گذاشته شده بود در نزدیکی مسجد مذکور منفجر شده که منجر به شهادت و مجروح شدن تعدادی کثیری از نمازگزاران بی گناه شد.

کیهان ۶۲/۵/۱۷

بدنبال اعزام حدود ۵۰۰۰ سرباز امریکایی جهت شرکت در مانور نظامی مشترک امریکا و هند - وراس در مرز نیکاراگوئه به منظور محاصره دریایی این کشور و هم زمان با استقرار چندین گردان زرهی ارتش هند وراس در مرز نیکاراگوئه شولتز وزیر امور خارجه امریکا طی یک مصاحبه های ضمن حمایت کامل از مانور منسور اعلام کرد که این اقدامات صرفاً بخاطر جلوگیری صدور انقلاب نیکاراگوئه و دیگر کشورهای منطقه صورت میگیرد.

منطقه

کیهان ۶۲/۴/۵

عرفات اظهار تاسف کرد از اظهارات اخیر وزیر امور خارجه امریکا که از نقش سوریه برای تحت سلطه قرار دادن سازمان آزاد بیخشم فلسطین اظهار رضایت کرده بود.

کیهان ۶۲/۴/۸

ابوجهاد در مصاحبه ای با روزنامه واشنگتن پست گفت: شورشیان فلسطینی که از حمایت سوریه برخوردارند و تن از شخصیت های وفادار به عرفات را اعدام کرده و ۲۰ تن دیگر را که طی روزهای اخیر بوده اند به زندانی کرده اند.

کیهان ۶۲/۴/۲۷

عرفات گفت: رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین اوضاع جغرافیایی سیاسی و اقتدار سوریه را فراموش نمی کند و آماده است به دشمن رفته و تقاضای کند مثل یک رزمنده و برابر با سوریه پذیرفته شود. عرفات افزود من باید با سوریه عراق، عربستان سعودی همکاری کنم و خود طالب همکاری با مصر نیز هستم.

عرفات برای پایان دادن به این وضع (اختلافات فعلی) بطرحی در سه ماده پیشنهاد میکند که عبارتست از ۱- استقرار آتش بس فوری تحت کنترل عرب ۲- آمادگی امضا موافقت نامه ای با سوریه در باره تمامی نکات مورد اختلاف ۳- عقب نشینی نیروهای هواد ارتش

بیمه اخبار

راه مجاهد: جنگ اسلام و کفر روسی ۳ سال حرکت خود فرازونشیب های بسیاری را طی کرده است بیاد داریم که در زمان بنی صدر به دلیل خط مشی منحرفانه و نفوذ خط مشی او در ارگانها و نهادها جنگ اسلام و کفر در همه جا زیاد می خورد ولی با بکارگیری شیوه های نوین و متناسب با جوهره انقلاب اسلامی (تاکتیک های گره گشا) جبهه ها فعال شدند و بنی صدر نیز ساقط گشت از آنجا که جنگ ما بر مسائل قومی و نژادی و تجاوزگری و برتری طلبی فردی و جمعی نبود و جنگی برای دفاع از حقوق اسلامی و ملی مردم مستضعف ایران و از خط مشی شخصی برخوردار می باشد لذا به بن بست رسیدن در آن معنی ندارد جنگ ما به مراحل دچار افت و ضربه های نظامی شده است که این ضربه ها معلول نفوذ خطوط نارسا و رفرمیست داخل انقلاب بود این جنگ در ادامه خود این خطوط نارسا را بر طرف خواهد نمود همچنانکه تاکنون بدین طریق عمل کرده است.

دولت شوروی و نیروهای طرفدار او تضاد قهر آمیزی با امپریالیزم امریکا و سایر قدرتهای استکباری،

کیهان ۶۲/۶/۱۴

عرض کردم که علم بیتقوا اگر مضر نباشد مفید هم نیست. آن مقداری که اسلام از عالمهای بی تقوا صدمه دیده است معلوم نیست که مردم عادی صدمه دیده باشد آنچه اصل است تقوی است ولی اگر همین تقوا

کیهان ۶۲/۶/۱۳

... باید به آن آخوند مزد ور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام میداند گفت تاسی به رسول خدا تاسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول الله (ص) و امر خداوند را تخطئه می کنید و تاسی به ان بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف حج میدانید.

... ما امینواریم دولت سعودی به وسوسه این آخوند های از خدای بیخبر گوش فراند هد و مسلمین راهمانطور که وعده نموده است از اسم حج و برات از کفار و مشرکان آزاد گذارد و در این عمل الهی با آن خصوصاً زائران ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی که مورد تجاوز کفار قرار گرفته اند هماهنگ شود تا دشمن مشترک همه مظلومان را با قوای واحد به عالمیان معرفی میکند.

دولتهای اسلامی منطقه و جهانی ان میتوانند یک ارتش ذخیره در هفتمیلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند که این نیز فوق قدرتهاست.

... امروز ایران با همه گرفتاریها و کارشکنیها و حصر و سد ها و حدود امت تمام جوانان خود را تعلیم نظامی دهد و تاکنون بطوریکه گزارش می دهند قریب یک میلیون ذخیره تعلیم دیده دارد.

... بدانند که کشورهای قدرتمند و فرصت طلب که غایت آمالشان دست یافتن به کشورهای اسلامی و مستضعف است آنان را در مواقع گرفتاری تنها میگذارند و کلمه وفادار قواموس آنها را می

غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است که بدست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غرب زد و هوشور زده آنان به تود های مسلمان محروم تحمیل شده است که حتی غالب علمای اسلام گمان میکردند که اسلام از سیاست جداست و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند چپالوگران حیل گستر کو شتر کردند بدست عمال بجه اصطلاح روشن فکر خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشید و علمای را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند ائمه جماعت را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی و مقصد سین از توده ها را سرگرم نکرده و عاوجوانان را سرگرم عیش و نوش از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاریهای بلاد اسلامی خارج نماید.

... با فریاد ها و دعوتها و تظلمها و افشاگریها و اجتماعات زنند و کوبنده در مجمع مسلمین در مکه مکره به تها رامیشکنیم و شیاطین را که در راس آنها شیطان بزرگ است در عقبات طرد نمائیم تا حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله مهدی عزیز ارجا آورد به ما شیم تبلیغات همه جانبه ای است که غریزگان و شرق زدگان بیا به امرا بر قدرتها بیا کوتاه نظری خود در سراسر کشورهای اسلامی و استضعفان را برآورد اخته و میاندازند آن است که علم و تمدن پیشرفت ندارد.

مختصری و جناح امپریالیسم و کمونیسم است و آنان خصوصاً غربیها اخیراً امریکائیها و نژاد برتر هستند و دیگران و ازادگان بیا باید وابسته به سرمایه داری غرب باشد یا کمونیسم شرقی و ماد دیگر از خود هیچ ندانیم و باید همه چیز از ابرقدرتها غرب با شرق بگیریم.

... بعضی دانشمندان و نویسندگان غیر مسلمانی با شواهد زنده و ثابت کرده اند تمدن و علم از اسلام ابراهارفته

مبارزه تشکیلاتی آیت الله طالقانی

آیت الله طالقانی با افرادی که جبهه ملی را تشکیل دادند همکاری داشت و بعد هم در تشکیلات نهضت آزادی موثر بود. در آن زمان اینکه یک روحانی عضو موثر تشکیلات باشد واقعا انقلابی در روحانیت بود و برایش هم عیب و عار نبود که یک عضو ساده باشد و بعنوان رئیس در راهپیمایی ها و جلسات نهضت آزادی حضور داشت و در دادن اعلامیه ها فعال بود و حتی بعد از قیام ۱۵ خرداد نهضت آزادی اعلامیه های بنام دیکتاتور خون میریزد. دستش را در نهضت آزادی را مسئول آن دانست و همین منظور به سه سال زندان محکوم شد. آیت الله طالقانی با اینکه عضو تشکیلات بود اما متعصب حزبی و گروهی نداشت و تشکیلات زد و گروه گرانبود. بقول مهندس بازرگان طالقانی نه در افکار دینی عمومی و اجتماعی و نه در افکار حزبی به هیچ وجه آن اسارت تعصب و دکامتسم راند داشت، نه آن وابستگی آزادی و حق طلبی و حق گوئی و حق خواهی را داشت.

پیوند با جوانان و روحانیون

آیت الله طالقانی از یک طرف با جوانان رزمنده رابطه داشت و برای آنها جلسات تفسیر میگذشت کتابهای آنها را میخواند با انجمن اسلامی دانشجویان ارتباط نزدیکی داشت و هم با روحانیون مبارز تماس میگرفت. پدر طالقانی با روشنفکرانی چون شهید شریعتی نیز رابطه داشت. بطوریکه شهید شریعتی مسجد هدایت راه مبارز، در رکوب تعمیر کرد و میگوید: هر وقت به تهران میامدم در آن سالهای خفقان و ظلمانی تنها مسجد هدایت و آقای طالقانی بودند که میدرخشیدند. و به این ترتیب پدر این راه را برای روشنفکران و نیازمندان باز کرد. شهید مطهری در جلسهای گفته بودند: پایه گذار آشناسی نسل جوان با دین و اسلام نه من هستم و نه شریعتی بلکه طالقانی و مبارزان بودند و ما هم بدنبال آنها حرکت کردیم. آیت الله طالقانی با مجاهدین شهید حنیف نژاد و سفید محسن و بی بی زادگان رابطه نزدیک و هدایت آمیز داشت. کتب و جزوات و اخبار درونی سازمان را مطالعه میکرد و آنها را بخورد مینمود.

پدر از طرف دیگر با روحانیون مبارز در داخل و خارج کشور تماس داشت. بعنوان نمونه در سال ۱۳۴۰ در کنگرانی اسلامی قدس شرکت جست و مخالفت ملت ایران را با صهیونیسم آشکار نمود. و همچنین در کنگرانی که در مصر سوریه و... بود شرکت میکرد و با علمای اسلامی به گفتگو میپرداخت. در داخل کشور هم با شهید مطهری و مرحوم علامه طباطبائی همکاری داشت. به هنگام شهادت آیت الله سعیدی ایشان با شتاب خود راه مسجد آیت الله سعیدی در خیابان غیائی رساند پلیس در مسجد را بست و محاصره خود را آورده بود. پدر طالقانی بدون اعتنا به آنها به طرف درب مسجد رفت و آنها را تسلیم شده و در درب مسجد را باز کردند. آیت الله طالقانی به همراه مردم وارد مسجد شد سکوتی پر خروش همراه با آوای قرآن طنینی اند از مسجد بود که سرانجام پلیس به آنها حمله کرد و پدر را دستگیر نمود. در رابطه با جوانان و روحانیت و تفکر وجود دارد: بعضی از روحانیون جوانان را نا آگاه به مسائل اسلام و غیر متخصص دانسته و آنها را از صحنه عمل کنار میزنند. و ملاک آنها صرفاً طول و عرض معلوم است بدون آنکه به رشد جوهری و درجه رشد و نیازمندی جوانان اهمیت دهند با این ملاک آنها را خود کم بین کرده و از عمل صالح جدا میکنند غافل از اینکه قیام لله معرفت الله هم میاورد. بعضی برخی از روشنفکران و جوانان روحانیت را سنتی و واپسگرا میدانند و ویژگیهای مثبت روحانیت و نقش آنها

را در بسیج توده ها نادیده میگیرند. آیت الله طالقانی در برخورد با اقشار مختلف مردم اعم از روحانی و غیر روحانی بسیار زه مکتبی آنها اهمیت میداد و در قیامه قسط و مبارزه آنها علیه طاغوت سعی در رشد و هدایت آنان داشت و در میدان عمل صالح با آنها پیوند میخورد.

تا بهید حرکت های برانداز علیه رژیم مستعمر شاه و طاغوت: محمد رضا شاه خائن گفته بود پدر را رسید حسن مدرس بیچاره کرد و خود مراد دست سید محمود طالقانی نمیدانم چکار کنم. طالقانی با اینکه دائما در زندان و شکنجه و تبعید بود اما هیچگاه از هدف عالی خود دست نکشید و از مسیر خود منحرف نشد، هرگاه صدای حق طلبانه ای بلند میشد، او به همراهی اش میشتافت. شهید نواب صفوی را نهاده اد و از جمله کسانی بود که در ره اجتهاد نواب راتا بهید نمود. همچنین حرکت مسلحانه مجاهدین راتا بهید میکرد در سال ۵۰ که ده های از اعضای سازمان دستگیر شدند، آیت الله طالقانی در مسجد هدایت از مجاهدین نام برد و در هفته بعد که تصمیم داشت بیشتر بر زور سازمان صحبت کند او را دستگیر و به زابل تبعید کرد. در جریان دستگیری مجاهدین در دبسی پلیس دبی در پی تحویل آنها به دولت شاه بود ولی مجاهدین توسط یک هواپیما به بغداد رفتند و آنجا نیز دستگیر میشوند. آیت الله طالقانی نامه ای بطور نامرئی به امام که آن زمان در نجف بودند مینویسد برای معرفی مجاهدین در ابتدای نامه آیه ای از سوره کهف آورده (نحن نقص علیک نبأهم بالحق انهم فتیه امنوا برهیم و ردناهم هدی... آیه ۱۲ و ۱۳) ما میخوانیم و تو بخبر ایشان را بحق، بد رستیکه ایشان بودند جوانانیکه گرویدند به پروردگار خود و افزود یحسان هدایت. (و از امام میخواهد که برای آزادی آنها تلاش کند که گویا امام گفته بودند چون رژیم عراق نفی است با آنها مگر اگر نمیکنم. ویژگیهای مکتبی این بزرگ مرد در ابعاد مختلف آن جای بحث بسیار دارد. بقول امام خمینی "اولا دیها میرود، عالم بود، خد متگزار بود، متفکر و مفسر قرآن بود، انسان متعهد بود، مخالف رژیم بود، مخالف با جبه و راست بود، ایمن ابعادی که آقای طالقانی داشت اینطور مردم را برانگیخت و در سوگ نشاند "طالقانی قلبش برای مستضعفین می طپید و با راستی خصلتهای وینش انقلابی او از مکتب اسلام سرچشمه میگرفت.

دلدار بر لب، عالم بود، خد سزاد بود
شکر و سحر ترا بخوبی، نیت، چپ و راست بود
بیک لب که بود در طاعت ز دست و زینت راهم
که بر این خفت و در سوزش نه..... امام خمینی

نقش آیت الله طالقانی در تکامل انقلاب اسلامی

فنا بخشیدن به حزب و کار تشکیلاتی در سالهایی که رژیم همچنان اموری را در دست گرفته بود، پدر طالقانی مبارزه اش را در گروهها و جمعیتها انجام میداد. سپس بطور رسمی همراه مهندس بازرگان و ده های دیگر نهضت آزادی را تشکیل دادند و فعالیت خود را در نهضت آزادی آغاز کرد. در این رابطه در جریان ۱۵ خرداد نیز دستگیر و سه سال زندان محکوم شد. اما گروهگرایان و تشکیلات زدگی نداشت، به آنچه می اندیشید آزادی و تشدید مبارزه و قیامه قسط بود، و این راه را بعدا هم ادامه داد. حضور آیت الله طالقانی در تشکیلات نهضت آزادی که در زمان خود از پیشروترین تشکلهای اسلامی بود، رشد فراوانی در مبارزه تشکیلاتی اسلامی را باعث شد. روح تفکرات ایشان باعث پرورش گاه های خوبی برای ادامه مبارزه مکتبی تشکیلاتی در آن جمع شد. اساسا نهضت آزادی در سال ۵۰ با نژاد مسلمانان ایرانی هستیم، صدق هستیم... از جبهه ملی جدا شد و تعریف جدیدی از مبارزه را در بین مردم مطرح کرد و ادامه این خط اصیل تبدیل به خط مبارزه مکتبی سلحانه

و در از مدت مجاهدین شده و در مکتب راهنمای عمل تکامل پیدا کرد.

گاد سازی در سطح جامعه

آیت الله طالقانی با افراد مختلف جامعه برخورد داشت و برای بسیج و قیام آنها معتقد بود که باید تبیین باشد و قیام به قسط را نیاز همه آنهاست. و چنانکه گفته شد برای اقشار مختلف سخنرانی میکرد. جلسات مسجد هدایت و تفسیر قرآن و بسیاری از رهنمود های اسلامی و عملی ایشان راه را برای مبارزه مکتبی و آموزش افراد باز میکرد. چنانکه بسیاری از مستمعین آیت الله طالقانی در مبارزه با طاغوت پیش قدم بود و در رهنمود رسیدن انقلاب نقش بسزایی داشتند. آیت الله طالقانی خود نیز در یگونی نمود توطئه ها را کشف میکرد و به بسیج مردم بسیار اهمیت داده و شیوه های حکومت اسلامی را نیز ارائه میکرد، اکنون انقلاب اسلامی نیاز مبرم به کادرهای پرزید و با تجربه دارد تا قادر باشند معضلات و مشکلات را حل کنند و انقلاب را تدوم دهند. در حال حاضر خواهی که امیرالمؤمنین و صهیونیسم برای انقلاب دیده اند ترور کادرهای مکتبی و در خط امام میباشد و قصد دارند انقلاب را از رون، بی محتوا کرده و یک نظام معتدل و نژادیک به خط خودشان را حاکم کنند. در مقابل این توطئه نیاز به یک "مسجد هدایت" است که با تربیت افراد کارآ، بتواند جای خالی شهید اراکسر کند و آنچنان عمق وینش اسلامی را در افراد بوجود آورد تا جلو شیوه های غیر اسلامی را بگیرند.

طالقانی مظهر مقاومت

مردم در تشییع جنازه پدر طالقانی میگفتند: ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی اهراستی در مقاومت و مخالفت با طاغوت و در مقابل ستمکاران، نایب پیامبر بود. در دیدار گاه رژیم به او توهین میکردند و میخواستند که جلوی پای آن ظالمان بلند شود. و حتی ساواک به هنگام محاکمه ایشان برای آنکه مقاومت او را بشکند به او گفته بود که به اعظم خانم، دخترتان آمد و او هم ولی آقای طالقانی با همه در ها و رنجها، خمیه ابرو نیارود و تسلیم دستگاه ظالم نشد. کلمات در بیان مقاومت او نارسانست اما ایستادگیهای آقا این در رس را با امید هد که در مقابلها مشکلات و فشارهای انقلاب و در مبارزه با کفر صامی و صهیونیسم غاصب، هیچگاه نریش نشان نداد و در امر بیخ و خم را تا حاکمیت مستضعفین ادامه داد. هم براستی که طالقانی آیه مبارکه "ان مع العسر یسرافان مع العسر یسرا" را تحقق بخشید زیرا طاعما نینسه و آرامش واقعی در مواجهه با سختیها و احول اصولی و انقلابی آنهاست. سختی ها ابتلا و آزمایش الهی است. بعضی برای فرار از مشکلات توجیه شان این است که اول سختی هارا بکشیم تا یک عمر در راحتی و آسایش بسر ببریم. در حالیکه راه انقلاب مستمرا همی است پر کرب و بلا (۱) و سوی کربلا

برخورد تعالی بخش با گروهها

آیت الله طالقانی با همه جریانها برخوردی ارشادی و هدایت آمیز بود رانده داشت در عین حال که بقول خودش به هیچ گروه و جناحی وابسته نبود اما به همه با نظر محبت و علاقه مینگریست، مرحوم طالقانی در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین قرار داشت، نشریه درونی تشکیلات را میخواند سال ۵۲ جز اولین کسانی بود که به مبارزان هشدار داد و بهی که در از خط بچه های اولیه جدا میشود. به رهبری گروهها هشدار میداد که از گروه گرایان بپرهیزند و برای گروهی و خود نمایی این نهضت عظیم و چهره اسلام را خراب نکنند و همه را به نفی استبداد، نفی استعمار و نفی استعمار عوت لیکرد و وحدت اسلامی را در گام برداشتن در این راه امید انست آیت الله طالقانی مستمرا جمع بندیهای خود را از انقلاب اسلامی ارائه میداد و بدینوسیله سعی داشت جوانانی را که بر آه انحرافی رفته اند جذب مردم و انقلاب کند. مثلا در مورد یاور قس:

(۱) کرب یعنی سختی و بلا یعنی ای آزمایش میباشد

پد یافتن رهبری امام‌ویاد برابری‌های چپ انحرافی که بقول خود اوجوجه کمونیست‌هایی که خود را قیم کارگران میدانند ولی دستشان پینه نخورده، میخواست هواداران ساده - اندیش رجوی را برآورد .
او همچنین معتقد بود که "تا وقتی افراد و گروهها در خلاف مسیر انقلاب اسلامی ما حرکت نکنند حق نداریم به آنها اهانت کنیم و وحدت را باید حفظ کنیم" ، و در برخورد با جریان‌های "سعه صدر" داشته باشیم . چرا که اسلام با تنگ نظری جور در نمیآید و با سخنرانیها و موضعگیریهای خود میخواست جریان صادق گروهها را جذب انقلاب نماید .

نگرشی بر روش تفسیر آیت الله طالقانی و بعضی از مبانی اعتقادی ایشان

روش تفسیر پرتوی از قرآن

در مقدمه‌ای از "پرتوی از قرآن" آمده است:
"آنچه که بعنوان تفسیر نوشته شده و یا میشود و محدود و بسته فکری و معلومات مفسرین است با آنکه قرآن برای هدایت و بهره همه مردم تا روز قیامت میباشد پس اعماق حقایق آن نمیتواند در ذهن مردم يك زمان درآید . . . این پیشرفت زمان و علم است که میتواند اندک اندک از روی بواطن و اسرار قرآن پرده بردارد" . امام نیز در تفسیر سوره حمد میگویند: "قرآن يك کتابی نیست که بتوانیم مایاکسی دیگر یک تفسیر جامعی آن طور که هست بنویسند علوم قرآن يك علوم دیگری است ماورای آنچه ماها میفهمیم ماها يك صورتی يك پرده‌ای از پرده‌های کتاب خدا را می فهمیم و باقی اش محتاج به تفسیر اهل عصمت است که معلم به تعلیمات رسول الله هستند" .
سپس مفسر قرآن میگوید: "هراندازه مباحث قرائت و لغت و اعراب و مطالب کلامی و فلسفی در پیرامون آیات قرآن وسعت مییافت از همان مسلمانان را از هدایت وسیع و عمومی قرآن ، محدود تر میساخت این علوم مانند فانوس‌های کم نور و لرزان در بیابان تاریک طوفانی است که اگر اندک پیرامون نزد يك راز روشن دارد از پرتو پیرامون "اختران فروزان محبوب میدانند اگر مسلمانان خود در از زمین ابرهای پند اروانند یسه برتر آرند و با توجه و درك صحیح استنباط‌های مستدل و معقول محققین آن محیط بی آلايش فکری و فطری را باز یابند پرتوهد آیات بر نفوس آنها خواهد تافت" .
و در رجای دیگر اضافه میکند: "مطالب و تحقیقات مستند و درست مفسرین انگامی میتوانند در فهم قرآن اوجه تفسیر ایت‌موش باشد که خود در پرتوهد ایت قرآن قرار گیرند نه آنکه از منظر اینها به قرآن نظر شود" (۱)

منطقی که میتواند مراد رشناخت وجود و درك قرآن کریم رهمون سازد منطق تسلیمی حضرت ابراهیم (ع) است که فرمود "انی اسلمت رب العالمین" یعنی اول قدم تسلیم به پروردگار است که همان از خدا به خدا رسیدن و او را در همه امور مینا قرار دادن میباشد اکثر اختلافات مفسرین بر سر بحثهای کلامی و ادبی است در حالیکه در زمان صحابه بعد از پیامبر صلا بحث کلامی و استدلال برای اثبات وجود خدا مطرح نبود است بلکه آنها با استفاده از تعلیمات پیامبر (ص) با تکیه به فطرت‌های پاک و بینهایت طلبشان به خدا اوند یقین پیدا کردند از طرف دیگر ترجمه فلسفه یونان به عربی که با تشریح پادشاهان بنی امیه و خلفای بنی عباس صورت گرفته است .
و رواج بحثهای فلسفی منطق و علم کلام و . . . حجابی برای درك حقایق قرآن شده است امام حسین (ع) میفرمایند:
الهی منك اطلب الوصول الیک ویک استدلال علیک فاهدنی بنورک الیک . خدا ایاره رسیدن به تورا از تو میخواهم و مینمای استدلال توئی پس بانورت مرا بسوی خود هدایت فرما .
انبیاء و ائمه معصومین با این شیوه شناخت چراغ راه ملت‌ها بودند .

آیت الله طالقانی در مورد منطق تسلیم حضرت ابراهیم در تفسیر آیه ۱۲۱ بقره چنین میگوید . ملت ابراهیم همان راه و روش بود که ابراهیم را گردید و برتر داشت و به مقام امامت رساند از ابتدای به کلمات و تکمیل آن و نیل به مقام امامت و تسلیم کامل به اراده خداوند . . . اگر انسان تسلیم به حق نشود نمیتواند از استعدادها و قوای خود بهره برداری نماید و پیوسته در معرض تمایلات مختلف قرار میگیرد و مورد بهره برداری دیگران میشود و خود بی پایه و بی مایه میگردد . و در تفسیر توحید چنین میگوید:
"توحید تنها یک عقیده قلبی و درونی نیست که انسان را در معابد متوقف سازد و در انجام وظائف عبادی در محیط مساجد نگه دارد و تنها یک بحث فلسفی و کلامی نیست . که چون با دلیل برهان اثبات شد در گنجینه کتب بایگانی شود بلکه حقیقتی است که می باید در فکر و خلق و عمل تحولی پیدا کرد و جهت سبب زندگی و خطمش اجتماعی را برگزاند اگر توحید را صرفاً یک تفکر درونی بد اینم مستکبران در طول تاریخ با مستضعفین ستیزه نمیکردند . عده‌ای توحید را امری ذهنی میدانند و به توحید عملی اعتقادی ندارند . بقول طالقانی باین قرار داد و مرز نه . نمود ابراهیم را به آتش میافکند و نه فرعون باموسی که کشمکش برمیخاست و نه پادشاه روم برای کشتن عیسی اقدام

برادر ارجمند حجت الاسلام دعایی ،
در شماره ۷ شماره ۱۸ شهریور ۵۹ مجله اطلاعات بانوان از قول شما درباره تفسیر پرتوی از قرآن اثر ابراهیم زمان آیت ۱۰۱ طالقانی نقل شده مبنی بر اینکه امام به یکی از طلاب حوزه علمیه نجف و به مرحوم شهید حاج آقا مصطفی خمینی خواندن این کتاب را توصیه کرده اند از آنجا که اطلاع همه علاقه مندان به آثار آیت ۱۰۱ طالقانی و بخصوص پرتوی از قرآن از این نظر امام خمینی در موقعیت حاضر ضروری است و میتواند رهنمودی به جهت خدا ص فرهنگ اصیل انقلاب و معارف اسلام باشد ، خواهشمند است مجدداً آنچه از امام خمینی درباره ، آثار آیت ۱۰۱ طالقانی و بخصوص پرتوی از قرآن آن بزرگوار ، مستقیماً یا غیر مستقیم ، شنیده اید به اجمال و جامع مرقوم فرمائید جزا کم الله خیرا . ارادتمند سید مهدی جعفری

بسمه تعالی
برادر دانشور و گرامی جناب آقای جعفری . . . همانگونه که اشاره فرمود اید در مصاحبه‌ای یاد آور شده بودم حضرت امام در نجف اشرف فراغت و فرصت مطالعه فراوان داشته ساند و اکثراً آثار جدید محققین و نوآوران اسلامی و اجتماعی را با علاقه و دقت مطالعه میفرمایند تنها در مواردی اندک و محدود بود که اثری را در دست مطلق پذیرفته و نویسنده آن را درخور معرفی و تاکید خوانندگان و یا آشنایان بدانند همانگونه که میدانید امام تاکنون سیر کتابی تقریبی ننوشته اند البته به همین نسبت کتابی و نویسنده‌ای را مطلقاً نفی و یا تخطئه هم فرموده اند مگر آنکه ضلالی مبین و آشکار در روی ملاحظه فرمایند آنچه را که ضرورت به تأیید مطلق حضرت امام و تاکید معظم له در مطالعه و ترویج از آن بردارند آثار و محقق و اندیشمندان گرانمایه اسلامی شهید مطهری و مرحوم آیت الله طالقانی بود .
در نجف اشرف پرتوی از قرآن را به حضور امام تقدیم کرده بودم که مطالعه فرمایند بعد از مدتی از فرزند شهید - شان مرحوم حاج آقا مصطفی شنیدم که امام تا که بدو سفارش کرده اند ایشان حتماً آن تفسیر را مطالعه کنند در شیوه و برداشتهای تفسیری و تدوین اثر تفسیرشان از آن الهام و آموزش گیرند (مرحوم حاج آقا و مصطفی در آن ایام مشغول نوشتن تفسیری بر قرآن بودند) سفارش در مطالعه پرتوی از قرآن و تأیید مطلب آن به قدری جدی بود مرحوم حاج آقا مصطفی با توجه به شیوه محتاطانه حضرت امام در مورد افراد و نوشته هایشان تعجب کرده بود . . .
محمود دعایی

نقل از یاد نامه ابون زیمان از انتشارات بنیاد فرهنگی طالقانی

مینمود و نه نرون مسیحیان را به آتش میسوزاند و نه کسری و قیصر باد عوت اسلام به جنگ برمیخواستند .

رابطه خدا و پدید

اساس درك مسائل داشتن رابطه حق و خلق است در این باره به سه بیان برمیخوریم .
۱- تفکری که خدا را خارج از موجودات و پدیدها میداند که علاوه خدای ذهنی معتقد شد و خدا انقشی در خطمش و مبارزه ندارد .
۲- جریان دیگری خدا را پدیدها را همین یکدیگر میداند که همان وحدت وجود و موجود است .
۳- جریان سومی که پدیدها را همین رابطه خدا امید اند و نقش خدا را در تمام شئون جهلی و جامعه و حرکات و سکنات خود پیدا کرده و فقط برای خدا اصالت قائلند . بقول امام خمینی این رابطه مثل رابطه پدر و سر نیست ؟ هر دو موجودی مستقل و با هم رابطه داشتند و در این رابطه پدیدها هیچگونه استقلال از خود ندارند باشند حضرت علی (ع) درباره رابطه با خدا و پدیدها و مخلوقات میفرمایند "مجلس لا یفارقه و غیر کل شی لا یزایله (خطبه ۱) با هر شی هست نه بطوریکه قرین آن باشد و غیر از هر چیزی است نه بطوریکه از آن گساره بگیرد پس هر چیزی به اوقام و بریاست .
امام در تفسیر حمد میگوید . هر چه يك تحقق دارد آن نور است هر چه ظهوری دارد ماه به این نور میگوئیم همه موجودات نورند . همه هم نور الله هستند الل نور السموات و الارض یعنی وجود سموات و الارض که در عبادت او نور است از خداست تمام کمالات از اوست یعنی اینکه همه جلوه از اوست مراتب برای جلوه‌هاست لکن آنطور نیست که جلوه‌ها از تجلی جدائی داشته باشد . . . همه موجوداتی که در عالم هستند اینها

ای خدایان که قری خدایانها ریخته شده فراموش نکنیم . ای خدایان که در زندانها ریخته شده فراموش نکنیم . خونی که از منس ما جوشیده یعنی مکتب علی ، مکتب اسلام و ما با این خونها اجازه نخواهیم داد که موری فرصت طلب ، خودخواه ، وابسته به دیگران و خارج از مرز جوا هند مسی را نلاب ما را مخرف کنند . . .

نشانه ذات مقدس حق تعالی هستند آیت الله طالقانی در تفسیر سوره آل عمران میگوید "از دیدگاه وسیع و همه جانبه سراسر جهان نمود ارجلوه گناه و تمثیل نظم و قانون و اراده - حکمت است . . . که همه جهان و جهانیان ظهور قوانین و سنن الهی است و در تفسیر آیه در ضمن اینکه اوها جاهلیت مشرکین و اهل کتاب را نفی مینماید اشعاره این حقیقت دارد که جهان و کائنات و ماورای آن به اراده و علم و عنایت خدا پدید آمده و قائم به او هستند . . . الله چون از هرگونه تجربه و ترکیب منزله است چیزی از او تولید نیافته و موجودات ذاتی و الهی پرتوی از وجود او آفریدگانی به اراده او میباشند .

هدنداری عالم - تکامل

امام در تفسیر حمد میگوید هر چه در زمین و آسمان است همین موجود را تسبیح میکند و با اسم خدا که جلوه اوست و همه موجودات به این جلوه متحقق اند و نیز به این مضمون گفته اند که همه انسانها کمال طلب و خدا اجوستند و مثال نزد سرگرد نه را زد هاند که اوهم بسوی کمال مطلق در حرکت است منتها آنرا هوضی گرفته است و فطرتش به انحراف کشیده شده .
آیت الله طالقانی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفتند : آنچه در آسمانها زمین تسبیح گویند همه عالم در حرکتند که خود را از پدید از پدید برهاند و یک آن سکوت و بی حرکتی نیست حرکت در چه جهت ؟ در جهت قدرت در جهت تنزه . در جهت پاکی و کمال آن حقیقت تسبیح است که همه عالم را فرا

پاورقی (۱) : با استفاده از توضیحات آقای محمد مهدی - جعفری در کتاب "د فترت نخست" از انتشارات جامعه زنگنه انقلاب اسلامی .
نقل از یاد نامه ابون زیمان

گرفته است . آیت الله طالقانی در تفسیر آیه "وکنتم امواتا و اخیامکم" میگوید: "میتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون" میفرماید: همین راز - تحرک و تعالی جوش و طیش قلب و شکوای نای انسان جداییها و انسجام و محوسها میباشد تا بهمانوس حقیقی خود رسیده آنچنانکه هر عنصر جزئی تجزیه شده و مجدداً گشته ای میکوشد تا به اصل و سطلق خود رسد پس تکامل خروج از حد و متوقف نشدن در هر حدی است پس هدف همان کمال سطلق میباشد .

پدر طالقانی در تفسیر آیه شماره ۱۲۵ سوره بقره | امامت را به دور از مملکت های شرقی و غربی (حکومت یک طبقه پر مردم ، حکومت فرد پر مردم) چنین معنی میکند:

امامت جعل الهی است آنها نه تنها جعل تشریحی و قرارداد ادبی و بدون سابقه ای بلکه آن سابقه مرتب است به تمام و تحقق یافتن کلمات در شخص برانزده و فوق طبیعت عمومی . . . ولی قانون نداشت هر چند موثر باشد برای احراز مقام امامت کافی نیست برای رسیدن به این مقام شرایط و مقدمات نفسانی و علمی دیگر هم میباشد . . . آیه ۲۵ سوره سجده وضع سابق و الاحق امام و امامت را چنین معرفی میکند .
و جعلنا منهم ائمه یهدونهم بالمرأیة صبروا و کانوا ایتان یوقنون
و از آنها پیشوایانی قراردادیم که با امر مهادت میکنند . پس از آنکه زمانی صبر کردند و چنین بودند که به آیت یقین می یافتند .

انی جعلک للناس که نسبت جعل را خداوند به خود داده - معلوم میشود که امامت جعل الهی بسود عموم مردم است چون حس هدایت جوش و تقلید و پیروی از نمونه از احساسات فطری و لغوی بشر است که حکمت پروردگاری بحسب قانون عمومی تکامل در وی پدید آمده است . و در خصوص سر رهبری میفرماید شهادتی که شهادت به وحدانیت و رسالت را با عمل و جهاد و شهادت تحقق میدهند و چنین کسانی شایسته رهبری و نظارت بر امور امت میشوند . این سنت الهی است که رهبری الهی و اخلاقی باید از میان آزمایشها و امتحان زندگی سر بر آورده و گردیده شود نه از مردمی که در حاشیه زندگی و پاپرکتاریشند هر چند خود را از جهت علم و معرفت و وقت نظریه بحث شایسته بدانند .

و نیز در تفسیر آیه ۶۸ سوره آل عمران چنین میگوید:
ان ارض الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا و الله ولی المؤمنین . همانا سر اوارترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که او را پیروی کردند و این پیغمبر کسانی که ایمان آورده اند و خداست ولی مؤمنان)

این همان حقیقت ولایت است که هر دو روی را در یک و هر نرد یک بنسبت و انتسابی راز او در وی میکند نه ولایت عاقلی و تعالی و کل مولائی ولایتی که از شناخت ولی و راز او و فرمانبری از او ناشی میشود و منشا وحدت عقیده و مسیر حرکت و حاکم بر وحدت خویشی و قوی میگردد و عوامل طبیعی و اجتماعی را از زیر پا بر میدارد . آیا احبار و رهبران و پیرو ابراهیم اولی به ولایت او می باشد یا آنانکه ابراهیم و تاریخ او را شنیدند ماند و لسی مانند او تبریث شکی را بدست گرفتند؟ للذین اتبعوه ! و الذین آمنوا اینان که از ولایت طوفوت و ارباب و احبار و رهبان آزاد شده اند و همه ولی و مسئول یکدیگرند و به ولایت ابراهیم و پیامبران و رهبران پیوسته اند ولی خدا و اولی است آنان است

امامت

در بین نیروهای انقلاب از مسئله ولایت و امامت برداشتهای متفاوتی میشود بعضی مسئله ولایت و رهبری را جدای از امامت تلقی میکنند یعنی امام را رهبر سیاسی دانسته و شخص دیگر را مرجع قرار میدهند .

و امامت امام را تا بید اکثریت مردم جامعه بحساب میاورند . . . در حالی که اصل ولایت فقیه جدای از اصل امامت نیست بلکه ولی جامعه عکس است که بالاترین فرد جامعه بوده و به معرفت بالاتری از خدا و معارف الهی (قرآن) رسیده مواحکام الهی را در جامعه تحقق میدهد و هنگامی فعلیت عمومی پیدا میکند که مردم چه اکثریت و اقلیت بوجود اوی برده و جواب نیازهای

خود را از او بگیرد .
برخی نوزک به حکومت مردم پر مردم و دموکراسی خوب در اسباق پیشش منتهی شان رسوخ کرده است سعی دارند که به هرگونه که شده مسئله حاکمیت فرد و الای رشد یافته بر تمامی شئون جامعه را نفی کنند و در نهایت نظریه شان در مورد شور و حاکمیت خدا در حکومت مردم حاکمیت اکثریت بر اقلیت را میتوان دید .

آزادی قدس و نابودی صهیونیسم

پدر طالقانی همیشه به نهفت های آزاد ببخش توجه خاصی داشتند همانگونه که یک لحظه از استضعاف و ظلم و ستمی که نسبت به مردم در دیند و مستضعف ایران روایشند غافل نبودند و در سوزانه تمام عمر خود را خرف خدمت به اسلام و مستضعفین نمودند همچنین با در ملت های تحت سلطه امپریالیزم و صهیونیسم آشنا بودند .

و بخصوص نسبت به سرنوشت مردم فلسطین که جد از سرنوشت ملت ایران نمیدانستند از همان سالهای ۴۱ از خطب و صهیونیسم و مظلومیت و حق گشس و آوارگی آنها سخن میگفتند در سالهای ۴۴-۵۳ در جلد ۵ پرتوی از قرآن چنین مینویسند دیری نمیباشد که مردانی مومن و نیرومند اولی باس شدیدی که همچون صلاح الدین با شناخت و آگاهی و قدرت ایستادگان برانگیخته شدند تا دستهای متجاوزان را خرد و قطع کنند و روی سیاه اینان را بنمایانند و صلح و واقعت را همچون رسول اسلام در این سرزمین برقرار کنند و این مسجد به دور گرداننده شده اقصی راه مسجد الحرام و خانه مردم و کعبه مشعرو مرفات بازگردانند .

پدر آزادی قدس را تکلیف الهی میدانست و روز قدس را با ضراحت میگوید: "دفاع از بیت المقدس دفاع از حریم خدا است و بر همه واجب است" معتقد بود که آزادی قدس مستطه فرد فرد مسلمانان و مستضعفین و همه ادیان الهی است باید همه تحت شعار آزادی قلم وحدت پیدا کنند و اسرائیل غاصب را از سجنه روزگار محو نابود کنند و شیوه آزادی قدس را همانطور که ما بارها گفته بودیم در هیچ توده ما امید انستند و در این مورد گفته اند: "بیش از این شجارها و اجتماعات به عمل ببرد ازیم و مجتهدین هم همانطور که امام فرمودند اگر هر کدام از مسلمانان یک سطل آب ریخته بودند سلی بود که صهیونیزم را از بین میبرد همان طور که در می هر گد ام هفت رنگ میزنید و برج شیطان را فرق رنگ میکشید هر گد ام یک رنگ یک سنگ یک سلاح در دست بگیرید همه بیاید مجتهدین و در آنروز پیشنهاد کردند که بیاید به تمام مدارس و روستائیان و کارگرها از بیرو جوان گرفتار آنها هم تعلیم نظامی بدهند و براتنها راه مبارزه با صهیونیزم را در مبارزه قهرآمیز توده های مستضعف میدانستند .

حال در جبهه های ما از بیرو جوان بسیج شده اند و اسلحه بدست گرفتند تا با آزادی کردل راه قدس را بکشایند و انقلاب اسلامی را به تمام جهان صادر نمایند .
و همانطور که پدر گفته بود "این خونی که در خیابانها و رهبر گوشه و در رهبر شهروند هسکه های ماجاری است و خونهای که در فلسطین جاری شد در یک بستر حرکت میکند در ستر انقلاب بدست توحید در ستر نجات خلقها .

حمایت از مستضعفین

آیت الله طالقانی در رسیدگی به محرومین و مستضعفین توجه خاصی داشت در تبعید به زابل و بافت از نزدیک با در آنها آشنا بود و در مدتی که در آنجا بود سعی کرد به هر طریق به توده های مستضعف زابلی سرزند و در دل آنها را گوش میکرد . مستضعف را کسانی میدانست که به ضعف کشیده شدند نه نفسی ضعیف باشند و اگر در نظام طاغوتی نبود تکرر استعدادهای بهتر کار میکرد . مستضعف این نیست که نتنها از شکس سیرر نشود و مسکن نداشته است و به شهید رجائی توصیه کرده بود اسلام شکم گرسنه نمی پذیرد و اسلام بدن لخت را نمی پذیرد اسلام اجازه نمیدهد یکی در ساختن ده طبقه زندگی کند و یکی در گود زندگی کند امام میگویند این شکافها را بپر کنید .

پدر طالقانی یک مجاهد مقام و واقعا یار مستضعفین بود و خود نیز از خانواده ای مستضعف بود و در مستضعفین راد رک میکرد در اد راه مملکت باید سعی داشت که خمواره از عناصر آگاه طبقه محروم عهد مد اینا مرشود و بتواند نیاز مستضعفین را پاسخ بگویند . و از این طبقه در راه مقامات و مستها قرار بگیرند . کسانی همچون طالقانی که در محرومین راهیقا درک کرده باشند .

آثار او در طی ۴۰ سال زندگی مکتبی عبارت است از:

- ۱- نهج البلاغه (ترجمه و تفسیر)
 - ۲- مقدمه و شرح بر کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله علامه نائینی
 - ۳- امام علی بن ابیطالب (ترجمه)
 - ۴- به سوی خدا میرویم
 - ۵- تمرکز و عدم تمرکز مرجعیت و فتوا
 - ۶- جهاد و شهادت (سخنرانی)
 - ۷- پرتوی از قرآن - در ۶ جلد
 - ۸- عهد قربان (سخنرانی در زندان)
 - ۹- آینده بشریت از نظر مکتب ما (سخنرانی در زندان)
 - ۱۰- اسلام و مالکیت
 - ۱۱- سخنرانیهای ایشان در مورد حضرت ابراهیم (ع) - سخنرانیهای مسجد هدایت و کتاب قیام به قسط - سخنرانیها به مناسبت سالروز درگذشت دکتر مصدق - خطبه های نماز جمعه - شورا و حاکمیت مردم - دوشهید ارشاد - انقلاب و تحول - هجرت و جهاد و . . .
- امید است با توسعه گیری از پرتوهای قرآنی راه خونین او را در جهت رشد انقلاب اسلامی و آزادی کردل و قدس تداوم بخشیم . در طول تاریخ انقلاب اسلامی همواره در جریان و جسد داشته است ، مسلمانان ، اسلام رزمنده در سجنه جریانیهای عاقبت طلب ، راحت طلب و مسلمان نما . جریان اصیل که اسلام رزمنده در سجنه است سعی داشته است که اسلام را به عنوان یک مکتب کامل و نجات دهنده انسان تحقق بخشیده و جامعه را برای ظهور حضرت قائم (هج) آماده نماید آنچه که امام خمینی فریاد دل مستضعفین نیز سرداده اند ، چیزی جز تحقق آرمانهای الهی نیست و مسلمانان از بنیاد های عقیدتی و تفکرات توحیدی ایشان و بارانشان سرچشمه میگردد .
- اکنون دشمن سعی دارد ارزشهای ایدئولوژیک و عیسوی انقلاب اسلامی را با انگهای مختلفی از بین برده و مانع تثبیت آنها شود . در مورد یاران امام از جمله آیت . . . طالقانی نیز شبها فراوانی ایجاد شده است و بعضی که سو نیست دارند ایشان را متاعیل به گرو های منحرف و التقاطی میدانند رجوستها هم میخواستند طالقانی را پدر خود مطرح کرده و برای تثبیت خود شان از او سو استفاده کنند و نهایتاً او را در مقابل امام قرار دهند . اما پدر طالقانی با هوشیاری ایمن توطئه ها را خنثی کرد ، علاقه او به امام بعدی بود که گفته اگر از رهبر اطاعت نکند خدا عذابتان میکند " و امام نیز زبان گویای او را چون شمشیر مالک اشتر بر بند موکوبند و توصیف نمود و او را ابوذر زمان و مفسر قرآن و در ره ملت خطاب کرده است .
- اکنون دستهای مرموز سعی در بیرون کشیدن تالیفات و تفکرات وجودی و جوهری آیت . . . طالقانی از سجنه آموزش در ارگانها و کانونهای آموزشی دارد و هر کس تفسیرهای ایشان را بخواند از جانب آنها اتهام و حتی در رمضان تصفیه و کنار گذاشتن قرار میگیرد و یاد رومرد کتب امام خمینی هم ، عده های ساده اندیشانه عنوان میکنند که کتابهای امام عرفانی و درگ آنها مشکل است و مانعی توانیم آنها را بفهمیم . اینها بجای اینکه از امام و بارانشان طلب کنند که بیاید کتابهای امام را برای ما تشریح کنید با این شیوه در صد هستند که از اشاعه تفکرات امام در سطح جامعه جلوگیری کنند . در حالیکه فرمان امام روش شناخت هم دارد و بقول خود امام از مادعای کمال خوانندگی میسازد که شمشیر زن هم هستند نشان دادن پیوند ایدئولوژیک سیاسی امام و آیت . . . طالقانی ایثارگران جبهه و مردم شهادت طلب را در راه آزادی کردل و قدس بسیج نموده و ثابت قدم میدارد ، که این امر خود ضربه ای است بر بیکر زخم خود و جریانات عاقبت طلب ، که هدفتان منزوی کردن ارزشهای مکتبی انقلاب است . ارزشهای وجودی و شیوه های تعالی بخش و توحیدی آیت . . . طالقانی هنوز هم زنده است و شناخت آنها در مملکت برده و شیوه های ما بسیار موثر خواهد بود . که امیدوارم راهنمای عمل همگان قسرار گیرد .

از صفحه ۳ کربلای مستمر

ولی فقیه قائلند . ایشان در کتاب ولایت فقیه می گویند : " اگر فرد لایق که دارای ایندو خصلت باشد (عالم به قوانین - عادل) بیباخت و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند . این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر پیش از فقیه است ، باطل و غلط است . البته فضائل حضرت رسول پیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضائل حضرت امیر (ع) از همه بیشتر است . لکن زیادی فضائل معنوی ، اختیارات حکومتی را افزایش نمی دهد . همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه صلوات الله علیهم در تدارک و بوسیله سپاه ، تعیین ولایت و استانداریان ، گرفتار مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است"

استمرار راه انبیا در این است که ولایت

فقیه همچون انبیا ، بر جان و مال مردم حاکمیت داشته باشد و تلاش در جهت تحقق این حاکمیت هم کربلای مستمر است .

کاروان تزکیه

هرجامت واحد منجمی باشند که در مبارزه بر علیه باطل خالص تر شوند ، آنجا کربلاست . هر جا که جریان حق سنخیت های درونی اش را با جریان باطل پاک سازد و شیوه ها و منطبق های غلطی را که باطل از آن استفاده میکند تصفیه نماید کربلا متحقق میشود . جریان حق به میزانی که عدم انسجام های خود را چه از لحاظ وجود شیوه های نادرست و چه از لحاظ تصفیه جریانهای ناصالح از زمین میبرد ، برای دشمن غیر قابل تحمل تر شده و بیشتر مورد تهدید آنها قرار میگیرد .

در زیارت عاشورا میخوانیم : " یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور " ای خون خدا وای فرزند خو نخواه وای تنهای تنها شده . امام حسین (ع) تنهایی بود که ظاهرا از طرف بسیاری از شخصیت ها و جریانهای رزمند آن زمان تا بیاید میشد . ولی وقتی در شرایط سختی و ابتلا قرار گرفتند ، دست از حمایت یاری حسین (ع) برداشتند . امام در واقع تنها بود و در عمل هم

که به خدا نزدیکشان میکند و نیاز محمد را بر آورده میسازد لازم به توضیح است که قبل از اسلام هنگامیکه اعراب جاهلی میخواستند در راه خدا ایانشان انفاقی بکنند ، یا بردهای بی گناه را سر میبردند و یا طلا و جواهرات زیادی را به بیکر بت آویزان میکردند عملی کاملاً اسراف و بیبهره اما قرآن میگوید که انفاق میبایست در جهت بر آورده شدن نیاز های پیش تاز خط مشی (محمد ص) باشد .

عده ای در روز عید قربان گوسفند قربانی میکنند ولی گوشت آنرا در بیخچال گذاشته و کم کم مصرف میکنند ولی آیت . . . منتظری سال ۵۹ اعلام کردند که گوشت های قربانی و یا پول آنرا برای جبهه ها بفرستید ، یعنی در این شیوه انفاق ، نیاز های خط مشی امام بر آورده می شود با توجه به این محتوا هرگاه که صلوات می فرستیم باید ببینیم که چنین کاری کرده ایم یا نه آیا همه کارها و حرکتان در جهت بر آورده شدن نیاز های انقلاب و امام هست یا نه ، آیا خط مشی ما تابع خط مشی امام زمان و پیروان او میباشد یا نه ، خط مشی الهی ضد استکباری و ضد استعماری محمد و آل محمد در خط مشی و سازماندهی و شیوه عمل ما چقدر رنقش دارد ، میبینیم که صلوات دعائی کاملاً استراتژیک و در جهت پیوند دادن ما با نیروهای رزمنده و مکتبی و ناتیان واقعی استعمار که همان محمد و آل محمد میباشد ، است .

وقتی نام حضرت محمد (ص) میاید صلوات میفرستیم به این ترتیب دعای خط مشی زندگی ما تابع و عرض خط مشی امام زمان بشود در آیه ۴۰ سوره حج قرآن کریم میفرماید :

لَوْلَا نِعْمَ اللَّهُ النَّاسُ لَمُعْضَمُهُمْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مَوَاسِعٌ وَيُبْعَثُ الصَّلَاةَ وَمَسَاجِدَهُمْ كَرِيهًا اسْمَ اللَّهِ كَسِيرًا يَعْنِي أَلِمْبَارِزَهُ بَعْضُ أَزْمَرَةٍ بِأَبْعَدِهِ يَكْرَهُوهُ أَلِمْبَارِزَهُ أَزْمَرَةُ رَوْنِ جَامِعِهِ نَبُوهُ أَلِمْبَارِزَهُ بَا ظَمَ دَرْدَرُونِ جَامِعِهِ نَبُوهُ أَلِمْبَارِزَهُ أَضْدَادُ نَبُوهُ حَتْمَا خَانَهُ هَا وَصَوْمَعَهُ هَا وَمَسَاجِدِهِ كَمَا سَمَّيْتُمْ خَدَاةَ رَانَ مِيرُونِ أَزْمَرَةٍ مِيرَفَتِ صَلَاةَ دَرِجَاتِ مَرْتَدِ نَبَا مَعْبِدِ وَمَسْجِدِ كَرْتَمَشِدِ اسْتِ صَلَاةَ دَرِجَاتِ مَعْنَاةَ حَالَتِ وَبِجَائِئِ اسْتِ كَنْبَارِزَاتِ اسْمَانِ دَرِجَاتِ بَرِأَرُونِ مِيرَفَتِ .

قرآن کریم در این آیه مطرح میکند که اگر در جهان درگیری بین حق و باطل وجود نداشته باشد و جامعه به سازش کشیده شود ، نیاز های

تنها شد . زمانیکه کاروان حسین (ع) حرکت میکند ، افراد زیادی به همراهش بودند . در سیر راه هر چه بیشتر امام ، مردم را با سختیها و مشکلات حرکت آشنا میسازند ، از تعداد این افراد کاسته میشود . در مکه که محیطی مناسب برای تبلیغات امام علیه حکومت یزید بود و بسیاری از یاران امام و جریانهای طرفدار او نیز حضور داشتند ، مرز یاران واقعی امام از دیگران معین شد و در بین امت واحد اوتصفیه ای اساسی شکل گرفت . شب تاسوعا هم امام دستور میدهند که همه چراغها را خاموش کنند و خود نیز سر به زیر میاندازند و میگویند هر کس میخواهد برود ، چرا که هنوز افرادی بودند که با کربلای حسین وحدت کامل نداشتند .

ظاهرا " تعداد حمایت کنندگان حسین (ع) خیلی کم شد . ولی باطنا " هر چه تعدادشان کمتر میشد ، دشمن بیشتر از آنها میترسید . چرا که حکومت یزید هم میدانست که يك امت یکدل و منسجم علیه تعداد کم خطرناکتر از جریانی با تعداد زیاد است که انسجام ندارد . و آنها نمیتوانستند از این عدم انسجام ها استفاده کنند . در حالیکه امت واحد امام حسین (ع) امتی یکدل و متحد بودند که منطبق های غیر توحیدی و غلط از آن پاک شده بود و دشمن نمیتوانست

اصیل انسانی بر آورده نشد ، حالات و مکان هایی که انسانها با ذکر اسم خدا نیازهایشان را بر آورده کرده و به خدا نزدیک تر میشوند منهدم میگردد . یعنی اگر طالب رشد و ارتقاء هستیم ، میبایست درگیری بین حق و باطل را تشدید کنیم . یعنی اگر جامعه در جهت تحقق نیاز رسول الله (ص) که پیروزی حق بر باطل است فعال شود ، صلوات زنده مانده و پا برجا خواهد ماند .

همچنین در کتاب اصول کافی باب صلوات از امام صادق (ع) قریب به این مضمون نقل شده است که هرگاه مومن نیاز خود را در بین دو صلوات مطرح کند ، خداوند حتما آن را اجابت خواهد کرد . چگونگی بر آورده شدن نیاز فرد در این حالت بدینگونه است که فرود نیازمند در ابتدا و انتهای طلب نیازهای خود از خدای عز و جل را میگوید که خود از خدای عز و جل را بر آورده و آل محمد را بر آورده و در این حالت فرد مومن خود به خود نیازی پیدا میکند و مغایر با نیاز محمد و آل محمد و ادامه دهندگان راه آنها راندانسته و مطرح و نخواهد کرد . مثلا میگوید خدایا نیاز نایب الامام خمینی را بر آورده و آل محمد را بر آورده و از خدا طلب کند که بازار جنس های وارداتی را رونق بخشد تا او پولدار شود . زیرا چون خط مشی امام حرکت بطرف خود گامی و استقلال اقتصادی است لذا خواست او با نیاز رسول و حجت خدا و نایب الامام در تعارض میباشد . همچنین چون قبل از طرح نیاز خود ، نیاز رسول خدای عز و جل را مطرح میکند ، اخلاص پیدا کرده و فردی الهی میشود ، بنابراین خواسته های او هم الهی و مشروع میگردد . در این حالت بهترین زمینه برای استجاب دعایش بوجود میآید . متأسفانه گاهی اوقات برخی صلوات میفرستند ولی بلافاصله طلب حل سازشکارانه میکنند و دیگر تضاد های اجتماعی را میکنند .

صلوات عامل رشد و تعالی فکری

با این برداشت از صلوات ، هنگامیکه مومنین صلوات میفرستند ، خود را تابع خط مشی امام زمان میگردانند بدنبال این میگردند که نیاز از اسام زبانی را در کسره و در جهت

از درون به آن ضربه بزند . انقلاب اسلامی مانیز همچون درختی است که هر چه شاخه ها پیش رابزنند ، از ریشه موتسه رشد میکند . از يك طرف ، آنهايي که جان بسز گف بودند و تسلیم حرکت رشد یابنده انقلاب تزکیه شده و هر چه بیشتر از وابستگی هاکنند . زمانیکه در حصر اقتصادی قرار داشتیم امت ما در قطع وابستگی ها و تلاش در جهت رشد خود گفایی تزکیه شدند . بسبب به سمت کشاورزی و مسالای بردن سطح تولیدات کارخانجات ساخته شدن قطعات یدکی که از خارج تامین میشد ، صبر و استقامت در مقابل کمبود های موجود ، نمونه های از این تزکیه است . در شرایط کوفی هم که مردم ما از يك سوشدیدا " مورد تهاجم موشکهای بعث صدام قرار دارند ، وحشی شهر های مثل بهبهان به موشک بسته میشود صبر و استقامت کرده و این فشارها را تحمل میکنند و علیهم همه کمبود های غذایی ، دارویی ، مشکل مسکن و . . . عمل صالح خود را مقاومت در برابر دشمن و پیدا کردن شیوه هایی برای کاستن از تعداد شهدا و مقابله با ویرانه ها میدانند . از طرف دیگر دشمن تهدید کرد . است که پالایشگاهها ، چاههای نفتی و مراکز (بقیه در صفحه ۳)

تحقق و بر آورده شدن آن به سهم خود کوشا شوند صلوات بر محمد و آل محمد ما را بطور مستمر عطسی کردن سیر طیبیه الهی ، رسول خدای نیاز رسول خدای اول اوادار میکند و هر روز به درک والا تسری از نیاز حضرت و آل او میرسیم ، در مسیر بر آورده شدن نیاز آنها هر روز خود رشد بیشتری میکنیم و به درک نیاز هم بالاتر و دقیق تری از رسالت محمد دست میایم . دعای صلوات موجب نواندیشی و رشد فکری و روانی ما میشود .

صلوات روش شناخت صحیح و تحلیل درست از جامعه

بر خلاف آنکه عده ای از نیاز فقیه و مجتهد به خط مشی امام زمان و از آن به پیغمبر و از آن طریق به معرفت خدا میروند .

در این دعا ابتدا از وجود مستقل قائم بذات و بی نیاز آغاز میکند (اللهم) سیر از معرفت نسبت به خدا به شناخت رسول او میرسد (محمد) و با درک نیاز های الهی محمد هم از خدا تحقیق نیاز های او را طلب میکند و هم با فرمانبرداری از دستورات خدا ، خود به بر آوردن نیاز های تحقیق خط مشی او که همان مبارزه با استعمار و گسترش امرت واحد اسلامی است میرسد از .

برای بر آوردن نیاز محمد بناچار میبایست در جهت تحقق نیاز رزی و ادامه دهند راه او حرکت کرد و برای تحقیق نیاز رسول و امام زمان میبایست تسلیم خط مشی بر حق نایب امام زمان در هر عصر نیز شد لیکن آنچه قابل توجه است آن است که برای شناخت آل محمد و جانشین ها و نایبها از ملک خدا و رسول میبایست شروع کرد ، این سیر تها راه نجات انسان از قید و بند شرایط او و اوهام و ذننیات موجود در جامعه و تحقیق دهند اجرای امر معروف و نهی از منکر را ترتیباً با رهبران جامعه میباید . صلوات بر محمد و آل محمد ما را هر روز به تحلیل از جامعه و انتقالی بیاورد چرا که برای تحقق دادن صلوات ابتدا میبایست به نیاز اصیل امام دست یافت و دست یابی به اصلی ترین نیاز امام مجرد از تحلیل و تبیین مستمر از جریانات جامعه نیست

ادامه دارد .

(۱) - منظور آنهایی که بدون دلیل وجهی در جنگ شرکت نمیکنند .

بیاد مجاهد شهید مسعود هاشمی

مطلب زیر که زندگینامه مجاهد شهید مسعود هاشمی بصورت شعری است از طرف یکی از همزمانش ارسال گردیده که اقدام به چاپ آن کرده ایم هر چند از نظر ادبی خالصی از اشکال نیست.

بسم رب الشهداء والصدیقین

براد شهید مسعود، ای فریاد مستضعفین وای تحقق دهنده نیازشان
یا تو سخن میگویم ای شهید، شاهدی بر ما پس گواه باش بر آنچه میکنیم و بر آنچه میگوئیم
و آن روزی که تو روسوی رب خوشی رفتی و در سویش بسوی مسجدی در جایگاه سجدهها در آن محل رزم با شیطان سخن از عدل می گفتی
و از حق گو سخن از آیت قرآن بشنفتی چه می گفتی؟
نمی گفتی که این امر خداوند است؟ نمی گفتی چرا قرآن در بند است؟ نمی گفتی، نمی گفتی
و می گفتی که مادر بند و زندانیم که اینرا هم نمی گفتی و می گفتی که ما آزاد آزادیم
و در عشق خدا فرهاد فرهادیم که را آن قدرت است ما را بعبند آورد؟ و آنطوری که خود خواهد بیارید و در آنگاه می گفتی
که ظالم بند و زنجیر است و آنهایی که تابع بر نفوس خوشی باشند برای نان و یا آبی و یا خوابی و یا پیراهنی مستند
و یا بهر مقام و ثروتی بختند پذیرند ظلم ظالم را و اینانند در زندان نه این قرآن
نه این قوم مجاهد پیشه با ایمان و این را ذکر میکردی و در آنگاه
بدرگاه خداوند شکر میکردی و می گفتی
که باید سنت و قرآن که این امر خداوند جهان و جان شود اجرا و در هر گاه و در هر جا

و تا آزاد گردد آنکه گمراه است و در بیراهه و جاه است برای اینچنین اهداف کجا رفتی؟
جمعیتت؟ چه بنهفتی؟ برای قرب و نزدیکی به آن عشق خداوندی بسوی مکتبی کامل همی رفتی که راهت را کند روشن و باشد رهنا بر فعل و افکارات و در هر مشکلی به همت خود یاریت جوایی بر نیاز فطرتت گرد و تا آرامش یویا تو را سازد
و یادت هست رفتی قم به آن شهر مجاهدی به آن شهر قیام و شهر شاهدی به شهر مکتب و قرآن در آن شهری که رهبر برستم توفید خروشید و همی کوشید به آن شهر ره سپرگشتی که تا با یاوران حق هم گذرگشتی
و یادت هست که در آن سالروز مرد حق آموزگار انقلاب آن کس که با الحاد و استثمار می جنگید و با آن تیغه تیز قلم با شامی زبید تو را با اتهام آنکه شاگرد چنین فریادگر بودی و در فریاد بر ظلم ستم شاهی گرفتند
گرفتند آن سگهای وابسته و بردند درون بند در بسته بیست میلههایی که نشان از رنجهای آن معلم داشت و دیدی تو نشان از آن صورههای هم زندان و هم بندت که بر دیوار زندانت منقش بود چه می گفتی؟
تو خود گیتی به من "گر بانه خندیدم" که خندیدی به عقل خامشان بر آرزو و کامشان و گریان گشته بر آن ظلمهایی که بر آن یاران تو میرفت بحق مردانه استادی هر آنچه در امانت بود

در راه خدا دادی که من آن ضربه شلاق را دیدم ولی از تو ندای حق بشنیدم چه احق بود آن دشمن آن هنگام که تو لب بر لب بستستی ز تو خواهان رازت بود
و یادت هست که آن نشریه حزب خدا را پخش میکردی به هر شهری و روستایی تو می بردی و همراه مسلمانان خشم آلود علیه شاه و شاهکها علیه گرگ و هم سگها شعار مرگ بر شاه و درود بر این بزرگتر مرد خمینی مرد اهل درد میدادی و میگفتی و میگفتی چنین گفتی
این است شعار ملی خدا قرآن خمینی استقلال آزادی حکومت اسلامی نه شرقی نه غربی حکومت اسلامی
و اما روز خون آن روز عزتها و آن روز قیام و عزت و همتها که روز هفتم دی بود کجا بودی؟
تو با مشیت علیه پاره آهنهای دشمن سخت ایستادی تو با عشق و تو با ایمان و آنها با فتنه و در مرکز میدان و تو آزاد از هر بند هر زنجیر و آنها با خود و با خویشان درگیر و تو مسئول خون شاهدان پاک و آنها
با همان وابستگی بر جسم و برتن خاک و توفات شدی با خونهای پاک یارانت و در هم کوفتی
آن تانکهای پوچ خصمانت ستمگر را و فاسد را و فاضل را همی نابودشان کردید و اما آمد آن حق و زاهد گشت آن باطل حکومت گشت از آن خمینی عبد خدا و عادل عالم

تو را دیدم که در دنبال مکتب سخت میرفتی ترا گفتم چمنی خواهی؟ جوابم گفت
من در سوی جان جان جانانم بسوی منزل آن وحی و قرآنم بسوی آن خدای مستقل از ذهن انسانها و حاکم بر تمام خلقت و بر جسم و بر جانها برای رجعتم باید بیاموزم ره رسم
که تا این انقلاب غرق در خونهای صدیقین تداوم یابد و هم گسترش گیرد
* * *
برای قرب و نزدیکی به این مقصد کجا رفتی
تو را دیدم که با آن عاشقان دل به حق داده و جان بر کف به یک ره گام بنهاد
تو را دیدم که با دل لیستگان مکتب اسلام بد دنبال امام آن رهبر مستضعفین در صبح و در هر شام میرفتی
* * *
و یادت هست آن روزی که بر دیوارهای شهر بنوشتی و بنوشتی که تا حق از صف باطل جدا گردد درون زشت باطل بر ملا گردد و ربط خط سازشکار با خط منافق پیشه بدکار
عیان کردی و "سید کاظم رجوی" بیان کردی
* * *
و اما دشمن جلال آن صد رنگ و پر ضران آن وابسته شیطان در بغداد ز راه و گامتان ترسید و نفی سلطه اش را دید به خاک مسلمین آمد ولی از قلب این مردم نمی داند چه میداند که مسعودهای ما چون شیرها در بیشهها هستند و جان بر کف براه حق همی سر مست و سر مستند
تو را دیدم که در رکوی شهیدان با سپاه عشق آرامی و در آن وعده حق با خدا دادی و وفا کردی
و در این حال خوش کامی امانتهای حق را در امان کردی و در راهش بیابودی بقیه در صفحه ۲۴

امپریالیسم و ... از صفحه ۶
ج - مواضع و جناح نسبت به مسئله فلسطین
این دو جناح نسبت به فلسطین نیز تاکنون مواضع مختلفی داشته اند کارتر رئیس جمهور سابق امریکا که در مکرکات و از جناح نظامی بود گفته بود که امریکا ۳۲ سال است به اسرائیل کمک میکند و نصف این کمکها در زمان چهار سال حکومت وی بوده است. کارتر طرح انتقال پایتخت اسرائیل از تل آویو به بیت المقدس را نیز پذیرفته بود. نظامی هاد در رابطه با فلسطین از اسرائیل جانبداری کرد و فلسطین را به رسمیت نمی شناسد. جناح نفتی ها (جمهوریخواه) خط مشی دیگری داشته از جمله شامعدوم که وابسته به آنها بود عقیده داشت که فلسطینی ها باید جاومکان داد چون در خلیج پراکنده اند و پراکندگی آنها را برای حفظ ثبات نفتی خطرناک میدانست
از مهمترین توطئه های این دو جناح، در جریان حمله اسرائیل به جنوب لبنان بود که بعد از ۲۷ روز مقاومت حماسه آمیز فلسطینیها در صبر و استیلا، امپریالیسم که از تعمیق انقلاب فلسطین و تقویت هر چه بیشتر جمع بندی مبارزه مسلحانه و درازمدت در منطقه وحشت داشت خط مشی خود را تشدید

گرایشهای رفورمیستی در درون نیروهای انقلاب فلسطین و عرب قرار داد مهمترین این توطئه ها تبلیغ تضاد ظاهری ریکان و یگین بود با این تحلیل که اسرائیل به دلیل توسعه طلبی ارضی حاضر به ترک خاک لبنان نبود و جناحهای نفتی، مصرفی و صنعتی امپریالیسم (جمهوریخواهان) با توجه به اهمیت که برای ثبات منطقه قائلند حاضرند از دستها و نیروهای عربی که در خط حفظ این ثبات باشند در مقابل توسعه طلبی ارضی صهیونیسم حمایت کنند.
جمهوریخواهان با حرکتیهای تبلیغاتی نظیر قطع ارسال جنگنده اف - ۱۶ و باره ای تجهیزات نظامی دیگر به اسرائیل و همچنین حمایت از دولت لبنان در مذاکرات صلح با اسرائیل و تاکید بر خروج نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان و نیز ارائه طرح صلح ریکان که به ظاهر خواستار احقاق حقوق فلسطینیها شد بود، چهره صلح طلبانه ای در مقابل فاشیسم اسرائیل در منطقه به خود گرفته بود و میرفت که با تقویت ایمنی و قطعی کاذب در اذهان نیروها به مزعم خود شریک سازش تاریخی و مهمی را به نفع گسترش کمپ دیوید در منطقه تحقق دهد.
از سوی دیگر از جانب بسیاری از نیروها برخورد قاطع و بنیادی

با طرح صلح ریکان نشد مورخی معتقد بود ند که اگر طرح صلح ریکان کاملاراد بشود امپریالیسم و صهیونیسم در سرکوب خلقهای فلسطین و لبنان به وحدت کامل میرسند و لذا افعالیست سیاسی - دیپلماتیک خود را برای فعال نگه داشتن این تضاد و بهره برداری از آن ادامه میدادند. این شیوه برخورد با توطئه امپریالیسم باعث امید واری بیشتر در شمنان در ادامه و قطبسی کاذب در منطقه بود.
نمود این دو قطبی کاذب در لبنان این بود که اسرائیلی از یک سو و امریکا و لبنان از سوی دیگر با هم به توافق نمیرسیدند و درگیری های مصنوعی و جنجالهای سیاسی تا انجا بالا رفته بود که امریکا اسرائیل را تهدید به لغو فروش جنگنده های اف - ۱۶ از جانب این کشور به اسرائیل کرد. امپریالیسم به انحاء مختلف میکوشید این دو قطبی کاذب را رنگ و لعاب داد و تار و پودر بیستها و دیگر جریانات را هر چه بیشتر به این خیمه شب بازی جذب کند و از طرفی برای حکومت دست نشانده جمیل نیز مشروعیت کسب نماید چرا که در این دو قطبی اینطور جلوه میکرد که دولت جمیل خواهان استقلال لبنان است و در این رابطه با اسرائیل درگیری باشد. (ادامه دارد)

کسانی که به جوهر حرکت توجه نکردند از آن برداشتهای متفاوتی کرده اند . منجمله اینکه تلاش کرده اند گرفتن فدک را شیوه مضاد راه اموال سرمایه و مالکیت عنوان کنند در حالیکه جوهر قضیه این نبود بلکه آنهایی که آمدند فدک را گرفتند بیش از هر کسی به مسئله مالکیت توجه نداشتند عمر خود شد رخصت تقسیم بیت المال چهارم رجه قرار میدهند و بیگانه و بیگانه میشدند . میداده و پانی المثل اموال افرادی نظیر عبد الرحمن عوف را هیچوقت صادره نکرد . در صورتیکه خود حضرت علی (ع) وقت سرکار میآید میگوید اگر کسی مالی از بیت المال برده باشد ولو اینکه به گاین زن رفته باشد آنها را باز میگردد . پس جوهر قضیه فدک نفی مالکیت نبود بلکه خلعید از جریان حقی بود است که آنجا حاکم بود ام از اینکه فدک رارث یا هبه بدانیم .

۱۰ - شیوه قراردادن امتیاز اقتصادی یا طبقه سازی

از تفکرات غلط جریان رفرمیستی سقیفه ملاک قراردادن ارزشهای مادی و طبقاتی برای افراد بود . چنانکه قبل از اسلام ملاک برای ارزش طبقات در قبائل ثروت و سرمایه آنها بود . هنگامی که این جریان انحرافی حاکمیت پیدا کرد بسا همان ملاک بانیره های جامعه برخورد میکرد و برای نیره ها امتیازات اقتصادی قائل میشد . چنانکه برای صحابه بدر واحد و کلا " صحابه مقرری خاصی از بیت المال تعیین کرده بود و به این وسیله موقعیت خاص ممتاز اقتصادی برای آنها بوجود آورده بود و هدفش این بود که از پشتیبانی آنها برخوردار شوند و برای حکومت خود مشروعیت بدست آورند . چرا که آنسان زرمندگان جنگ بد واحد بودند و در بین مردم پایگاه داشتند . این تفکر و روش فلفلی است که برای کسانی که سابقه ایثارگری و فد اکاری در اسلام دارند امتیاز اجتماعی خاص قائل شوم این شیوه ای است که عدتاً حکومتهای باطل بکار میبرند و برای کسب پشتوانه اجتماعی یکه طبقه اقتصادی بوجود میآورند . حکومتی که در طی بسیج اصولی توده ها روی کار میآید و به ارزشها و معیارهای اسلامی متکی است با این شیوه هاشدیدا " مخالف میباشد و تدام حاکمیت خود را در بسیج اصولی توده ها میبیند زیرا کسانی که حامی چنین حکومتی هستند بخاطر امکانات و امتیازات اقتصادی آن نیست بلکه بخاطر ارزشهای الهی آن میباشد . این شیوه سقوط ارزشهای در جامعه آروز بود .

۱۱ - شیوه توده ایزاری

یکی از ویژگیهای هر جریان رفرمیستی و منجمله جریان رفرمیستی سقیفه این میباشد که توده ها را نا آگاه میدانند و برای آنها ارزشی قائل نیست این تفکر هدایت راییک امر فطری ندانسته و آن راییک امر خارجی میدانند و به همین دلیل سعی میکنند که توده ها را بد نیال خود یکشد و از آنها بعنوان ابزار استفاده میکند . با این دیدگاه بالطبع برای حرکت در آوردن توده ها در خط خود به هر شیوه ای نیز دست میزند تا بتواند به اهداف سیاسی خود برسد . در جریان سقیفه میبینیم که با جوسازی و شیوه های دیگر سعی میکنند از مردم بعنوان ابزاری برای تثبیت خود و انزوای علی (ع) استفاده کنند .

جریان سقیفه با توجه به پایگاههای کسدر بیت پیامبر داشتند اسرار و اطلاعات خانه پیامبر را دریافت میکردند و از این طریق توانستند هر چه دقیق تر طرح خود را پیاده کنند . رابطه ای که عمر و ابوبکر با بیت پیامبر گرفته بودند از یک زمینه معرفتی برخوردار بوده و در ابتدا بسا نیه های خیری هم همراه بوده مثلاً در زمان پیامبر خوشاوندی سببی با ایشان موجب افتخار و سرزندگی هر مسلمانی میشد . به همین جهت ابوبکر و عمر هر دو دختران خود عایشه و حفصه را برای پیامبر عقد نمودند و عمر و ابوبکر می اندیشیدند این نزدیکی با پیامبر عامل رشد آنها خواهد بود . تا زمانیکه این دو تسلیم رهبری پیامبر بودند و در کنار پیامبر هم تکامل پیدا میکردند در حالیکه در آستانه فوت پیامبر این نزدیکی وقتی همراه با موضعگیری عمر و ابوبکر در مقابل ولایت علی (ع) شد و تبدیل به شیوه غلط نفوذ گردید . چنانکه وقتی پیامبر میخواست برای وصیت علی (ع) بر بالینش حاضر شود بلافاصله عایشه و حفصه به پدران خود خریدار و آنها نیز در آنجا حاضر میشدند و پیامبر نیز از تصمیم خود منصرف میشد . نمونه دیگر هنگامی است که ابوبکر و عمر همراه جیش اسامه به سوی میدان نبرد میروند با رسیدن خبر از خانه پیامبر در مورد شدت بیماریش آمد و سپاه را ترک کرد و به مدینه برمیگردد .

پارهای از ویژگیهای شیخین

۱ - پاد زستی

از شیوه های مثبتی که شیخین بخصوص عمر داشته و ساد زستی در زندگی بوده است که در روایت مختلف منعکس است نقل میکنند که غنایم را که در یکی از جنگها بدست آمده تقسیم می کنند و عمر که قد بلندی داشته پیراهنی برای خودش درست کرده بود به او اعتراض می کنند که تو چشم پارچها اینقدر نمی شد که بتوانی یک پیراهن برای خودت بدوزی و عمر توضیح میدهد که من سهم پسر را هم گرفتم و توانستم این پیراهن را بدوزم . نحوه زندگی وی بود قشر رحصابرسی و مسائل مربوط به بیت المال سنت مترقی بود که در حقیقت سنت پیامبر بود . این مسئله را می توان از عوامل ثبات سیاسی شیخین در آن جامعه شمرده و یعنی با هر انگیزه ای که این کارها را میکردند و شیوه های داشتند که در میان مردم از پایگاه و محبوبیت برخوردار بود و علی (ع) هم این ثبات را نمیخواست شکسته شود .

۲ - شیوه انتقاد از خود - یکی دیگر از خصوصیات عمر این بود که خیلی زود از خودش انتقاد میکرد که در راهای موارد مشخصاً این انتقاد از خود جنبه مصلحتی داشته است مثلاً در قضیه فوت پیامبر (ص) عمر ادعا میکند که پیامبر نمرده است . ولی مردم هر چه استدلال میکنند و به آیات قرآن استناد میکنند و دلیل کافی میآورند او قبول نمی کند و وقتی ابوبکر می آید و همان دلایل را می آورد او قبول می کند .

۳ - شیوه سختگیری در مورد زنان و اجتهاد بی ملاک - یکی دیگر از شیوه های هر مسئله

جریان سقیفه و خصوص عمر به حاکمیت شکلی اسلام به امید داده باینصورت

که معتقد بودند اول باید اسلام حاکمیت خود را بدست بیاورد و سپس قوانین و

دستورات اسلام عمل نمایند و در حالیکه پیامبر خلاف این فکر را داشته اند

پیامبر معتقد بودند که رشد و تکامل بشر خود نظام و حاکمیت مناسبت را بوجود می آورد

سختگیری در مورد زنان بوده است . عمر خیلی خشن با زنان در جامعه برخورد میکرد و او در دوران خلافتش طواف حجة النساء و نمازی را که به این مناسبت در مراسم حج میخوانند حذف کرد و تغییراتی هم در مسئله حقوق و روابط اجتماعی زنان به وجود آورد . عثمان هم اجتهاد بی ملاک داشته مثلاً نمازی را که در مراسم حج شکسته میخوانند کامل می خوانده است .

۲ - از مسائل دیگر در دوران خلافت شیخین مسئله افزایش تولید بود است و توجه زیادی در این دوره به رشد کشاورزی و صنعتی می شد و در صورتی که بیت المال از این جهت غنی بوده در زمان عمر به دلیل فتوحاتی که شد غنایم زیادی به سمت بیت المال مسلمین سرازیر شد که رقم بالایی را شامل می شد و جزئیهای زیادی که از سرزمینهای آزاد شده به سمت بیت المال می آمد کلاً جامعه را در یک سطح رفاهن بالا قرار داده بود .

۳ - علت بکارگرفتن شیوه های غیر اسلامی به وسیله جریان سقیفه ناشی از یک نوع تفکرو جهان بینی خاص است . زمینه های معرفتی این شیوه ها در زمان حیات پیامبر نیز وجود داشته و مشهود بوده است . جریان سقیفه و خصوص عمر به حاکمیت شکلی اسلام بها میداده باین صورت که معتقد بودند اول باید اسلام حاکمیت خود را بدست بیاورد و سپس به قوانین و دستورات اسلام عمل نمایند در حالی که پیامبر خلاف این فکر را داشته است پیامبر معتقد بود که رشد و تکامل بشر خود نظام و حاکمیت متناسبت را بوجود می آورد .

۴ - بدین ترتیب می بینیم که جریان رفرمیستی سقیفه به علت اینکه به حاکمیت شکلی اصالت میداد به مردم تکیه ای ندارد و برای آنها جایی در حاکمیت قائل نیست (بنی صدر میگفت مردم باید بگویند حمایت میکنم . شهید رجایی میگفت مردم باید بگویند هدایت میکنم) به همین جهت در اعمال حاکمیت و ساختن نظم آهنگین ناچار می شود از شیوه های غیر اصولی مانند باند بازی ، تصفیه ، ترور ، تکبیر ، استفاده نمایند و از این جاست که دیگر نظام نیز اسلامی نخواهد شد و آنقدر منحرف می شود تا به حکومت معاویه میرسد . با توجه به اینکه عمر و ابوبکر هر دو صحابه پیامبر بودند و در مسیر اسلام گام بر میداشتند و به خاطر اسلام در بسیاری از جنگهای مسلمین علیه کفار شرکت داشته و برای پیاده شدن قوانین اسلام شمشیر میزدند بررسی زمینه های انحراف آنها می تواند کمک زیادی به شناخت علل بوجود آمدن سقیفه بکند زیرا نمونه این شیوه های غیر منکبتی را در زمان حیات پیامبر از این دو می بینیم که در آن زمان علتش نارساییهای معرفتی بود که در آنها وجود داشته و بعضی مواقع موجب

بکارگرفتن شیوه های غلط بوسیله این دو می شده مثلاً در صلح حدیبیه هنگامی که پیامبر صلح نامه را بدون ذکر کلمه رسول الله و قسطنط بنامشون محمد امضا می کند عمر شدیدا به پیامبر اعتراض کرده ولی بعد از صحبتهای پیامبر ظاهرآ قانع میشود با توجه به اینکه عمر پیامبر را میشناخت و به معصومیت او ایمان داشت می بایستی کاری پیامبر را قبول میکرد و آن را برای خود تبیین می نمود و حتی اگر از تبیین آن هم عاجز بود می بایست به پیامبر مراجعه میکرد و از ایشان می خواست تا او را توجیه نماید . در صورتیکه عمر از همان ابتدا باتندی با پیامبر برخورد کرده و به ایشان اعتراض نمود که این بالطبع در آن جا یک نارسایی معرفتی بود که زمینه خصلتی هم در عمر داشته است علی رغم شیوه های غلط و زمینه هایی که در این دو وجود داشت از آنجائیکه تسلیم رهبری پیامبر و بد نیال پیشتاز بودند زمینه ای فراهم می شد که بسا اخصلتها و شیوه های غلط خودشان مبارزه کنند و با فعال شدن در خط مشی پیامبر و تن دادن به رهبری ایشان خود را اصلاح نمایند . ولی بعد از فوت پیامبر و تشکیل سقیفه این زمینه های معرفتی تبدیل به جوهر خصلتی میشود . چرا که بعد از پیامبر خود رایشتاز دانسته و به بد نیال پیشتازتر از خود نمی رود . یعنی بسا توجه به اینکه حق امام علی (ع) محرز بود و در غدیر خم و در طول زندگی پیامبر و رشد اسلام صلاحیت ایشان واضح بود و حتی بعد ها ابوبکر هم به صلاحیت آن حضرت اعتراف کرد ولی آنها به امامت و رهبری علی (ع) تن ندادند و این باعث شد که زمینه های معرفتی و تفکری آنها همراه شیوه های غلطشان انسجام گرفته و در جهت یک خط مشی انحرافی در آید یعنی از خط مشی و امرامات عدول نمایند و بدین ترتیب خصلتهای آنها هر چه بیشتر رشد نماید تا آنجا که باعث افول سردمداران سقیفه میشود عمر در اواخر عمرش اقرار میکند و میگوید من زمانی را می بینم که معاویه حاکم میشود و در شورای که وضیت می کند بعد از خودش تشکیل میشود و شش نفری را در آن آرایش می دهد که خلافت عثمان در آن محرز بود و پس از او هم بنی امیه به حاکمیت میرسند که جوهر این جریان هم معاویه بود . یعنی با رشد زمینه های ایدئولوژیکی که در دوران حیات پیامبر در مسیر وجود داشت بعد از فوت پیامبر و تسلیم شدن او به جریان پیشتاز او به مواضع خصلتی می افتد که آگاهانه حکومت اسلام را به دست بنی امیه که " تلقا " بودند می سپارد (تلقا کفانی بودند که به اجبار اسلام را پذیرفته بودند) و این جوهر خصلتی باعث میشود که این جریان به سمتی گرایش پیدا کند و با جریان سنازش نماید که کینه شان نسبت به علی (ع) از همه بیشتر بود .

نامدارترین سرباز فداکار اسلام ، امیرالمؤمنین است و او کمنا مترین سرباز است . « امام خمینی »

پیرامون ولایت فقیه

قسمت ششم

بسم الله الرحمن الرحيم

ولایت فقیه و پذیرش عامه

به علت نیاز مکتبی نیروهای انقلاب به درک مسئله ولایت فقیه و رابطه امام و امت و نحوه استمرار و جانشینی آن، بر آن شدید تا مجموعه نظریاتی را که در این موارد چه بصورت مکتوب و چه غیر مکتوب، در جامعه وجود دارد را در حوزة محور الف، اصل یا حکم بودن ولایت فقیه، ب، ولایت فقیه و پذیرش عامه، ج، نحوه استمرار و جانشینی، در رجا در "راه مجاهد" بیاورم تا وسیله تحقیق باشد برای پیوندگان راه حق البته بعضی از نظرات موجود در جامعه هر سه محور فوق را در بر ندارند و بدیهی است که در این صورت عینا به نقل این نظرات در مورد يك یا دو محور باقیمانده خواهیم پرداخت.

اصل یا حکم بودن ولایت فقیه

در کتاب "ولایت و امامت" یا اصل چهارم در اسلام نوشته محمد باقر محمدی در مورد این مسئله که امامت از اصول دین است نه فروع دلایل زیادی آورده شده است از جمله با اشاره به حدیث "من مات بغير امام مات میتة جاهلیة" در صفحه ۵۲ می خوانیم:

"اگر امامت از فروع دین است و مانند نماز يك مسئله فروعی باشد آیا صحیح است کسی که يك مسئله فروعی را نداند و میرد مرده او مرده جاهلی باشد؟ خیر هیچ فقیه عالمی درباره انسان جاهل به فروع این فتوی را نداده است لذا معلوم می شود که امامت از اصول دین است زیرا کسی که جاهل به اصول دین باشد و میرد مرده او مرده جاهلیت است."

در ادامه بحث در صفحه ۵۳ می خوانیم: "اگر امامت از فروع دین است باید تقلید در این مسئله جایز باشد باینکه تقلید در موضوع امامت جایز نیست زیرا در موضوع امامت معرفت و شناخت قطعی معتبر است موافقت التزامیه به امامت معصوم لازم است."

اگر امامت از فروع دین باشد باید اجتهاد در این مسئله صحیح باشد که انسان عادی از طریق ریاضت و اجتهاد به مرتبه امامت برسد و اجتهاد در مسئله امامت صحیح نیست و عبارت دیگر اجتهاد در مقابل نمی باطل است زیرا طبق نصوص اسلامی امامت يك مسئله اجتهادی یا انتخابی مردم نیست که دست نشاندهگان قلابی پیشاهنگ جامعه و حاکم بر مردم قرار گیرند و امامت يك امر انتصابی و جعلی از طرف خداست و باید خدا منصب پر افتخار امامت را در اختیار انسان کامل و جامع شرایط بگذارد."

در صفحه ۶۳ با اشاره به حدیث "انی تارك نیکم التقلین کتاب الله و محترتی لن یغترقحتی یرد اعلی الحوض" می خوانیم:

"بسی بطور مسلم و قطعی بنا بر مذهب امامیه، امامت از اصول دین است و معنای اینکه امامت از اصول دین است یعنی اعتقاد به وجود امام در هر عصر از اعصار و اطاعت از فرمان امام در تمام رشته های عملی بر هر فردی از افراد انسان لازم می باشد."

اگر امامت از فروع دین باشد اعتقاد به او و جوب عینی ندارد و اگر هم بگوئیم واجب است، واجب کفایی یا امری تخیری می باشد به این معنی که مردم مجبور است بروند کسی را برای رهبری شان انتخاب بکنند و با هم انتخاب نکنند و این حرف در موضوع امامت نه در لسان قرآن و نه در لسان روایات و نه در لسان فقهای اسلام و در هیچ جای وجود ندارد."

در این مورد در صفحه ۶۴ کتاب "ولایت و امامت" نوشته محمد باقر محمدی می خوانیم: "اگر مسئله امامت يك امر انتخابی باشد موجب انهدام اسلام و مذهب می شود زیرا اگر يك دسته از امت اتفاق کند و کسی را امام انتخاب کند دسته دیگر فوراً اعتراض می کند و می گوید چرا فلان کس دیگر امام نباشد که این آثار هرج و مرجع باشد و هکذا و هکذا در نتیجه امامت آلت دست مردم قرار گرفته و در اثر مشاجره و نزاع حقایق اسلام محمد و قوانین دین تابع مصحلت های شخصی و هواهای نفسی مردم قرار گرفته و حاکمیت انتخابی برخلاف مصحلت اسلام و به ضرر جامعه تمام می شود. و باید آفریدگار جهان که عالم بر تمام مصالح و مفاسد گذشته و آینده مردم هست نص خلیفه کند و باید خلیفه الله از طرف خدا باشد نه از طرف مردم که هر روز با هزاران دسته و نیرنگها خلیفه های قلابی را درست کنند".

در این مورد در صفحه ۲۴ کتاب نظام رهبری در اسلام نوشته جواد صاحبی می خوانیم:

"خلاصه امام يك انسان به تمام معنا خدایی است يك الگو است يك انسان ایدآل است امامانه از نوع افلاطونی اش که فقط در عالم ذهن است بلکه يك حقیقت صحیح تر بگوئیم يك واقعیت غیر قابل انکار. مانند هیما لیا که بزرگترین قله جهان است. حالا ممکن است چشمهای کسی خوب نبینند و واقعیت را درک نکنند یا به چشمهایش عینک زده باشد، عوض ببینند، ولی در عین حال يك حقیقت است، اسلام اینچنین است. يك حقیقت را خواه ببینند و شناسند و قبولش داشته باشند یا نه اصلا هیچ این حرفها هم نباشد خواه در اس قدرت و حکومت باشد، خواه اسیر جنگ قدرت و حکومتی قرار گیرد، فرق نمی کند، امام امام است."

در ادامه مطلب در صفحه ۵۹ می خوانیم: "انتخابی یعنی متداولترین و مشرقیترین تعیین رهبری در دنیای معاصر که به اراده و خواست انسانها ارج می نهد و آزادی عمل در تعیین سرنوشته به انسانها می بخشد. البته هیچ دلیلی نیست که رای اکثریت همیشه مقرون به صحت

و محصول آن سعادت باشد بلکه اکثریت گاهی بر طبق فرهنگ و ذننیات از پیش ساخته شده خود، قدرت ارزیابی و باز شناسی را از دست می دهند و نمی توانند دورنمای آینده خوش را ببینند. . . . نمی تواند منافع جمع جامعه را ببیند و در بعضی مواقع منفعت خوش را فدای منافع دیگران کند بر این اساس است که رای خود را با چند تومان پول، با یک نهاروشام، با چند هدیه و عهد عووضی کند اصلا رای او رای نیست. بعضی مواقع رای بزرگتر خانواده یا قبیله است یا در اثر تبلیغات اندیشه و رای دیگری تحمیل و تلقین شده است."

اگر دموکراسی به معنای امروزی و فروعی آن را بخواهیم مورد توجه قرار دهیم، چیزی تازه و بدیع و ابتکار قرن بیستم نیست شاید اولین فعالیتی که برای کور شدن خط سیر رهبری در اسلام صورت گرفت و بزرگترین خیانت تاریخ بشمار می آید این عمل بود که در جامعه ای که هنوز ارزشهای جاهلی مطرح است و جامعه خود را از قید و بند هایی که بردست هایش بسته - اند آزاد نساخته و نمی تواند آزاد فکر کند و آزاد بیاندیشد و آزاد رای دهد چگونه ممکن است بایک فکر منحط يك عمل مترقیانه انجام دهد. . . . مردمی که ابتدائی ترین مسائل اسلامی را نمی دانند و نسبت به مکتب خویش تا این حد بیگانه اند. هنوز خصلتهای نظام گذشته حب مال و جان و جاه در پیشان به اعلی درجه وجود دارد در چنین جامعه ای بین علی و شیخین چه کسی را برین گیرند، آیا علی که سن و سالی

کم دارد و کسی است که با آستین کهنه ها و آسمان جلپسا می گوید و می خندد و شوخی و مذاحمی می کند که این بزرگترین عیب علی بشمار می رفت و حتی بار دوم باعث کنار زدنش شد بایک پیر مرد ریش سفید، بزرگ قوم، پدر خانم پیامبر و با غار او. در صفحه ۲۴ کتاب حکومت علوی حکومت اسلامی نوشته

ن - ص می خوانیم: "حکومت اکثریت در اسلام حکومت صالح نیست زیرا اکثریت در نظر اسلام غالباً در جهل و بیخبری هستند و مایل به فساد حکومت برای صالحان است چه در اکثریت باشند و چه در اقلیت. . . . نمایندگان حقیقی مردم کسانی نیستند که مردم با اکثریت آراء آنان را انتخاب کرده باشند، زیرا چنانچه گفته شد اکثریت مردم غالباً دارای شناخت لازم و تشخیص کافی نیستند و کسی را که انتخاب می کنند، غالباً افرادی هستند که مطابق میل آنان باشند نه محافظ مصالحشان."

نحوه استمرار و جانشینی

در صفحه ۶۱ کتاب "نظام رهبری در اسلام" نوشته جواد صاحبی در این مورد می خوانیم: ". . . رهبری اسلام از طرف کسی انتخاب نمی شود، انتصاب هم نمی شود، خود را تحمیل هم نمی کند که با زور سرنیزه مسلط شود. بلکه هر کس که می تواند ملاکها و شرایطی را که در مکتب منظور شده است در خود زنده کند و به مقام رهبری نائل بشود هر فردی که بیشتر این ملاکها را در خود خلق کند از دیگران به مقام رهبری است اولی تر است و دیگران برای رسیدن و دست یافتن بدان ملاکها باید کوشا بوده و ضمناً مطیع شخص اولی تر باشند بدین ترتیب در سطح جامعه تعداد افرادی که همه ملاکها را بطور اکمل در خود بوجود آورده باشند و همه ضوابط را رعایت کنند از نظر کمیت به حد اقل می رسند یعنی حتی به يك نفر چنانچه این موضوع به این نحو از امام صادق سوال می شود ممکن است زمین بدون رهبر و امام وجود داشته باشد؟ امام فرمود نه گفته شده: ممکن است در يك زمان دو امام باشند قال لا الا واحد هما صامت فرمود: مگر یکی از آنها خاموش باشد و دیگری دست نزنند و از نظر کیفیت الگوی تمام عیار این مکتب اسوه کامل برای بشریت سرمشقی زیبا برای رهبران راه عدالت که البته اطاعتش واجب و امرش لازم الاجراست و این اطاعت و پیروی تاما می است که در حفظ آن ملاکها بکوشد ولی همین که یکی از آنها را از دست داد نزول از مرتبه امامت بشمار می آید و شخص دیگر را می توان با آن ملاکها و ضوابط به رهبری امت برگزید."

اگر امامت از فروع دین است باید تقلید در این مسئله جایز باشد، در حالیکه تقلید در مسئله امامت جایز نیست.

در صفحه ۳۶ کتاب حکومت علوی حکومت اسلامی نوشته ن - ص می خوانیم: "راه انتخاب در اسلام انتخاب کردن از انتخاب شدگان است و پیوسته از میان صالحانی که انتخاب گشته اند صالحترین شان تا برگزیده ترین تعدادی که لازم است برگزیده شود پس نمایندگان واقعی مردم در اسلام برگزیده گسان برگزیده مکان اند"

و در صفحه ۴۱ ادامه می دهد: "بسیار می پرسند که زعامت و زمامداری در اسلام انتصابی است یا انتخابی؟ غالباً پاسخ می دهند در شیعه انتصابی است و در سنی انتخابی ولی واقعیت آنست که هر دو ترقه به هر دو شکل کردن نهاد است. اگر این بکر را بفرغ انتخاب کرده باشند بدون شک عمر را ابوبکر انتصاب کرد. امام شیعه فقط در مورد دوازده تن اوصیای کرام اعتقاد شیعه به انتصاب آنانست و از آن پس دوران انتخاب، چنانکه می بینیم مردم مرجع مطلق خود را از میان فقها انتخاب می کنند و این طبق دستور امامشان می باشد. والسلام"

توشه گیری از دعاها و سلامی صلوات

(۱)

بارها و بارها در مورد معنای صلوات فکر میکردیم، معنای درود و تهیت قابل فهم نبود حرکتی هم نمیآورد، معلوم نبود که چرا چگونه بر پیغمبر درود میفرستد و اصلا درود به چه درد پیغمبر میخورد و چه ارزشی برای او دارد برای ما معنای صلوات مثل کف زدن و درود - درود گفتن برای سخنرانها شده بود... بدنبال درک معنای عمیقتری از صلوات بودیم که به تبیینی که ذیلا ارائه میشود رسیدیم... مطلب حاضر تحقیقی آزادانه در این مورد است و شک نیست که از امکان اشتباه و خطا میرا نیست... امیدواریم که خوانندگان و دوستان با برخورد انتقادی اصلاحی خود در تصحیح و تکمیل این کار تحقیقی ما را یاری دهند...

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما .

اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم واهلك اعدائهم .

توشه گیری از دعا های اسلامی

همه ما در نماز و عبادات و در شروع کارهای روزمره زندگی و در پایان آن برای تایید کارهای خیر و یا هرگاه که نام پیامبر اکرم می آید صلوات می فرستیم در مجامع عمومی هرگاه اسم امام خمینی می آید صلوات میفرستیم بعد از دعاها معمولا صلوات میفرستیم کشاورز بهنگام افشاندن گندم در کشتزار خود صلوات می فرستد و معتقد است که به این شیوه به محصولش برکت داده میشود یا وقتی که عده ای میخواهند مسافرت کنند هنگام راه افتادن ماشین برای سلامت رسیدن خودشان و سلامتی راننده صلوات میفرستند بعد از اتمام جنگبوهوا صلوات فرستاده میشود... بر آنیم که با بررسی دعای صلوات عمق و محتوای این دعای اسلامی را بیشتر درک کرده و از آن بتوانیم در جهت گسترش اسلام به بهترین وجه استفاده کنیم .

صلوات از ریشه صلی گرفته شده است در مفردات راغب صلوات به معنای دعاء تبریک، تعجید و تزکیه آمده است... بدلیل اینکه معانی فوق همگی وجوه و مراتبی از یک مفهوم واحد می باشند، برای درک معنای حقیقی صلوات به بررسی این معانی می پردازیم .

برکه جمع میشوند تبریک به معنای جمع شدن خیرهای خدا و ارزشهای الهی در درون انسان است تبریک به معنای رشد و گسترش نعمتهای خدائی در آدمی است... در آیه ۷۱ سوره حج آمده است که "ونجیناه و لوطا الی الارض التي بارکنا فیها للعالمین یعنی او و لوط رانجات دادیم و بسوی سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت قرار دادیم... بردیم منظور از این "ارض" (سرزمین) هر کجا باشد به هر حال محل وقوعی است که در آن برای جهانیان برکت گذاشته شده است یعنی مصلو از نعمتها و ارزشهای الهی است این ارزشها میتواند گیاه و میوه و غله باشد که میتواند باعث گسترش نسل و تمدن آنها شود و همچنین احتمال میرود که منظور از این برکتها مراتب بالای آن یعنی معارف الهی باشد که باعث تشدید حرکت انسانها و شتاب در تکامل و سیرالی الله میشود

تزکیه: تزکیه از ریشه زکی گرفته شده و بازگشت هم ریشه است، تزکیه یعنی رشد و نمو حاصل از برکات خداوندی در دنیا و آخرت، زکات مال به معنای رشد و نمودن آن مال است... در آیه ۳۱ سوره نساء آمده است که "ولولا فضل الله علیکم ورحمته ما لکنتم من احد ابداء" و لکن الله یرزق من یشاء والله سميع عليم یعنی اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود هیچگاه کسی از شما رشد نمیکرد ولیکن خدا آن کسی را که بخواهد رشد میدهد و خدا انا و شنواست .

در این آیه شیوه تزکیه و رشد را بصورت دربرگرفتن رحمت و فضل خدا و برخورداری از مواهب الهی

و تحقق صفات خدائی در انسان میداند یعنی انسان از برکات خداوند رشد میکند شیوه رشد انسان برآورده شدن نیازهای اصیل اوست تزکیه نفس بمعنای رشد دادن درون بطرف برکات و خیرات خداست تزکیه بمعنای برآورده شدن نیاز اصیل انسان که متصف شدن به صفات عالیله الهی است، میباشد

اصولا شیوه تزکیه صرفا از زمین بردن نقاط ضعف نیست به این صورت که با اشکالات و نواقص خود در افتاده و هم غم ما ازین بردن آنها باشد... شیوه درست تزکیه رشد دادن نقاط قوت و ارزشهای وجودی فرد و زدودن نقاط ضعف بوسیله آن می باشد و رشد نقاط قوت هم تنها به شیوه برآوردن شدن اصیلترین نیازهای خلق یعنی تحقق صفات عالیله الهی در فرد و خدا گونه شدن انسان ممکن است .

تعجید: تعجید از ریشه مجد گرفته شده است که به معنای وسعت داشتن فضل و کرامت و به مرتبه عالی رسیدن است... تعجید با مجید هم ریشه است... تعجید یکی از اساسی قرآن می باشد یعنی قرآن هم خود دارای ارزش و فضل است و هم برتری دهنده و رشد دهنده مومنان است... با توجه به این معانی صلوات به معنای برآوردن نیاز اصیل آدمی است و وقتی میگوئیم اللهم صل علی محمد و آل محمد یعنی اینکه ای خدا نیاز محمد و آل محمد را برآورده بساز آل محمد جریان ادامه دهند همراه محمد (ص) در طول تاریخ است خدا ایما به نیازهای اصیلشان جوابیده در حقیقت وقتی اینرا مطرح

می کنیم نیاز خود ما نیز در جهت برآوردن نیازهای محمد و آل محمد تشدید میشود صلوات ما را به حرکت بیشتری در جهت پاسخ دادن به نیاز محمد و آل محمد و امیدارد میدانیم که ایسی الله ان یجری الامور الا باسبابها خدا ابادارد از این که کارها را به جریان بیاورد از مگر به وسیله سببهاش یعنی آنگاه که ما در جهت برآوردن نیازهای محمد که در حقیقت مرتبه اعلا برآوردن نیازهای خود ممان میباشد حرکت کنیم در جهت تحقق قوانین الهی حرکت کردیم .

خداوند در قرآن کریم میفرماید: ان الله وملائکته يصلون علی النبي یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما... و ملائکته اش بر پیغمبر صلوات میفرستند (نیاز های او را برآورده میسازند) ای کسانی که ایمان آورده اید شما نیز در جهت برآوردن نیاز او حرکت کنید بر او سلام فرستید سلام فرستادن این آیه در حقیقت میگوید که ما میبایست خط مشی حرکت خود را آنچنان قرار دهیم که در جهت برآوردن نیازهای محمد و آل محمد و در زمان حاضر در جهت تحقق نیازهای حاجت خدا در زمین و نائب او و دستداران صدیق او باشد .

صلوات یعنی اینکه در شرایط حاضر میبایست در جهت برآوردن نیازهای امام و تحقق اهداف ایدئولوژیک امام حرکت کنیم در زمان پیغمبر (ص) نیاز ایشان فتح مکه بقیه در صفحه ۳۲

دعا: دعا بمعنای خواستن و طلب کردن چیزی که محتاج آن هستیم میباشد در آیه ۷ سوره زمر آمده است که:

وان امسرا لایسان صرد عاربه منیبا الیه یعنی زمانیکه به انسانها رنج و مصیبت و ضرری برسد پروردگارش رازاری گمان میخواند یعنی فرد بر مبنای نیازی که دارد رو سوی پروردگارش آورده و خواسته و نیازش را طلب می کند .

تبریک: تبریک از تبرک گرفته شده است، تبرک برکهها این کلمه هم ریشه هستند برکه بمعنای دریاچه کوچکی از آب در نزدیکی رودخانه میباشد وجود برکه در هر نقطه باعث رویش و گسترش گل و گیاه و نعمات الهی است همچنین حیوانات مختلف هم برای ادامه حیات خود از اطراف این

نحوه اشتراک نشریه
از کلیه برادران و خواهرانی که علاقمند به اشتراک نشریه هستند می خواهیم تا تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۷۱/۵۴۴ تهران ارسال دارند چگونگی پرداخت بهای نشریات متعاقبا اعلام خواهد شد .
بهای اشتراک سالانه ۲۲۰ ریال
بهای اشتراک ۶ ماهه ۳۶۰ ریال

ماه مجده
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهندس لطف الله میثمی
صندوق پستی: ۷۱/۵۴۴
این نوزدهمین شماره راه راه مجاهدات است که با اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است .
کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید .
باتشکر، راه مجاهد